در مکتب امام جعفر صادق علیه السلام



محمد حسین نوحه خوان



www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

در مکتب امام جعفر صادق علیه‌السلام

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: در مکتب امام جعفر صادق علیه‌السلام/ محمدحسین نوحه‌خوان، ۱۳۴۳
مشخصات نشر: قم: مدین، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری: [۷۸۲] ص.
فروست:...سری کتابهای آموزشی معلم؛ ۱۰.
شابک: ۹۰۰۰ ریال: 978-964-8901-53-5
وضعیت فهرست نویسی: فاپا (چاپ دوم)
یادداشت: چاپ اول: ۱۳۸۵ (فیپا).
یادداشت: چاپ دوم.
یادداشت: کتابنامه: ص. [۷۷۹] - ۷۸۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: جعفربن محمد(ع)، امام ششم، ۸۳ - ۱۴۸ق. -- احادیث
موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره: BP۴۵/۲/ن۹د۴ ۱۳۸۷
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۵۳
شماره کتابشناسی ملی: م۸۵-۳۴۷۳۹

«ای رسول من، مردم را به سوی خدای خود با حکمت و موعظه ی نیکو دعوت کن و با بهترین راه دعوت، با آنان مناظره کن.» [1].
«کیست که گفتارش بهتر و نیکوتر باشد از آن کس، که مردم را به سوی خدا بخواند، و عمل نیکو کند، و بگوید که من تسلیم پروردگارم.» [2].
«چون پروردگارم از آنان که کتاب آسمانی به آنها داده شد پیمان گرفت که: حتما آن را برای مردم بیان و ابلاغ کنند، آنها کتاب را پشت سر انداختند و به قیمتی نازل فروختند، و چه بد معامله‌ای کردند.» [3].
حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمودند:
«جایگاه و منزلت مردم نزد ما را از اندازه‌ی روایاتی که از ما نقل می‌کنند بشناسید.» [4].
حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
«خداوند شاداب و خرم گرداند بنده‌ای را که گفتار مرا بشنود و آن را بفهمد و سپس از طرف من به دیگران برساند.» [5].
حضرت امام باقر علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 6]
«همانا حدیث و سخن ما دلها را زنده می‌کند.» [6].
حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:
«با یکدیگر مذاکره‌ی (علمی) و ملاقات کنید و حدیث بگویید؛ زیرا حدیث دلها را صیقل می‌دهد. همانا دلها همچون شمشیر زنگار می‌گیرد و صیقل دهنده‌ی آنها حدیث است.» [7].
حضرت امام باقر علیه‌السلام فرمودند:
«در طلب دانش بکوشید؛ زیرا سوگند به آن که جانم در دست اوست، اگر یک حدیث درباره‌ی حلال و حرام از فردی راستگو فراگیری، بهتر است از دنیا و همه‌ی زر و سیمی که داری.» [8].
حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:
«هر کس دو حدیث سودمند برای خود بیاموزد یا آنها را به دیگری آموزش دهد که از آن دو حدیث بهره‌مند شود، بهتر از شصت سال عبادت است.» [9].
حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:
«هر کس به امت من حدیثی رساند که به سبب آن سنتی برپای شود یا در بدعتی رخنه افتد (آن را از بین ببرد) بهشت از آن او باشد.» [10].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
«یک حدیث بفهمی بهتر است از آن که هزار حدیث (نفهمیده) نقل کنی.»

.[11]
[صفحه 7]
حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمودند:
«آن که حدیث ما را روایت کند و بدان وسیله دلهای شیعیان ما را قوی و استوار گرداند از هزار عابد برتر است.» [12].
حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:
«هر کس از امت من چهل حدیث حفظ داشته باشد، خداوند در روز رستاخیز او را فقیه و عالم برانگیزد.» [13].
حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:
«هر کس حدیثی از من به او برسد و آن را انکار کند، در روز رستاخیز من بر ضد او دادخواهی کنم. پس هر گاه حدیثی از من به شما رسید که نمی‌دانید از من است یا نه، بگویید: خدا بهتر می‌داند.» [14].
حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:
«هر کس حدیثی از من به او رسد و آن را دروغ بشمارد، هر آینه سه کس را تکذیب کرده است: خدا و رسول او و کسی که حدیث را برایش بازگو کرده است.» [15].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
«هر گاه حدیثی را درست فهمیدی و معنایش را رساندی هر گونه که می‌خواهی آن را بیان کن.». [16].
[صفحه 8]
با توجه به سخنان گهربار اهل بیت عصمت (سلام الله علیهم اجمعین) لازم است به هر صاحب خردی فراگرفتن و حفظ کردن دین، و تبلیغ آن به دیگران.
حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سه بار فرمودند: «خدایا! جانشینان مرا بیامرز.» عرض شد: ای رسول خدا! جانشینان شما چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند:
«آنان که حدیث و سنت مرا ابلاغ می‌کنند و آن را به امت من آموزش می‌دهند.» [17].
[صفحه 9]

تشیع در دوره‌ی امام صادق علیه‌السلام

حضرت امام جعفر صادق

امام جعفر بن محمد بن علی بن حسین علیه‌السلام، هنگام طلوع فجر روز جمعه (یا دوشنبه)، هفدهم ربیع الاول سال 80 (یا 83) ق، مصادف با روز ولادت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، دیده به جهان گشود.
مادر او فاطمه با کنیه‌ی ام‌فروه، فرزند قاسم بن محمد بن ابی‌بکر و مادر ام‌فروه، اسماء دختر عبدالرحمان بن ابی‌بکر بود. امام مادر خویش را به نیکی یاد می‌کرد پارسایی، ایمان و نیکوکاری او را می‌ستود.
ابوعبدالله، ابواسماعیل و ابوموسی کنیه‌های حضرت که به مورد اول شهرت دارد و مشهورترین لقبهای حضرت، صادق گفته شده است. [18] نشان انگشتری امام، ماشاءالله، لا قوة الا بالله و استغفرالله بود و البته چند جمله ی دیگر نیز روایت شده است. برای امام ده فرزند به نام‌های: اسماعیل امین، عبدالله افطح، امام موسی کاظم علیه‌السلام، محمد دیباج، اسحاق، عباس، علی، فاطمه کبرا، فاطمه صغرا و اسماء با کنیه‌ی ام‌فروه نام برده‌اند.
در دوران زندگی امام صادق علیه‌السلام، شش خلیفه اموی و عباسی به نام‌های هشام بن عبدالملک، یزید ناقص، ابراهیم بن ولید، مروان بن محمد، سفاح و منصور، حکم راندند.
[صفحه 10]
امام صادق علیه‌السلام پس از 34 سال امامت و رهبری، در 68 (یا 65) سالگی در سال 148 هجری در مدینه به شهادت رسیدند و در قبرستان بقیع آرمیدند.

اوضاع سیاسی دوران امام صادق

اشاره

امامان شیعه در دوران زندگانی خود، فعالیت‌های گوناگون و موضع‌گیری‌های متفاوتی متناسب با محیط اجتماعی و شرایط سیاسی و اوضاع عقیدتی زمان خود می‌گرفتند. از این رو، بدون نشان دادن نمایی از آن دوران، نمی‌توان به علل و عوامل آن شیوه‌ها و عملکردها پی برد.
دوران امام صادق علیه‌السلام دوره‌ی فتنه‌ها، جنگ‌ها و جنبش‌های سیاسی درگیر با یکدیگر و دوره‌ی ظهور گرایش‌های مذهبی گوناگون و نحله‌های انحرافی نظیر غلات، ملحدان، زندیقان و شکاکان در دین بود.
در این دوران که آزادی سیاسی و مذهبی در حد گسترده‌ای وجود داشت، درهای گفتگو و ارتباطات فرهنگی به روی فرهنگ های بیگانه نیز گشوده شده و مناسبات و اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی، در حال دگرگونی و تغییرهای جدی و اساسی بود.
بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این دوران، ما را در درک صحیح از موضع‌گیری‌ها و اقدامات امام صادق علیه‌السلام در دوره ی امامت آن حضرت کمک خواهد کرد.
در آن زمان، چند حزب بزرگ سیاسی در جامعه اسلامی مطرح بودند که بنی‌امیه و بنی‌هاشم از آن جمله‌اند و هنوز در قرن اول هجری، بنی‌عباس رسمیت نداشتند و فعالیت سیاسی خود را در کنار علویان انجام می‌دادند. اما از اوایل قرن دوم هجری، فعالیت بنی‌عباس به شکل رسمی‌تری آغاز شد و دعوت عباسیان در
[صفحه 11]
دوران امام باقر علیه‌السلام پس از مرگ ابوهاشم در سال 98 ق، شروع شده و در سال 100 ق، شکل رسمی به خود گرفت. [19] البته چون امکان فعالیت مستقل نداشتند و محبوبیت مطلق از آن علویان بود، آنان به ناچار با استفاده از پایگاه اجتماعی و مذهبی علویان که مصادیق آن اهل بیت علیهم‌السلام بودند، به بهره‌برداری از این موقعیت ویژه پرداختند. از طرفی، قیام های زید و فرزندش یحیی در سال‌های 122 تا 125 ق، موج فراگیری در ایران میان موالیان و خراسانیان ایجاد کرد. فریاد مظلومیت شیعیان از کربلا تا شهادت زید و یحیی، بر محبوبیت اهل بیت علیهم‌السلام افزوده و بستر مناسبی برای فعالیت سیاسی آل عباس فراهم ساخته بود.
سلسله جنبش‌های خوارج در عراق و حجاز تا ارمنستان و آذربایجان در حدود سه دهه‌ی اول قرن دوم، بخش بزرگی از قلمرو امویان را به آشوب کشاند. [20] رفته رفته بخش‌های شرقی حکمرانی اموی، از قلمرو حکومت جدا شد و دعوت عباسیان با شتاب بیشتر گسترش یافت و در

سال‌های 127 - 129 ق، به وسیله‌ی ابومسلم به قیام مسلحانه تبدیل گردید. [21] آنان با شعار خون‌خواهی یحیی و دفاع از آل علی علیه‌السلام و الرضا من آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) کار خویش را پیش بردند. ابومسلم، جسد یحیی را با احترام دفن و به مدت یک هفته برای او عزا برپا کرد و خراسانیان به مدت یک سال، تمام نوزادان پسر خود را یحیی نام نهادند. [22].
[صفحه 12]
شعارهای عباسیان کاملا جنبه‌ی سیاسی داشت و فاقد رگ و ریشه‌ی شیعی بود و این جریان حساس و مهمی بود که بر بسیاری از شیعیان و علویان پوشیده ماند و خواسته، یا ناخواسته، یا از سر سادگی و هواپرستی و ریاست‌طلبی، با عباسیان هم‌داستان شدند. [23].
نخستین نبرد سیاه جامگان، در شوال سال 129 ق، به پیروزی رسید و پیروزی‌های پیاپی آنان، به فروپاشی امویان انجامید. سیاه جامگان به سوی عراق پیش‌روی کرده و وارد کوفه شدند و ابوالعباس سفاح را به خلافت انتخاب کردند.
سیاست امویان در اداره حکومت و جامعه، به ویژه در دوران پس از هشام بن عبدالملک بر پایه ی فشار و خفقان، تبعیض و خودکامگی، نژادپرستی، اشرافیت و برتری قومی، سیاست‌های نادرست اقتصادی، اعمال محرومیت‌های اجتماعی در مورد مسلمانان غیرعرب به ویژه شیعیان (عرب و غیر عرب)، ترویج فساد و فحشاء، ترک امر به معروف و نهی از منکر و... استوار بود. در این رهگذر، علویان، شیعیان و نیز امامان شیعه باید بیشترین محرومیت و فشار را متحمل می‌شدند.
به نظر می‌رسید با روی کار آمدن عباسیان، از این فشارها کاسته خواهد شد و امور رو به سامان خواهد نهاد. اما بر خلاف انتظار، دوران کوتاه سفاح، به تصفیه حساب‌های شخصی و سیاسی با امویان و کشتار جمعی آنان در مراکز گوناگون گذشت. به دستور سفاح در موصل جنایتی رخ داد. آنها یازده هزار تن از مردان آن دیار را از دم تیغ گذراندند و هنگامی که صدای گریه و شیون زنان و کودکان داغدیده را شنیدند، آنان را نیز کشتند. این کشتار جمعی سه روز به طول
[صفحه 13]
انجامید؛ البته عباسیان در این ماجرا، همه سربازان زنگی خود را که به همراه داشتند را هم به قتل رساندند. [24].
سفاح با شیعیان کاری نداشت و در دوره‌ی چهار ساله‌ی خلافتش، برخورد تندی با آنان نکرد و شاید این به دلیل دوری امام صادق علیه‌السلام از صحنه‌ی فعالیت سیاسی و مبارزاتی بود. از طرفی، هنوز به علویان احساس نیاز می‌شد و راندن آنان از صحنه در آغاز خلافت، خطرهای

فراوانی در پی داشت، به ویژه که مرکز خلافت سفاح در کوفه، پایگاه تشیع بود و کارهای مهم‌تری نظیر کشتن ابوسلمه و سلیمان بن کثیر، مانع از اقدام بر ضد شیعیان بود. اما با روی کار آمدن منصور دوانیقی، شرایط تغییر کرد و علویان و شیعیان، دشمنان اصلی دستگاه اسلام مرسوم بودند. مناظرات علمی در علوم مختلف که امام صادق علیه‌السلام و شاگردان آن حضرت برگزار می‌کردند و نوشته‌هایی که از شاگردان امام گزارش شده، [25] همگی دلیل گستردگی ابعاد گوناگون و ژرفای عمیق علم امام است.
یکی از موفقیت‌ها و پیروزی‌های امامان صادقین علیهماالسلام در فعالیت‌های فرهنگی، باز گرداندن امامت به جایگاه و شأنیت خاص خود در جامعه بود. پیش از آن، امامان معصوم از آن مقام طرد شده بودند و خلفای اموی و عباسی، با طرح
[صفحه 14]
جایگزینی فقیهان و عالمان درباری به جای اهل بیت علیهم‌السلام، مردم را از امامان دور کردند و آنان را به عنوان مرجعیت دینی معرفی می‌کردند. آنها از دوران امام سجاد علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام با معرفی فقهای سبعه به مردم، همواره در این مسیر گام برمی‌داشتند. طرح مرجعیت دینی و الهی امامان شیعه و ارجاع مردم به اهل بیت علیهم‌السلام، از زمان امام سجاد شروع شد و رفته رفته در دوران امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام تثبیت گردید.
چنان که می‌دانیم، گردآوری حدیث شیعی از صدر اسلام و از زمان خلافت امام علی علیه‌السلام، در دهه‌ی چهل هجری آغاز شد و تا سال 329 ق، که غیبت کبری رخ داد، به درازا کشید. امامان، احکام دینی را با زاویه‌ی نگاه شیعی در میان هواداران گسترش می‌دادند و در این راه، بر نص‌های مورد اعتماد و با دلالت قطعی تکیه می‌کردند و احادیث آنها، همگی به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌رسید. نخستین این مجموعه‌ها را با نام اصول چهارصدگانه می‌شناسند. [26] این هنگامی بود که دیگر مذهب‌ها و فرقه‌های اسلامی، برای رسیدن به احکام شرعی که نصی از کتاب و سنت نداشتند، به حکم عقل، مصالح مرسله، قیاس، استحسان و... تن می‌دادند... گفته شده ابوحنیفه چون نصی در موضوعی نمی‌یافت، به حکم عقل مراجعه می‌کرد. [27] امام صادق علیه‌السلام فرمودند: دین خدا با قیاس به دست نمی‌آید. [28] در جایی
[صفحه 15]
دیگر، زراره را از اصحاب قیاس پرهیز داد و در روایتی، آنان را لعن و نفرین کرد؛ زیرا کلام خداوند و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را تغییر دادند. [29].
حدیث شیعه که تجدید حیات و بلکه پیدایش خود را مرهون تلاش‌های

صادقین علیهم السلام می‌داند، در طبقه اول محدثان خود، در اختیار مردانی قرار گرفت که مصادیق بارز علم و تقوا بودند. آنان با درک صحیح از شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعه و نیز محدودیت‌های امامان خود و با دقت و دلسوزی، مواریث اهل بیت علیهم‌السلام را تحویل گرفتند و در خفا و پنهانی به رونویسی و نشر آن اقدام نمودند و موجب شدند تا به دور از مطامع اغیار، در اختیار مشتاقان فقه و حدیث اهل بیت علیهم‌السلام قرار گرفته و اساس مذهب جعفری جاودانه بماند. [30].
شیعیان در این دوران به چند دسته تقسیم می‌شدند: برخی به شاگردی نزد امام مشغول بودند؛ برخی که در دوردست زندگی می‌کردند، به شیعیان شناخته شده مراجعه می‌کردند؛ عده‌ای نیز به حکومت نوپای عباسیان متمایل شده بودند؛ جریان زیدیه هم، جماعتی را به خود جذب کرده بود؛ گروهی در تحیر و سردرگمی به سر می‌بردند؛ و شیعیان افراطی، گرفتار غلو بودند. اعتقاد آنان در مورد مهدویت امام باقر علیه‌السلام، نبوت و الوهیت امامان از یک سو، و لاابالی‌گری آنان در فروعات و اخلاقیات و ارتکاب انواع محرمات و مفاسد از دیگر سو، شأن شیعه و ائمه علیهم‌السلام آنان را می‌کاست و گاه آنان را به انزوا می‌کشید. از این رو، امام یکی از مهم‌ترین وظایف خود را برخورد با این کج‌اندیشی‌ها می‌دانست.
[صفحه 16]

امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فرمودند:
«یهلک فی رجلان؛ محب مفرط، یضعنی غیر موضعی، و یمدحنی بما لیس فی، و مبغض مفتر یرمینی بما أنا منه بریء». [31].
افراط و تفریط، همواره دو آفت بزرگ ادیان و مذاهب بوده و عوامل گوناگون درونی و برونی، آیین‌ها را در معرض این خطر قرار می‌دهد. عشق مفرط، جهل و نادانی، دفاع ناآگاهانه و بد، دنیا خواهی، قدرت طلبی، ترویج عقاید افراطی از سوی دشمنان، وجود عالمان متهتک خلافت قلمداد شدند و سرانجام امام صادق علیه‌السلام به دستور منصور در مدینه به شهادت رسیدند. [32] دوران امام صادق علیه‌السلام از نظر سیاسی، دوره ضعف و تزلزل امویان و گسترش شورش‌ها، قیام‌ها، جنگ‌ها و نبردها، و فروپاشی و پیدایی حکومتهاست.

فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی - اجتماعی

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با آموزه‌های دینی خویش، حیات طیب و جاودانه را برای انسان‌های آلوده به انواع مظاهر جهل و شرک به ارمغان آورد و آنان را از حضیض ذلت، به اوج عزت ارتقا داد. این بیداری جامعه برای امویان غیرقابل تحمل بود؛
[صفحه 17]
زیرا با موجودیت آنان تضاد داشت. از این رو، با استقرار امپراتوری اموی، خفقان، تحریف حقیقت‌ها، و تبلیغات شدید در نمازهای جمعه و جماعات به وسیله‌ی دستگاه‌های تبلیغاتی اموی و با استفاده از شاعران، محدثان و قصه‌سرایان برای تثبیت پایه‌های قدرتشان گسترش یافت. تفکر جبری‌گری، کارآمدترین حربه‌ی تبلیغاتی بود که همه کارهای شنیع حاکمان را زیبا و اعمال باطل آنان را حق جلوه دهد و با زر و زور و تزویر، مردم را به پذیرش ولایت مطلق آنان وادارد. این تفکر، همه چیز را مطابق مشیت خدا و مشیت را قضای حتمی، و اراده و عقل را سیر آن می‌دانست. در واقعه مرجئه از چنین تفکری زاده شد؛ همان که سخنگوی رسمی سنت و جماعت و مروج جبری‌گری بود. اینان اعتقاد داشتند هر کس شهادتین را بر زبان راند، مسلمان است و هیچ چیز بر کفر، انسان را از جرگه‌ی ایمان خارج نمی‌کند. از این رو، حفظ حرمت و آبروی مرتکب کبیره، به رغم آن که هر جنایتی مرتکب شود، لازم است و باید امر او را به خدا واگذار کرد و خدا بهتر می‌داند که چه رفتاری با او بکند. اعتقاد دیگر آنان، لزوم اطاعت و پیروی از امام مسلمانان، بود خواه حق باشد و خواه باطل.
در همین حال، تبلیغات گسترده عباسیان علیه امویان به آگاهی سیاسی - فرهنگی مردم انجامید و شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را به وجود آورد که میدان را برای ظهور و خودنمایی اربابان مذاهب و نحله‌های فکری و علمی آماده کرد. حاکمان به امور سیاسی و نزاع بر سر قدرت مشغول بودند و رجال علمی و فرهنگی، از این فرصت استفاده کردند و به این امور پرداختند. فرقه‌های گوناگون برای تبیین عقاید و مرام خود به صحنه‌های علمی و مناظرات کشیده شده و بسیاری از مردم، گرفتار افراط و تفریط در اعتقادات و گرایش به فرقه‌های سیاسی
[صفحه 18]
- مذهبی شدند. ازاین رو، موقعیت برای تقویت پایه‌های عقیدتی مذهبی تشیع فراهم گردید و امام علیه‌السلام با استفاده از ابزار و روش‌های گوناگون آموزشی و تربیتی، بزرگ‌ترین نقش را در گسترش فرهنگ تشیع و اندیشه‌های شیعی و تربیت و آموزش شاگردان و نخبگان دینی ایفا کرد.

امام صادق علیه‌السلام در حدود چهارده سال تحت تربیت و پرورش جد بزرگوارش امام سجاد علیه‌السلام و حدود سی سال زیر نظر پدر گرامی‌اش امام باقر علیه‌السلام قرار داشت. زندگی علمی - فرهنگی امام صادق علیه‌السلام، امتداد فعالیت‌های پدر و جدش بود. تأکید بر این نکته ضروری است که امام سجاد علیه‌السلام بذرهای فرهنگ اسلامی را در مدینه کاشت که آثار علمی بزرگی از آن سر برآورد، بعد امام باقر علیه‌السلام آن آثار را پرورش داد و سپس امام صادق علیه‌السلام آن را گسترش داد، [33] به گونه‌ای که این موقعیت، زمینه را برای پدید آمدن علومی چون قرائت و تفسیر قرآن، حدیث، فقه، کلام، طب، فلسفه، نجوم، ریاضیات و... فراهم ساخت که از پیامدهای قابل انتظار آن، هم‌اندیشی و بروز اختلاف نظرها در علوم مختلف اسلامی بود.
میان فرقه‌ها، مذاهب، گروه‌ها، و مکتب‌های گوناگون چون معتزله، جبریه، مرجئه، غلات، زنادقه، مشبهه، مجسمه، تناسخیه، متصوفه، اصحاب رأی و قیاس و شیعه، برخوردهایی رخ داد و مناظرات و گفتگوهایی به وقوع پیوست. آغاز عصر نهضت ترجمه و عصر تدوین علوم نیز بر این منازعات و مناقشات تأثیرگذار بود.
[صفحه 19]
در منابع اسلامی، نمونه‌های فراوانی از پرسش و پاسخ‌ها و مناظرات امام صادق علیه‌السلام آمده است [34].
امام که پرچمدار اسلام ناب و تبیین کننده‌ی فرهنگ تشیع و مجدد حیات اسلام بود، از شرایط آشفته‌ی سیاسی برای تأسیس دانشگاه جعفری و تربیت هزاران شاگرد در علوم مختلف استفاده کرد و در برابر مذاهب دیگر ایستاد و از این رو مذهب تشیع، به مذهب جعفری شهرت یافت. گستردگی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، از نظر تعداد زیاد شاگردان و عدم انحصار آنان به شیعیان و پراکندگی آنان که از شهرهای نیشابور، کوفه، بصره، واسط، حجاز و دیگر مناطق گرد هم آمده بودند، قابل توجه است. در آن دانشگاه، بحث و درس از همه‌ی علوم و جاهلان متنسک و...، همگی در راستای ارائه چهره‌ای تحریف شده از دین است و پیامدهای افکار غلوآمیز، هنوز در آثار و منابع اسلامی به چشم می‌خورد.
در ظهور و گسترش اعتقاد به غلو، عوامل سیاسی بیش از هر عامل دیگری رخ می‌نماید. پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام و خروج مختار، بازار ادعاهای غالیگری رونق یافت؛ گرچه پیش از آن نیز در مورد برخی افراد، ادعاهای اغراق‌آمیز شده بود. این اندیشه، با پوسته‌ای از محبت شکل گرفت، اما مغز آلوده به مرض انحراف بود. برخی اعتقادات آنان عبارت‌اند از: [35] اعتقاد به الوهیت امام یا رهبر، حلول نور الهی در امام یا رهبر، بداء، تناسخ، تشبیه و رجعت، که همگی به مبحث

[صفحه 20]
امام و رهبری برمی‌گردد و بیشتر جنبه‌ی سیاسی به خود گرفته بود. غالیان به تحریف قرآن معتقد بودند و قرآن موجود را که در زمان خلیفه سوم گردآوری شده بود، تحریف شده می‌دانستند.
در ابعاد عبادی، هیچ التزامی به تکالیف شرعی در آنان نبود، مگر ریا در نگاه مردم و انظار عمومی. آنها اساسا اعتقاد به تکالیفی نظیر نماز، روزه و غیره را به شکل نمادین توجیه و تفسیر می‌کردند و بر این باور بودند که اظهار محبت به امام، از ادای تکالیف کفایت می‌کند. پیامد این اعتقاد این بود که ارتکاب گناهان نیز بخشودنی بوده و چاره‌ی آن در دوستی اهل بیت علیهم‌السلام است. عجیب این که این باور را برگرفته از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام معرفی می‌کردند. ابوالخطاب روح اباحیگری را به امام صادق علیه‌السلام نسبت می‌داد و می‌گفت که امام به من فرمود: اذا عرفت الحق فاعمل ما شئت؛ هر گاه حق را (یعنی معرفت ما را) شناختی، هر کاری خواستی انجام بده. در حالی که امام فرمودند او دروغگوست و وی را لعن کرد. [36].
از نظر اخلاقی و رفتاری، انسان‌هایی باری به هر جهت، بی‌بند و بار و به دنبال ترویج اباحیگری بودند و همه تعالیم دینی را فاقد ارزش و حقیقت می‌پنداشتند. طبیعی بود که رفتار و کردار این مدعیان دوستی با اهل بیت علیه‌السلام در دیدگاه مردم ایجاد تنفر و انزجار کرده و نه تنها ایشان از چشم مردم می‌افتادند، که امامان شیعه نیز بی‌اعتبار می‌شدند و عموم مردم، گناه این افراد بی‌دین را به پای رهبرانشان می‌گذاشتند.
[صفحه 21]
امام صادق علیه‌السلام از راه تبیین عقاید و معارف درست و گام برداشتن در مسیر اعتدال، راه درست آشنایی با اسلام و مذهب را نشان داد و به افشاگری بر ضد رهبران غلات و اهداف و سیاست‌های آنان پرداخت. آن حضرت، شیعیان را از آنان بر حذر داشت و از هم‌نشینی نهی کردند و فرمودند:
احذروا علی شبابکم الغلاة لا یفسدوهم، فان الغلاة شر خلق الله یصغرون عظمة الله یدعون الربوبیة لعباد الله، و الله ان الغلاة لشر من الیهود و النصاری و المجوس و الذین اشرکوا. [37].
طرد و نفی آنان و اعلان بیزاری از ایشان، شیوه‌هایی بود که امام در پیش گرفت تا همگان را از خطر آنان آگاه سازد و خط خود را از آنچه ادعای آنان بود جدا کند. آن حضرت به لعن و تکفیرشان پرداخت و در مواردی، فرمان اعدام سران غلات را صادر کرد. [38] این سیاست‌های کلی امامان شیعه علیه‌السلام در برخورد با غلات بوده است. گفتنی است که عدد فرقه‌های غلات در اسلام، از 150 فرقه بیشتر است که سرگذشت و

چگونگی پدید آمدن و اعتقاد آنان در کتاب‌هایی که در مورد فرقه‌ها نوشته شده، آمده است. [39].
[صفحه 22]

امام و معتزله

در دوران بنی‌امیه، گروهی با قدریه به مخالفت پرداختند و هر کس را مسئول رفتار خویش خواندند. این عقیده در محافل علمی و در دست دانشمندان دست به دست می‌شد تا در زمان حسن بصری، به دست یکی از شاگردان وی به نام واصل بن عطاء که از موالیان ایرانی بود، رسید و با سامان دادن به آن باورها، به عنوان مؤسس فرقه فلسفی معتزله شناخته شد و از آن پس به تبیین و ترویج عقاید خویش پرداخت. [40].
معتزله از شمار فرقه‌هایی بود که با طرح نظریاتی گاه بی‌اساس و تفسیر به رأی، به جدایی و اعتزال گرایید و انشعاب تازه و فرقه‌ای دیگر در جامعه اسلامی به وجود آورد. عقل‌گرایی افراطی و خردورزی در اموری که خارج از قلمرو عقل بود، آنان را به اظهارنظر در مسائل مختلف وامی‌داشت؛ از جمله قضا و قدر، جبر و اختیار، وعد و وعید، ثواب و عقاب، کفر و ایمان، ظلم و عدل، خیر و شر، حسن و قبح، قدرت و اراده‌ی خداوند، منزلة بین المنزلتین، عینیت صفات و ذات خدا و دوئیت آن دو، اعتقاد به حدوث قرآن، امر به معروف و نهی از منکر و غیره. [41] آنها با توجه به پاره‌ای از این اعتقادات، خویش را اهل توحید و اهل عدل خوانده‌اند. [42] معتزله، در بسیاری از عقاید خود با شیعه هم رأی بودند.
[صفحه 23]
طبیعی بود که مسلمانان در بسیاری از مسائل گفته شده اعتقاداتی بر خلاف معتزله داشتند و این به جدایی و انشعاب بیشتر میان مسلمانان می‌انجامید. تلاش امام صادق علیه‌السلام در طرح مباحث اعتقادی و برگزاری مناظرات برای کم کردن اختلاف نظرها، نزدیک کردن آرا و تقریب بین مسلمانان بود. [43] آن حضرت علیه‌السلام با آنان گفتگو کردند و سران و متفکران آنان را در مناظرات محکوم کرده و مردم و پیروان آنان را از آن اندیشه‌ها بیم دادند. ایشان تعارض افکار و کردار آنان را با قرآن و سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آشکار ساخته و نادانی و فقر فکری و فرهنگی آنان را نمایان کردند. در پایان یکی از جلسات مناظره، امام رو به عمرو بن عبید، سر کرده‌ی معتزلیان و دیگر هم فکران او کرد و فرمود: [44].
ای عمرو! از خدا بترس و شما نیز ای جماعت حاضر، از خدا پروا کنید و از کفر و خشم او بترسید. پدرم که بهترین مردم روی زمین بود و به کتاب خدا و سنت رسول او داناترین بود. به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسانی که شمشیر به روی مردم کشند و آنان را به سوی خود فرا خوانند، در صورتی که در میان مسلمانان کسی هست که از وی

داناتر است، گمراه و متکلف است. [45].
[صفحه 24]

امام در دوران ضعف حکومت امویان و دوران انتقال حکومت اموی به عباسی و درگیری‌های سیاسی نظامی به سر می‌برد. دعوت عباسیان، در دوران امامت باقر علیه‌السلام به صورت کاملا پنهانی آغاز شد. آنان با استفاده از شعار دعوت به اهل بیت علیهم‌السلام موفق شده بودند بسیاری از شیعیان و علویان را به خود جذب کنند. آنها جبهه متحدی از نیروهای عباسی، علوی، شیعی، زیدی، کیسانی، خوارج، ایرانی و همه نیروهای مخالف امویان تشکیل داده و با مقدس نشان دادن هدف و تحریک احساسات دینی - قومی، به کمک گروه‌های درگیر و خراسانیان، به بهانه خون‌خواهی از قاتلان امام حسین علیه‌السلام و احقاق حق اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، نهضت و انقلاب خویش را پیش بردند و با آن که پیشتر با محمد بن عبدالله نفس زکیه به عنوان امام بیعت کرده بودند، چندی نگذشت که وی را کشتند.
امام صادق علیه‌السلام که از توطئه عباسیان آگاه بود، از ابتدا خود را از صحنه مبارزه کنار کشید و عمو زادگان و پیروان خویش را از همراهی با عباسیان بر حذر داشت و آنان را از مقاصد عباسیان آگاه کرد و خود شیوه ی تقیه را به دیگران سفارش کرد. با آن که تقیه راهکار مناسبی برای دور بودن از آسیب‌های اجتماعی و سیاسی بود، اما هیچ یک از امامان علیهم‌السلام در اثبات حقانیت خویش، در مسأله امامت تقیه نکردند و در اظهار آن کوتاهی نورزیدند.
شجاعت امامان شیعه، حتی در سخت‌ترین شرایط و در اختناق کامل، بر نترس بودن آنان دلالت دارد و البته که تقیه، به معنای ترسیدن نیست. در مورد اظهار شجاعت و اعلان مواضع اصولی در دوران‌های مختلف در زندگی امامان و تاریخ تشیع، نمونه‌های فراوانی وجود دارد. یک نمونه از جرأت و قدرت امام در برابر
[صفحه 25]
منصور، گفتگوی مفصلی است که میان امام و او گزارش شده است. امام پاسخ منصور را در حضور جمع درباریان در مورد منزلت امام علی علیه‌السلام فرمودند و بسیار صریح از مقام رفیع امامت و جایگاه امام نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و خداوند و حقانیت ایشان پرده برداشتند. [46].
نمونه ی دیگر، شهامت امام در برابر زمامدار عباسی است. شیبة بن غفال که پس از کشته شدن محمد نفس زکیه به زمامداری مدینه رسید، در یکی از خطبه‌های نماز جمعه خویش از امام علی علیه‌السلام به زشتی سخن

گفت و امام را به تفرقه‌افکنی متهم کرده، نوادگانش، محمد و ابراهیم را ادامه دهنده راه او خواند و آنان را آشوبگر، فتنه‌ساز و مفسد معرفی کرد که مستحق کشته شدن و در خون غلطیدن بودند. راوی گوید: این سخنان بر مردم گران آمد، ولی کسی قدرت ابراز وجود نداشت و تنها امام صادق علیه‌السلام ایستاد و حاکم را به باد انتقاد گرفت و گفت: هر سخن خوبی که گفتی، ما به آن سزاواریم و هر سخن زشتی که بر دهان راندی، خودت و اربابت (منصور) به آن سزاوارترید. آنگاه امام علیه‌السلام رو به مردم کرد و گفت: آیا می‌خواهید، زیانکارترین مردم در روز قیامت، که دین خویش را به دنیا فروخته، به شما نشان دهم؟ او، این فاسق است. [47].
نمونه‌ای دیگر در دفاع از شیعیان آن است که امام صادق علیه‌السلام با کمال شهامت، در مورد به شهادت رسیدن معلی بن خنیس که کارگزار مالی و وکیل امام بود، به
[صفحه 26]
داوود بن علی، کارگزار خلیفه و قاتل او اعتراض کرد. وی امام را تهدید کرد و امام نیز در مقابل او نفرین کرد. [48].
زید، یحیی، عبدالله محض، نفس زکیه و چند تن از مبارزان، به هشدارهایی که از سوی امامان شده بودند توجهی نکردند، اما به آن نیز معترف بودند که امام در خشت خام چیزی را می‌دید که آنان در آیینه نمی‌دیدند. امام علیه‌السلام، هم ایشان را از ورود به فعالیت‌های تند پرهیز می‌داد و هم خویشتن را. حتی آن حضرت دعوت ابوسلمه و ابومسلم را رد کرد و آگاهانه از ورود به جریانها و جنبش‌های سیاسی خودداری ورزید؛ چنان که شیعیان را از نزدیک شدن به دستگاه حاکمه و همکاری با آنان نهی فرمود. [49].
در اوایل قرن دوم، سازمان کلامی شیعه، همپای سازمان فقهی آن به وسیله امام باقر علیه‌السلام پایه‌گذاری شد و به همت امام صادق علیه‌السلام راه کمال گرفت. پیش از آن، از نظر کلامی و از نظر فقهی، مرز بندی مشخص میان مذاهب اسلامی انجام نشده بود. ظهور شیعه به عنوان یک مذهب کلامی مستقل، در عصر امام صادق
[صفحه 27]
علیه‌السلام، و با ظهور متکلمانی چون هشام بن حکم، مؤمن طاق، هشام بن سالم و... امکان‌پذیر گردید.
تاریخ تشیع، در واکنش به تحولات سیاسی و عقاید رایج در جامعه یا به تناسب ضرورت‌های خاص در مذهب، موضع‌گیری‌های متفاوتی داشت و شعبه‌ها و گرایش‌های مختلف شیعه، اختلاف نظرهای خاصی را مطرح کردند. نیمه اول قرن دوم هجری، برای همه مذهب‌ها و فرقه‌های اسلامی، عصر کسب استقلال عقیدتی و کلامی است. [50].

امام صادق، قیام‌ها و فرقه‌ها

زیدیه

زید بن علی با کنیه ابوالحسن، در سال 57 در مدینه به دنیا آمد و در مکتب پدر و برادرش امام سجاد علیه‌السلام و امام باقر علیه‌السلام تحصیل کرد. [51] او مردی دانشمند، پارسا، ظلم‌ستیز و انقلابی بود. امام رضا علیه‌السلام وی را از عالمان آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) شمرده است. [52] وی، قیام خویش را در دوران حکومت هشام شروع کرد و در ذی‌الحجه‌ی سال 122 ق و در 42 سالگی به شهادت رسید. بدن او چهار سال بر دار بود تا در سال 126 ق، یوسف بن عمر ثقفی بقایای جسدش را سوزاند و نیمی از خاکسترش را در فرات و نیمی را در کشتزارها ریخت و گفت چنان کردم که بدن زید را در طعام بخورید و در آب بیاشامید. او از این کار خواست از مردم زهر چشم بگیرد،

[صفحه 28]

اما نهضت زید به وسیله‌ی فرزند و پیروانش ادامه یافت و در کوفه و عراق و سپس در ایران و یمن گسترش یافت. اصحاب، یاران و معتقدان به امامت زید بن علی را «زیدیه» می‌خوانند. او از حیث علم، زهد، ورع، شجاعت و موقعیت اجتماعی، از بزرگان اهل بیت علیهم‌السلام به شمار می‌آمده است. [53] شیخ مفید او را شریف‌ترین مردم پس از امام باقر علیه‌السلام دانسته است. [54] منابع شیعه، هدف قیام او را امر به معروف و نهی از منکر و خون‌خواهی امام حسین علیه‌السلام دانسته‌اند. همچنین او مورد ستایش امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام قرار گرفت. [55].

زید از داعیان به حق، عدل و ظلم‌ستیزی بود و نهضت او، ادامه حرکت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و نهضت عاشورا به شمار می‌آمد. او هنگام جهاد مقدس خویش گفت:

من شما را به کتاب خدا احیای سنت و از بین بردن بدعت‌ها فرا می‌خوانم. اگر گوش فرا گیرید. هم برای من هم برای شما خوب است و اگر روگردان شوید، من مسئول شما نیستم. [56].

حاصل قیام او، پیدایش فرقه‌ی جدید به نام زیدیه بود و فرزندش یحیی در خراسان در تدارک قیام بر ضد ولید بن یزید شد. تأثیر قیام و شهادت این پدر و پسر به حدی در خراسان زیاد بود که در آن سال، هر پسری را که متولد شد، زید و یحیی نامیدند. [57] زیدیه، از فرقه‌های شیعی به شمار می‌آید. اعتقاد به اصل مسأله امامت، آنان را به شیعه نزدیک می‌کند و گرایش فقهی آنان، تا حدودی به مذهب

[صفحه 29]

حنفی نزدیک بوده، اما بیشتر مسائل فقهی‌شان مطابق مذهب امامیه است. [58] عدم اعتقاد آنان به عصمت در امام و عدم اعتقاد به نص جلی، موجب پذیرفتن امامت مفضول گردید.
اصول دیدگاه‌های زیدیه در موضوع امامت عبارت است از:
1. افضلیت امام علی علیه‌السلام و اولویت او بر سایر صحابه در خلافت، و در عین حال تجویز تقدم مفضول بر فاضل (پذیرش امامت مفضول)؛
2. تأکید بر فاطمی نسب بودن امام و حصر امامت در فرزندان فاطمه (سلام الله علیها)؛
3. وجود دو امام در یک زمان و در دو منطقه؛
4. قیام مسلحانه در برابر ظلم؛
5. دعوت علنی به خویشتن و خروج بر ضد ظالمان، شرط مشروعیت امامت بود. [59].
به نظر می‌رسد دیدگاه زید در باب قبول امامت مفضول، کوششی برای جلب حمایت و همراهی مسلمانان بیشتری از جامعه‌ی اسلامی باشد. این همان مسأله‌ای است که امامان شیعه هیچ‌گاه با تقیه با آن برخورد نکردند. البته انتساب همه اعتقادات زیدیه به سر سلسله آن زید ثابت نیست؛ زیرا قیام به شمشیر، فاطمی نسب بودن، پایبندی به اصل امامت از این نسل و عدم پذیرش مبارزه منفی و مصلحت سنجی، با توجیه امامت مفضول با مصلحت سازگار نیست. زیدیه به مهدویت اعتقاد ندارد و در انتظار امام غایب نیستند و از این رو، خروج با
[صفحه 30]
شمشیر را لازمه امامت می‌دانند. آنها تقیه را به دلیل وجوب امر به معروف رد می‌کنند. [60].
دلیل دیگر ما بر برائت زید از آن عقاید، تأیید و تصریحی است که در مقدمه‌ی صحیفه‌ی سجادیه در بیان اسناد صحیفه آمده است. در گفتگوی متوکل بن هارون ثقفی از اصحاب امام با یحیی، آمده است که او به اعلم بودن امام اعتراف کرده و پیش گویی آن حضرت را در مورد به شهادت رسیدن زید و خودش تصدیق کرد و گفت: «ان الله عزوجل اید هذا الأمر بنا و جعل لنا العلم و السیف فجمعا لنا» خداوند دین خودش را با ما تأیید کرد و علم و شمشیر را برایمان یکجا گرد آورد. [61] از این گزارش به خوبی فهمیده می‌شود که زیدیه، موقعیت ممتازی در جامعه شیعی آن روز نداشتند و اقبال مردم بیشتر به امام صادق علیه‌السلام بود و متوکل علت این را پرسیده است. یحیی در پاسخ وی گفت:
ما مردم را به مرگ می‌خوانیم و عمویم باقر علیه‌السلام و پسرش امام صادق علیه‌السلام آنان را به زندگی دعوت می‌کنند. [62] مذهب زیدیه با قیام یحیی در نواحی شرقی در ایران ادامه پیدا کرد و چندی نپایید که یحیی

در سال 125 ق، در هجده سالگی به دار آویخته شد، [63] اما نهضت آنان ادامه یافت، فرقه‌های متعددی از آن پدید آمد
[صفحه 31]
و هر یک، در پاره‌ای از عقاید به افراط و تفریط گراییدند و امام صادق علیه‌السلام با بسیاری از ایشان به سختی مقابله و ابوالجارود را لعنت کرد. [64] امامت زیدیه پس از یحیی، به محمد و ابراهیم از نوادگان امام حسن علیه‌السلام رسید.

قیام محمد نفس زکیه

عباسیان با طرح براندازی حکومت اموی با کمک علویان، شیعیان و همه‌ی مخالفان اموی، جبهه‌ی متحد ضد اموی را تشکیل دادند و با رهبری خویش، به مبارزه‌های پنهانی روی آوردند. آنها، داعیان خویش را به همه طرف فرستادند و با شعار رضای آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) برای شخصی از اهل بیت علیهم‌السلام از همگان بیعت ستاندند. بیشتر مخالفان امویان و دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام، زیر رایت فرزندان عباس درآمدند. بزرگان ایشان در انجمن جابیه، در حضور بنی‌هاشم با محمد بن عبدالله با عنوان مهدی بیعت کردند و بر اساس تفاهم‌های به عمل آمده، آن شخص نامعلوم و موعود همو بود که می‌بایست به خلافت می‌رسید، اما عباسیان که از این شعار، پوششی برای دستیابی به مقاصد خویش استفاده کرده بودند، خلافت را به نام خویش رقم زدند و تیغ آخته خویش را از دل امویان برداشته و بر گردن علویان در کشیدند.
نفس زکیه. از بیعت با سفاح امتناع ورزید. [65] فاصله زمانی آغاز خلافت عباسی (132 ق) تا قیام نفس زکیه (145 ق) مدت طولانی و خوبی بود که وی به تبلیغات ضد عباسیان پرداخته، هواداران بسیاری از مردم و اشراف و بزرگان مکه و
[صفحه 32]
مدینه را به خویش متمایل کند و حمایت مادی و معنوی فراگیری، حتی در میان فقیهان مذاهب دیگر، نظیر مالک بن انس، پیشوای بزرگ مالکی برخوردار گردد. مالک فتوایی بر نقض بیعت مردم با منصور صادر کرد؛ زیرا به عقیده‌ی او، چون منصور به زور از مردم بیعت ستانده بود، پیمانش باطل و غیر قابل اعتماد بود.
محمد با تصرف مدینه، مبارزه‌های جدی خویش را آغاز کرد. برادرش ابراهیم بصره را گرفت و بصریان در اطاعت وی درآمدند و ابوحنیفه او را تأیید کرد. نزدیک بود که این دو برادر عراق را از دست منصور خارج کنند که او با اعزام سپاهی، با آن دو درگیر شد و در مدت زمان حدود دو ماه، آن دو را یکی پس از دیگری در دو محل از پای درآورد.
گرچه نفس زکیه از حمایت فقیهان دیگر مذاهب برخوردار شد، اما از تأیید و حمایت امام صادق علیه‌السلام محروم ماند. از آغاز فعالیت‌های عباسیان، امام از توطئه ایشان مطلع بود و پسر عموهایش را از همراهی و همکاری با آنان بیم می‌داد و خطرهای احتمالی، بلکه قطعی ورود به این صحنه از مبارزه‌ها را به ایشان یادآور شده بود. محمد که از بیعت فرزندان عباس با خویش مغرور و سرمست بود، از امام به بیعت دعوت کرد و پدرش

عبدالله به آن اصرار ورزید. هنگامی که آنها با امتناع امام مواجه شدند و هشدارهای امام را شنیدند، آن حضرت علیه‌السلام را به حسادت متهم کردند و از خود راندند و نصایح امام را نادیده گرفتند.

پیدایش فرقه اسماعیلیه

اسماعیل بن جعفر فرزند بزرگ امام صادق علیه‌السلام در زمان حیات پدر درگذشت. بر اساس فرضیه‌ی امامت فرزند بزرگ، عده‌ای از شیعیان او را پس از امام صادق
[صفحه 33]
علیه‌السلام امام دانسته، گفتند: او زنده و همان مهدی موعود و امام است. به این دسته «اسماعیلیه خالصه» می‌گویند. [66].
برخی هم مرگ او را پذیرفته و ادعا کردند او به فرزندش محمد وصیت کرده و امام صادق علیه‌السلام امر ولایت را به محمد سپرد؛ [67] زیرا امامت از برادر به برادر دیگر منتقل نمی‌شود و این موضوع تنها درباره امام حسن و امام حسین علیهم السلام بوده است و به همین دلیل، با وجود امام سجاد علیه‌السلام امامت به محمد بن حنفیه نرسید. این فرقه به «اسماعیلیه مبارکیه» شهرت یافتند. [68].
اسماعیلیه را با نام‌های سبعیه، باطنیه، قرامطه، مزدکیه، مبارکیه، نزاریه، مستعلویه، تعلیمیه، ملاحده و خطابیه می‌شناسند. [69] آنان نیز به فرقه‌ها و شعبه‌هایی تقسیم شدند. بعدها قرامطه در بحرین و فاطمیان در مصر با گرایش به اسماعیلیه ظهور کردند. این فرقه، بیشتر رویکرد سیاسی داشت و در پاره‌ای از اندیشه‌های کلامی به غلو متمایل بود و تاریخ پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشت.
[صفحه 34]
امام صادق علیه‌السلام با بنیان‌گذاران این فرقه به مبارزه برخاست. آن حضرت، جمعی از بزرگان شیعه حتی حاکم مدینه را بر مرگ اسماعیل گواه گرفت و گواهی فوت نوشتند تا جلوی معتقدان به حیات او را بگیرند و خود به صراحت به امام موسی کاظم علیه‌السلام وصیت کرد. البته این فرقه، پس از شهادت امام صادق علیه‌السلام شکل رسمی به خود گرفت. اصول اعتقادات ایشان در مباحث خلقت عالم باطن و ظاهر، امامت و نبوت در حیطه‌ی عوالم باطن و ظاهر، ادوار هفتگانه نبوت و مراتب چهارگانه امامت، [70] خاتمیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، باطنیگری، تأویل و غیره است. این فرقه، به انشعابات زیادی مبتلی شد و در دوره‌های بعدی، تغییراتی در عقاید ایشان پدید آمد.

شرایط و مقتضیات زمان به گونه‌ای بود که امام، با توجه به کمی و محدودیت یاران و شیعیان حقیقی در راه انتخاب بهترین گزینه و مطمئن‌ترین راه برای رسیدن به هدف مقدس خویش گام بر می‌داشتند. گرچه به نظر می‌رسید آمار جمعیتی شیعیان زیاد است، اما آنان مواضع یکسانی نداشتند و اختلافات آنان بیش از توافقاتشان بود. در کتاب کافی در باب «در کمی تعداد مؤمنان» [71]، گزارشی از شکوه و گلایه امام از اندکی یاران حقیقی آورده شده است. راوی گوید: از امام همین سؤال را پرسیدم که چرا قیام نمی‌کنید؟ فرمودند: اگر یارانی داشتم،
[صفحه 35]
قیام می‌کردم. راوی گمان می‌کند یارانی حدود یک صد هزار یا دویست هزار نفر مراد امام است، ولی امام با اشاره به تعداد گوسفندانی که در نزدیکی آنان بود، فرمودند: اگر این تعداد یار وفادار و پا در رکاب داشتم، بر من واجب بود که قیام کنم. [72].
از سوی دیگر، گرایش‌های کلامی و تنوع جریان‌های فکری نظیر زیدی، کیسانی، امامی و غلات رو به گسترش بود. احساس می‌شد اساس اسلام در خطر است و این مدعیان بی‌مایه، بیش از آن که برای حکومت‌ها خطرناک باشند، برای اسلام خطرساز بودند و پاسداری از آیین و جلوگیری از انحراف و بدعت‌ها و حفظ مرزها، ارزش‌ها، معارف و دانش‌های اسلامی، جبهه جدیدی از جهاد مقدس علمی و فرهنگی را گشوده بود و امام فرماندهی جهاد در این جبهه را بر رهبری قیام مسلحانه ترجیح داد و با تمام قوا ایستاد و پیروزمندانه از آن خارج شد. امام علیه‌السلام سربازانی تربیت کرد که هر کدام فرماندهی جبهه‌ی بزرگی از میدان‌های فرهنگی را به عهده گرفتند و حیات دوباره اسلام، مرهون تلاش‌ها و کوشش‌های بی‌دریغ آنان است.
دورنمای کلی اوضاع و شرایطی که امام را به انتخاب اقدامات علمی سوق داد، از این قرار است:
1. شرایط سیاسی برای حضرت فراهم نبود. سایه و وحشت و ترس از کشته شدن بر مردم حاکم بود و آمادگی مبارزه را از دست داده بودند؛
2. محدودیت یاران و شیعیان حقیقی؛
[صفحه 36]
3. حفظ شیعیان و پیروان از مرگ و هلاکت و پرهیز از داخل کردن آنان در فتنه‌هایی که نامعلوم و بی‌سر و ته بود، درست مثل امام حسن علیه‌السلام که حفظ جان شیعیان را علت صلح بیان کرد؛

4. تنوع و گسترش جریان‌های فکری؛
5. حرکت علمی، بهترین جایگزین برای حرکت سیاسی محکوم به شکست بود؛
6. امام که آگاه‌ترین مردم به مصالح عمومی است با توجه به عواقب امور موضع‌گیری می‌کند و امام صادق علیه‌السلام نیز مطابق شرایط و مقتضیات زمان خود عمل کرد؛
7. قیام‌ها و انقلاب‌ها که به دگرگونی سیاسی می‌انجامد، به دنبال دگرگونی اجتماعی و به تبع آن است و حرکتی که هر دو تغییر سیاسی و اجتماعی را باعث شود، موفق است.
سیاست مشت آهنین و خشونت عباسیان، منازعان سیاسی را خفه کرده و سر جایشان نشانده بود. آنان به چاکران سراپا گوش خویش نیز اعتنا نداشتند و کارگزارانی چون ابومسلم و ابوسلمه را که حکومت عباسیان مرهون خدمات ایشان بود، به سادگی از سر راه برداشتند.
امام علیه‌السلام، بهترین راه را انتخاب کرد و در یک نزاع سراسر مکتبی که نزدیک بود اساس اسلام از بین برود، به حفظ آیین و کیش پرداخت و مذهب راستین تشیع، مرهون فعالیت علمی آن امام همام است. [73].
[صفحه 37]
در مکتب امام جعفر صادق علیه‌السلام کوشش شده است صدها الگو از الگوهای آن حضرت در موضوعات مختلف حیات فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی انسان‌ها، در بخش‌های مناسب آورده شود، و از آنجا که گفتار امام صادق (علیه‌السلام) عطرین و با حلاوت و آراسته به زیبائی و طراوات و بسان درخت پرثمر و شاداب است مؤلف هم جمله‌ها و عبارت‌هائی را از کلمات نورانی امام (علیه‌السلام) که در خود پند و حکمت‌هائی را در برگرفته است و مانند خورشید درخشان پرتوافشانی می‌کند جهت استفاده عموم اقشار جامعه، گردآوری و تقدیم می‌دارد.
و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین
محمد حسین نوحه‌خوان
کانون فرهنگی و هنری حضرت جواد الأئمه علیه‌السلام
تهران - شمیرانات
25 شوال 1427 هـ. ق مصادف با شهادت حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام
[صفحه 40]

هلاکت و نابودی

دو کار مایه‌ی هلاکت انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دو کار مایه‌ی هلاکت است: به رأی خود برای مردم فتوا دهی یا ندانسته از چیزی پیروی کنی. [74].

شش خصلت نابود کننده‌ی انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند شش گروه را به سبب شش خصلت نابود می‌کند: فرمانروایان را به سبب ستمگری، عرب‌ها را به سبب تعصب، ملاکان را به سبب کفر، بازرگانان را به سبب خیانت، روستائیان را به سبب نادانی و فقیهان را به سبب حسادت. [75].

اثر بی‌اعتنایی به تهیدستان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند هیچ امتی را عذاب نکرد مگر آنگاه که به حقوق برادران تهیدست خود بی‌اعتنایی کردند. [76].

انفاق دار و ندار

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر مردی دار و ندار خود را در راهی از راه‌های خدا انفاق کند، کار درست و به جایی نکرده است. مگر نه این که خداوند متعال می‌فرماید: (خویشتن را با دستان خود به نابودی نکشانید و نیکوکاری کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد.) یعنی کسانی که میانه‌روی می‌کنند. [77].
[صفحه 41]

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز انسان را از رفتن به مقامات عالیه و اهداف بلند باز می‌دارد:
کوتاهی همت، چاره‌اندیش نبودن و سستی اندیشه. [78].
[صفحه 43]

هوی و هوس

دشمنان مردان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همانگونه که از دشمنان خود حذر می‌کنید، از هوس‌هایتان حذر کنید، زیرا برای مردان دشمنی بدتر از پیروی از هوس‌هایشان و درویده‌های زبان‌هایشان (سخنان بیهوده و یاوه) نیست. [79].

راه آسایش

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به این پرسش که راه آسایش در چیست؟ فرمودند: در مخالفت با هوس. عرض شد: پس، بنده، کی به آسایش دست می‌یابد؟ حضرت فرمودند: در نخستین روزی که به بهشت می‌رود. [80].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که خشم بر او غلبه کند، و یا به چیزی رغبت پیدا می‌کند و یا می‌ترسد و یا هوس چیزی را می‌کند، خویشتن‌داری کند، خداوند پیکر او را بر آتش حرام می‌گرداند. [81].

پارسایی چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 44]
بر شما باد به پارسایی؛ زیرا پارسایی همان دینی است که ما از آن پیروی می‌کنیم و خداوند را با آن بندگی و اطاعت می‌نماییم و (پایبندی به) آن را از دوستداران خود می‌خواهیم. [82].

نگهداری دین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از خدا پیروی کنید و دین خود را با پارسایی نگهدارید. [83].

دوری از حرام‌های خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سوال از مرد پارسا، فرمودند: آن که از حرام‌های خداوند عزوجل پرهیز کند. [84].

پارساترین مردم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پارساترین مردم کسی است که در هنگام شبهه درنگ کند. [85].
[صفحه 46]

وسوسه

ایمان محض

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مردی خدمت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، هلاک شدم. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به او فرمودند: آن خبیث (شیطان) به سراغ تو آمد و گفت: چه کسی تو را آفریده است؟ و تو گفتی: خدا و او گفت: خدا را چه کسی آفریده است؟ مرد عرض کرد: آری، سوگند به آن که تو را به حق برانگیخت، مطلب همین گونه است (که می‌فرمایید).
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: به خدا سوگند که این ایمان محض است.
ابن ابی‌عمیر می‌گوید: من این حدیث را برای عبدالرحمن بن حجاج گفتم. او گفت: پدرم از حضرت صادق علیه‌السلام برایم حدیث کرد که حضرت فرمودند: مقصود رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از این که فرمودند: (به خدا سوگند که این ایمان محض است.) همان ترس او از این است که نکند با خطور آن افکار در ذهنش، به هلاکت افتاده باشد. [86].

پرهیز از وسواس در وضو و نماز

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چون عبدالله بن سنان از مردی یاد کرد که در وضو و نمازش گرفتار وسواس است و ادعا کرد که او مردی عاقل است. حضرت فرمودند: چه عقلی دارد که فرمانبری شیطان می‌کند؟ (راوی می‌گوید) عرض کردم: چگونه فرمانبری شیطان می‌کند؟ حضرت فرمودند: از او بپرس وسوسه‌ای که به وی دست می‌دهد از چیست؟ قطعا به تو خواهد گفت: کار شیطان است. [87].
[صفحه 47]

شیطان و افراد کثیر الشک

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سوال از تکلیف کسی که در تعداد رکعات نمازش زیاد شک می‌کند، به طوری که اصلا نمی‌داند چند رکعت خوانده و چند رکعت باقی مانده است، فرمودند: باید نمازش را اعاده کند. (زراره و ابوبصیر می‌گویند:) عرض کردیم: زیاد شک می‌کند، به طوری که هر چه هم اعاده کند باز شک می‌کند. حضرت فرمودند: به شک خود اعتنایی نکند (و به نمازش ادامه دهد).
سپس حضرت فرمودند: با شکستن نماز، شیطان پلید را به خودتان عادت ندهید که با این کار او را به طمع می‌اندازید (که هر لحظه به سر وقت شما بیاید و وسوسه‌تان کند) زیرا شیطان خبیث است و بدان چه عادتش دهند، عادت می‌کند، پس هر یک از شما (که کثیرالشک باشد) به شک خود اعتنا نکند و نمازش را زیاد نشکند؛ چون اگر چند مرتبه به شک خود اعتنا نکرد، دیگر دچار شک نخواهد شد.
زراره می‌گوید: حضرت سپس فرمودند: شیطان پلید می‌خواهد مطاع باشد، لذا اگر نافرمانی شود دیگر به طرف کسی از شما نمی‌آید. [88].

علاج وسوسه زیاد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به این سوال از وسوسه‌ی زیاد به جمیل بن دراج فرمودند:
بگو لا اله الله. جمیل می‌گوید: هر وقت در دلم چیزی (از وسوسه‌ها و تشکیلات ذهنی) می‌افتاد، می‌گفتم: لا اله الا الله. آن چیز از دلم بیرون می‌رفت. [89].
[صفحه 49]

همدردی و همیاری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
با دستگیری از برادرانتان، خود را به خداوند متعال نزدیک سازید. [90].

راه شناختن شیعیان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شیعیان ما را در نحوه‌ی مواظبت کردن بر اوقات نمازشان و حفظ کردن اسرار ما از دشمنانمان و دستگیری از برادرانشان بیازمایید. [91].

دو خصلت شیعیان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دو خصلت است که در هر که نباشد از او دوری کن، دوری کن!
عرض شد: آن دو چیست؟ حضرت فرمودند:
نماز به وقت خواندن و مواظبت کردن بر آن و همدردی و دستگیری از برادران. [92].
[صفحه 51]

سفارش‌های خداوند سبحان و پیامبران و امامان

عاقبت اندیشی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مردی خدمت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا سفارش فرما. رسول خد (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:
اگر تو را سفارش کنم آیا به گوش می‌گیری؟
حضرت سه بار این جمله را به او فرمودند: و هر بار آن مرد عرض می‌کرد: آری ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم). پس، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به او فرمودند: به تو سفارش می‌کنم که هر گاه خواستی کاری انجام دهی، به عاقبت آن بیندیش، اگر رستگاری بود، آن را انجام بده و اگر گمراهی بود رهایش کن. [93].

کلید رزق و روزی

یحیی بن علاء و اسحاق بن عمار هر دو گفتند:
حضرت صادق علیه‌السلام هیچ گاه با ما خداحافظی نمی‌کرد مگر این که به دو کار سفارشمان می‌فرمودند: بر شما باد به راستگویی و بازگرداندن امانت به نیک و بد؛ زیرا که این دو خصلت کلید روزی هستند. [94].

سفیان ثوری گفت: خدمت حضرت صادق علیه‌السلام رسیدم عرض کردم: به من سفارشی (پندی) فرمایید تا بعد از شما آن را به کار بندم. حضرت فرمودند: به گوش می‌گیری، ای سفیان؟
[صفحه 52]
عرض کردم: آری، ای پسر دخت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)
حضرت فرمودند: ای سفیان، دروغگو را مردانگی نیست و حسود را آسایش و شاهان را برادری و مغرور و متکبر را دوستی و بداخلاق را سروری نیست.
حضرت سپس دم فروبستند. من گفتم: ای پسر دخت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، بیشتر بفرمایید، حضرت فرمودند: ای سفیان، به خدا اعتماد کن، تا عارف باشی و به آن چه قسمت تو کرده است خرسند باش، تا توانگر باشی، چنان رفاقت کن که با تو رفاقت می‌کنند، تا بر ایمانت بیفزایی و با بدکار همنشینی مکن، که تو را بدکاری می‌آموزد و در کارهایت با کسانی مشورت کن که از خداوند عزوجل می‌ترسند.
پس حضرت دوباره دم فروبستند. گفتم: ای پسر دخت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بیشتر بفرمائید. حضرت فرمودند: ای سفیان، هر که عزت خواهد بی آن که پادشاهی داشته باشد و قدرت خواهد بی آن که برادران (و دوستان) داشته باشد و هیبت و شکوه خواهد بی آن که مال و ثروت داشته باشد، باید از خواری معاصی خداوند به عزت طاعت او درآید.
باز حضرت دم فروبستند. عرض کردم: ای پسر دخت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) باز هم بفرمایید. حضرت فرمودند: ای سفیان پدرم سه نکته‌ی ادب به من آموخت و از سه چیز نهی فرمود: اما آن سه نکته‌ی ادب که به من آموخت این بود که به من فرمود: فرزندم، هر که با یار بد بنشیند، به سلامت نماند و هر که گفتارش را در بند نکشد، پشیمان گردد و هر که به جاهای بدنام آمد و شد کند، مورد بدگمانی و اتهام قرار گیرد.
عرض کردم: ای پسر دخت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آن سه چیز که شما را از آنها نهی نمودند چیست؟
حضرت فرمودند: مرا از همنشینی با کسی که بر نعمت (دیگران) حسادت می‌ورزد و از گرفتاری و معصیت (دیگران) شاد می‌شود و یا کسی که سخن‌چین است نهی فرمود. [95].
[صفحه 53]

شش سفارش امام صادق به مفضل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شش سفارش به تو می‌کنم که آنها را به شیعیانم برسانی. عرض کردم آن سفارش‌ها چیست، سرورم؟ حضرت فرمودند:
برگرداندن امانت به کسی که به تو امانت سپرده است و این که برای برادرت همان را بپسندی که برای خودت می‌پسندی و بدان که هر کاری را پایانی است، پس از فرجام کارها بر حذر باش و هر کاری ممکن است ناگهانی پیش آید، پس همواره به هوش باش و از بالا رفتن بر کوهی که صعود به آن آسان است اما پایین آمدن از آن دشوار است بپرهیز و هرگز به برادرت وعده‌ای مده که توان انجام آن را نداری. [96].

ضمانت خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
تو (مفضل) را به ترس از خدا سفارش می‌کنم؛ زیرا خداوند ضمانت کرده است که هر کس از او پروا کند وی را از وضعی که خوش ندارد به وضعی که خوش دارد درمی‌آورد و از جایی که گمان نمی‌برد روزیش می‌دهد.؟ [97].

نحوه‌ی نوشتن وصیت‌نامه توسط حضرت جبرئیل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر کس در هنگام فوت خود وصیت نکند، این کار نقصی در نقل و مروت اوست. عرض کردند: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) وصیت چگونه است.
[صفحه 54]
حضرت فرمودند: چون کسی زمان مرگش فرا رسد و مردم (خویشان و کسان او) پیرامونش جمع شدند، بگوید:
ای خدای آفریننده‌ی آسمان‌ها و زمین، دانای نهان و آشکار و بخشنده مهربان، من در این سرای دنیا در پیشگاه تو اعتراف می‌کنم که گواهی می‌دهم معبودی جز تو نیست، یگانه و بی‌نیازی، محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بنده و فرستاده‌ی توست و قیامت آمدنی است و شکی در آن نیست و تو خفتگان گورها را برمی‌انگیزی و حساب راست است و بهشت راست است و نعمت‌های بهشتی از خوردنی و نوشیدنی و زناشویی که خداوند به آنها وعده داده است راست است و دوزخ راست است و ایمان راست است و دین چنان است که تو وصف کرده‌ای و اسلام همان گونه است که تو تشریع فرموده‌ای و سخن همان است که تو گفته‌ای و قرآن چنان است که تو نازل کرده‌ای و تو همان معبود حقیقی و آشکار هستی.
من در این سرای دنیا در نزد تو اعتراف می‌کنم که تو را به عنوان پروردگار پذیرفته‌ام و اسلام را به عنوان دین و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را به پیامبری و علی علیه‌السلام را به امامت، قرآن را به عنوان کتاب آسمانی خود و این که اهل بیت پیامبر تو (علیه و علیهم‌السلام) امامان من هستند. بار خدایا! در هنگام شدایدم تو تکیه‌گاه من هستی و به هنگام غم و اندوهم تو امید منی و به گاه گرفتاری‌هایی که به من هجوم می‌آورد، تو نیروی ذخیره منی و ولی نعمت من تو هستی و معبود من و معبود پدرانم تو هستی.
بر محمد و آل او علیهم السلام درود فرست و هرگز چشم بر هم زدنی مرا به خودم وامگذار و در تنهایی وحشتناک قبر تو مونس من باش و در آن روز که با تو دیدار می‌کنم از خودت به من عهد و زنهاری ده. و این پیمان میت است در روزی که وصیت می‌کند و وصیت حقی است بر ذمه هر مسلمانی.
[صفحه 55]
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: مؤید این وصیت، این سخن خدای تبارک و تعالی در سوره‌ی مریم است که می‌فرماید: (اختیار شفاعت

ندارند مگر کسی که از جانب (خدای) رحمان پیمانی گرفته است) و این همان پیمان است.
حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی علیه‌السلام فرمودند: این وصیت را بیاموز و آن را به خاندان و شیعیان نیز تعلیم ده.
حضرت فرمودند: این را جبرئیل به من تعلیم داد. [98].

سفارش به نوشتن وصیت‌نامه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به مردی که از ایشان سفارش خواست. فرمودند: بار و بنه‌ات را آماده ساز و توشه‌ات را پیشاپیش بفرست و خود وصی خودت باش. به دیگری نگو که آنچه را به کار تو می‌آید (بعدا) برایت بفرستد. [99].
[صفحه 57]

تواضع و فروتنی

راه‌های فروتنی چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
فروتنی این است که از مجلس به جایی کمتر از مقام و موقعیت خود، راضی باشی و به هر که برخوردی، سلام کنی و مشاجره را رها کنی هر چند حق با تو باشد و دوست نداشته باشی که تو را به پرهیزکاری بستایند و فروتنی در رأس همه‌ی خوبی‌ها است. [100].

عامل از بین رفتن دین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که نزد شخص توانگری برود و برای این که از او چیزی به وی برسد در برابرش کرنش کند، دو سوم دینش از بین برود. [101].

فرشته‌های مأمور فروتنی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در آسمان دو فرشته بر بندگان گماشته شده‌اند پس هر کس برای خدا فروتنی کند، او را بالا برند و هر که تکبر ورزد، او را پست گردانند. [102].
[صفحه 59]

وضو

وضو نصف ایمان است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
وضو، جزء (یا نصف) ایمان است. [103].

عامل از بین بردن فقر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
وضو گرفتن پیش از غذا و بعد از آن فقر را از بین می‌برد. [104].

اثر تجدید وضو

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که بدون سر زدن حدثی از او، تجدید وضو کند، خداوند توبه‌ی او را، بی‌آن که استغفار کند، تجدید می‌گرداند. [105].

وضو روشنایی است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
وضو روی وضو، روشنایی روی روشنایی است. [106].
[صفحه 61]

پند و اندرز

بهترین داستان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
راست‌ترین سخن و رساترین پند و بهترین داستان، کتاب خداست. [107].

روزی، حرص و حسابرسی

امام صادق علیه‌السلام به مردم که تقاضای پند می‌کردند، فرمودند:
اگر خداوند تبارک و تعالی روزی (رساندن) را به عهده گرفته است، پس غم روزی خوردن از بهر چیست؟ و اگر روزی قسمت شده است، پس حرص چه معنا دارد؟ و اگر حسابرسی راست است، پس گردآوردن (مال و ثروت) چرا؟ [108].

دنیا عالم خواب است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به جابر که از ایشان اندرزی خواسته بود فرمودند:
ای جابر دنیا را (چونان) مالی بدان که در عالم خواب به دست می‌آوری و چون بیدار می‌شوی چیزی از آن با خود نمی‌یابی. آیا نصیب تو از دنیا چیزی جز همان جامه‌ای است که می‌پوشی و کهنه‌اش می‌کنی. یا همان خوراکی است که (می‌خوری و سپس) به آن تبدیل می‌شود که خود می‌دانی؟ پس، شگفت از مردمی است که اولین‌های آنان از آخرین‌هایشان گرفته شده (و رفته‌اند) و آنگاه در میان ایشان بانگ رحیل سر داده شده است، لیکن همچنان بی‌خبر سرگرم بازی‌اند. [109].

دعوت عملی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 62]
مردم را به غیر از زبان خود دعوت کنید تا پارسایی و کوشایی در عبادت و نماز و خوبی، از شما ببینند؛ زیرا اینها خود دعوت کننده است. [110].

انسان سعادتمند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
انسان سعادتمند اندرز به تقوا را آویزه‌ی گوش خود می‌کند، هر چند مخاطب آن اندرز کسی دیگر باشد. [111].

دستان را برای خدا بگشایید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در حالی که موسی بن عمران یاران خود را اندرز می‌داد ناگاه مردی برخاست و پیراهن خود را درید. خداوند عزوجل به او وحی فرمود: که ای موسی، به او بگو: پیراهنت را از هم ندر، بلکه دست خود را برای من بگشای. [112].
[صفحه 64]

تقوى

افتخار را کسب کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
افتخار به اعمال است و شرف و بزرگی به مال و کرامت و ارجمندی به تقواست. [113].

عزت تقوا چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند عزوجل هیچ بنده‌ای را از ذلت گناهان به عزت تقوا منتقل نکرد؛ مگر این که او را بدون هیچ مالی توانگر ساخت و بدون ایل و عشیره‌ای قدرتمند نمود و بی‌آنکه کسی با او باشد، او را از تنهایی به درآورد. [114].

تقوی و رزق و روزی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند برای کسی که از او پروا دارد ضمانت کرده است که هر ناخوشایندی را برای او به آنچه خوشایندش می‌باشد تغییر دهد و از جایی که گمانش را هم نمی‌برد روزیش را می‌رساند. [115].

عروس متقین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
قیامت عروس (یا عروسی) تقواپیشگان است. [116].
[صفحه 65]

حق تقوا از خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال از آیه‌ی (اتقوا الله حق تقاته) فرمودند:
(حق تقوا از خداوند این است) که اطاعت شود و نافرمانی نشود و پیوسته یاد شود و هرگز فراموش نگردد و سپاسگزاری شود و ناسپاسی نشود. [117].

معنای تقوا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال از معنای تقوا فرمودند:
تقوا این است که خداوند در جایی که تو را فرمان داده است غایب نبیند و در آن جا که تو را نهی کرده است حاضر نبیند. [118].
[صفحه 67]

توکل

نشانه‌ی توکل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از (نشانه‌ی) توکل این است که از کسی جز خدا نترسی. [119].

به خدا اعتماد کن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به خدا اعتماد کن تا مؤمن باشی. [120].

جایگاه توکل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بی‌نیازی و عزت به هر طرف در حال گردش‌اند و چون به جایگاه توکل دست یافتند در آن جا متوطن (ساکن) می‌شوند. [121].

تحصیل روزی حلال

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
تحصیل روزی حلال را رها مکن؛ زیرا روزی حلال تو را در دینت بیشتر کمک می‌کند. زانوی اشترت را ببند و آنگاه توکل کن. [122].
[صفحه 70]

والدین و فرزندان

دوست داشتن کودکان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
موسی بن عمران علیه‌السلام گفت: پروردگارا! کدام عمل نزد تو برتر است؟ فرمود:
دوست داشتن کودکان؛ زیرا سرشت آنان بر توحید من است و اگر آنها را بمیرانم، به رحمت خود بهشتشان می‌برم. [123].

محبت نمودن به فرزند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند عزوجل به بنده به خاطر محبت شدید او به فرزندش رحم می‌کند.
[124].

میراث خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
میراث خدا از بنده‌ی مؤمنش، فرزند صالحی است که برای او آمرزش بطلبد. [125].

از داشتن فرزند دختر ناراحت نباشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به مردی که از به دنیا آمدن دختری برای خود ناراحت بود فرمودند:
به من بگو، اگر خداوند تبارک و تعالی به تو وحی می‌کرد که: (من برایت انتخاب کنم یا خودت انتخاب می‌کنی) چه می‌گفتی؟ عرض کرد: می‌گفتم:
[صفحه 71]
پروردگارا، تو برایم انتخاب کن. حضرت فرمودند: حالا هم خدا برای تو انتخاب کرده است. [126].

دختر گل خوش‌بویی است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به جارود بن منذر فرمودند:
شنیده‌ام از این که دختری برایت زاده شده است ناراحت هستی! از او به تو زیانی نمی‌رسد، گل خوش‌بویی است که می‌بویی و روزیش هم تضمین شده است، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پدر چند دختر بود. [127].

دختران حسنه هستند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دختران حسنه هستند و پسران نعمت، حسنات پاداش داده می‌شوند و از نعمت‌ها بازخواست می‌گردد. [128].

دختر سپر دوزخ است

حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:
هر که دختری داشته باشد و او را نیکو تربیت کند و به خوبی آموزش دهد و از نعمت‌هایی که خداوند ارزانیش کرده او را به وفور بهره‌مند سازد، آن دختر برای وی مانع و پرده‌ای در برابر آتش دوزخ خواهد بود. [129].
[صفحه 72]

دختران دلسوز، مددکار و با برکتند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
این دختراننند که دلسوز و مددکار و با برکتند [130].

دختران را حقیر نشمارید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس که برایش دختر به دنیا آید و او را اذیت نکند و حقیرش نشمارد و پسران خود را بر او ترجیح ندهد، خداوند به واسطه ی آن دختر او را به بهشت می‌برد. [131].

دختران پرده‌نشین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چه خوب فرزندانی هستند دختران پرده‌نشین. هر کس یکی از این‌ها را داشته باشد، خداوند او را برایش پرده‌ای در برابر آتش دوزخ قرار می‌دهد. [132].

خداوند به زنان مهربان است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند تبارک و تعالی به زنان مهربانتر از مردان است، هیچ مردی نیست که زنی از محارم خود را خوشحال سازد، مگر این که خدای تعالی در روز قیامت او را شادمان گرداند. [133].
[صفحه 73]

خوش رفتاری با پدر و مادر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (و به پدر و مادر نیکی کنید)، (و بالوالدین احسانا) فرمودند: نیکی کردن این است که با آنان خوش‌رفتاری کنی و اجازه ندهی که مجبور شوند آنچه را نیاز دارند اظهار کنند و از تو بخواهند، اگر چه بی‌نیاز باشند. (بلکه پیش از آن که مجبور به اظهار نیاز خود شوند آن را برطرف ساز) [134].

سبب خوش رفتاری فرزندان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
با پدرانتان خوش رفتار باشید تا فرزندانتان با شما خوش‌رفتاری کنند.
[135].

نیکی به پدر و مادر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چه مانعی دارد که یکی از شما به پدر و مادرش، زنده باشند یا مرده، نیکی کند. از طرف آنها نماز بخواند، از جانب آنها صدقه بدهد و از طرف آنها حج بگزارد و روزه بگیرد تا ثوابش هم به آنها برسد و هم به همان اندازه برای خودش ثواب منظور شود و خداوند عزوجل به واسطه‌ی نیکوکاری و صله‌ی او، خیر و برکت فراوان برایش بیفزاید. [136].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (در کنار تو، به سالمندی رسیدند.)، (اما یبلغن عندک الکبر احدهما او کلاهما فلا تقل لهما اف...) (اسراء/23)
[صفحه 74]
فرمودند: اگر تو را دلتنگ و آزرده ساختند، به آنان اف مگو و اگر تو را زدند با آنها پرخاش مکن. [137].

به پدر و مادر خود اف نگوئید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کمترین بی‌احترامی به پدر و مادر، (اف) گفتن است و اگر خداوند عزوجل چیز کمتر از آن سراغ داشت، بی‌گمان از آن نهی می‌کرد. [138].

بر پدر و مادر خود صدا بلند نکنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه‌ی (و از روی مهربانی، در برابر آنان خوار و فروتن باش.) (و اخفض لهما جناح الذل من الرحمه) فرمودند:
نگاهت را جز از سر مهر و دلسوزی به آنان خیره مکن و صدایت را از صدای آنها بلندتر مگردان و رودست آنها نیز بلند مشو و از آنها جلو نیفت. [139].

با پدر مخاصمه نکنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به مردی که عرض کرد:
پدرم به من خانه‌ای بخشیده و حالا از تصمیمش برگشته است و می‌خواهد آن را پس بگیرد... فرمود: پدرت بدکاری کرده است. اما اگر با او مخاصمه کردی، صدایت را روی او بلند نکن و اگر او صدایش را بلند کرد، تو صدایت را پایین بیاور. [140].
[صفحه 75]

فرزندان عصیانگر بدبخت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نافرمانی والدین از گناهان کبیره است؛ زیرا خداوند متعال فرزند نافرمان را عصیانگر بدبخت قرار داده است. [141].

اثر نافرمانی پدر و مادر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
(از جمله) گناهانی که فضا را تیره و تار می‌سازد نافرمانی پدر و مادر است. [142].

عامل فقر چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر مردی که فرزند خود را نفرین کند، مبتلا به فقر می‌شود. [143].

به پدر و مادر خود خیره نگاه نکنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
و از جمله نافرمانی والدین است که انسان به آنان خیره نگاه کند. [144].

نگاه کینه توزانه به پدر و مادر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 76]
هر که به پدر و مادر خود که به او ستم کرده‌اند کینه‌توزانه نگاه کند، خداوند هیچ نمازی را از او نمی‌پذیرد. [145].

سه حق پدر و مادر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پدر و مادر را بر فرزند سه حق است: در همه حال شکرگزار آنان باشد، در هر چه به او امر و نهی می‌کنند، به جز در معصیت خداوند، اطاعتشان کند و در نهان و آشکار خیرخواه آنان باشد. [146].

سه حق فرزند بر پدر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
فرزند سه حق بر گردن پدرش دارد: مادر خوبی برایش انتخاب کند، نام نیکویی بر او نهد و در تربیت او بکوشد. [147].

نیکی نمودن مرد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نیکی مرد به فرزندش، نیکی اوست به پدر و مادرش. [148].

به چه کسانی نیکی کنیم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به مردی که عرض کرد: به چه کسی نیکی کنم؟ حضرت فرمودند:
[صفحه 77]
به پدر و مادرت، عرض کرد: آنها از دنیا رفته‌اند. حضرت فرمودند: به فرزندت نیکی کن. [149].

برنامه 21 ساله پسران

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پسر باید هفت سال بازی کند، هفت سال سواد بیاموزد و هفت سال به آموزش حلال و حرام بپردازد. [150].

زمان روزه گرفتن کودکان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ما کودکان خود را وقتی هفت ساله شدند، امر می‌کنیم که تا هر مقدار از روز را که می‌توانند، نصف روز یا کمتر و یا بیشتر، روزه بگیرند و هر گاه تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب آمد افطار کنند تا بدین ترتیب به روزه گرفتن عادت کنند و توان آن را بیابند و شما نیز وقتی کودکانتان نه ساله شدند به آنها دستور دهید که تا هر مقدار از روز را که می‌توانند روزه بگیرند و هر گاه تشنگی بر آنان غلبه کرد روزه‌شان را باز کنند. [151].

زمان خواندن نماز کودکان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ما کودکان خود را وقتی پنج ساله شدند به خواندن نماز امر می‌کنیم و شما کودکانتان را وقتی هفت ساله شدند به نماز خواندن وادار کنید. [152].
[صفحه 79]

حکومت‌داری

عامل رفتن به بهشت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس زمام امری از امور مردم را به دست گیرد و عدالت پیشه کند و درب خانه‌ی خود را به روی مردم بگشاید و شر نرساند و به امور مردم رسیدگی کند، بر خداوند عزوجل است که در روز قیامت او را از ترس و هراس ایمن گرداند و به بهشتش برد. [153].

سه وظیفه زمام‌دار

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز است که بر زمامدار واجب است درباره‌ی خواص و عوام رعایت کند: پاداش نیکوکار را به نیکی دادن تا بر رغبت مردم به کارهای نیک افزوده شود، پوشاندن گناهان بد کار تا توبه کند و از گمراهی و انحراف خود برگردد و ایجاد الفت میان همه آنان از طریق احسان و رعایت انصاف و داد. [154].

سه کار ناپسندیده‌ی حکمرانان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
برای حکمرانان پسندیده نیست که در سه کار کوتاهی ورزند: حفظ مرزها، رسیدگی به مظالم و حقوق پایمال شده‌ی مردم و انتخاب افراد شایسته برای کارهای خود. [155].
[صفحه 80]

دوستان خدا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به ابوبصیر فرمودند:
خوشا به حال شیعیان قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما که در زمان غیبت او منتظر ظهورش هستند و در زمان ظهورش فرمانبردار اویند. ایشان دوستان خدایند که بر آنان نه بیمی است و نه اندوهگین می‌شوند. [156].

آماج دشمنان خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند در دنیا دوست خود را آماج دشمن خویش قرار داده است. [157].

ولی خداوند چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
زکریا علیه‌السلام فرزند خود یحیی را پیوسته غمگین و گریان و در خود فرورفته می‌دید. عرض کرد: پروردگارا، من از تو فرزندی خواستم که از او بهره‌مند شوم و تو فرزندی روزیم کردی که از او بهره‌ای نمی‌برم؟ فرمود: تو ولی خواستی و ولی جز چنین نباشد. بی‌گناهان آماج بلاها هستند. [158].
[صفحه 82]

يقين

مایه‌ی عزت دین مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
قطع امید کردن از آنچه مردم دارند، مایه عزت دینی مؤمن است. [159].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن در دین نیرومند است و نرمی را با دوراندیشی توأم کرده است و ایمانی همراه با یقین دارد. [160].

یقین کمیاب‌ترین چیز است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ایمان از اسلام برتر است و یقین از ایمان برتر، و چیزی کمیاب‌تر از یقین وجود ندارد. [161].

عمل توأم با یقین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
عمل پیوسته و اندک، که با یقین همراه باشد نزد خداوند برتر از عمل بسیار است که توأم با یقین نباشد. [162].
[صفحه 83]

مراحل یقین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به ابوبصیر فرمودند:
اسلام پله‌ی اول است و ایمان یک پله بالاتر از اسلام است و تقوا یک پله بالاتر از ایمان، و یقین یک پله بالاتر از تقواست، به مردم چیزی به اندکی یقین داده نشده است و شما در حقیقت به پایین‌ترین درجه اسلام چسبیده‌اید. پس مواظب باشید از چنگتان نگریزد. [163].

چهار جمله گنج

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (و زیر آن دیوار گنجی از آن دو یتیم بود)، (و کان تحته کنز لهما)، فرمودند: بدانید که آن گنج زر و سیم نبود، بلکه چهار جمله بود:
منم خدا و معبودی جز من نیست، هر که به مرگ یقین داشته باشد دهانش به خنده باز نمی‌شود و هر که به حساب یقین داشته باشد دلش شادی نمی‌کند و هر که به تقدیر یقین داشته باشد، از چیزی جز خدا نمی‌ترسد. [164].

نشانه‌های یقین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از نشانه‌های یقین این است که با به خشم درآوردن خداوند، مردم را خشنود نسازید و از این که خداوند از فضل خود به شما عطا نکرده است، آنان را نکوهش و ملامت نکنید؛ زیرا نه حرص زدن آزمندی، روزی را به سوی او سوق می‌دهد و نه بی‌میلی شخصی بی‌میلی آن را از او باز می‌دارد. [165].
[صفحه 84]

دو خصلت شخص آزمند و حریص

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شخص آزمند از دو خصلت محروم و دو خصلت پیوسته با اوست: از قناعت محروم است و از این رو آسایش ندارد و از خرسندی محروم است و از این رو یقین را از دست داده است. [166].

اثر یقین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شکیبایی برخاسته از یقین است. [167].

عظمت مقام یقین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
یقین، بنده را به هر مرتبه‌ی والا و مقام شگفت‌آوری می‌رساند. در حضور رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گفته شد که عیسی بن مریم علیه‌السلام روی آب راه می‌رفته است. حضرت فرمودند: اگر یقینش بیشتر بود، در هوا نیز راه می‌رفت. بدین ترتیب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از عظمت مقام یقین خبر داد. [168].

راه رفتن روی آب

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
روزی حواریون، عیسی علیه‌السلام را ندیدند پس در جستجوی او بیرون رفتند و دیدند که روی آب راه می‌رود. یکی از آنان عرض کرد: ای پیامبر خدا، به طرف تو بیایم؟ حضرت فرمود: آری. آن مرد یک پایش را روی آب گذاشت و رفت تا پای
[صفحه 85]
دیگرش را نیز روی آب بگذارد که زیر آب رفت حضرت فرمود: دستت را بده ای کوته ایمان، اگر آدمیزاد به وزن دانه‌ای، ذره‌ای یقین داشت در آن صورت روی آب راه می‌رفت. [169].
[صفحه 87]

ویژگی‌های رسول خدا

غذا خوردن پادشاهانه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از زمانی که خداوند عزوجل او را برانگیخت، در حال تکیه دادن غذا نخورد و خوش نداشت که مانند پادشاهان باشد. اما ما نمی‌توانیم این کار را بکنیم. [170].

نگاه حضرت رسول خدا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نگاه‌های خود را میان اصحابش تقسیم می‌کرد و به این و آن یکسان می‌نگریست. [171].

ترس و گرسنگی رسول خدا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ چیز دنیا برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خوشایند نبود مگر این که در راه خدا گرسنه و ترسان باشد. [172].

بدهکاری رسول خدا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حالی از دنیا رفت که بدهکار بود. [173].
[صفحه 89]

رهایی

عوامل نجات بخش انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
عوامل نجات‌بخش عبارتند از: اطعام کردن، سلام گفتن و نماز خواندن در شب، هنگامی که مردم خفته‌اند. [174].

از سه نفر دوری کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
من برای کسانی از این امت که حق (و مقام) ما را بشناسند امید رستن دارم، مگر برای سه نفر: دولتمرد ستمگر، کسی که از هوای نفس خود پیروی کند و کسی که آشکارا دست به گناه بزند. [175].

ستارگان زمین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به خدا سوگند که شما در تاریکی‌های زمین می‌درخشید. به خدا قسم که اهل آسمان در تاریکی‌های زمین شما را می‌بینند، همانگونه که شما ستارگان درخشان را در آسمان می‌بینید. اهل آسمان به یکدیگر می‌گویند: فلانی! تعجب است، چگونه فلانی به این مقام رسیده است؟ و این فرموده‌ی پدر من است: به خدا قسم از این که کسی هلاک شود تعجب نمی‌کنم که چرا هلاک شد، بلکه اگر کسی نجات یابد تعجب می‌کنم که چگونه نجات یافته است [176].
[صفحه 91]

ندامت و پشیمانی

راه ورود و خروج را بشناسید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در هر کاری، پیش از آن که بدان مبادرت ورزی و بعد پشیمان شوی، درنگ کن تا راه ورود و خروج آن را بشناسی (بدانی از کجا آغازش کنی و چگونه به پایانش رسانی) [177].

پشیمان کیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که به نیکی راغب نباشد به پشیمانی گرفتار آید. [178].

عوامل پشیمانی چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز پشیمانی در پی دارد: به خود بالیدن، فخرفروشی و چیره‌جویی بر دیگران. [179].

امام علی بنده‌ای خیرخواه بود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
علی علیه‌السلام بنده‌ای خیرخواه برای خدای عزوجل بود و خداوند هم خیرخواه او شد و خدای عزوجل را دوست می‌داشت و خدا هم دوستدار او گردید. [180].
[صفحه 93]

نصیحت و خیرخواهی

حضور و غیاب مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بر مؤمن واجب است که در حضور و غیاب مؤمن خیرخواه او باشد. [181].

ملاقات خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بر شما باد خیرخواهی برای خدا نسبت به خلق او؛ زیرا هرگز خداوند را با عملی بهتر از این کار ملاقات نخواهی کرد. [182].

حق نصیحت مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن برادر مؤمن است. حق دارد او را نصیحت کند. [183].

خیرخواهی شخص حسود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خیرخواهی و (ارشاد) از حسود محال است. [184].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 94]
هیچ بنده‌ی مسلمانی به خاطر خود خیرخواه نفس خود نشد و حق را از نفس خویش و برای آن نگرفت مگر این که دو نعمت به او داده شد: رزقی از جانب خدای عزوجل که او را کفایت کند و خشنودی و رضایتی از خدا که وی را نجات بخشد. [185].
[صفحه 96]

نگاه کردن

نگاه بذر شهوت است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ای پسر جندب! عیسی بن مریم علیه‌السلام به یاران خود گفت: از نگاه کردن بپرهیزید؛ زیرا که آن بذر شهوت در دل می‌کارد و این خود برای به فتنه و گناه انداختن صاحب آن نگاه کافی است. خوشا به حال کسی که دیده‌اش را در دل خویش قرار داد و آن را در چشم خود قرار نداد. [186].

اثر نگاه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ای بسا نگاهی که حسرتی طولانی به بار آورده است. [187].

نگاه‌های دزدانه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سوال از آیه‌ی (بعلم خائنة الاعین) فرمودند: دیده‌ای که گاه انسان به چیزی طوری می‌نگرد که انگار به آن نگاه نمی‌کند! این است معنای نگاه‌های دزدانه. [188].

نگاه تیر زهرآلود ابلیس

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نگاه کردن یکی از تیرهای زهرآلود ابلیس است. هر که به خاطر خدای عزوجل و نه به خاطر غیر او، چشم خود را فرو بندد در پی آن ایمانی به او ارزانی می‌دارد که مزه‌اش را بچشد. [189].
[صفحه 97]

اثر چشم بستن خود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که نگاهش به زنی بیفتد و چشم خود را به طرف آسمان کند یا آن را برهم نهد، هنوز چشم بر هم نزده خداوند از حورالعین به ازدواج او درآورد. [190].

سه نگاه انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نگاه اول از آن توست، نگاه دوم به زیان توست، نه به سود تو و نگاه سوم مایه‌ی هلاکت است. [191].

اثر نگاه بعد از نگاه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نگاه بعد از نگاه، بذر شهوت را در دل می‌کارد و این خود برای به فتنه و به گناه کشاندن صاحبش کافی است. [192].

فروهشتن چشم از نامحرم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 98]
هیچ کس با چیزی چون فروهشتن چشم (از نامحرم و گناه) خود را حفظ نکرد؛ زیرا چشم، خود را از نگاه به حرام‌های خدا باز نمی‌دارد مگر این که قبلا عظمت و جلال خداوند را در دل خویش مشاهده کند.
از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام سوال شد: برای فروهشتن چشم (از گناه) از چه وسیله‌ای می‌توان کمک گرفت؟ حضرت فرمودند: با در نظر گرفتن قدرت خداوندی که بر نهانی‌های تو آگاه است. [193].
[صفحه 100]

نعمت

ارزنده‌ترین نعمت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند به هیچ بنده‌ای نعمتی بزرگتر و ارزنده‌تر از این نداده است که در دل او با خدای عزوجل غیر او نباشد. [194].

به یاد نعمت‌های خداوند باشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بسا کسی که نعمتی به او ارزانی شده است و خودش هم نمی‌داند.
[195].

نعمت‌ها مانند همسایه‌اند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حق همسایگی نعمت‌ها را نیکو به جا آورید و مواظب باشید که از شما به دیگری منتقل نشود. بدانید که اگر نعمت از جوار کسی رخت بربندد کمتر پیش می‌آید که دوباره به سوی او باز گردد. [196].

سه شرط نگهداری نعمت‌ها

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نعمت‌ها ماندگار نمی‌شوند مگر بعد از سه کار: شناخت جایگاه شایسته‌ی خداوند در نعمت‌ها، گزاردن شکر آنها و رنج و زحمت کشیدن در آنها. [197].
[صفحه 101]

اثر داشتن نعمت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که نعمت خدا به او زیاد شود، بار زحمت و هزینه‌ی مردم بر دوش او سنگین‌تر شود؛ بنابراین،با به دوش کشیدن بار زحمت و هزینه‌ی مردم نعمت (خود) را پایدار سازید و آن را در معرض زوال قرار ندهید؛ زیرا به ندرت پیش می‌آید که نعمتی از کسی زوال آید و دوباره به او برگردد. [198].

مردن با بهترین اعمال

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر می‌خواهی عملت ختم به خیر شود و وقتی می‌میری با بهترین اعمال بمیری، حق و حرمت خدای را پاس دار و نعمت‌های او را در راه معاصیش به کار مبر. [199].

انذارهای خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شب و روز از انذارهای خدا بر حذر باشید. زید شحام می‌گوید: عرض کردم انذارهای خدا چیست؟ حضرت فرمودند: کیفر دادن بر گناهان. [200].

عامل منع استغفار

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال از معنای استدراج (سنستدرجهم من حیث لا یعملون، اعراف / 182) فرمودند:
[صفحه 102]
معنایش این است که بنده گناه کند و خداوند به او مهلت دهد و با وجود گناه باز به او نعمت دهد تا این نعمت او را از طلب آمرزش برای آن گناه باز دارد. چنین شخصی بی آن که بفهمد تدریجا به خشم و عذاب خدا نزدیک شده است. [201].

حبیب خدا و دشمن خدا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه خداوند به بنده‌ی خود نعمتی عطا کند و آن نعمت در وجود او به چشم خورد، حبیب خدا و بازگو کننده‌ی نعمت او نامیده می‌شود و هر گاه خداوند به بنده‌ای نعمتی دهد و آن نعمت در وجود او نمایان نباشد، دشمن خدا و تکذیب کننده نعمت او خوانده می‌شود. [202].

اظهار نعمت خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
من خوش ندارم که مرد نعمتی از خدا داشته باشد و آن را اظهار نکند. [203].

خداوند زیباست

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد و دوست دارد اثر نعمت را در بنده‌ی خود ببیند. [204].
[صفحه 103]

مراد از خودآرایی چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند زیبایی و خودآرایی را دوست دارد و از بینوایی و بینوانمایی نفرت دارد؛ زیرا خداوند عزوجل هر گاه به بنده‌ای نعمتی عطا کند دوست دارد اثر آن را در او ببیند. عرض شد: از چه طریقی؟ حضرت فرمودند:
جامه‌ی تمیز بپوشد، بوی خوش به کار برد، خانه‌اش را گچ‌کاری کند، جلو در منزلش را بروبد و حتی روشن کردن چراغ پیش از غروب آفتاب فقر را می‌برد و روزی را زیاد می‌کند. [205].

نعمت‌های خداوند را بازگو کن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی معنای آیه (و اما نعمت پروردگارت را بازگو کن) فرمودند:
معنای آن این است که نعمت خدا را یاد کن و آن را آشکار ساز و برای مردم بازگو نما. و در حدیث آمده است: (کسی که از مردم تشکر نکند از خدا تشکر نکرده است و کسی که از کم تشکر نکند از زیاد هم تشکر نمی‌کند و بازگو کردن نعمت خدا خود تشکر است و بازگو نکردن آن ناسپاسی است)
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
معنای این آیه این است که آنچه را خداوند به تو عطا فرموده و برتریی که به تو بخشیده و آنچه را به تو روزی کرده و احسانی که به تو نموده و حدیثی را که ارزانیت داشته است (برای مردم) بازگو کن. [206].
[صفحه 104]

کمال نعمت چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نعمت دنیا، امنیت و تندرستی است و کمال نعمت آخرت وارد شدن به بهشت است و بنده‌ای که به بهشت نرود هرگز نعمت بر او تمام نشده است. [207].
[صفحه 106]

نفس

دعای بعد از نماز

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پس از آن که نمازت را تمام کردی بگو: بار خدایا،... از تو می‌خواهم که مرا از گناهانت حفظ کنی و تا زنده‌ام هرگز کمتر و بیشتر از چشم بر هم زدنی مرا به خودم وامگذاری؛ زیرا که نفس همواره به بدی فرمان می‌دهد مگر این که تو رحم کنی ای مهربانترین مهربانان. [208].

تکلیف خود را انجام دهید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خودت بار خودت را بر دوش کش که اگر چنین نکنی دیگری بار تو را بر نمی‌دارد. [209].

هوس مایه‌ی درد و دروغ است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نفس را با هوس‌هایت رها مکن که هوای نفس موجب هلاکت آن می‌گردد و واگذاشتن نفس با هوسش مایه‌ی درد و رنج آن است و باز داشتن نفس از هوا و هوسش باعث درمان آن می‌باشد. [210].
[صفحه 108]

نفاق

نشانه‌ی نفاق

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چهار چیز از نشانه‌های نفاق است: سختدلی، خشکیدگی چشم، مداومت بر گناه و آزمندی به دنیا. [211].

چهار خصلت منافقین

حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:
چهار خصلت است که در هر که باشد منافق محض است، و در هر کس یکی از آنها باشد یک خصلت نفاق در او وجود دارد تا این که آن را رها کند: هر گاه به او اعتماد شود خیانت کند، هر گاه سخنی گوید دروغ می‌گوید، هر گاه پیمان ببندد پیمان‌شکنی کند و هر گاه ستیزه کند از حق تجاوز می‌کند. [212].

زبان، دل و ظاهر منافق

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
منافق سه نشانه دارد: زبان او با دلش ناسازگار است و دلش با کردارش و ظاهرش با باطنش. [213].

عذاب چهره‌ی دورویان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که با مردم با چهره‌ای روبه‌رو شود و با چهره‌ای دیگر از آنها عیبگویی کند، روز قیامت با دو زبان از آتش (به محشر) می‌آید. [214].
[صفحه 109]

دو خصلت منافق

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دو خصلت است که در منافق فراهم نمی‌آیند راه و رسم، و فهم در سنت.
[215].

منافقین و فاسقان از سه چیز محروم‌اند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند خوش راه و رسمی و دین فهمی و خوش خویی را هرگز در وجود منافق و فاسق جمع نمی‌کند. [216].
[صفحه 111]

صدقه و انفاق

ملعون چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند خوش راه و رسمی و دین فهمی و خوش‌رویی را هرگز در وجود منافق و فاسق جمع نمی‌کند. [217].

اثر انفاق

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
انفاق کن و به عوض یقین داشته باش. [218].

پاداش انفاق‌گران

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[در هر شب جمعه دو فرشته ندا می‌دهند]: بار خدایا، به هر انفاقگری عوض ده و هر ممسکی را بی‌چیز گردان. [219].

عامل برکت و ادای دین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
صدقه دادن دین را ادا می‌کند و برکت می‌آورد. [220].

مالتان را در راه خدا خرج کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 112]
بدان که هر کس در راه اطاعت خدا خرج نکند، به خرج کردن در راه معصیت خدای عزوجل گرفتار شود و هر که در راه رفع نیاز دوست خدا قدم برندارد، به قدم برداشتن در راه رفع نیاز دشمن خدای عزوجل گرفتار آید. [221].

از خرج کردن در راه حق دریغ نورزید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ بنده‌ای نیست که از خرج کردن یک درهم در راهی که حق آن است، دریغ ورزد مگر این که دو درهم به ناحق خرج کند. [222].

فضیلت انفاق

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز است که هر کس یکی از آنها را به درگاه خداوند برد خدا بهشت را بر او واجب می‌گرداند: انفاق در حال تنگدستی، خوشروئی با همه مردم و انصاف نشان دادن از خود. [223].

راه کسب درآمد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر مردم از راهی که خداوند به آنان فرمان داده است کسب درآمد کنند و آنها را در راهی که خداوند از آن بازشان داشته است انفاق کنند، آن را از ایشان نمی‌پذیرد و اگر از راهی که آنها را از آن نهی کرده است درآمد به دست آورند و آن
[صفحه 113]
درآمد را در راهی که خداوند بدان فرمانشان داده است به مصرف برسانند باز از آنان نمی‌پذیرد، مگر این که از راه حلال به دست آوردند و در راه حلال انفاق کنند. [224].

پاکترین درآمد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (انفقوا من طیبات ما کسبتم) فرمودند:
مردم در زمان جاهلیت درآمدهای ناروا به دست آورده بودند و بعد از آن که اسلام آوردند تصمیم گرفتند آنها را از اموال خود خارج کنند و صدقه بدهند، اما خداوند تبارک و تعالی قبول نکرد مگر این که (صدقه را) از پاکترین درآمدهایشان بپردازند. [225].
[صفحه 115]

سخن چینی

سخن‌چین قاتل است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سعایت کننده قاتل سه نفر است: قاتل خودش و قاتل کسی که از او سعایت می‌کند و قاتل کسی که پیش او سعایت می‌کند. [226].

اثر سخن‌چینی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
زنهار از سخن‌چینی که آن در دل‌های مردمان تخم کینه و دشمنی می‌افشاند. [227].

اندرز امام صادق به نجاشی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در نامه‌ی خود به نجاشی فرماندار اهواز فرمودند: از سعایت کنندگان و سخن‌چینان بپرهیز و مواظب باش فردی از آنها تو را نلغزاند و مبادا خداوند روزی یا شبی تو را ببیند که از این جماعت اظهار نظری و دخالتی را [داشته باشی] که در این صورت خداوند بر تو خشم می‌گیرد و پرده‌ات را می‌درد. (رسوا و بی‌آبرویت می‌کند). [228].

بزرگترین جادو

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 116]
از بزرگترین جادو، سخن‌چینی است، (زیرا) با سخن‌چینی میان دوستان جدایی افکنده می‌شود، یاران یکدل را با هم دشمن می‌کند، به واسطه‌ی آن خونها ریخته می‌شود خانه‌ها ویران می‌گردد و پرده‌ها دریده می‌شود. آدم سخن‌چین بدترین کسی است که روی زمین گام برمی‌دارد. [229].
[صفحه 118]

مردمان

مردم به سه چیز محتاج‌اند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز است که همه مردم به آنها نیاز دارند: امنیت، عدالت و رفاه. [230].

طبقات متوسط جامعه

و نیز حضرت فرمودند:
بر شما باد همتایان خود از مردم و طبقات متوسط جامعه؛ زیرا که معادن جواهر را در میان اینان می‌یابید. [231].

مردم چهار دسته‌اند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مردم چهار دسته‌اند: یکی نادان افتاده در ورطه هلاکت و هم آغوش با هوس. دیگری عابد متظاهر به تقوا و پرهیزگاری که هر چه بیشتر عبادت کند بر کبر و غرورش افزوده شود. دسته سوم عالمی است که دوست دارد مردم پشت سرش راه روند و از او مدح و ستایش کنند. چهارم دانای آشنا به حق که دوست دارد حق را بر پا دارد، اما توانایی و قدرت ندارد و یا مغلوب است. او بهترین فرد روزگار خود و خردمندترین مردم زمانه خویش است. [232].

مردم خردمند، نابخرد و نابکار

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 119]
مردان سه دسته‌اند: خردمند، نابخرد و نابکار. خردمند آنگاه که با او سخن گویند، پاسخ دهد و هر گاه سخن گوید درست بگوید و هر گاه بشنود پذیرا شود. نابخرد برای سخن گفتن عجله دارد و هر گاه حدیث گوید (و نقل قول کند) فراموش کند و اگر به کار زشتش وادارند، آن را انجام دهد. نابکار اگر به او اعتماد کنی (و امانتی به او بسپاری) به تو خیانت می‌کند و اگر برای او سخنی بازگو کنی، باعث ننگ و عار تو می‌شود. [233].

طبقات سه گانه مردم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مردم سه طبقه‌اند: طبقه‌ای از مایند و ما از آنان هستیم، طبقه‌ای به واسطه‌ی ما خود را آراسته می‌کنند (با چسباندن خود به ما برای خویش کسب وجهه و آبرو می‌کنند) و طبقه‌ای هم به نام ما یکدیگر را می‌خورند. [234].
و نیز فرمودند:
مردم سه دسته‌اند: نادانی که از آموختن سر باز می‌زند، دانایی که علم و دانشش او را نزار کرده است و خردمندی که برای دنیا و آخرتش کار می‌کند. [235].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام، فرمودند:
مردان سه دسته‌اند: یکی از مال و ثروت برخوردار است، یکی از جاه و مقام و دیگری از زبان (و سخنوری) و این برترین آنهاست. [236].
[صفحه 120]

صفات زشت نامردی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به مردی که عرض کرد: آیا خلایق همه در شمار مردمند؟ فرمودند: از شمار آنان بیفکن کسی را که مسواک نمی‌زند، کسی که در جای تنگ چهار زانو می‌نشیند، کسی که به چیزهایی بی‌ربط و بیهوده می‌پردازد، کسی که در موضوعاتی که نمی‌داند بحث و مجادله می‌کند، کسی که بی‌جهت خود را در بستر بیماری می‌اندازد، کسی که بدون مصیبتی سر و وضعش ژولیده و پریشان باشد، کسی که با یاران خود درباره‌ی حقیقتی که همه آنها بر آن هم دستانند مخالفت می‌کند، کسی که به مفاخر پدران خود ببالد اما از کارهای نیک و شایسته آنان بی‌بهره باشد، چنین کسی به خلنگ می‌ماند که پوسته‌های آن لایه لایه برداشته شود تا به مغزش برسد و نیز چنان است که خدای عزوجل فرموده است: (اینان نیستند مگر مانند چهارپایان و بلکه آنان گمراهترند. [237].
[صفحه 122]

خواب

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خواب مایه‌ی آسایش تن است و سخن مایه‌ی آسایش روح و سکوت مایه‌ی آسایش خرد است. [238].

چه کسانی خواب ندارند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پنج نفر خواب ندارند: کسی که در فکر ریختن خونی است، ثروتمندی که برای خود امانتداری پیدا نمی‌کند، کسی که برای رسیدن به مالی از دنیا به مردم دروغ و بهتان می‌بندد، کسی که بدهکاری زیادی دارد و دستش خالی است و دوستداری که در آستانه‌ی جدا شدن از محبوب خود است. [239].

کم‌سپاس‌ترین عضو بدن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در سفارش خود به عبدالله بن جندب فرمودند:
ای پسر جندب، شب کم بخواب و روز کم سخن بگو؛ زیرا در بدن آدمی عضوی کم سپاس‌تر از چشم و زبان نیست. مادر سلیمان به سلیمان گفت: فرزندم، از خواب بپرهیز؛ زیرا خواب (زیاد) تو را در آن روزی که مردم به اعمال خود نیازمندند، تهیدست می‌گرداند. [240].
[صفحه 123]

پرخوابی و بیکاری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند عزوجل، از پرخوابی و بیکاری زیاد نفرت دارد. [241].

اثر پر خوابی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پرخوابی، باعث از دست رفتن دین و دنیاست [242].

اثر و برکات وضو هنگام خواب

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که با وضو بخوابد، اگر در آن شب مرگش در رسد نزد خداوند شهید به شمار می‌آید. و نیز حضرت فرمودند:
هر که طهارت بگیرد و سپس به بسترش رود، در آن شب بستر او به منزله‌ی مسجد اوست و اگر یادش آید که وضو ندارد، به همان لحاف خود، هر چه باشد تیمم کند، که اگر چنین کرد پیوسته در نماز و ذکر خدای عزوجل باشد. [243].

پرسش قبل از خواب

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه به بسترت رفتی بیندیش که در آن روز چه غذایی روانه شکم خود کرده‌ای و چه به دست آورده‌ای و به یاد آور که خواهی مرد و معادی در پیش داری. [244].
[صفحه 125]

نیت

نیت برتر از عمل است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نیت برتر از عمل است. بدانید که نیت همان عمل است. [245] سپس آیه‌ی (قل کل یعمل علی شاکلته) (بگو هر کس بر حسب ساختار (روانی و بدنی) خود عمل می‌کند.) (اسرا / 84) را قرائت نمودند، (و حضرت فرمودند) یعنی بر پایه‌ی نیت خود. [246].

حشر روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند در روز قیامت مردم را مطابق نیت‌هایشان محشور می‌کند. [247].

اثر نیت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بنده در روز نیت می‌کند که نماز شب بخواند، اما چشمانش بر او غلبه می‌کند و در نتیجه می‌خوابد، پس خداوند نمازش را برای او ثبت می‌کند و نفس کشیدن‌هایش را تسبیح می‌نویسد و خوابش را برای او صدقه قرار می‌دهد. [248].

اثر صدق نیت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 126]
بنده‌ی مؤمن فقیر می‌گوید: پروردگارا، به من (مال و ثروت) روزی کن تا فلان احسان و بهمان کار خیر را انجام دهم. پس، اگر خداوند عزوجل بداند که این سخن را از صدق نیت می‌گوید، همان اجری را برای او می‌نویسد که اگر آن کارهای خیر را انجام می‌داد برایش می‌نوشت. خداوند گشاینده و بخشنده است. [249].

توفیق به قدر نیت است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در حقیقت خداوند یاری خود را به بندگانش به اندازه‌ی نیت‌های آنان قرار داده است. پس هر که نیتش درست باشد، یاری خدا به او کامل می‌رسد و هر که نیتش کاستی داشته باشد، یاری خدا نیز به همان اندازه کاستی نیت او، از وی کاسته می‌شود. [250].

علت برتری نیت بر عمل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سوال از علت برتری نیت مؤمن بر عمل او فرمودند: چون عمل گاه ممکن است برای ریا و خودنمایی به مخلوقین صورت گیرد، اما نیت به طور خالص از آن پروردگار جهانیان است. بنابراین، خدای متعال برای نیت آن عطا می‌کند که برای عمل عطا نمی‌کند. [251].

از غافلان نباشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 127]
بنده باید در تمام حرکات و سکنات خود نیت خالص (برای خدا) داشته باشد؛ زیرا اگر این معنا در کار نباشد در شمار غافلان است. [252].

سبب افزایش رزق و روزی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که نیتش نیکو شود خداوند به روزیش بیفزاید. [253].

حسن نیت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به پرسش از عبادت، فرمودند: حسن نیت داشتن در طاعت به طریقی که خداوند از آن اطاعت شود. [254].

اثر نیت صادق

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که نیت صادق داشته باشد، دل سالم و پاک دارد؛ زیرا سالم داشتن دل از وسوسه‌های شیطانی به سبب خالص گردانیدن نیت در همه کارها برای خداوند است. [255].

سبب محروم شدن از روزی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همانا مؤمن نیت گناه می‌کند و بدان سبب از روزی خود محروم می‌شود. [256].
[صفحه 129]

مرگ

مرگ در نزد مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سوال از مرگ فرمودند: برای مؤمن مانند خوشترین بویی است که استشمام می‌کند و از بوی خوش آن خوابش می‌برد و رنج و درد به کلی از او برطرف می‌شود و برای کافر همچون گزش مارها و نیش عقربهاست و (بلکه) دردناکتر! عرض شد: عده‌ای می‌گویند که مرگ دردناکتر از اره شدن و قیچی گشتن و خرد شدن با سنگ‌ها و به چرخش درآوردن ستونه‌ی آهنی آسیا بر تخم چشم است! حضرت فرمودند: برای بعضی از کافران و گنهکاران همین طور است. [257].

شرایط راحت مردن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن بیرون رفتن از دنیا را حس نمی‌کند و این سخن متعال است که می‌فرمایند: (یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ؛ ای نفس آرام یافته...) این (حالت) برای کسی است که پارسا باشد و با برادرانش همدردی و به آنها رسیدگی کند. [258].

اثرات یاد مرگ

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
یاد مرگ، خواهش‌های نفس را می‌میراند و رویشگاه‌های غفلت را ریشه‌کن می‌کند و دل را با وعده‌های خدا نیرو می‌بخشد و طبع را نازک می‌سازد و پرچم‌های هوس را درهم می‌شکند و آتش آزمندی را خاموش می‌سازد و دنیا را در نظر (انسان) کوچک می‌کند. [259].
[صفحه 130]

مرگ را فراوان یاد کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مرگ را فراوان یاد کنید، زیرا هیچ انسانی مرگ را بسیار یاد نکرد، مگر این که به دنیا بی‌رغبت شد. [260].

آماده هول و هراس باشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هول و هراسی که نمی‌دانی چه وقت تو را فرامی‌گیرد، چرا پیش از آن که ناگهان به سراغت آید برایش آماده نمی‌شوی. [261].

آرزوی مرگ نکنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به مردی که آرزوی مرگ می‌کرد، فرمودند:
آرزوی زندگی کن، تا این که (خدای را) اطاعت کنی و معصیتش نکنی؛ زیرا که اگر زنده باشی و اطاعت کنی، برایت بهتر از این است که بمیری و نه طاعت کنی و نه معصیت. [262].

شرایط آسان شدن سکرات مرگ

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که دوست دارد خدای عزوجل سکرات مرگ را بر او سبک گرداند، باید به خویشانش رسیدگی و به پدر و مادرش نیکی کند. اگر چنین کند، خداوند عزوجل
[صفحه 131]
سختی‌های مرگ را بر او آسان گرداند و در زندگیش هرگز به ناداری و (فقر) نیفتد. [263].

سبب ناراحتی از مرگ

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مردی نزد ابوذر آمد و گفت: ای ابوذر، از چه روست که ما مرگ را ناخوش می‌داریم؟ پاسخ داد: چون شما دنیا را آباد کرده‌اید و آخرت را ویران و از این رو، خوش ندارید که از آبادی به ویرانه منتقل شوید. [264].

مرا به دنیا باز گردانید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه‌ی (فلولا اذا بلغت الحلقوم... ان کنتم صادقین) فرمودند:
زمانی که جان به گلوگاه رسد و جایگاهش در بهشت به او نشان داده شود، بگوید: مرا به دنیا بازگردانید تا آنچه را می‌بینم به خانواده‌ام خبر دهم. اما به او گفته می‌شود: این امکان ندارد. [265].

و نیز فرمودند:
هیچ کس نیست که دوستدار ما و دشمن دشمنان ما باشد و بمیرد، مگر این که (در هنگام مرگش) رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرمؤمنان و حسن و حسین (صلوات الله علیهم) حاضر شوند و اگر دوستدار ما نباشد، آنان را به گونه‌ای که ناراحت شود،
[صفحه 132]
مشاهده کند. دلیل بر این مطلب، فرموده‌ی امیرمؤمنان علیه‌السلام به حارث همدانی است که: «ای حارث، هر کس بمیرد مرا رو در رو می‌بیند، مؤمن باشد یا منافق.» [266].

آمرزش تشییع کنندگان جنازه‌ی مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نخستین تحفه‌ای که به مؤمن داده می‌شود، آمرزش تشییع کنندگان جنازه اوست. [267].

در نماز میت شرکت کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شایسته است که صاحبان عزا برادران دینی میت را از مرگ او باخبر سازند، تا در تشییع جنازه حاضر شوند و بر او نماز خوانند و بدین ترتیب، هم برای آنان اجری حاصل شود و هم برای میت استغفار به عمل آید. [268].

به یاد حمل جنازه خود باشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه جنازه‌ای را بر دوش کشیدی، تصور کن این تو هستی که بر شانه‌ها حمل می‌شوی یا گویی از پروردگارت می‌خواهی به دنیا برگردی تا چگونه (زندگی را) از سر می‌گیری حضرت سپس فرمودند: شگفت از مردمی که رستاخیز رفتگانشان
[صفحه 133]
به خاطر پیوستن بازماندگانشان به آنها به تاخیر افتاده و چاووشی در میان آنها، بانگ رحیل سر داده، اما آنان همچنان به بازی و تفریح سرگرمند.
[269].

شش ثواب مؤمن بعد از مرگ

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شش چیز است که (ثواب آنها) بعد از وفات مؤمن به او می‌رسد:
فرزندی که برایش آمرزش بطلبد، مصحفی که از خود بر جای گذارد، نهالی که بکارد، صدقه‌ی آبی (مانند نهر و قنات) که جاری سازد، چاهی که حفر کند و سنتی (و کردار نیکی) که بعد از او به کار بسته شود. [270].
[صفحه 135]

ثروت و دارایی

دام ابلیس

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شیطان آدمی را همه جا می‌گرداند و چون خسته‌اش کرد، در بزنگاه دارایی برایش کمین می‌کند و گردنش را می‌گیرد. [271].

عوامل آسوده خاطر بودن ابلیس

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ابلیس که خدایش لعنت کند، می‌گوید: هر چیزی مرا در به دام انداختن فرزند آدم خسته و درمانده کند، یکی از سه چیز هرگز مرا درباره او به رنج نخواهد افکند:
به دست آوردن مال از راه غیر حلال، یا نپرداختن حق و حقوق آن، یا مصرف نابجای آن. [272].

مال حلال

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خیری نیست در کسی که دوست نداشته باشد از راه حلال مال به دست آورد تا به وسیله‌ی آن آبرویش را حفظ کند و بدهکاریش را بپردازد و صله‌ی رحم به جا آورد. [273].
[صفحه 136]

مایه‌ی بلند مرتبگی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بر تو باد بهسازی دارایی؛ زیرا که دارایی مایه‌ی بلند مرتبگی کریم است و سبب بی‌نیاز شدن از لئیم. [274].

دنیا یاور آخرت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نیکو یاوری است، دنیا برای آخرت. [275].

عامل ثروتمند شدن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ گاه ثروت مردی زیاد نشد مگر این که حجت خدای متعال بر او بزرگ شد. پس اگر می‌توانید این حجت را از خود دور کنید، این کار را بکنید. عرض شد: با چه چیز؟ فرمودند: با برآوردن نیازهای برادران خود از اموالتان. [276].

اثر ثروت زیاد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از جمله سخنان نجواآمیز خدای متعال با موسی علیه‌السلام این بود: به ثروت زیاد هیچ کس غبطه مخور؛ زیرا ثروت زیاد مایه‌ی گناهان زیاد می‌شود. چون حقوقی بر آن واجب می‌گردد. [277].
[صفحه 137]

عامل آسایش دل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
آسایش دل را جستجو کردم، آن را در کمی مال و ثروت یافتم. [278].

قناعت کردن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ مالی سودمندتر از قناعت کردن به اندکی که بسنده کند، نیست. [279].

اموال، امانت خداوند است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اموال از آن خداست و آنها را نزد آفریدگان خویش امانت نهاده است و فرمانشان داده که از آن با میانه‌روی بخورند و با میانه روی بنوشند و با میانه‌روی بپوشند و با میانه‌روی ازدواج کنند و با میانه‌روی وسیله‌ی سواری بخرند و سوار شوند و مازاد بر آن را به مؤمنان نیازمند ببخشند. هر که از این حد (اعتدال و میانه‌روی) فراتر رود، آنچه از آن مال می‌خورد حرام است و آنچه می‌نوشد حرام و آنچه می‌پوشد حرام و آنچه به وسیله‌ی آن مال ازدواج می‌کند حرام و آنچه سوار می‌شود حرام است. [280].

تهدیستان و توانگران شریک هم هستند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تبارک و تعالی، توانگران و تهیدستان را در اموال شریک قرار داده است. پس توانگران حق ندارند (سهم آنها را) به غیر شرکای خود بدهند. [281].
[صفحه 140]

نبوت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سوال از فلسفه‌ی نبوت فرمودند:
برای این که بعد از پیامبران دیگر حجت و بهانه‌ای برای مردم در برابر خدا باقی نماند و نگویند: کسی نیامد که ما را نوید و بیم دهد و برای اینکه خدا بر مردم حجت داشته باشد. آیا نمی‌شنوی که خدای عزوجل به نقل از نگهبانان دوزخ و حجت آوردن آنان در برابر دوزخیان به وجود پیامبران و فرستادگان، می‌فرماید:
(آیا برای شما بیم دهنده‌ای نیامد...)، (الم یأتکم نذیر...) (ملک / 10 - 8) [282].

یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر برانگیخت. [283].

سرور پیامبران

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سرور پیامبران و فرستادگان پنج نفرند و آنان رسولان اولوالعزم هستند و سنگ آسیا (ی نبوت) بر محور آنها می‌چرخد: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد درود و صلوات خدا بر محمد و خاندان او و بر همه پیامبران باد. [284].

سرمایه‌ی کلام

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 141]
خداوند عزوجل، آنگاه که رسولان خود را فرستاد آنان را با زر و سیم نفرستاد، بلکه با (سرمایه) کلام فرستاد. [285].

پررنج و بلاترین مردم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پر رنج و بلاترین مردم پیامبران، صلوات الله علیهم اجمعین، هستند پس کسانی که بعد از آنها می‌باشند و آنگاه کسانی که در مرتبه بعد و بعدتر قرار دارند. [286].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چهار خصلت از اخلاق پیامبران است: نیکی کردن، بخشندگی، شکیبایی در برابر سختی‌ها و گزاردن حق مؤمن. [287].

معنای دعای امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ظهور کند، وارد مسجدالحرام می‌شود و رو به کعبه می‌ایستد و پشت به مقام می‌کند و دو رکعت نماز می‌گزارد و آنگاه برمی‌خیزد و می‌گوید: ای مردم، من نزدیک‌ترین مردم به آدم هستم، ای مردم، من نزدیکترین مردم به ابراهیم هستم؛ ای مردم، من نزدیکترین مردم به اسماعیل هستم؛ ای مردم، من نزدیک‌ترین مردم به محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) هستم. پس دو دست خود را به
[صفحه 142]
آسمان برمی‌دارد و چندان دعا و تضرع می‌کند که به رو می‌افتد و این است (معنای) سخن خدای عزوجل که: (امن یجیب المضطر اذا دعاه فیکشف السوء). [288].

سبب نام‌گذاری آدم به آدم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
آدم را آدم نامیده‌اند، چون از ادیم (پوست) زمین آفریده شده است. [289].

سبب نام گذاری حوا به حوا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حوا را حوا نامیده‌اند چون از حی (موجود زنده) آفریده شده است: خداوند عزوجل می‌فرماید: (شما را از نفسی واحد آفرید و جفتش را نیز از همان آفرید)، (خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها) (نساء / 1) [290].

چهار کلمه را بیاموزید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای عزوجل به آدم علیه‌السلام وحی فرمود: من همه سخن را در چهار کلمه برای تو گرد می‌آورم. عرض کرد: پروردگارا! آن چهار کلمه چیست؟ فرمود: یکی از من است، یکی از تو، یکی به رابطه من و تو مربوط می‌شود و یکی به رابطه میان تو و مردم.
آن که اختصاص به من دارد، این است که مرا بندگی کن و چیزی را شریکم نگردانی. آن که اختصاص به تو دارد، این است که هر کاری انجام دهی به سبب آن
[صفحه 143]
تو را سزا و پاداش دهم که بیش از هر چیز به آن محتاجی، آن که به رابطه‌ی میان من و تو مربوط می‌شود، این است که تو دعا کنی و من اجابت کنم و آن که به رابطه‌ی میان تو و مردم مربوط می‌شود، این است که برای مردم آن بپسندی که برای خود می‌پسندی. [291].

خانه حضرت ادریس

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مسجد سهله جایگاه خانه ادریس پیامبر علیه‌السلام است که در آن خیاطی می‌کرد. نیز حضرت فرمودند: هر گاه وارد کوفه شدی، به مسجد سهله برو و در آن نماز بگزار و حوایج دین و دنیایت را از خدا بخواه؛ زیرا مسجد سهله همان خانه ادریس علیه‌السلام است که در آن جا خیاطی می‌کرد و نماز می‌گزارد. [292].

سبب نام گذاری ادریس به ادریس

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ادریس را ادریس نامیدند؛ چون زیاد درس می‌خواند و مطالعه می‌کرد. [293].

زندگی دو هزار و پانصد ساله نوح

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نوح علیه‌السلام دو هزار و پانصد سال زندگی کرد که هشتصد و پنجاه سالش را بیش از مبعوث شدن به نبوت سپری کرد و نهصد و پنجاه سال را به دعوت قوم خود
[صفحه 144]
گذراند و دویست سال را به کار ساختن کشتی مشغول بود و پانصد سال را بعد از فرود آمدن از کشتی و فروکش کردن آب به سر آورد که در این مدت به ساختن شهرها پرداخت و فرزندانش را در آنها جای داد.
آنگاه ملک الموت نزد او که در آفتاب نشسته بود، آمد و گفت: سلام بر تو.
نوح جواب سلام او را داد و گفت: برای چه آمده‌ای، ای ملک الموت؟
گفت: آمده‌ام جانت را بگیرم. نوح گفت: اجازه می‌دهی از آفتاب به سایه بروم؟ عزرائیل علیه‌السلام گفت: آری نوح علیه‌السلام به سایه رفت و آنگاه گفت: ای ملک الموت، این عمری که در دنیا کردم انگار به اندازه‌ی همین رفتنم از آفتاب به سایه بود. حال مأموریت خود را انجام بده. حضرت فرمودند: پس، جان او را گرفت. [294].

صبر ایوب

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ایوب در هیچ بلای خود عافیت و بهبودی مسألت نکرد. و نیز ابن‌عباس گفت: همسر ایوب روزی به او گفت: کاش دعا کنی خداوند تو را شفا بخشد! ایوب فرمود: وای بر تو! ما هفتاد سال در نعمت بودیم، حالا بیا همین اندازه در سختی و گرفتاری نیز صبور باشیم! ابن‌عباس می‌گوید: بعد از آن، اندک زمانی نگذشت که ایوب علیه‌السلام بهبود یافت. و نیز حضرت فرمودند:
ایوب بدون هیچ گناهی، هفت سال مبتلا شد. [295].
[صفحه 145]

به آنچه امید نداری امیدوار باش

و نیز حضرت فرمودند:
به آنچه امید نداری امیدوارتر باش تا به آنچه امید داری؛ زیرا موسی علیه‌السلام رفت که مقداری آتش بیاورد اما وقتی به سوی خانواده خود برگشت پیامبری مرسل بود. [296].

علت انتخاب موسی به پیامبری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند به موسی بن عمران علیه‌السلام وحی فرمود: ای موسی، آیا می‌دانی چرا از میان آفریدگانم تو را برگزیدم و برای سخنم تو را انتخاب کردم؟ عرض کرد: نه، ای پروردگار. خداوند به او وحی فرمود: من به زمین نگریستم و در روی آن کسی را نیافتم که در برابر من متواضع‌تر از تو باشد [297].

سبب نام گذاری حضرت خضر به خضر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خضر علیه‌السلام پیامبری مرسل بود که خداوند تبارک و تعالی وی را به سوی قومش فرستاد و او آنان را به یگانه دانستن خدا و اقرار به پیامبران و فرستادگان او و کتاب‌هایش فراخواند و معجزه‌اش این بود که روی هر چوب خشک یا زمین بی‌علفی می‌نشست، سبز می‌شد و از این رو خضر نامیده شد. [298].
[صفحه 146]

حضرت اسماعیل پیامبر بود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اسماعیلی که خدای عزوجل در کتاب خود فرموده است: (در این کتاب از اسماعیل یاد کن..)، (و اذکر فی الکتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد...) (مریم / 54 و 55)
آن اسماعیل فرزند ابراهیم نیست. بلکه پیامبری از پیامبران بود که خداوند عزوجل او را به سوی قومش فرستاد و آنها او را گرفتند و پوست سر و رویش را کندند. فرشته‌ای نزد وی آمد و گفت: خداوند مرا نزد تو فرستاده است، هر دستوری که می‌خواهی به من بده. او گفت: من به آنچه با حسین علیه‌السلام می‌شود اقتدا می‌کنم و حسین بن علی علیهماالسلام سرمشق من است. [299].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سوال حماد از لقمان و حکمت او فرمودند:
به خدا قسم که حکمت، به سبب شرافت خانوادگی یا مال و ثروت یا زن و فرزند یا قدرت جسمی و یا زیبایی، به لقمان داده نشد. بلکه او مردی بود در کار خدا نیرومند و با نشاط، پارسا، خاموش و آرام، ژرف‌اندیش و پر تفکر، تیزبین، پندآموز از عبرت ها. هرگز در روز نخوابید، هیچ کس او را در حال قضای حاجت یا شستشوی بدنش ندید؛ زیرا به شدت با حیا و ژرف‌اندیش و مراقب حرکات و سکنات خویش بود.
هرگز عصبانی نشد. هرگز با کسی شوخی نکرد، هیچ گاه برای دست یافتن به چیزی از دنیا شاد نشد و برای از دست دادن چیزی از آن اندوهگین نگشت. زنان بسیاری گرفت و فرزندان بسیاری به دنیا آورد، اما بیشتر آنان پیش از او به سرای
[صفحه 147]
آخرت شتافتند و او بر مرگ هیچ یک از آنان نگریست. هرگز از دو نفر که با هم بحث یا کتک کاری می‌کردند نگذشت، مگر این که آن دو را آشتی داد و با رفتن او با یکدیگر دوست شدند. هرگز سخن نیکویی از کسی نشنید، مگر آن که معنای آن سخن و گوینده اصلیش را از او پرسید. با مردمان دانا و حکیم بسیار همنشینی می‌کرد، بر قاضیان و پادشاهان و دولتمردان وارد می‌شد و برای قاضیان از این که به چنان شغل خطرناکی گرفتار آمده‌اند، دلسوزی می‌کرد و نسبت به پادشاهان و دولتمردان که به سلطنت و قدرت دل بسته و از خدای بی‌خبر شده‌اند اظهار ترحم می‌نمود.
او عبرت می‌گرفت و عواملی را که با آن بر نفس خود چیره آید و به وسیله‌ی آنها با هوس خویش بجنگد و از شیطان دوری کند، می‌آموخت. دلش را با اندیشیدن مداوا می‌کرد و نفسش را با عبرت‌ها. و به جایی سفر نمی‌کرد، مگر این که برایش سودمند باشد. این چنین بود که به او حکمت عطا گردید و عصمت و مصونیت از گناه ارزانیش شد.
خدای تبارک و تعالی در نیمروزی که چشم‌ها با خواب نیمروزی آرام گرفته بود، به دسته‌ای از فرشتگان دستور داد، به طوری که لقمان صدایشان را بشنود و خودشان را ببیند، او را ندا دهند و بگویند:
ای لقمان، آیا می‌خواهی خداوند تو را خلیفه‌ی خود در زمین قرار دهد تا میان مردم داوری کنی؟ لقمان گفت: اگر خداوند مرا به این کار فرمان دهد با جان و دل می‌پذیرم؛ چون اگر او این کار را با من بکند، خودش هم مرا کمک می‌کند و نحوه‌ی داوری را تعلیم می‌دهد و از خطا نگهم می‌دارد،

ولی اگر انتخاب مرا به من واگذارد من کنج عافیت را اختیار می‌کنم
فرشتگان گفتند: ای لقمان، چرا این حرف را زدی؟ گفت: زیرا داوری میان مردم، از دشوارترین و پرفتنه و پر بلاترین منزلگاه‌های دین است. آدمی تنها می‌ماند و کسی هم کمکش نمی‌کند و ظلم و
[صفحه 148]
حق کشی از هر سو آن را در میان دارد و کسی که عهده‌دار این منصب می‌شود، از دو حال خارج نیست؛ اگر مطابق حق داوری کند در این صورت جا دارد که به سلامت رهد و اگر خطا کند راه بهشت را خطا پیموده است.
کسی که در دنیا خوار و ناتوان باشد، در قیامت راحت‌تر می‌تواند رئیس و آقا و ارجمند باشد و کسی که دنیا را بر آخرت برگزیند، هر دوی آنها را می‌بازد، چون دنیایش تمام می‌شود و به آخرت هم نمی‌رسد.
امام علیه‌السلام فرمودند: فرشتگان از حکمت لقمان شگفت‌زده شدند و خداوند رحمان گفتار و منطق او را پسندید. چون شب شد و لقمان به بستر خویش رفت، خداوند حکمت را بر وی نازل کرد و از سر تا پایش را غرق حکمت نمود و او همچنان در خواب بود و خداوند پوششی از حکمت بر وی پوشاند و وقتی بیدار شد حکیم‌ترین مردم روزگارش شده بود و میان مردم می‌آمد و سخنان حکیمانه می‌گفت و حکمت منتشر می‌کرد.
حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمودند: پس از آن که حکم خلافت به لقمان داده شد و او آن را نپذیرفت خداوند به فرشتگان دستور داد و آنها خلافت را به داود علیه‌السلام پیشنهاد کردند و داود علیه‌السلام آن را پذیرفت، بدون آن که شرطی را که لقمان علیه‌السلام کرده بود بیان کند. پس خداوند خلافت در زمین را به داود علیه‌السلام داد و بارها در این کار مبتلا و آزموده شد و هر بار دچار لغزش و خطا می‌شد.
اما خداوند او را می‌پذیرفت و می‌بخشید. لقمان علیه‌السلام زیاد به دیدن داود علیه‌السلام می‌رفت و با موعظه‌ها و سخنان حکیمانه و دانش بسیار خود او را اندرز می‌داد و داود علیه‌السلام به او می‌گفت: خوشا به حالت ای لقمان علیه‌السلام، حکمت به تو داده شد و به بلای خلافت گرفتار نشدی، اما به داود علیه‌السلام خلافت داده شد و به کار داوری و فتنه گرفتار آمد.
[صفحه 149]
حضرت امام صادق علیه‌السلام سپس آیه را تلاوت نمودند: (و آن گاه که لقمان در مقام اندرز به فرزندش گفت: ای فرزندم، به خدا شرک نورز؛ زیرا که شرک ستمی بزرگ است.) حضرت فرمودند: لقمان فرزند خود را به مطالبی پند و اندرز داد، تا جایی که او پرورش یافت و رشد نمود.
ای حماد، از جمله اندرزهای او به فرزندش این بود که گفت:
فرزندم، تو از همان روزی که به دنیا آمدی پشت به دنیا و رو به آخرت

کردی. پس، خانه‌ای که به سویش در حرکت هستی نزدیک‌تر به توست از خانه‌ای که در حال دور شدن از آن هستی. فرزندم، با دانایان همنشینی کن و زانو به زانوی آنان بزن، با آنان مجادله مکن که در نتیجه، دانش خود را از تو دریغ کنند. از دنیا به قدر کفاف برگیر و به کلی آن را دور مینداز تا در نتیجه سربار مردم نباشی و آن چنان هم به دنیا مپرداز که به آخرتت زیان رساند. آن قدر روزه بگیر که از شهوت تو جلوگیری کند و چندان روزه مگیر که تو را از نماز بازدارد؛ زیرا نماز نزد خداوند محبوب‌تر از روزه است.
فرزندم، دنیا دریایی ژرف است که مردمان بسیاری در آن نابود شده‌اند. پس در این دریا کشتی خود را ایمان قرار ده و بادبانش را توکل و ره‌توشه‌اش را تقوای خدا؛ اگر نجات یافتی که به سبب رحمت و مهربانی خدا نجات یافته‌ای، و اگر هلاک شدی به سبب گناهان خودت هلاک شده‌ای.
فرزندم، اگر در خردسالی ادب آموختی، در بزرگسالی از آن بهره‌مند خواهی شد و کسی که ادب را سرمایه و توانگری بداند، بدان اهتمام ورزد و کسی که نسبت به ادب اهتمام ورزد، در راه آموختن آن خود را به رنج و زحمت اندازد و هر که در راه آموختنش رنج برد، سخت در پس آن برآید و هر که سخت در پی ادب برآید، به منافع آن برسد. پس، ادب را خوی و عادت خود گیر؛ زیرا با این کار جانشین گذشتگانت می‌شوی و جانشین خود را سود می‌رسانی و امیدوار به تو امید می‌بندد
[صفحه 150]
و بیمناک از صولت و ابهت تو می‌رسد. زنهار که در فراگرفتن ادب سستی و تنبلی کنی و در طلب جز آن برآیی. اگر در امر دنیا شکست خوردی، مبادا در کار آخرت دچار شکست شوی. اگر تحصیل علم را از جایگاهش از دست دادی، بدان که در کار آخرت شکست خورده‌ای. از روزها و شب‌ها و ساعات خود زمانی را هم به تحصیل علم اختصاص بده؛ زیرا هیچ چیز مانند ترک علم، علم را ضایع نمی‌کند. هیچ گاه با افراد لجوج بحث علمی نکن. با افراد دانا هرگز به جدال مپرداز. با هیچ قدرتمندی دشمنی مورز، با هیچ ستمگری همراهی و دوستی مکن، با هیچ گنهکار آلوده‌ای دوستی مکن و با هیچ شخصی که متهم به گناه و فساد است، رفاقت مورز و دانش خود را مانند پوست گنجینه و پنهان کن.
فرزندم، از خداوند چنان بترس که اگر در روز قیامت نیکی‌های جن و انس را با خود بیاوری، باز بیم آن داشته باشی که عذابت کند و به خداوند چنان امیدوار باش که اگر روز قیامت با گناهان جن و انس بیایی، باز امید به آمرزش او داشته باشی.
فرزند لقمان به او گفت: ای پدر، چگونه طاقت و گنجایش چنین چیزی را داشته باشم، حال آن که مرا یک دل بیش نیست؟ لقمان به او فرمود:

فرزندم، اگر دل مؤمن را بیرون آورند و آن را بشکافند، در آن، دو نور یافت می‌شود: نوری از بیم و نوری از امید. اگر این دو نور با هم وزن شوند، هیچ یک به وزن ذره‌ای سنگین‌تر از دیگری نخواهد بود. کسی که به خدا ایمان داشته باشد، آنچه را او باور کند، آنچه را خدا فرمان داده است به کار می‌بندد و کسی که فرمان خدا را به کار نبندد، گفته او را باور نکرده است. این خلق و خوی‌ها هر یک گواه بر دیگری می‌باشد.
پس، کسی که صادقانه به خداوند ایمان بیاورد، خالصانه و بی‌ریا برای خدا کار کند، صادقانه به خدا ایمان آورده است. و کسی که از خدا اطاعت کند، از او می‌ترسد و کسی که از خدا بترسد، او را دوست هم دارد و کسی که او را دوست بدارد، فرمانش را پیروی می‌کند و کسی که فرمان او را پیروی کند، مستوجب بهشت و
[صفحه 151]
خشنودی خدا می‌شود و کسی که به دنبال خشنودی خدا نباشد، از خشم و ناخشنودی خدا هم باکی ندارد. پناه می‌بریم به خدا از خشم و ناخشنودی او.
فرزندم، به دنیا اعتماد مکن و دلت را بدان مشغول مساز؛ زیرا خداوند هیچ آفریده‌ای نیافریده است که در نظر او خوارتر از دنیا باشد. مگر نمی‌بینی که نعمت‌های دنیا را پاداش مطیعان قرار نداده و بلای آن را کیفر نافرمانان در نظر نگرفته است؟ [300].

سخن خداوند با حضرت داود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تبارک و تعالی به داود علیه‌السلام وحی فرمود: چه شده است که تو را تنها می‌بینم؟ عرض کرد: به خاطر تو، مردم را ترک کرده و آنان نیز مرا ترک کرده‌اند. فرمود: چه شده است که تو را خاموش می‌بینم؟ عرض کرد: ترس از تو، مرا خاموش ساخته است. فرمود: چه شده است که تو را رنجور می‌بینم؟ عرض کرد: عشق و محبت تو، مرا رنجور ساخته است. فرمود: چه شده است که تو را فقیر می‌بینم، حال آن که تو را بهره‌مند ساخته‌ام؟ عرض کرد: گزاردن حق تو، مرا فقیر کرده است. فرمود: چه شده است که تو را خوار می‌بینم؟
عرض کرد: عظمت وصف ناشدنی جلال تو، مرا خوار کرده است و این حق توست ای آقای من. خداوند جل جلاله فرمود: پس مژده باد تو را به فضل من، آن روزی که مرا ملاقات کنی، هر چه دوست داشته باشی به تو ببخشم. با مردم بیامیز و با اخلاق آنان بساز، اما در اعمال و کردارشان با آنان همراهی مکن تا روز قیامت بدانچه از من خواهی دست یابی. [301].
[صفحه 152]

سخن گفتن قورباغه با حضرت داود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
داود علیه‌السلام گفت: امروز خدا را چنان عبادتی کنم و چنان قرائتی بخوانم که هرگز چنان نکرده باشم. پس به محراب خود رفت و آن کرد (که گفت). چون نمازش را به پایان برد، ناگاه چشمش به قورباغه‌ای در محراب افتاد. آن قورباغه به او گفت: ای داود، عبادت و قرائتی که امروز به جای آوردی تو را خوش آمد؟ گفت: آری. قورباغه گفت: هرگز تو را به اعجاب وا ندارد؛ زیرا من در هر شب، خداوند را هزار بار تسبیح می‌گویم که از هر تسبیحی سه هزار حمد و ستایش منشعب می‌شود. گاه من در قعر آب هستم و پرنده‌ای در هوا آواز می‌دهد و من به گمان این که او گرسنه است برایش روی آب می‌آیم تا مرا بخورد بدون آن که هیچ گناهی کرده باشم. [302].

غذای حضرت سلیمان و خانواده‌اش

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سلیمان علیه‌السلام به میهمانان خود گوشت و نان سفید می‌خوراند و به خانواده‌اش نان گندم سبوس‌دار و خودش نان جو نابیخته می‌خورد. [303].

جامه‌ی کعبه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نخستین کسی که بر خانه‌ی خدا جامه پوشانده، سلیمان بن داود علیه‌السلام بود که با جامه‌های کتاب قبطی آن را پوشش داد. [304].
[صفحه 153]

تهیه‌ی شکر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نخستین کسی که شکر تهیه کرد، سلیمان بن داود علیهماالسلام بود.
[305].

عشق و عاشقی گنجشک

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سلیمان علیه‌السلام گنجشک نری را دید که به جفت خود می‌گوید: چرا خودت را از من دریغ می‌کنی؟ اگر بخواهی (یا بخواهم) قبه سلیمان را با منقار خود برمی‌دارم و آن را به دریا می‌افکنم. سلیمان در حالی که لبخند می‌زد به آن گنجشک گفت: آیا براستی می‌توانی این کار را بکنی؟ گنجشک گفت: نه، ای پیامبر خدا، اما گاهی اوقات مرد برای همسرش خودنمایی می‌کند و خودش را پیش او بزرگ نشان می‌دهد و عاشق را بر آن چه می‌گوید ملامتی نیست. سلیمان به گنجشک ماده گفت: چرا خودت را از او دریغ می‌داری، در حالی که او عاشق توست؟ گفت: ای پیامبر خدا، او عاشق نیست بلکه لاف عشق می‌زند؛ چون در کنار من غیر مرا هم دوست دارد. سخن ماده گنجشک در دل سلیمان اثر کرد و بشدت گریست و چهل روز از مردم کناره گرفت و در این مدت از خداوند مسألت می‌کرد که دل او را برای محبت خودش خالی گرداند و محبتش را با محبت غیر خود نیامیزد. [306].

گناه حضرت یونس

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در حالی که دستشان را به آسمان برداشته بودند، فرمودند: پروردگارا، هرگز مرا چشم به هم زدنی به خودم وامگذار، نه کمتر از آن و نه بیشتر.
[صفحه 154]
ابن ابی‌یعفور می‌گوید: بی‌درنگ اشک از گوشه‌های محاسنش جاری شد سپس رو به من کرد و فرمودند: ای پسر ابی‌یعفور، یونس بن متی را خداوند عزوجل کمتر از یک چشم بر هم زدن، به خودش واگذاشت و در نتیجه آن گناه را کرد. عرض کردم: خداوند خیرتان دهد، آیا آن گناه او را به حد کفر رساند؟ حضرت فرمودند: نه، اما مردن در آن حال هلاکت است. [307].
[صفحه 157]

کبر و غرور

کبر و گردنکشی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
تکبر گاهی در دون پایه‌ترین افراد جامعه از هر قشری یافت می‌شود. روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از یکی از کوچه‌های مدینه می‌گذشتند. زن سیاهی وسط کوچه سرگین جمع می‌کرد به آن زن گفتند: از سر راه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) کنار برو. زن گفت: راه پهن است. یکی از مردم خواست او را کنار بزند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: رهایش کن؛ او زن گردنکشی است. [308].

عامل دستیابی به بزرگواری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که از تکبر پاک شود، به بزرگواری دست یابد. [309].

نشان کبر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به عبدالله بن طلحه فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر بنده‌ای به اندازه‌ی وزن دانه‌ی خردلی در دلش تکبر باشد، به بهشت نمی‌رود و هر بنده‌ای که به وزن دانه‌ی خردلی در دلش ایمان باشد، به دوزخ نمی‌رود.
عرض کردم: فدایت شوم، انسان (گاه) لباس می‌پوشد و مرکبی سوار می‌شود، آیا این نشانه‌ی کبر است؟ حضرت فرمودند: چنین نیست، بلکه کبر، انکار حق است و ایمان اقرار به حق. [310].
[صفحه 158]

و نیز محمد بن عمر بن یزید به حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمود:
من خوراک خوب می‌خورم و بوی خوش به کار می‌برم و بر مرکب راهوار و خرامان سوار می‌شوم و غلامم در پی من حرکت می‌کند. اگر در این رفتار، نوعی تکبر است از آن دست بردارم؟ حضرت مدتی خاموش ماندند و سپس فرمودند: گردنکش لعنت شده، کسی است که مردم را خوار شمرد و حق را نشناسد. [311].

کمترین حد الحاد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ از سوال کمترین حد الحاد، فرمودند: تکبر کمترین حد آن است. [312].

بزرگترین تکبر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: بزرگترین تکبر، پست شمردن مردم است و استخفاف نسبت به حق، عبدالاعلی بن اعین می‌گوید: عرض کردم: پست شمردن مردم و استخفاف حق چیست؟ حضرت فرمودند: در برابر حق، نادانی کند و از اهل حق بد گوید. پس هر که چنین کند با خداوند عزوجل بر سر ردای او ستیزیده است. [313].

معنی تکبر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
تکبر این است که مردم را تحقیر کنی و حق را خوار شماری. [314].
[صفحه 159]

مکان آمرزیده شدن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس با دلی تهی از کبر از مأزمان (جایی‌است میان عرفه و مشعر)، (مجمع البحرین) بگذرد، خداوند او را بیامرزد. راوی می‌گوید: عرض کردم: کبر چیست؟ حضرت فرمودند: حقیر شمردن مردم و استخفاف نسبت به حق. و نیز حضرت فرمودند: هر که با دلی پاک از کبر وارد مکه شود، خداوند گناهش را بیامرزد. عبدالملک می‌گوید: عرض کردم: کبر چیست؟ حضرت فرمودند: خوار شمردن مردم و استخفاف نسبت به حق. عرض کردم: چگونه؟ فرمودند: در برابر حق نادانی کند و از اهل حق بد گوید. [315].

در شمار متکبران نباشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که بر این باور باشد که از دیگران برتر است، او در شمار مستکبران است. حفص بن غیاث می‌گوید: عرض کردم: اگر گنهکاری را ببیند و به سبب بی‌گناهی و پاکدامنی خود، خویشتن را از او برتر بداند چه؟ فرمودند: هیهات هیهات! چه بسا که او آمرزیده شود اما تو را برای حسابرسی نگه دارند؛ مگر داستان موسی علیه‌السلام را نخوانده‌ای؟ [316].

لباس زیبا، حد کبر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه به وادی مکه وارد شدید، لباس‌های فرسوده یا جامه‌های کهنه یا لباس‌های زبر و درشت خود را بپوشید؛ زیرا هیچ گاه کسی با دلی تهی از کبر به وادی مکه وارد نشود، مگر این که خداوند او را بیامرزد. عبدالله بن ابی‌یعفور گفت:
[صفحه 160]
حد کبر چیست؟ حضرت فرمودند: این که انسان جامه‌ی زیبایی بپوشد و به خودش نگاهی کند و دوست داشته باشد که مردم او را در آن لباس ببینند. حضرت سپس این آیه را تلاوت نمودند: (بلکه انسان به خود بیناست)، (بل الانسان علی نفسه بصیره). [317].

عامل کبر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ مردی تکبر یا گردنفرازی نکرد، مگر به سبب احساس خواری و حقارتی که در خود یافت. [318].

عامل رفع کبر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام امام باقر علیه‌السلام در پاسخ به سؤال مولایمان حضرت صادق علیه‌السلام از (حکمت دفع) مدفوع (از انسان) فرمودند:
برای تحقیر آدمیزاد است، تا او که با خود مدفوعش را حمل می‌کند، تکبر نورزد. [319].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که خودش جامه‌ای را وصله کند و کفش را پینه زند و کالایش را حمل کند، هر آینه از کبر مبراست. [320].
[صفحه 161]

توقع متکبر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
متکبر، هرگز نباید توقع تعریف و تمجید (دیگران از خود را) داشته باشد.
[321].

اثر فخرفروشی و فروتنی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ بنده‌ای نیست، مگر این که بر سرش لگامی است و فرشته‌ای که آن را نگه می‌دارد و هر گاه بزرگی فروشد، فرشته به او گوید: فروتن باشد، خدایت پست کند تو را. از آن پس، پیوسته در نظر خود بزرگترین مردمان و در چشم مردم کوچکترین افراد باشد و هر گاه فروتنی کند، خدای عزوجل او را بلند مرتبه گرداند و فرشته به او گوید: سرت را بالا بگیر، خدایت سرفراز کند تو را. از آن پس، همواره در نظر خود کمترین مردم و در چشم مردم، بلند مرتبه‌ترین افراد باشد. [322].

شکل متکبران در صحرای محشر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
متکبران به شکل مورچه درآورده می‌شوند و مردم آنها را همچنان پایمال می‌کنند، تا آنگاه که خدا از حساب (بندگان) فارغ شود. [323].
[صفحه 162]

سقر دره‌ای در دوزخ

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در دوزخ دره‌ای است برای متکبران به نام (سقر). این دره از شدت گرمای خود به خدای عزوجل شکایت کرد و خواهش نمود که به وی اجازه دهد تا نفسی بکشد. پس نفس کشید و (از نفس خود) دوزخ را سوزاند. [324].
[صفحه 164]

کتابت

انتشار دانش

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به مفضل بن عمر فرمودند:
بنویس و دانش خود را در میان برادرانت منتشر کن و چون (خواستی) بمیری، آن را به پسرانت میراث ده؛ زیرا بر مردم، زمانه‌ای پر آشوب می‌رسد، که در آن جز با کتابهایشان همدم نشوند. [325].

نعمت نوشتن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای عزوجل با نعمت نوشتن و حساب کردن بر مردم، از نیک و بد، منت نهاد و اگر این دو کار نبود، آنان دچار اشتباه می‌شدند. [326].

عوامل خرد و هوش مرد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از نوشته‌ی مرد پی به خرد و بینش او برده می‌شود و از فرستاده‌اش پی به فهم و هوش او. [327].

عامل حفظ نمودن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بنویسید؛ زیرا تا ننویسید، حفظ نمی‌کنید.
[صفحه 165]
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به ابوبصیر فرمودند: عده‌ای از بصریان پیش من آمدند و احادیثی از من پرسیدند و آنها را نوشتند؛ شما چرا نمی‌نویسید؟ بدانید که تا ننویسید هرگز حفظ نخواهید شد. [328].

عامل آرامش دل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دل، به نوشتن آرام می‌گیرد. [329].

نوشتن بسم الله

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بسم الله الرحمن الرحیم را، فرومگذار اگر چه قبل از (نوشتن) یک شعر باشد حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بسم الله الرحمن الرحیم را، با نیکوترین خط خود بنویس. [330].

نامه‌نگاری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ارتباط میان برادران در حضر، دید و بازدید است و در سفر نامه‌نگاری [331].

جواب دادن نامه واجب است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
جواب دادن به نامه، همچون جواب دادن به سلام، واجب است. [332].
[صفحه 167]

رازداری

دو مأموریت مردم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مردم به دو خصلت مأمور شدند، اما آنها را تباه کردند و از این رو همه چیز را از دست دادند، شکیبایی و رازداری. [333].

اثر کتمان سر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پوشیده نگه داشتن اسرار ما جهاد در راه خداست.

بنده‌ی گمنام

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خوشا به حال بنده گمنامی که مردم را می‌شناسد و به ظاهر در میان آنان به سر می‌برد، اما قلبا با اعمال ایشان همراهی نمی‌کند. لذا مردم را به ظاهر می‌شناسد و مردم از باطن او خبر ندارند. [334].

بنده‌ی بی‌نام و نشان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خوشا به حال هر بنده‌ی بی‌نام و نشانی که پیش از آن که مردم او را بشناسند او مردم را می‌شناسد. [335].
[صفحه 169]

دروغگویی

نشان شخص کذاب

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نشانه‌ی شخص کذاب این است که از آسمان و زمین و مشرق و مغرب به تو خبر می‌دهد. اما هر گاه درباره‌ی حرام و حلال خدا از او بپرسی چیزی برای گفتن ندارد. [336].

هلاکت دروغگو

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شخص کذاب، با برهان‌های روشن هلاک می‌شود و پیروانش به وسیله‌ی شبهات. [337].

اثر دروغ

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دروغ مگو، که شکوهت از بین می‌رود. [338].

بخیل، حسود، شاهان و دروغگو

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بخیل را آسایش، حسود را خوشی، شاهان را وفا و دروغگو را مروت نیست. [339].
[صفحه 170]

از دروغگو کمک مخواهید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هرگز از دروغگو، کمک مخواه؛ زیرا دروغگو دور را در نظر تو نزدیک، جلوه می‌دهد و نزدیک را دور. [340].

سبب محروم شدن از نماز شب

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
انسان دروغی می‌گوید و به سبب آن، از نماز شب محروم می‌شود.
[341].

کمک خداوند بر علیه دروغگویان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از جمله کمک‌های خداوند بر علیه دروغگویان، فراموشی است. [342].

بافنده‌ی سخن، معلون است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام از ملعون بودن بافنده‌ی سخن فرمودند:
منظور از بافنده، در حقیقت، کسی است که بر خدا و رسول او دروغ ببافد.
[343].

جواز دروغ

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 171]
دروغ نکوهیده است، مگر در دو جا: دور کردن شر ستمگران و آشتی دادن میان مسلمانان. [344].

انواع سخن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سخن سه گونه است: راست، دروغ و آشتی دادن میان مردم. [345].

اصلاح دهنده دروغگو نیست

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اصلاح دهنده (میان مردم مسلمان) دروغگو به شمار نمی‌آید. [346].
[صفحه 173]

تنبلی و کاهلی

اثر تنبلی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که در طهارت و نماز خود تنبلی ورزد، در کار آخرتش به خیری نمی‌رسد. و هر که در آنچه امور معیشتی او را به سامان می‌آورد تنبلی ورزد، در کار دنیایش به خیری دست نمی‌یابد. [347].

خداوند پاداش می‌دهد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر خداوند (در برابر کار) پاداش می‌دهد، دیگر تنبلی چرا؟ [348].

دشمن کار

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دشمن کار، تنبلی است. [349].

از تنبلی بپرهیزید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از تنبلی بپرهیزید همانا پروردگار شما مهربان است و از عمل اندک نیز قدردانی می‌کند. آدمی برای رضای خدای عزوجل دو رکعت نماز مستحبی می‌خواند و خداوند بر اثر آن، او را به بهشت می‌برد و برای خشنودی خدای عزوجل درهمی صدقه‌ی مستحبی می‌دهد و خداوند به سبب آن، او را به بهشت می‌برد. [350].
[صفحه 175]

كفر

کافر کیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همانا خدای عزوجل فرایضی را بر بندگان واجب ساخته است. پس هر کس فریضه‌ای واجب را فروگذارد و به آن عمل نکند و منکرش شود، کافر است.
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: کسی که درباره‌ی خدا و رسول او شک کند کافر است. [351].

عتل و زنیم کیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (عتل بعد ذلک زنیم) فرمودند: (عتل) آدم بدکفر است و (زنیم) کسی که چندان شیفته‌ی کفر خویش است که به هیچ چیز دیگر نمی‌اندیشد. [352].

کبر مصداق کفر است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سوال از کمترین درجه الحاد فرمودند:
کبر یکی از (مصادیق) آن است. [353].

نزدیک‌ترین منازل به کفر

از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام سؤال شد:
[صفحه 176]
کسی که هرگاه سخنی بگوید، دروغ گوید و هر گاه وعده دهد خلف وعده کند و هر گاه امین شمرده شود، خیانت کند در چه منزلتی از کفر و ایمان قرار دارد؟ حضرت فرمودند:
این‌ها نزدیک‌ترین منازل به کفر هستند. اما او کافر نیست. [354].
[صفحه 178]

جبران عمل

تلافی نکنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس (رفتار) شخص نابخرد (نسبت به خود) را با نابخردی تلافی کند به رفتاری که (از جانب نابخرد) با او شده رضایت داده است؛ زیرا از نمونه‌ی او پیروی کرده است. [355].

خود را در مرتبه‌ی بی‌احترام قرار مده

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس تو را گرامی داشت، تو نیز او را گرامی بدار و هر کس به تو بی‌احترامی کرد، خودت را در مرتبه او قرار مده. [356].

عیب‌های خانه خود را نمایان نکنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که پرده‌ی دیگری را کنار زند، عیب‌های خانه‌ی خودش نمایان شود و هر که تیغ ستم برکشد، (خودش) با آن کشته شود و هر که برای برادر خود چاهی بکند، خود در آن افتد و هر که با نابخردان درآمیزد بی‌مقدار شود و هر که با دانایان بنشیند با وقار و گرانمایه شود و هر که به جاهای بد وارد شود مورد تهمت قرار گیرد. [357].

خوش رفتاری و عفت را فراموش مکن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
با پدرانتان خوش‌رفتاری کنید تا فرزندانتان با شما خوش‌رفتاری کنند و نسبت به زنان مردم عفت ورزید، تا نسبت به زنان شما عفت ورزند.
[358].
[صفحه 180]

سخن و سخنگویی

صفت دانا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دانا زیاده‌گویی نمی‌کند. [359].

جایگاه گفتار

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس جایگاه گفتار خود را نسبت به کردارش بداند، سخنان بیهوده کمتر گوید. [360].

اثر سخن نابجا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سخن را از من بشنوید که از اشتران خاکستری که دست و پایشان خطوط سیاه دارد، برای شما بهتر است! هیچ یک از شما سخن بیهوده نگوید و بسیاری از سخنان مفید را هم به زبان نیاورید مگر آن گاه که برایش جایی بیاید؛ زیرا بسا کسی که سخنی نابجا بگوید و با آن سخن بر خود، جنایت کند. [361].

عامل آرامش جان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سخن، آرام‌بخش جان است و خاموشی (و سکوت) آرام بخش خرد. [362].
[صفحه 181]

عامل نیکوکاری و بدکاری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بنده‌ی مؤمن تا زمانی که خاموش است، نیکوکار قلمداد می‌شود. اما چون سخن گوید، یا نیکوکار رقم می‌خورد یا بدکار. [363].

ای گروه شیعه! مایه‌ی زیور اهل بیت باشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ای گروه شیعه! مایه‌ی زیور ما باشید و باعث عیب و ننگ، نباشید. با مردم نیکو سخن بگویید و زبانهایتان را نگه دارید و از زیاده‌گویی و سخن زشت، بازشان دارید. [364].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه خصلت است که به هر کس روزی شود کامل است:
خردمندی، زیبایی و شیواسخنی. [365].
[صفحه 183]

پوشاک

اثر لباس کتان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کتان از لباس‌های پیامبران است و گوشت را می‌رویاند. [366].

لباس امیرالمؤمنین علی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
علی علیه‌السلام را با جامه‌ای کهنه و وصله شده دیدند و به او ایراد گرفتند. حضرت فرمودند: با این جامه، دل خاشع می‌شود و نفس ذلیل می‌گردد و مؤمنان از آن سرمشق می‌گیرند. [367].

نحوه‌ی استفاده از دارایی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دارایی‌ها از آن خداست و آنها را نزد مرد به امانت می‌سپارد و به آنها اجازه داده است که با میانه‌روی بخورند و با میانه روی بپوشند. [368].

نوع لباس پوشیدن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
لباس بپوش، که نه به آن شهرت پیدا کنی و نه باعث خفت تو شود. [369].
[صفحه 184]

آشکار ساختن نعمت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به عبید بن زیاد فرمودند:
آشکار ساختن نعمت در نزد خدا، محبوبتر از نگهداری آن در گنجه (لباس) است. پس زنهار که جز در نیکوترین نوع لباس مردم خویش ظاهر نشوی.
راوی گوید: از آن پس عبید، تا زمانی که زنده بود، جز در نیکوترین نوع لباس مردمش دیده نشد. [370].

نوع لباس زمان ظهور حضرت حجت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام بعد از وصف نوع جامه‌ی حضرت امام علی علیه‌السلام فرمودند:
این همان لباسی است که سزاوار است شما بپوشید. اما امروز ما نمی‌توانیم چنین جامه‌ای بپوشیم؛ زیرا اگر این کار را بکنیم، خواهند گفت: دیوانه است یا خواهند گفت: ریاکار است. اما زمانی که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما ظهور کند، همان لباس (امام علی علیه‌السلام) پوشیده خواهد شد. [371].

ریاکار نباشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مشغول طواف بودم، که ناگاه دیدم مردی لباس مرا می‌کشد. برگشتم دیدم عباد بصری است. او گفت: ای جعفر بن محمد علیهماالسلام! تو به جای علی علیه‌السلام نشسته‌ای و چنین لباسی می‌پوشی؟ گفتم: وای بر تو! این یک جامه‌ی قوهی (جامه‌ای که در قهستان کرمان می‌بافتند) است که به یک دینار و خرده‌ای
[صفحه 185]
خریده‌ام. علی علیه‌السلام در زمانی سر می‌برد که آنچه می‌پوشید، متناسب با آن بود ولی اگر در این زمان من چنان لباسی بپوشم مردم خواهند گفت: این مرد مثل عباد ریاکار است. [372].

عمامه، تاجهای فرشتگان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با دست خود بر سر علی علیه‌السلام عمامه بست و از جلو سر پر آن را آویزان کرد و از پشت سر به اندازه‌ی چهار انگشت کوتاه کرد و آنگاه فرمودند: برگرد. علی علیه‌السلام برگشتند. فرمودند: رویت را به طرف من کن و علی علیه‌السلام به طرف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رو کرد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:
تاجهای فرشتگان، این گونه است. [373].

جامه‌ی حریر و دیبا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مرد به جز در جنگ نباید جامه‌ی حریر و دیبا بپوشد. [374].
[صفحه 187]

لغو و بیهودگی

کارهای لهو و غفلت‌آور

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه‌ی (و کسانی که از بیهوده اعراض می‌کنند) و (و الذین هم عن اللغو معرضون) (مؤمنون / 3) فرمودند:
یعنی آن که کسی درباره‌ی تو نادرستی ببافد، یا چیزی که در تو نیست به تو نسبت دهد و تو به خاطر خدا، از او اعراض کنی.
در روایتی دیگر آمده است: مقصود خنیاگری و کارهای لهو و غفلت‌آور است. [375].

مراد از لغو چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در ذیل آیه (در بهشتی برین که در آن سخن لغو نشنوند) (فی جنة عالیه لا تسمع فیها لاغیه) فرمودند:
مقصود از لغو، شوخی و دروغ است. [376].

سبب خوار و زبون شدن آدمی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از پرداختن به آنچه بیهوده است بپرهیز، که خوار و زبون می‌شوی. [377].

ثبت کننده‌ی اعمال

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 188]
زنهار، مردم تو را از خودت غافل نگردانند؛ زیرا نتیجه آن به خودت می‌رسد نه به آنها و روز خود را با چه و چه (کارهای بیهوده) سپری مکن؛ زیرا همراه تو کسی است که آنچه را از تو سر می‌زند ثبت می‌کند. [378].
[صفحه 190]

امتحان و آزمایش

شیعیان را در سه چیز بیازمایید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شیعیان ما را در سه چیز بیازمایید: در اوقات نمازشان که چگونه بر آنها مواظبت می‌کنند در اسرارشان که چگونه آنها را از دشمنان ما حفظ می‌کنند و در امورشان که چگونه با آن به برادران خود کمک می‌کنند. [379].

امتحان بنده

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چیزی از دنیا به بنده‌ای داده نشد، مگر برای عبرت‌گیری و چیزی از او گرفته نشد مگر برای امتحان. [380].

بهترین عمل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
فریب سخن و مدح نادان را مخور که در نتیجه دچار تکبر و گردنفرازی شوی و به عملت مغرور گردی؛ زیرا بهترین عمل، عبادت و فروتنی است. [381].

ستایش و نکوهش مردم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بنده برای خدای متعال بنده‌ای خالص نشود، مگر آنگاه که ستایش و نکوهش (مردم) برایش یکسان باشد؛ زیرا کسی که نزد خداوند ممدوح باشد، با نکوهش مردم نکوهیده نمی‌شود و همچنین است کسی که نزد خداوند نکوهیده باشد. و از
[صفحه 191]
مدح و ستایش احدی نیز شادمان مشو؛ زیرا که ستایش آنان بر منزلت تو نزد خدا نمی‌افزاید و از آنچه برای تو حکم و مقدر شده بی‌نیازت نمی‌گرداند. از نکوهش هیچ کس نیز دلگیر مشو؛ زیرا که آن از (قدر) تو ذره‌ای نمی‌کاهد. [382].
[صفحه 193]

عیادت بیمار

ثواب عیادت بیمار

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس به عیادت بیماری برود، هفتاد هزار فرشته او را مشایعت می‌کنند و برایش آمرزش می‌طلبند تا آنگاه که به منزل خود برگردد. [383].

زمان عیادت بیمار

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
زمان عیادت بیمار باید به اندازه‌ی زمان رگ کردن پستان شتر یا یک دوش شتر باشد. [384].

عیادت کامل بیمار

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
عیادت کامل، این است که دستت را روی بازوی بیمار بگذاری و زود از پیش او برخیزی؛ زیرا عیادت احمق‌ها برای بیمار سخت‌تر از درد خود اوست. [385].

دست خالی نزد بیمار نروید

یکی از موالی حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
یک نفر از یاران حضرت، بیمار شد و با عده‌ای از یاران امام برای عیادت او بیرون رفتیم. در راه با حضرت صادق علیه‌السلام مواجه شدیم. از ما پرسیدند: کجا می‌روید؟ عرض کردیم: به عیادت فلانی می‌رویم. فرمودند: بایستید. ما ایستادیم. حضرت فرمودند: آیا سیبی، بهی، ترنجی، کمی عطر یا ترکه‌ای خوشبو به همراه یکی از شما
[صفحه 194]
هست؟ عرض کردیم: از این چیزها با خود نداریم. حضرت فرمودند: مگر نمی‌دانید که بیمار از این که چیزی برایش ببرند، آرامش می‌یابد. [386].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
عرض شد: آیا فکر می‌کنید که این خلایق، همگی مردم (و انسان) هستند؟
حضرت فرمودند: کسی را که مسواک نمی‌زند و کسی را که بدون علت و بیماری خودش را به بیماری می‌زند و کسی را که بدون عزا و مصیبت سر و وضعش را ژولیده می‌کند، از شمار آنها بینداز. [387].
[صفحه 196]

مجادله

آثار مجادله کردن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از مجادله کردن بپرهیز؛ که این کار عمل تو را بر باد می‌دهد و از جر و بحث کردن بپرهیز؛ که این کار تو را هلاک می‌کند و زیاد ستیزه مکن؛ زیرا که تو را از خدا دور می‌کند. [388].

مجادله را رها کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از فروتنی است که مجادله را رها کند. هر چند که حق با او باشد. [389].

با حلیم و سفیه مجادله مکن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ گاه با شخص حلیم و سفیه مجادله مکن؛ زیرا حلیم دشمنت دارد و سفیه نابودت می‌کند. [390].
[صفحه 198]

مزاح و شوخی

ستایش شوخی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ مؤمنی نیست، جز این که در او (دعابه) هست. راوی می‌گوید: عرض کردم: دعابه چیست؟ حضرت فرمودند: شوخی. [391].

شوخی خوشخویی است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به یونس شیبانی فرمودند:
با یکدیگر شوخی هم می‌کنید؟ عرض کردم: کم. فرمودند: این گونه نکنید! زیرا شوخی از خوشخویی است و تو بدان وسیله برادرت را شاد می‌سازی. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برای این که کسی را شاد کند، با او شوخی می‌کرد. [392].

دشنام کوچک

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شوخی، دشنام کوچک است. [393].

شوخی مکن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شوخی مکن؛ زیرا نورانیتت از بین می‌رود. و نیز حضرت فرمودند: از شوخی بپرهیزید، زیرا آبرو و وقار مردان را از بین می‌برد. [394].
[صفحه 199]

ترساندن مؤمن چه معنا دارد؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام که از شرکت کنندگان در پیمان عقبه و جنگ بدر بودند فرمودند:
با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نشسته بودیم که مردی (از جمع ما) برخاست و رفت و کفش‌هایش را فراموش کرد. یک نفر آنها را برداشت و زیر خود گذاشت. آن مرد برگشت و گفت: کفش‌هایم؟ افرادی که آن جا نشسته بودند، گفتند: ما آنها را ندیده‌ایم. مردی که کفش‌ها را زیر خود پنهان کرده بود؟ گفت: این جاست. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ترساندن مؤمن چه معنا دارد؟ مرد گفت: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به شوخی این کار را کردم. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دو یا سه بار فرمودند: ترساندن مؤمن چه معنا دارد؟ [395].

شرط دوستی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه مردی را دوست داشتی، با او نه شوخی کن و نه مجادله. [396].

عامل گستاخی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شوخی مکن، که بر تو گستاخ می‌شوند. [397].
[صفحه 201]

راه رفتن

اثر راه رفتن شتابزده

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
راه رفتن شتابزده، هیبت مؤمن را از بین می‌برد و نورش را خاموش می‌کند. [398].

انسان سواره و پیاده

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
امیرمؤمنان علیه‌السلام سواره به میان اصحاب خود آمدند. آنان دنبال حضرت راه افتادند. حضرت به طرف آنها برگشتند و فرمودند: کاری دارید؟
عرض کردند: نه، ای امیرمؤمنان، بلکه دوست داریم با شما راه برویم.
امام فرمودند: برگردید؛ زیرا راه رفتن پیاده با سواره موجب فاسد شدن سواره و خواری پیاده است. [399].

نحوه‌ی راه رفتن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
علی بن الحسین علیهماالسلام (در هنگام راه رفتن) دست راستش از دست چپش جلوتر نمی‌افتاد. و نیز حضرت فرمودند: علی بن الحسین علیهماالسلام چنان راه می‌رفت که انگار روی سرش پرنده‌ای است دست راستش از دست چپش پیشی نمی‌گرفت. و نیز حضرت فرمودند:
ابودجانه‌ی انصاری در روز احد دستاری بست و پر شال را میان دو شانه‌ی خود انداخت و آنگاه شروع به خرامیدن کرد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: این نوع راه رفتن را خدای عزوجل دشمن می‌دارد، مگر به هنگام جنگ در راه خدا. [400].
[صفحه 203]

نیرنگ

عوامل زیان به انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز است که در هر که باشد به زیان خود او تمام شوند:
نیرنگ بازی، عهدشکنی و سرکشی و این سخن خداوند است. آنجا که می‌فرماید: (و نیرنگ به جز (دامن) صاحبش را نگیرد) (و لا یحیق المکر السیئی الا باهله)، (فانظر کیف کان عاقبة مکرهم انا دمرناهم و قومهم اجمیعن)، (پس بنگر که فرجام نیرنگ آنها چه بود، ما آنها و قومشان را بکلی نابود کردیم) و می‌فرماید: (و من نکث فانما ینکث علی نفسه)، (کسی که پیمان شکند، در حقیقت به زیان خود پیمان می‌شکند) و می‌فرماید: (یا ایها الناس انما بغیکم علی انفسکم متاع الحیاه الدنیا)، (ای مردم سرکشی شما فقط به زیان خود شماست. شما بهره‌ی زندگی دنیا را (می‌طلبید). [401].

نیرنگ چرا؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر براستی اعمال به پیشگاه خدا عرضه می‌شود، دیگر نیرنگ چرا؟ [402].

عامل مکر خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه دیدید که بنده گناهان مردم را پی‌جویی می‌کند و گناه خود را از یاد برده، بدانید که گرفتار مکر خداوند شده است. [403].
[صفحه 205]

فقر

هدایا و خزانه خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مصیبت‌ها هدیه‌های خدایند و فقر در خزانه‌ی خداوند نگهداری می‌شود. (و آن را به هر کس نمی‌دهد) [404].

شعار صالحان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در مناجات خدا با موسی علیه‌السلام آمده است: ای موسی! هر گاه دیدی که فقر روی آورده است، بگو: خوش آمدی ای شعار صالحان و هر گاه دیدی که ثروت و توانگری روی آورده است، بگو: (این به خاطر) گناهی است که کیفرش به سوی من شتافته است. [405].

درویش متکبر کیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به حسین بن عثمان فرمودند: آیا می‌دانی درویش متکبر کیست؟ حسین بن عثمان می‌گوید: عرض کردم: کسی که مال اندک دارد؟ حضرت فرمودند: نه، درویش متکبر، کسی است که با چیزی از مال خود به درگاه خدای عزوجل تقرب نمی‌جوید. [406].

کدام ثروت بهتر است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ثروتی که تو را از ستم باز دارد، بهتر از فقری است که تو را به گناه بکشاند. [407].
[صفحه 206]

ابوذر سه چیز را دوست داشت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
درباره‌ی این سخن نقل شده از ابوذر (سه چیز است که مردم از آنها نفرت دارند و من دوستشان دارم: من مرگ و فقر و بلا را دوست دارم).
سوال شد. حضرت فرمودند: این مطلب آن گونه که مردم (از سخن ابوذر) می‌فهمند، نیست. بلکه مقصود او این است که مرگ در راه طاعت خدا را خوشتر دارم، تا زندگی توأم با معصیت خدا.
و فقر در طاعت خدا را دوست‌تر دارم، تا توانگری همراه با معصیت خدا و بلا و بیماری در راه طاعت خدا را خوشتر دارم، از تندرستی همراه با معصیت خدا. [408].

تن‌پوش فقر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
درباره‌ی حدیثی که روایت می‌شود مردی به امیرمؤمنان علیه‌السلام عرض کرد: (من تو را دوست دارم) و حضرت فرمودند: (پس) تن‌پوشی برای فقر آماده کن. سوال شد. حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
امیرالمؤمنین علیه‌السلام چنین نفرموده است بلکه فرمودند: برای نیازمندیت (یعنی روز قیامت) تن‌پوشی فراهم آورده‌ای. [409].

فقیر باشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 207]
فقیر بودن و با ما بودن بهتر است، از توانگر بودن و با غیر ما بودن و کشته شدن و با ما بودن بهتر است، از زنده بودن و با غیر ما بودن. [410].

مرگ سرخ کدام است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
فقر، مرگ سرخ است. [راوی می‌گوید:] به ابوعبدالله علیه‌السلام عرض کردم: (منظورتان) فقر دینار و درهم است؟ حضرت فرمودند: نه، فقر دینی است. [411].

عامل توانگری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
من برای کسی که میانه‌روی (و صرفه‌جویی می‌کند) ضمانت می‌کنم که فقیر نشود. [412].

جزای تحقیر مؤمن مستمند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس مؤمن مستمندی را تحقیر کند، خداوند همواره به او با دیده‌ی حقارت و خشم بنگرد تا این که از نظر تحقیرآمیز خود نسبت به آن مؤمن، دست بردارد. [413].

عامل فقر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام از پدران بزرگوارش فرمودند:
هر کس از فضل خدا، نطلبد، فقیر شود. [414].
[صفحه 208]

جزای نفرین کردن فرزند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر مردی که فرزند خود را نفرین کند، فقر برایش به ارث گذارد. [415].

صفات مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن در دین نیرومند است، در زمان توانگری میانه‌رو و در هنگام تهیدستی، آراسته. [416].

دشوارترین کار

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دشوارترین و پرزحمت‌ترین کارها، پوشیده داشتن فقر است. [417].

آخرین پیامبر که وارد بهشت می‌شود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
آخرین پیامبری که وارد بهشت می‌شود، سلیمان است و این به سبب دنیایی است که به او داده شد.
[صفحه 209]

اجر کسی که قدرت خریدن ندارد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به محمد خزاز فرمودند:
آیا به بازار نمی‌روی؟ آیا میوه‌هایی که به فروش می‌رسد و چیزهای دیگری که دلت هوس آنها را می‌کند نمی‌بینی (و قدرت خرید نداری)؟ عرض کردم: چرا! حضرت فرمودند: بدان که در برابر هر چیزی که می‌بینی اما از عهده‌ی خرید آن برنمی‌آیی، برایت حسنه‌ای است. [418].

گرامی‌ترین حالت بنده

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
گرامی‌ترین حالت بنده نزد خدا، وقتی است که درهمی بجوید و به دست نیاورد. عبدالله بن سنان می‌گوید: زمانی که امام صادق علیه‌السلام این سخن را فرمودند: من یکصد هزار (درهم) داشتم ولی امروز یک درهم ندارم. [419].
[صفحه 211]

فقه و تفقه

شرط فقیه شدن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
آدمی فقیه نباشد، مگر آنگاه که برایش مهم نباشد چه جامه‌ای بپوشد و با چه سد جوع کند. و نیز حضرت فرمودند:
روایت شده است که مردی خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد تا حضرت به او قرآن بیاموزد چون پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به این آیه رسید: (پس هر که به اندازه‌ی ذره‌ای خوبی کند، آن را می‌بیند و هر کس به اندازه‌ی ذره‌ای بدی کند (نیز) آن را می‌بیند)، عرض کرد: مرا بس است و رفت. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: این مرد، فقیه برگشت. [420].

فقیه‌ترین مردم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شما اگر مقصود سخن ما را بفهمید، فقیه‌ترین مردم خواهید بود. همانا سخن به وجوه گوناگونی قابل بیان است، پس انسان اگر بخواهد می‌تواند سخن خود را آن طور که می‌خواهد بیان کند و دروغ نگوید. [421].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ فردی از شما فقیه نباشد، مگر آنگاه که تعریضات کلام ما را بفهمد. [422].

سخن سربسته و با کنایه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به خدا قسم ما فردی از شیعیان خود را فقیه نمی‌شماریم، مگر آنگاه که سخنی سربسته و با کنایه به او گفته شود و وی مقصود را دریابد. [423].
[صفحه 212]

درگذشت فقیه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هرگاه مؤمن فقیه از دنیا برود، رخنه‌ای در اسلام پدید آید که هیچ چیز آن را نبندد. [424].

عامل خوشایند شدن شیطان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
برای شیطان، مرگ هیچ مؤمنی خوشایندتر از مرگ یک فقیه نیست.
[425].
[صفحه 214]

اندیشیدن

آینه‌ی خوبیها

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اندیشه، آینه‌ی خوبیها و پوشاننده‌ی بدیهاست. [426].

بیشترین عبادت ابوذر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بیشترین عبادت ابوذر (ره)، اندیشیدن و پند گرفتن بود.
و نیز حضرت فرمودند:
از مادر ابوذر درباره‌ی عبادت او سؤال شد. گفت: تمام روز را از مردم کناره می‌گرفت و به اندیشیدن می‌پرداخت. [427].

ارزش یک ساعت تفکر و اندیشیدن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
یک ساعت اندیشیدن بهتر از یک سال عبادت است: (جز این نیست که خردمندان پند می‌گیرند)، (انما یتذکر اولوالالباب) [428].

و نیز حسن صیقل از امام صادق علیه‌السلام پرسید: (یکساعت اندیشیدن بهتر از یک شب عبادت کردن است؟ حضرت فرمودند:
[صفحه 215]
آری. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده‌اند: ساعتی اندیشیدن بهتر از شبی را به عبادت گذراندن. عرض کردم: چگونه باید اندیشید؟ حضرت فرمودند:
به خانه‌های ویران گشته برود و بگوید: کجایند سازندگان شما؟ کجایند ساکنان شما؟ چه شده است که سخن نمی‌گویید؟ [429].
[صفحه 217]

قبر

صحبت کردن قبر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
قبر هر روز صحبت می‌کند و می‌گوید: من خانه‌ی غربتم، من خانه‌ی تنهایی‌ام، من خانه‌ی کرم‌ها هستم، من قبرم، من باغی از باغهای بهشت یا گودالی از گودال‌های دوزخم. [430].

عامل فراخ شدن قبر مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه مؤمن بمیرد هفتاد هزار فرشته او را تا گورش تشییع می‌کنند و چون در گور نهاده شود، منکر و نکیر نزدش آیند و او را بنشانند و پرسند: پروردگارت کیست؟ دینت چیست؟ پیامبرت کیست؟
و او پاسخ دهد: پروردگارم الله است و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیامبر من و اسلام دینم. پس، آن دو فرشته قبر او را تا جایی که چشمش کار می‌کند برایش فراخ گردانند و از بهشت برایش غذا آورند و او را خوش و خرم گردانند. [431].

پنج سوال قبر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از مرده در گورش پیرامون پنج چیز سوال می‌شود: از نمازش، زکاتش، حجش، روزه‌اش و ولایتش نسبت به ما خاندان. پس ولایت از گوشه قبر به آن چهار چیز گوید: هر یک از شما کم و کاستی داشتید، کامل کردن آن به عهده‌ی من. و نیز حضرت فرمودند:
در قبر پرسش نمی‌شود، مگر از کسی که مؤمن محض باشد یا کافر محض. [432].
[صفحه 218]

اثر نماز، زکات، نیکوکاری و صبر در قبر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چون مؤمن به گور خویش درآید نماز در طرف راست او قرار گیرد و زکات در جانب چپش و نیکوکاری بر فراز سرش سایه افکند و صبر و شکیبایی در گوشه‌ای بایستد. پس، هر گاه دو فرشته مأمور سوال بر او درآیند، صبر به نماز و زکات و نیکوکاری گوید: هوای یارتان را داشته باشید! اگر نتوانستید من به یاریش می‌آیم. [433].

دعای سر قبر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه چشمت به قبر افتاد بگو: بار خدایا! این را باغی از باغهای بهشت قرار ده و حفره‌ای از حفره‌های دوزخ قرارش مده. [434].

اثر رفع غم مؤمن در قبر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که غمی از مؤمن بزداید، خداوند غمهای آخرت را از او بزداید و خنک دل از گورش بیرون آید. [435].
[صفحه 220]

بهتان

حکم بهتان زدن

از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام سوال شد:
اگر کسی به فرزند زنی که به او تجاوز به عنف شده است بگوید: ای زنازاده، چه حکمی دارد؟ حضرت فرمودند:
باید هشتاد تازیانه بخورد و از گفته خود، به درگاه خدای عزوجل توبه برد. [436].

حکم تهمت ناموسی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی را که تهمت ناموسی می‌زند، باید هشتاد تازیانه زد و از آن پس هرگز شهادتی از او پذیرفته نیست. مگر بعد از آن که توبه کند یا سخن خود را تکذیب کند.
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال جمیل بن دراج از مردی که به عده‌ای سرجمع تهمت زند فرمودند:
اگر آن عده با هم او را پیش قاضی برند، یک بار حد می‌خورد و اگر به طور پراکنده ببرند، به تعداد هر نفری از آنها یک حد (تمام) می‌خورد. [437].

حکم دو مردی که به هم تهمت می‌زنند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به عبدالله بن سنان از حکم دو مردی که به یکدیگر تهمت می‌زنند، فرمودند:
بر آنان حد جاری نمی‌شود، اما تعزیر می‌شوند. و نیز حضرت فرمودند:
اگر مردی به دیگری بگوید: تو پلیدی، تو خوکی، حد ندارد اما باید او را نصیحت کرد و اندک کیفری داد. [438].
[صفحه 223]

قرآن

حقیقت را از طریق قرآن بشناسید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که حقیقت را از طریق قرآن نشناسد، از (گزند) فتنه‌ها بر کنار نماند. [439].

تازگی و طراوت قرآن

از امام صادق علیه‌السلام سوال شد: چه سری است که قرآن هر چه بیشتر خوانده و بحث شود، بر تازگی و طراوت آن افزوده می‌شود؟ حضرت فرمودند:
چون خدای تبارک و تعالی، آن را تنها برای زمانی خاص و مردمی خاص قرار نداده است. از این رو، در هر زمانی و برای هر مردمی، تا روز قیامت، تازه و باطراوت است. [440].

اثر خواندن قرآن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که قرآن بخواند توانگری است که دیگر فقیر نمی‌شود. [441].

اخبار زمین و آسمان و آیندگان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اخبار مربوط به پیشینیان و آیندگان شما و خبرهای آسمان‌ها و زمین، در این قرآن است و اگر کسی بیاید که شما را از آنها آگاه کند بی گمان شگفت‌زده خواهید شد. و نیز فرمودند:
[صفحه 224]
هیچ موضوعی نیست که دو نفر در آن اختلاف نظر پیدا کنند، مگر این که ریشه‌ی آن در کتاب خدای عزوجل هست، اما خردهای مردم به آن نمی‌رسد. [442].

آموختن قرآن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سزاوار است که مؤمن پیش از آن که بمیرد، قرآن را بیاموزد یا در حال آموختن آن بمیرد. [443].

آموختن قرآن در قبر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس از دوستان و شیعیان ما که بمیرد و قرآن را خوب بلد نباشد در قبرش قرآن به او آموخته شود تا خداوند به سبب آن درجه‌اش را بالا برد؛ زیرا درجات بهشت به اندازه‌ی شمار آیات قرآن است. پس به قرآن‌خوان گفته می‌شود: بخوان و بالا رو. [444].

ثواب خواندن هر آیه‌ای از قرآن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که قرآن می‌داند، چون وارد بهشت شود به او می‌گویند: (بخوان و بالا برو) و او می‌خواند و با هر آیه‌ای یک درجه (در بهشت) صعود می‌کند، تا این که آخرین آیه‌ای را که می‌داند می‌خواند. [445].
[صفحه 225]

اثر عمل حافظ قرآن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حافظ قرآن که به آن عمل کند، همراه فرشتگان پیغام‌آور ارجمند و نیکوکار است. [446].

اثر فراموش کردن سوره‌ی قرآن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس سوره‌ای از قرآن را فراموش کند، آن سوره (در بهشت) به صورتی زیبا و درجه‌ای رفیع در برابرش مجسم می‌شود و چون او را ببیند گوید:
تو کیستی؟ چقدر زیبایی! کاش از آن من بودی. جواب دهد: مرا نمی‌شناسی؟ من فلان و بهمان سوره هستم. اگر مرا فراموش نکرده بودی، تو را به این مکان بالا می‌آوردم. [447].

قرآن را با صدای خوش بخوانید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
علی بن الحسین علیه‌السلام قرآن را از همه مردم خوشتر می‌خواندند. به طوری که وقتی سقاها از در خانه‌ی حضرت می‌گذشتند می‌ایستادند و به صدای قرآن خواندن ایشان گوش می‌کردند. حضرت باقر علیه‌السلام نیز خوش صداترین مردم بود. و نیز حضرت فرمودند:
خداوند عزوجل هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر این که خوش صدا بود. [448].
[صفحه 226]

حق تلاوت قرآن چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه‌ی (کسانی که به آنان کتاب دادیم، آن را تلاوت می‌کنند آن گونه که حق تلاوت آن است). (الذین آتیناهم الکتاب یتلونه حق تلاوته) (بقره / 121) فرمودند:
آیاتش را روشن و شمرده می‌خوانند، سعی می‌کنند معانیش را بفهمند، احکام و فرامینش را به کار می‌بندند، به وعده‌اش امیدوارند، از عذابش می‌ترسند، از داستانهایش سرمشق می‌گیرند، از مثلهایش پند می‌گیرند، امرهایش را به جا می‌آورند و از نهی‌هایش دوری می‌کنند. به خدا سوگند که حق تلاوت قرآن به حفظ آیات و پشت سر هم خواندن حروف و کلماتش و تلاوت سوره‌ای و مطالعه‌ی حواشی و هوامش آن، نیست. حروف و کلماتش را حفظ می‌کردند و حدود و معانیش را فرو گذاشتند، بلکه به تدبر و تأمل در آیات آن است، خدای متعال می‌فرماید: (کتابی است خجسته که سوی تو فرو فرستادیم، تا در آیات آن تدبر کنند). (کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته...). [449].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
درهای معصیت را با استعاذه (گفتن اعوذ بالله من الشیطان الرجیم) ببندید و درهای طاعت را با تسمیه (گفتن بسم الله الرحمن الرحیم) بگشایید. و نیز حضرت در پاسخ به سوال از استعاذه در هنگام شروع هر سوره‌ای فرمودند: آری، از شیطان رجیم که پلیدترین شیاطین است به خدا پناه بر. [450].
[صفحه 227]

قرآن را در یک ماه ختم کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سوال از ختم کردن قرآن در یک شب فرمودند: خوش ندارم که آن را در کمتر از یک ماه بخوانی. [451].

قاریان قرآن سه گونه‌اند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
قاریان سه گونه‌اند:
قاریی که قرآن می‌خواند، تا بدان وسیله از شاهان به نوایی برسد و بر مردم فخر و بزرگی فروشد، چنین کسی از دوزخیان است. قاریی که قرآن می‌خواند و حروف و کلماتش را حفظ می‌کند. این نیز از دوزخیان است. و قاریی که قرآن می‌خواند و با آن در زیر کلاه برگ خود پنهان می‌شود و به آیات محکم آن عمل می‌کند و به آیات متشابهش ایمان می‌آورد و فرایضش را به جا می‌آورد و حلالش را حلال و حرامش را حرام می‌شمارد؛ این قاری از کسانی است که خداوند او را از گمراهی های فتنه نجات می‌دهد و از بهشتیان است و درباره‌ی هر که خواهد شفاعت می‌کند.
و نیز فرمودند:
برخی از مردم قرآن را فرا می‌گیرند برای این که بگویند فلانی قاری است برخی آن را می‌آموزند، تا با صدای خوش بخوانند و مردم بگویند فلانی صوتی خوش دارد. در این‌ها خیری نیست (کارشان ارزش ندارد) برخی هم قرآن را فرا می‌گیرند و شب و روزشان را با آن به سر می‌برند و اهمیتی نمی‌دهند که کسی این مطلب را می‌داند یا نمی‌داند. [452].
[صفحه 228]

گوش دادن به قرآن واجب است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ زراره از وجوب خاموش ماندن و گوش دادن بر کسی که قرآن را می‌شنود فرمودند:
آری هر گاه قرآن در حضور تو خوانده شد، واجب است که گوش کنی و خاموش مانی. [453].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
قرآن سراسر سرزنش است و باطنش نزدیک کننده. [454].

قطب قرآن کیانند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند ولایت ما، اهل بیت را قطب قرآن و قطب همه کتابها (ی آسمانی) قرار داده است، قرآن محکم برگرد آن می‌چرخد و به وسیله‌ی آن ولایت، کتابها (ی الهی) عظمت می‌یابد و ایمان روشن و آشکار می‌شود. [455].

آیات محکم و متشابه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سوال از محکم و متشابه فرمودند:
محکم آیه‌ای است که به آن عمل می‌کنیم و متشابه آیه‌ای است که بر کسی که از آن شناخت ندارد مشتبه می‌شود. و نیز حضرت فرمودند:
[صفحه 229]
همانا قرآن محکمی است و متشابهی، به آیات محکم ایمان داریم و بدان‌ها عمل می‌کنیم و به آیات متشابه ایمان داریم ولی به کارشان نمی‌بندیم.
[456].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند پیامبر خود را بر طبق ضرب المثل (به در می‌گویم که دیوار بشنود) مبعوث کرده است.
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر چه خدای عزوجل به پیامبرش عتاب فرموده، مقصود از آن، دیگران است، مانند این سخن خداوند که: (اگر نبود که ما تو را استوار گردانیدیم، نزدیک بود که به سوی آنها اندکی متمایل شوی)، (و لولا ان ثبتناک لقد کدت ترکن الیهم شیئا قلیلا) مقصود از این کلام (و عتاب) غیر پیامبر است. [457].

مقربان درگاه خداوند

نزدیک‌ترین و دورترین مردم به خدا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از وحی‌های خدای عزوجل به داود علیه‌السلام این بود که: ای داود! همچنان که نزدیک‌ترین مردم به خدا فروتنانند، دورترین مردم از خدا گردن فرازانند. [458].

نزدیک‌ترین خلق خدا در روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه کسند که در روز قیامت، نزدیک‌ترین خلق به خدایند تا آنگاه که کار حسابرسی مردم تمام شود: مردی که در حال خشم، قدرتش او را به ستم کردن بر زیردستش وانداردد، مردی که میان دو نفر حرکت کند و به اندازه جوی به یکی از آن دو نزدیک‌تر نشود و مردی که به سود و زیان خود، حق را بگوید. [459].

کشاورزان گنج‌های مردمند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کشاورزان گنجهای مردمند. آنان بذرهای پاکیزه و حلالی را که خداوند عزوجل آفریده است، می‌کارند. آنان در روز قیامت از همه مردم مقامی نیکوتر و منزلتی مقربتر دارند و به نام (با برکتها) خوانده می‌شوند. [460].
[صفحه 232]

شفاعت قرآن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (و با آن بیم ده کسانی را که از محشور شدن در پیشگاه پرودگارشان می‌ترسند). انذر به الذین یخافون ان یحشروا الی ربهم) فرمودند:
(یعنی) کسانی را که به رسیدن به پروردگارشان امید دارند، به وسیله‌ی قرآن بیم ده و آنان را به آنچه نزد خداست، ترغیب کن؛ زیرا قرآن شفاعت کننده‌ای است، که شفاعتش پذیرفته می‌شود. [461].

پاداش طالبان قرب خدا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از جمله سخنان نجواآمیز خدای تبارک و تعالی با موسی علیه‌السلام این بود که: ای موسی! طالبان رب به من، به چیزی مانند پرهیز از حرامهایم به من نزدیک نشدند. من بهشت‌های ماندگار خود را به آنان می‌بخشم و هیچ کس را شریکشان قرار نمی‌دهم. [462].

شش سفارش لقمان به فرزندش

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
لقمان در سفارش به فرزندش، گفت: فرزندم! تو را به شش کار تشویق می‌کنم که هیچ کاری از آنها نیست، مگر این که تو را به خشنودی خدای عزوجل نزدیک می‌کند و از خشم و ناخشنودی او دور می‌سازد.
اول این که خدا را عبادت کنی و چیزی انباز او نکنی. دوم این که به تقدیر خداوند چه خوشایند تو باشد یا ناخوشایند تو، خشنود باشی، سوم این که دوستی و دشمنی
[صفحه 233]
تو برای خدا باشد. چهارم این که برای مردم آن پسندی، که بر خود می‌پسندی و برای آنان نپسندی آن که برای خود نمی‌پسندی. پنجم این که خشم را فروخوری و به کسی که به تو بدی کرده است، نیکی کن، ششم این که هوای نفس را فروگذاری و با عوامل مهلک بستیزی. [463].

عامل دور شدن از خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دورترین حالی که بنده از خدای عزوجل دارد، این است که فکر و ذکری جز شکم و شرمگاهش نداشته باشد. [464].
[صفحه 235]

اقتصاد و میانه‌روی

عوامل پایندگی اسلام و مسلمانان

از جمله (عوامل) پایندگی مسلمانان و پایندگی اسلام، این است که اموال در دست کسی باشد که حق و حقوق آن را بشناسد و از آن در راه‌های نیکوکاری به مصرف رساند و از (عوامل) نابودی اسلام و نابودی مسلمانان، این است که اموال در دست کسی باشد که حق و حقوق آن را نشناسد و آن را در راه‌های نیکوکارانه به مصرف نرساند. [465].

اثرات منفی گرانی نرخ

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
گرانی نرخ، اخلاق را بد می‌کند، امانتداری را از بین می‌برد و انسان مسلمان را دلتنگ و بی‌قرار می‌سازد. [466].

اثر ارزانی نرخ

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (من شما را در خوبی می‌بینم)، (انی اراکم بخیر) فرمودند:
در میان آنها، ارزانی بود. [467].

میانه‌روی و اسراف در نزد خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
میانه‌روی چیزی است که خدای عزوجل آن را دوست دارد و اسراف امری است که خدای عزوجل از آن نفرت دارد. [468].
[صفحه 238]

قضاوت و داوری

شرایط منصب داوری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از داوری کردن بپرهیزید؛ زیرا (منصب) داوری در حقیقت از آن امامی است که در قضاوت دانا باشد و در میان مسلمانان به عدالت حکم کند؛ از آن پیغمبری یا وصی پیغمبری. [469].

داوری حکام جور

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی دو نفر از اصحابش که با هم سر وام یا ارثیه‌ای اختلاف داشتند و داوری میان خود را پیش طاغوت بردند، فرمودند:
هر که داوری پیش طاغوت (و حکام جور) برد و وی به نفع او حکم صادر کند، آنچه می‌گیرد حرام است هر چند حق مسلم او باشد؛ زیرا به حکم طاغوت گرفته است حال آن که خداوند دستور داده است به طاغوت کفر ورزیده شود. [470].

حکم قاضی ستمگر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر مؤمنی که مؤمن دیگری (همکیش خود) را در اختلاف و دعوایی به نزد قاضی یا سلطانی ستمگر برد و آن قاضی یا سلطان بر خلاف خداوند حکمی صادر کند، آن مؤمن شریک آن قاضی است. [471].
[صفحه 239]

رشوه دادن به حکام و داوران

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سوال ابوبصیر از آیه «و اموالتان را میان خودتان به ناروا مخورید و (به عنوان رشوه) قسمتی از آن را به حکام ندهید»، (و لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها الی الحکام) فرمودند:
ای ابوبصیر! خدای عزوجل می‌داند که در میان این امت داورانی ستمگر وجود دارند. بدان که مقصود خداوند (در این آیه) داوران عادل نیست بلکه مقصودش حکام و داوران جائر و (حق‌کش) است.
ای ابامحمدا! اگر بر عهده‌ی کسی حقی داشتی و او را به داوری نزد داوران عادل فراخواندی و او نپذیرفت و اصرار کرد دعوا را نزد حکام جور برد تا به نفع او داوری کنند این شخص از جمله کسانی است که داوری را به نزد طاغوت برده است و خدای عزوجل می‌فرماید: (آیا ندیده‌ای کسانی را که می‌پندارند...)، (الم تر الی الذین یزعمون... سورة النساء / 60). [472].

قاضی شما چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مبادا فردی از شما (شیعیان) از دیگری نزد حاکم جور شکایت کند. بلکه ببینید چه کسی از خود شما با احکام و داوری‌های ما آشناست همو را میان خود داور قرار دهید؛ زیرا که من او را قاضی شما قرار داده‌ام. پس برای داوری میان خود، نزد او روید. [473].
[صفحه 240]

شرط حکم قاضی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه قاضی بر اساس حکم ما داوری کند و (خواهان یا خوانده) حکم او را نپذیرد، در حقیقت حکم خدا را خوار شمرده و سخن ما را رد کرده است و هر که ما را رد کند خدا را رد کرده و این عمل در حد شرک به خداست. [474].

اعمال زور در قضاوت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به عبدالله بن مسکان:
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر کس درباره‌ی دو درهم (مورد اختلاف میان دو نفر) به ناحق داوری کند و سپس نسبت به او اعمال زور کند، از مصادیق این آیه است: (و کسانی که مطابق آنچه خدا نازل کرده است داوری نکنند، آنان خود، ستمگرانند)، (و من لم یحکم بما انزل الیه فاولئک هم الکافرون). (مائده: 44 / 45 / 47) (عبدالله بن مسکان می‌گوید:) عرض کردم: یابن رسول الله! یعنی چه نسبت به او اعمال زور کند؟ حضرت فرمودند: تازیانه و زندان داشته باشد و بر خدا حکمی صادر کند. به طوری که اگر حکم او را نپذیری با تازیانه وی را بزند و به زندانش افکند. [475].

عامل کفر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس درباره‌ی دو درهم برخلاف آنچه خدا نازل کرده است داوری کند، هر آینه کافر شده باشد و هر کس درباره‌ی دو درهم داوری کند و حکم خطا صادر کند، کافر باشد. [476].
[صفحه 241]

جایگاه قاضیان در دوزخ

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نواویس (گورستان ترسایان، جایگاهی است در دوزخ) از گرمای سخت خود به درگاه خدای عزوجل شکایت کرد. پس خدای عزوجل خطاب بدان فرمود: خاموش باش؛ همانا جایگاه قاضیان گرمایش سخت‌تر از توست! [477].

اثر داوطلب شدن برای قضاوت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نهی می‌فرمودند: از این که کسی داوطلب امارت و داوری میان مردم شود و فرمودند: هر که خواهان امارت شود، خداوند در کار امارت یاریش نکند و او را با همان کار واگذارد و هر کس بدون آن که خواهان امارت شود این منصب به او واگذار گردد، در کار آن یاری شود. [478].

لزوم حضور طرفین دعوا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مردی بر امیرالمؤمنین علیه‌السلام وارد شد و چند روزی میهمان آن حضرت بود سپس نزد ایشان دعوایی مطرح کرد که قبلا (یعنی از روز اول ورودش) با حضرت در میان نگذاشته بود. حضرت فرمودند: تو شاکی هستی؟ عرض کرد: آری. امام فرمودند: از پیش ما برو؛ زیرا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نهی فرمودند: از این که شاکی بدون حضور طرف دعوایش میهمان قاضی باشد. [479].
[صفحه 242]

در سخن گفتن چه کسی مقدم است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه با طرف مرافعه‌ی خود پیش والی یا قاضی رفتی، در طرف راست خصمت قرار بگیر. [480].

شرط داوری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: هر که بین خود و دیگران انصاف دهد به داوری او میان دیگران رضایت داده شود. [481].

قاضیان چهار گروهند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
قاضیان چهار گروهند: سه گروه در آتشند و یک گروه در بهشت. مردی که دانسته حکم ناحق صادر کند این قاضی در آتش است. مردی که ندانسته (و بی‌اطلاع از احکام و قوانین) حکم ناحق دهد، این نیز در آتش است. مردی که ندانسته حکم درست و حق صادر کند، این هم در آتش است و مردی که دانسته حکم حق و درست را صادر کند این قاضی در بهشت است. [482].

درخواست حضرت داود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 243]
حضرت داود علیه‌السلام دعا می‌کرد که خداوند، خود حقیقت را که نزد حق تعالی است به او الهام فرماید تا بر اساس آن میان مردم داوری کند. پس خداوند به او وحی فرمود که ای داود! مردم تحمل این کار را ندارند.
و نیز حضرت فرمودند:
زمانی که قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند، به حکم داود میان مردم داوری می‌کند و نیازی به بینه (شهود و مدرک) ندارد. خدای متعال این حکم را به او الهام می‌کند و او به علمش قضاوت می‌کند. [483].

نحوه‌ی قضاوت حضرت علی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ندیدم که علی علیه‌السلام قضاوتی کرده باشند جز این که در سنت اصل و ریشه‌ای برای قضاوت او یافتم. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمودند: اگر دو نفر برای قضاوت نزد من بیایند و میان آنها داوری کنم پس سالیان درازی بگذرانند و دوباره همان دعوا را نزد من بیاورند هر آینه میان ایشان یک حکم صادر کنم؛ زیرا حکم هیچگاه تفسیر و زوال نمی‌یابد. [484].

سؤال قاضی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر قاضی به کسی که در طرف راست و چپش نشسته است بگوید: تو چه می‌گویی؟ نظر تو چیست؟ لعنت خدا و فرشتگان و مردم، همگی را برای خود
[صفحه 244]
خریده است. چرا از جای خودش کنار نمی‌رود و آن دو تن را (که از آنها نظرخواهی می‌کند) به جای خودش نمی‌نشاند؟ [485].

قصاص معلم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کودکان مکتبی دست‌خطهای خود را در مقابل أمیرالمؤمنین علیه‌السلام نهادند، تا بهترین آنها را انتخاب کند، حضرت فرمودند: هان! این یک داوری است! و ظلم در این باره مانند ظلم در قضاوت است! به معلم خود بگویید که اگر برای تنبیه بیش از سه ضربه بزند، قصاص می‌شود. [486].
[صفحه 246]

دل

جایگاه خرد و قساوت و رقت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
جایگاه خرد، مغز است و قساوت و رقت در دل است. [487].

جایگاه دل نسبت به بدن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
جایگاه دل نسبت به بدن همچون جایگاه امام و پیشواست نسبت به مردم.
[488].

دلی که منحط است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه‌ی: (کسی که دلی سالم به سوی خدا بیاورد)، الا من اتی الله بقلب سلیم) (شعرا / 87 و 89) فرمودند:
دل سالم، دلی است که پروردگارش را دیدار کند در حالی که احدی جز او در خود نداشته باشد و هر دلی که در آن شرک یا شک باشد، منحط است. [489].

شرط آرام گرفتن دل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همانا دل در درون (آدمی) به دنبال حق می‌گردد و چون به آن رسید، آرام و قرار گیرد. حضرت سپس این آیه را تلاوت نمودند: (پس کسی را که خدا بخواهد هدایت کند.)، (فمن یردالله ان یهدیه...) چنان که گویی در آسمان بالا می‌رود.) [490].
[صفحه 247]

چگونگی قبض روح مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی قبض روح مؤمن، فرمودند:
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و امامان از نسل آنها (سلام الله علیهم) در برابر او مجسم می‌شوند. پس به وی گفته می‌شود:
این رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و ائمه (سلام الله علیهم) رفقا و همراهان تو هستند.
حضرت فرمودند: پس چشمش را می‌گشاید و نگاه می‌کند و منادیی از جانب رب العزه به روح مؤمن ندا می‌دهد:
ای نفس آرامش یافته (به محمد و آل بیت او) به سوی پروردگارت باز گرد، خشنود (به ولایت و) و خرسند (به پاداش) پس به میان بندگان من (یعنی محمد و اهل بیت او) وارد شو و به بهشت من درآی. در این هنگام، برای او چیزی دوست داشتنی‌تر از کنده شدن جانش و پیوستن به آن منادی نیست. [491].

شیعیان دارای چهار چشمند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شیعیان ما در حقیقت دارای چهار چشمند: دو چشم در سر و دو چشم در دل. البته همه مردمان چنین‌اند، اما خداوند عزوجل چشم‌های شما را باز کرده و چشم‌های آنان را کور کرده است. [492].

دل دارای دو گوش است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 248]
همانا دل دارای دو گوش است: روح ایمان در او نجوای خیر می‌کند و شیطان نجوای شر می‌کند. پس هر یک از آن دو بر دیگری پیروز شود او را مغلوب خود می‌کند. [493].

قفل دل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همانا تو را دلی است و گوشهایی. هر گاه خداوند بخواهد بنده‌ای را هدایت کند، گوش‌های دل او را باز می‌کند. و هر که گاه جز این برای او بخواهد، گوش‌های دلش را می‌بندد و دیگر هرگز اصلاح نمی‌شود و این است معنای سخن خدای متعال: (یا بر دلهایشان قفلهاست)، (ام قلوب اقفالها) [494].

عامل حیات و مردن دل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دل گاه حیات دارد و گاه می‌میرد. پس هر گاه زنده و با نشاط بود آن را با مستحبات تربیت کن و هر گاه مرد به فرایض محدودش ساز. [495].

راه صیقل دادن دل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دلها نیز همچون مس، زنگار می‌بندد پس آنها را با استغفار صیقل دهید.
[496].
[صفحه 249]

نیروی مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همانا نیروی مؤمن در دل اوست. مگر نه این است که می‌بینید، بدنی ضعیف و پیکری نحیف دارد و با این حال شب را به عبادت می‌گذراند و روز، روزه می‌گیرد. [497].

عامل بارور شدن دل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
عافیت‌اندیشی، دلها را بارور می‌سازد. [498].

قلب قرآن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر چیزی قلبی دارد و قلب قرآن سوره‌ی «یس» است. [499].
[صفحه 251]

تقليد

نگوئید من هم مثل بقیه مردمم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به یکی از اصحاب خود فرمودند: هرگز هم‌رنگ جماعت نباش که بگویی: من تابع مردم هستم و من هم مثل بقیه مردمم. [500].

از ریاستمداری بپرهیزید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به ابوحمزه ثمالی فرمودند:
بپرهیز از ریاستمداری و بپرهیز از این که دنبال رجال (و شخصیت‌ها) راه افتی. عرض کردم: فدایت شوم، ریاستمداری را می‌دانم (به چه معناست) اما این که دنبال رجال راه افتم، من دو سوم آنچه (از حدیث و اخبار شما و دانشی که) دارم از همین راه افتادن دنبال رجال به دست آورده‌ام؟ حضرت فرمودند: متوجه نشدی (بلکه مقصود این است که) بپرهیز از این که مردی (و شخصیتی) را بدون دلیل علم (و بت) کنی و هر چه گفت تصدیقش نمایی. [501].

عمل ملایان و راهبان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (ملایان و راهبان خود را جای خدا، خداوندان خویش قرار دادند)، (اتخذوا احبارهم و رهبانهم اربابا من دون الله) فرمودند: به خدا قسم که برای آنها نماز نمی‌خواندند و روزه نمی‌گرفتند بلکه برای مردم حرامی را حلال و حلالی را حرام می‌کردند و مردم هم از ایشان پیروی می‌نمودند. [502].
[صفحه 253]

کار و کوشش

اثر کار اندک توأم با یقین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: کار مداوم اندک اما توأم با یقین نزد خداوند برتر از کار بسیار است که همراه با یقین نباشد. [503].

کار خیر را تا یک سال انجام دهید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس کار خیر را شروع کند باید تا یک سال آن را ادامه دهد و زیر یک سال قطعش نکند. [504].

برترین کار در نزد خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در پیشگاه خدای عزوجل، بعد از ایمان، هیچ کاری برتر از شاد کردن مؤمنان نیست. [505].

بهترین کارها کدام است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به پرسش از بهترین کارها فرمودند: نماز به وقت، نیکی کردن به پدر و مادر و جهاد در راه خدای عزوجل. [506].
[صفحه 254]

شرط درستی عمل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه‌ی (تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوتر عمل می‌کنید)، (لیبلوکم ایکم احسن عملا)، فرمودند:
مقصود این نیست که کدام یک بیشتر عمل می‌کنید بلکه مقصود این است که کدامتان درست‌تر عمل می‌کنید و درستی عمل همان ترس از خداست و داشتن نیت صادق و خوب. [507].

اثر نیت عمل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند از مؤمنی که نسبت به برادر مؤمن خود نیت بد داشته باشد، هیچ عملی را نمی‌پذیرد. [508].

محکم‌کاری در کار

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چون ابراهیم فرزند پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درگذشت، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در گور او شکافی دید و آن را با دست پر و هموار کرد. سپس فرمودند:
هر گاه کسی از شما کاری کرد، محکم‌کاری کنید. [509].

عرضه شدن کارها بر رسول خدا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 255]
هر بامداد کارهای بندگان از نیک و بد به روایت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌رسد. بنابراین به هوش باشید و هر یک از شما باید شرم کند از این که کار زشت بر پیامبرش عرضه کند. و نیز حضرت فرمودند:
پس مواظب باشید و همین است معنای سخن خدای متعال (کار کنید؛ زیرا بزودی خدا و رسول او عمل شما را می‌بینند)، (قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله) (توبه / 105) [510].

گواهان خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به پرسش از آیه (این چنین شما را امتی میانه قرار دادیم...)، (و کذلک جعلناکم امة وسطا) (بقره / 143) فرمودند:
ما هستیم امت میانه و ماییم گواهان خدا بر خلقش و حجت‌های او در زمینش و نیز محمد بن مسلم و زراره از حضرت درباره‌ی عرضه اعمال بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سوال کردند، حضرت فرمودند: شکی در آن نیست. پس این آیه را تلاوت نمودند: (بگو: عمل کنید خدا و پیامبر او و مؤمنان اعمال شما را خواهند دید)، (و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون) فرمودند: سپس خداوند را در روی زمین گواهانی است.
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مقصود از مؤمنان ما هستیم. [511].

بی‌اهمیت‌ترین کار نزد مرده

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 256]
چون مرده را در گورش نهند شخصی در برابرش مجسم شود و به او گوید: هان تو! ما سه تن بودیم. یکی روزی تو، که با به سرآمدن اجلت به پایان رسید، دیگری خانواده‌ی تو که تشییعت کردند و پس از تو جدا شدند و رفتند و من عمل تو بودم و با تو ماندم. بدان که من بی‌اهمیت‌ترین این سه در نزد تو بودم. [512].
[صفحه 258]

معاد

سهم زمین مردم در روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
روز قیامت که مردم در برابر پروردگار جهانیان برخیزند، چنان نزدیک به هم و فشرده‌اند که سهم هر کس از زمین به اندازه‌ی جای پای اوست. مانند تیر در تیردان که نمی‌تواند از جای خود تکان بخورد. [513].

جزای سخن‌چین در روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
روز قیامت در حالی که به حساب مردم رسیدگی می‌شود مردی نزد مردی دیگر می‌آید و او را به خون آغشته می‌کند. آن مرد می‌گوید: ای بنده خدا مگر با تو چه کرده‌ام؟ و او می‌گوید: در فلان و بهمان روز فلان سخن را علیه من گفتی که به سبب آن کشته شدم. [514].

عامل نابینا محشور شدن انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: هر کس دنیا را بر آخرت برگزیند، خداوند در روز قیامت او را نابینا محشور فرماید. [515].

جزای انسان‌های دو رو و دو زبان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 259]
هر که با مسلمانان دو رو و دو زبان برخورد کند روز قیامت آورده شود در حالی که دو زبان از آتش دارد. [516].

جزای مال به ناحق خوردن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس چیزی از مال برادر خود را به ستم و ناحق بخورد و آن را به او برنگرداند روز قیامت شراره‌ای از آتش بخورد. [517].

جزای دست دراز کردن به سوی مردم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس خوراک سه روز خود را داشته باشد و با این حال دست سوال به سوی مردم دراز کند، روزی که خدای تعالی را دیدار می‌کند با چهره‌ای بی‌گوشت او را دیدار کند. [518].

جزای قرآن خواندن برای مال مردم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس به منظور خوردن از مال مردم قرآن بخواند روز قیامت در حالی بیاید که چهره‌اش استخوان است و گوشتی در آن نیست. [519].
[صفحه 260]

شکل انسان‌های متکبر در روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
(روز قیامت) افراد متکبر به شکل مورچه درآورده می‌شوند و مردم پیوسته آنها را لگد می‌کنند، تا زمانی که خداوند از رسیدگی به حساب بندگان فارغ می‌شود. [520].

چه کسانی با چهره‌ی بی‌گوشت محشور می‌شوند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چون روز قیامت شود، آواز دهنده‌ای بانگ برآورد که کجایند کسانی که از دوستان من روی گرداندند (یا آنها را از حقوقشان محروم ساختند یا آنان را ریشخند کردند.) پس، گروهی که در چهره‌شان گوشتی وجود ندارد، برخیزند؛ گفته شود: اینان کسانی هستند که مؤمنان را آزار دادند و با آنان دشمنی و عناد ورزیدند و به خاطر دینشان ایشان را سخت سرزنش کردند؛ آنگاه فرمان داده شود که آنها را به دوزخ برند. [521].

چگونگی رسیدگی به نامه‌ی اعمال

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (بخوان نامه‌ات را امروز تو برای رسیدگی به حسابت بسنده‌ای)، (اقرا کتابک کفی بنفسک الیوم). (اسراء / 13 و 14) فرمودند: تمام کارهایی را که بنده انجام داده و آنچه برای او نوشته شده است به همین دلیل می‌گویند: (وای بر ما! این چه نوشته‌ای است که هیچ کوچک و بزرگی را از قلم نینداخته است)، (یا ویلتنا ما لهذا الکتاب لا یغادر صغیرة و لا کبیرة الا احصاها). [522].
[صفحه 261]

اعضای بدن، گواهان روز قیامت هستند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (از این که گوش شما و چشمها و پوستهایتان بر ضد شما گواهی دهند چیزی (گناه) را پنهان نمی‌داشتید)، (و ما کنتم تستترون ان یشهد علیکم سمعکم و لا ابصارکم و لا جلودکم) فرمودند: مقصود از پوستها، آلات تناسلی و رانها می‌باشد. [523].

کارنامه‌ی اعمال مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تبارک و تعالی چون بخواهد به حساب مؤمن رسیدگی کند کارنامه‌اش را به دست راست او دهد و بین خود و او به حسابش رسیدگی نماید. پس خداوند می‌فرماید:
بنده‌ی من! چنین و چنان کرده‌ای و فلان و بهمان کار را انجام داده‌ای!
عرض می‌کند: آری، پروردگارا من این کارها را کرده‌ام. خداوند می‌فرماید:
سبحان الله! این بنده حتی یک گناه هم نداشت؟ این است معنای سخن خدای عزوجل: (اما آن کس که نامه‌اش به دست راست او داده شود زودا که آسان حسابرسی شود و به سوی کسان خود شادمان برگردد.)، (فاما من اوتی کتابه بیمینه فسوف یحاسب حسابا یسیرا و ینقلب الی اهله مسرورا) (انشقاق / 7 و 8) [524].
[صفحه 262]

جزای کسی که شادمان زندگی کرده است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند تبارک و تعالی هر گاه برای بنده‌ای بد بخواهد در حضور مردم از او حسابرسی کند و محکومش نماید و کارنامه‌اش را به دست چپ او دهد.
این است مراد سخن خدای عزوجل که می‌فرماید: (و اما کسی که نامه‌اش از پشت سر به او داده شود، زودا که بگوید وای بر من هلاک شدم و به آتش افروخته درآید، که او در دنیا نزد کسانش شادمان زیسته بود)، (و اما من اوتی کتابه وراء ظهره فسوف یدعو ثبورا - و یصلی سعیرا - انه کان فی اهله مسرورا). [525].

قیامت پنجاه ایستگاه دارد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هان! بیش از آن که به حساب شما رسیدگی شود، خود به حسابتان رسیدگی کنید؛ زیرا قیامت پنجاه ایستگاه دارد که هر ایستگاه هزار سال از آن سال‌هایی که شما می‌شمارید، طول می‌کشد. حضرت سپس این آیه را تلاوت نمودند: (در روزی که مقدار آن پنجاه هزار سال است)، (فی یوم کان مقداره خمسین الف سنه) (سجده/5) [526].

کوتاهی روز قیامت برای مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض شد: چه طولانی است آن روز (قیامت) حضرت فرمودند: سوگند به آن که جانم در دست اوست، آن روز برای مؤمن کوتاه باشد تا جایی که از نماز واجبی که در دنیا می‌خواند کوتاهتر است. [527].
[صفحه 263]

در یک ساعت به اعمال بندگان رسیدگی می‌شود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر قرار باشد کار رسیدگی به حساب خلایق را کسی جز خدا به عهده بگیرد، پنجاه هزار سال باید درنگ کنند تا حسابرسی آنان تمام شود اما خدای سبحان این کار را در یک ساعت تمام می‌کند.
و نیز حضرت فرمودند: آن روز (قیامت) به نیمه نرسیده بهشتیان در بهشت به خواب نیمروزی می‌پردازند و دوزخیان در دوزخ (در کمتر از نصف روز تکلیف همه معلوم می‌شود). [528].
[صفحه 265]

عيد

شبیه‌ترین روز به روز رستاخیز

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیهماالسلام در روز فطر خطبه ایراد نمودند و فرمودند: ای مردم! همانا این روز شما، روزی است که در آن نیکوکاران پاداش می‌یابند و هرزه‌کاران زیان می‌بینند و شباهت زیادی به روز رستاخیز شما دارد. پس با بیرون آمدن از خانه‌هایتان به سوی مصلایتان به یاد آن روزی افتید که از گورهایتان به سوی پروردگارتان بیرون می‌آیید و از ایستادن در مصلایتان به یاد آن روزی افتید که در پیشگاه پروردگار می‌ایستید و از بازگشتن به سوی خانه‌هایتان آن روزی را یاد آورید که به خانه‌های خود در بهشت باز می‌گردید!
ای بندگان خدا! کمترین چیزی که برای مردان و زنان روزه‌گیر می‌باشد، این است که در روز آخر ماه رمضان فرشته‌ای آنان را ندا می‌دهد: بشارت باد بر شما ای بندگان خدا که خداوند گناهان گذشته شما را بخشود. پس مواظب باشید که از این پس چه می‌کنید! [529].

از عید نوروز بیشتر بدانید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به معلی بن خنیس در روز نوروز که خدمت ایشان رسید فرمودند:
آیا می‌دانی امروز چه روزی است؟ عرض کردم: فدایت شوم، این روزی است که ایرانیان آن را گرامی می‌دارند و در آن به یکدیگر هدیه و عیدی می‌دهند. ابوعبدالله الصادق علیه‌السلام فرمودند: سوگند به خانه‌ی کهن که در مکه است، این روز یک ریشه‌ی کهن دارد که من برایت توضیح می‌دهم تا آن را بدانی.
[صفحه 266]
ای معلی! روز نوروز، همان روزی است که خداوند در آن از بندگان پیمان گرفت که او را بپرستند و هیچ انبازی برایش نیاورند و به فرستادگان و حجتهای او و به امامان علیهم‌السلام ایمان بیاورند. نوروز نخستین روزی است که خورشید در آن طلوع کرد.
هیچ نوروزی نیست مگر این که در آن روز منتظر فرج هستیم؛ زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان ماست. ایرانیان آن را حفظ کردند و شما آنها را از دست نهادید. نوروز نخستین روز از سال ایرانیان است. آنان در حالی که تعدادشان سی هزار نفر بود زنده ماندند و زیستند و ریختن آب در نوروز سنت شد. [530].

آداب نوروز

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چون عید نوروز فرارسد، بدن خود را بشوی و پاکیزه‌ترین جامه‌هایت را بپوش و با خوشبوترین عطرها خودت را معطر کن و در آن روز روزه‌دار باش. [531].

هدیه نوروزی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در عید نوروز هدیه‌ای خدمت امیرالمؤمنین علیه‌السلام آوردند. حضرت پرسیدند. این چیست؟ عرض کردند: ای امیرالمؤمنین علیه‌السلام امروز نوروز است امام علیه‌السلام فرمودند: هر روزمان را نوروز کنید. [532].
[صفحه 268]

عیب‌جویی

اول عیب‌های خود را بگیرید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سودمندترین چیزها برای آدمی این است که در رسیدگی به عیب‌های خود بر مردم پیشی گیرد (یا پیش از پرداختن به عیوب مردم به عیب‌های خود بپردازد) [533].

عامل گرفتار شدن به مکر خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه دیدید بنده گناهان مردم را می‌جوید و گناهان خودش را از یاد برده است بدانید که گرفتار مکر خداوند شده است. [534].

اثر لغزش خود را کوچک شمردن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که لغزش خود را کوچک شمارد، لغزش دیگران را بزرگ ببیند.
[535].

محبوبترین برادران

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
محبوب‌ترین برادرانم نزد من کسی است که عیب‌هایم را به من هدیه کند.
[536].

عامل دور شدن بنده از خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 269]
دورترین بنده از خدا آن مردی است که با مردی طرح دوستی افکند و لغرش‌های او را نگه دارد تا روزی به واسطه‌ی آنها او را سرزنش کند.
[537].

مراد از عورت مؤمن است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی این سخن مردم که عورت مؤمن بر مؤمن حرام است، سوال شد. حضرت فرمودند:
معنایش آن نیست که تو فکر می‌کنی، بلکه مراد از عورت مؤمن این است که ببیند برادر مؤمنش جمله‌ای می‌گوید که جای سرزنش و نکوهش دارد و او آن را پیش خود نگه دارد تا روزی که از دست او عصبانی شد به واسطه‌ی آن جمله او را سرزنش کند. [538].

جزای سرزنش کردن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس مؤمنی را به گناهی سرزنش کند نمیرد تا خودش آن گناه را مرتکب شود. [539] و نیز حضرت فرمودند:
هر کس مؤمنی را سرزنش کند خداوند او را در دنیا و آخرت سرزنش کند. [540].

از گرفتاری کسی شاد مشوید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 270]
از گرفتاری برادرت اظهار شادی مکن که خداوند به او رحم می‌کند و آن گرفتاری را به تو می‌رساند و همچنین حضرت فرمودند:
هر کس از گرفتاری و مصیبتی که به برادرش رسیده است شاد شود، از دنیا نرود تا خود گرفتار آن شود. [541].
[صفحه 272]

زندگی

شرط گواراترین زندگی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
زندگی‌ای گواراتر از خوشخویی نیست. [542].

و نیز حضرت فرمودند:
سه چیز زندگی را تیره می‌کند: فرمانروای ستمگر، همسایه بد و زن بدزبان و وقیح. [543].

عوامل لنگ شدن زندگی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پنج چیز است که هر کس یکی از آنها را نداشته باشد، پیوسته زندگی‌اش لنگ، خردش سرگشته و فکرش مشغول است: اول: تندرستی، دوم: امنیت، سوم: فراخی در روزی، چهارم: همدم سازگار. راوی می‌گوید: عرض کردم: منظور از همدم سازگار چیست؟ حضرت فرمودند: زن نیک و فرزند نیک و همنشین نیک. و پنجم، که جامع همه اینهاست، آسایش است. [544].
[صفحه 274]

خشم

عامل نابود کننده دل حکیم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خشم، نابود کننده‌ی دل شخص حکیم است. [545].

مالک خشم خویش باشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که مالک خشم خویش نباشد، مالک خرد خویش نخواهد بود. [546].

عامل خشنودی دل در روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که خشمی را فروخورد که اگر بخواهد می‌تواند آن را به کار بندد (و از طرف خود انتقام بگیرد) خداوند در روز قیامت دلش را از خشنودی خود پر سازد. [547].

عامل چشم‌پوشی عیب

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که خشم خود را نگه دارد خداوند عیب او را بپوشاند. [548].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 275]
نیکو جرعه‌ای است خشم، برای کسی که بر آن شکیبایی ورزد. [549].

محبوب‌ترین جرعه نزد خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
محبوب‌ترین جرعه نزد خدای عزوجل که بنده آن را می‌نوشد، جرعه خشمی است که دلش به گردش درمی‌آید و او آن را یا با صبر و یا با بردباری فرومی‌برد. [550].

مرام مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن هرگاه خشمگین شود، خشمش او را از جاده‌ی حق بیرون نمی‌برد و هر گاه خشنود شود، خشنودیش (از کسی) او را به باطل نمی‌کشاند و کسی است که چون قدرت پیدا کند، بیشتر از آنچه حق اوست برنمی‌دارد. [551].
[صفحه 277]

آمرزش خواهی و استغفار

استغفار جامع‌ترین دعا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
یکی از جامع‌ترین دعاها این است که بنده استغفار بگوید. [552].

اثر نماز سحرگاهی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (و آمرزش خواهان در سحرگاهان)، (و المستغفرین بالاسحار) (آل عمران / 17) فرمودند: یعنی کسانی که سحرگاه نماز می‌گزارند. [553].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بدون آن که گناهی کرده باشد روزی هفتاد بار به درگاه خداوند توبه می‌کرد. [554].

شخص مسخره کننده

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی از گناه استغفار کند و باز به آن ادامه دهد مانند شخصی مسخره کننده است. [555].
[صفحه 279]

توانگری

عامل سرمستی و بی‌تابی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در توانگری سرمست مشو و در تهیدستی بیتابی مکن. [556].

مرد ثروتمند چه می‌گوید؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مرد ثروتمندی با لباس‌هایی نو و پاکیزه خدمت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و کنار آن حضرت نشست. پس از او مردی درویش با جامه‌های ژولیده و چرکین وارد شد و پهلوی آن مرد نشست. مرد توانگر جامه‌ی خود را از زیر ران او کشید و جمع کرد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به او فرمودند: ترسیدی که چیزی از فقر او به تو برسد؟ عرض کرد: نه، حضرت فرمودند: ترسیدی از دارایی تو چیزی به او برسد؟ عرض کرد: نه، حضرت فرمودند: ترسیدی لباست را کثیف کند؟ عرض کرد: نه، فرمودند: پس چرا این کار را کردی؟ عرض کرد: ای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) من همدمی (شیطان) دارم که هر کار زشتی را در نظرم زیبا جلوه می‌دهد و هر کار خوبی را برایم زشت نمایش می‌دهد. اکنون نصف مال خود را به این مرد بخشیدم. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به آن مرد تهیدست فرمودند: تو می‌پذیری؟ عرض کرد: نه. مرد ثروتمند به او گفت: چرا؟ گفت: می‌ترسم حالی که به تو راه یافت به من هم راه یابد! [557].

سه عامل توانگری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 280]
هر که سه چیز روزیش شود، به سه چیز دست یابد و این بزرگترین توانگری است: قانع بودن به آنچه عطایش شده است، چشم امید برکندن از آنچه مردم دارند و ترک زیادیها (و فزون خواهی‌ها). [558].

توانگری نفس

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به نقل از حکیمی فرمودند: توانگری نفس، توانگرتر از دریاست. [559].

بدگوئی ثروتمند را نکنید

مردی در حضور حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام از توانگران سخن به میان آورد و از آنان بدگویی کرد. حضرت فرمودند:
خاموش! ثروتمند چنانچه به خویشان خود رسیدگی کند و به برادرانش احسان نماید خداوند دو برابر به او مزد می‌دهد؛ زیرا خداوند می‌فرماید: (و اموال و فرزندانتان چیزی نیست...)، (و ما اموالکم و لا اولادکم...) (سبأ / 37). [560].
[صفحه 282]

خنیاگری

گناه خنیاگری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خنیاگری از جمله گناهانی است که خدای عزوجل برای آن وعده‌ی آتش داده است. آن جا که می‌فرماید: (و از مردم کسانی هستند که سخن بیهوده را خریدارند. تا [مردم را] بی[هیچ] دانشی از راه خدا گمراه کنند و خدا را به ریشخند گیرند. برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود)، (و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین) (لقمان / 6) [561].

مراد از پلیدی بتها و گفتار باطل چیست؟

عبدالاعلی: از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی این سخن خدای عزوجل: (از پلیدی بتها دوری کنید و از گفتار باطل اجتناب ورزید)، (فاجتنبوا الرجس من الاوثان و اجتنبوا قول الزور) (حج / 30) سوال کردم. حضرت فرمودند:
(مقصود از) پلیدی بتها شطرنج و (از) گفتار باطل، خنیاگری. عرض کردم: منظور از سخن بیهوده در آیه (و از مردم کسانی هستند که سخن بیهوده را خریدارند.)، (و من الناس من یشتری لهو الحدیث...) پرسیدم، حضرت فرمودند: یکی از مصادیق آن خنیاگری است. [562].

مراد از زور در کلام خداوند چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (والذین لا یشهدون الزور) چیست؟ (مقصود از زور) آوازه‌خوانی است. [563].
[صفحه 283]

اثر خنیاگری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
آوازه‌خوانی از خود نفاق بر جای می‌گذارد.
و نیز فرمودند:
آوازه‌خوانی، لانه‌ی نفاق است. [564].

جزای زن آوازه‌خوان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
زن آوازه‌خوان ملعون است و هر کس به او جا دهد و از درآمد او بخورد ملعون است. [565].
[صفحه 285]

غیبت

جزای غیبت کردن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
غیبت مکن که از تو غیبت می‌شود. و برای برادرت چاه مکن که خود در آن می‌افتی؛ زیرا به هر دست بدهی با همان دست پس می‌گیری. [566].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
غیبتگر نباید چشم طمع به سلامت داشته باشد. [567].

غذای سگ‌های دوزخ

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از غیبت بپرهیز، که آن خورش سگ‌های دوزخ است. [568].

شایع کردن زشتکاری کار چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس درباره‌ی مؤمن چیزی را که با چشم‌های خود دیده و با گوش‌های خود شنیده است بازگو کند. از شمار کسانی است که خدای عزوجل فرموده است: (همانا کسانی که دوست دارند زشتکاری شایع شود)، (ان الذین یحبون تشیع الفاحشه) (نور / 19) [569].
[صفحه 286]

زود داوری مکنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
یقین را به واسطه شک از دست مده و آشکار را به واسطه آنچه پوشیده است و درباره‌ی آنچه که خود ندیده‌ای بر اساس گفته دیگران در آن زمینه داوری مکن. خدای عزوجل موضوع غیبت و بدگمانی به برادران مؤمنت را با اهمیت قرار داده است. [570].

جزای بدنام کردن افراد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس علیه یک مؤمن مطلبی نقل کند که بخواهد با آن او را بدنام سازد و شخصیتش را از بین ببرد تا بدین سبب از چشم مردم بیفتد، خدای عزوجل او را از ولایت خود به ولایت شیطان درآورد. [571].

شرایط آشکار شدن عدالت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز است که در هر کس باشد چهار چیز را بر مردم در قبال او واجب گرداند: کسی که هر گاه به مردم سخن بگوید، دروغ نگوید. و هر گاه با آنان آمیزش داشته باشد، به ایشان ستم نکند و هر گاه وعده‌شان دهد خلف وعده نکند، لازم است که عدالتش در بین مردم آشکار شود و مروتش در میان آنان هویدا گردد و غیبت از او بر مردم حرام باشد. و برادری کردن با او بر آنان واجب آید. [572].
[صفحه 287]

غیبت چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
غیبت آن است که درباره‌ی برادرت چیزی بگویی که در او هست اما خداوند آن را پوشانده است. اما اگر چیزی بگویی که در او نیست این مشمول سخن خداوند است که: (هر آینه بهتان یا گناهی آشکار بر دوش کشید)، (فقد احتمل بهتانا و اثما مبینا. [573].

چه چیزی غیبت نیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
غیبت آن است که درباره‌ی برادرت چیزی بگویی که خداوند آن را پوشیده نگه داشته است، اما (ذکر) خصلت‌های آشکاری چون تندخویی و شتابزدگی غیبت نیست. [574].

شخص فاسق و گنهکار غیبت ندارد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه شخصی فاسق و گنهکار، آشکارا گناه کند، نه حرمتی دارد و نه غیبتی. [575].
[صفحه 289]

دشنام‌گویی و بدزبانی

اثر بدزبانی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دشنام‌گویی و بدزبانی و دریدگی از (نشانه‌های) نفاق است. [576].

جزای بی‌ادبی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بدزبانی از بی‌ادبی است و بی‌ادب در آتش می‌باشد. [577].

جزای (اف) گفتن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه مؤمن به برادرش بگوید: اف بر تو، از ولایت و دوستی او خارج شود و هر گاه بگوید: تو دشمن من هستی، یکی از آن دو کافر شود و خداوند از مؤمنی که نسبت به مؤمن نیت سوء در دل داشته باشد عملی را نمی‌پذیرد. [578].

جزای کسی که مردم از زبانش بترسند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس که مردم از زبانش بترسند، او در آتش است. [579].
[صفحه 290]

نشانه‌ی شریک شیطان بودن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
یکی از نشانه‌های شریک شیطان که تردیدی در آن نیست این است که شخصی دشنامگوی باشد و باکی نداشته باشد که چه می‌گوید و چه می‌شنود. [580].
[صفحه 292]

پوزش‌خواهی

کم خردترین مردم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کم خردترین مردم کسی است که به زیردستش ستم کند و کسی که از او عذرخواهی می‌کند، نبخشد. [581].

سه شرط عذرخواهی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز است که هیچ کس درباره‌ی آنها عذرش پذیرفته نیست.
برگرداندن امانت به نیکوکار و بدکار، وفای به عهد با نیکوکار و بدکار و نیکی کردن به پدر و مادر، خوب باشند یا بد. [582].

سه شرط مردم‌داری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز است که انسان درباره‌ی آنها معذور نیست: مشورت کردن با خیرخواه و مدارا کردن با حسود و دوستی ورزیدن با مردم. [583].
[صفحه 294]

خداشناسی

داناترین مردم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
داناترین مردم به خدا خرسندترین آنها به قضا و حکم خدای عزوجل است.
[584].

به خدا اعتماد کن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به خدا اعتماد کن، تا خداشناس باشی. [585].

تقسیم مردم در زمینه‌ی توحید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مردم در زمینه توحید سه گروهند: کسانی که به توحید باور دارند، کسانی که آن را نفی می‌کنند و کسانی که برایش شبیه و مانند قائلند. نفی کنندگان منکرند، اثبات کنندگان مؤمنند و تشبیه کنندگان مشرکند. [586].

معنای توحید و عدل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
توحید آن است که آنچه را بر خود روا می‌دانی بر پروردگارت روا ندانی و عدل آن است که آنچه را آفریدگارت به سبب آن تو را ملامت و سرزنش کرده به او نسبت ندهی. [587].
[صفحه 295]

خداوند از چه چیزی بزرگتر است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به مردی که گفت:
خدا بزرگتر است، فرمود: خدا بزرگتر از چه چیز است؟ عرض کرد: از همه چیز. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: او را محدود کردی. مرد عرض کرد: پس، چگونه بگویم؟ حضرت فرمودند: بگو: خدا بزرگتر از آن است که وصف شود. [588].

دلیل بلند کردن دستها به سوی آسمان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به زندیقی که پرسید چه فرقی می‌کند که دستها را به سوی آسمان برداریم یا به طرف زمین فرو نگهداریم؟ فرمودند:
این کار از نظر علم و احاطه قدرت خدا یکسان است، اما خدای عزوجل به دوستان و بندگان خود دستور داده است که دستهایشان را به آسمان، به طرف عرش بلند کنند؛ زیرا عرش را معدن روزی قرار داده است. [589].
[صفحه 297]

خوشبختی

شرایط خوشبختی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
من خوبی را مانند نامش (خوب و زیبا) دیدم. هیچ چیز برتر از خوبی نیست مگر پاداش آن (که خدا به نیکوکار می‌دهد) چنین نیست که هر کس دوست داشته باشد به مردم خوبی کند، این کار را انجام دهد و چنین نیست که هر کس رغبت به خوبی کردن داشته باشد، توان انجام آن را داشته باشد و نه هر که توانایی بر خوبی کردن را داشته باشد، فرصت و توفیق آن را نیز به دست آورد.
بلکه هر گاه رغبت و توانایی و فرصت و توفیق با هم جمع شود، آن گاه است که خوشبختی طالب و مطلوب به طور کامل فراهم آمده است. [590].

جزای خوبی در روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
روز قیامت مؤمن شما بر مردی می‌گذرد که او را به سوی آتش می‌برند. پس به آن مؤمن می‌گوید: فلانی کمکم کن من در دنیا به تو خوبی کردم. آن مؤمن به فرشته می‌گوید: رهایش کن. پس خداوند به فرشته دستور می‌دهد، سخن مؤمن را اجرا کن و فرشته آن مرد را رها می‌کند. [591].

نخستین کسانی که وارد بهشت می‌شوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نخستین کسانی که به بهشت وارد می‌شوند، نیکوکارانند. [592].
[صفحه 298]

اهل احسان را گرامی بدارید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اهل احسان در دنیا، در آخرت نیز اهل احسان هستند، باز در آخرت کارهای خوبشان سنگین می‌شود. لذا از آنها به گنهکاران می‌بخشند. [593].

از لغزش‌های نیکوکاران درگذرید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از لغزش‌های نیکوکاران درگذرید و آنها را ببخشید؛ زیرا دست خدای تعالی این گونه روی سر آنهاست - حضرت دست خود را طوری نشان دادند که گویی روی چیزی سایه کرده است. [594].

نام در بهشت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به ابوهاشم فرمودند:
همانا بهشت دری دارد به نام (نیکی) که از آن در جز اهل احسان و نیکوکاری وارد نمی‌شوند. من در دلم خدای تعالی را سپاس گفتم و از این که در راه رفع نیازها و مشکلات مردم می‌کوشم خوشحال شدم. ابومحمد علیه‌السلام به من نگاهی کرد و فرمودند:
آری دانستم که در درونت چه گذشت. همانا اهل احسان و نیکوکاری در دنیا، اهل خانه احسان و نیکی در آخرتند. خداوند تو را ای ابوهاشم از شمار آنان قرار دهد و رحمتت کناد. [595].
[صفحه 299]

احسان کنید حتی به حیوانات

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
عیسی بن مریم علیه‌السلام در هنگام عبور از ساحل دریا قرص نانی از خوراک خود را در آب انداخت. یکی از حواریان به او عرض کرد: ای روح و کلمه‌ی خدا! چرا این کار را کردی. آن گرده نان قوت تو بود؟ عیسی علیه‌السلام فرمود: این کار را برای این کردم که حیوانی از حیوانات درون آب آن را بخورد. این کار ثواب بزرگی نزد خدا دارد. [596].

برای مردم سودمند باشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (و مرا هر جا که باشم با برکت قرار داد)، (و جعلنی مبارکا اینما کنت) فرمودند:
یعنی پرسود. (سودمند بودن به حال مردم) [597].

دستگردانی احسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر احسان و کمک هشتاد دست بگردد، همه آنها به سب آن پاداش می‌یابند، بی‌آن که از اجر صاحبش چیزی کم شود. [598].

عطا کنندگان سه نفرند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 300]
خداوند؛ پرودگار جهانیان، صاحب مال (کسی که از مالش می‌دهد) و کسی که با دست او داده می‌شود (کسی که در این راه می‌کوشد) [599].

سه سفارش خداوند به موسی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تعالی به موسی علیه‌السلام وحی فرمودند: از هر دست بدهی به همان دست پس می‌گیری و هر گونه عمل کنی، به همان سان پاداش می‌گیری؛ هر کس به آدم بد، خوبی کند پاداش بد می‌بیند. [600].

عوامل هدر رفتن چیزها

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چهار چیز هدر رفته است: بذر در شوره‌زار، چراغ در نور ماه، غذا خوردن با شکم سیر و خوبی کردن به کسی که شایستگی و لیاقت آن را ندارد. [601].

شرایط احسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دیدم که احسان جز با سه کار سامان نمی‌پذیرد: کوچک شمردن آن، پوشاندن آن و شتاب کردن در انجام آن؛ زیرا هر گاه کار نیکی که می‌کنی به نظر خودت کوچک آید، آن را در نظر کسی که بدو احسان کرده‌ای بزرگ ساخته‌ای و هرگاه آن را بپوشانی (و به رخ نکشی)، به کمالش رسانده‌ای و هر گاه در انجامش شتاب
[صفحه 301]
ورزی، گوارایش کرده ای در غیر این صورت، احسان و نیکی خود را بی ارزش و ناگوار ساخته‌ای. [602].

نشانه‌ی پذیرفته شدن خوبی و احسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به این سوال که نشانه‌ی پذیرفته شدن بنده به درگاه خدا چیست؟ فرمودند:
نشانه‌ی پذیرفته شدن بنده به درگاه خدا این است که احسان و کمکش به جا صورت گیرد، اگر چنین نباشد چنان نیز نخواهد بود. [603].

راه مردم را هموار کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حضرت علی بن الحسین علیه‌السلام هرگاه از راهی می‌گذشتند و کلوخی را در وسط راه می‌دیدند، از چارپایش پیاده می‌شدند و با دست خود آن را از جاده دور می‌نمودند. [604].
[صفحه 303]

امر به معروف و نهی از منکر

عوامل مؤاخذه شدن بی‌گناه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به گروهی از اصحاب خود فرمودند: من حق دارم بی‌گناه شما را به سبب گنهکاران مؤاخذه می‌کنم؛ چگونه حق نداشته باشم در حالی که شما از کار زشت فردی از افراد خود خبردار می‌شوید و به او اعتراض نمی‌کنید و از وی دوری نمی‌ورزید و اذیتش نمی‌کنید تا از کار زشت خود دست بردارد. [605].

وظیفه انسان در قبال خانواده‌ی خود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به ابوبصیر از آیه‌ی (خود و خانواده‌ی خود را از آتش نگه دارید)، (قوا انفسکم و اهلیکم نارا) (تحریم / 6) که پرسید چگونه خانواده را باید از آتش نگه داشت فرمودند:
آنها را به آنچه خدا فرمان داده است فرمان می‌دهی و از آنچه خدا منعشان فرموده است منع می‌کنی، اگر از تو اطاعت کردند آنان را از آتش حفظ کرده‌ای و اگر نافرمانیت کردند، تو وظیفه‌ات را انجام داده‌ای.
و نیز حضرت فرمودند: چون آیه (خود و خانواده‌ی خود را از آتش نگه دارید) نازل شد، مردی از مسلمانان نشست و شروع به گریستن کرد و گفت: من خودم را نمی‌توانم حفظ کنم؛ حالا مسئولیت خانواده‌ام هم به عهده من گذاشته شد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به او فرمودند: کافی است که آنچه به خودت فرمان می‌دهی به آنان نیز فرمان دهی و از آنچه که خودت را از آن‌ها منع می‌کنی آنان را نیز منع کنی. [606].
[صفحه 304]

اثر امر به معروف و نهی از منکر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
امر به معروف و نهی از منکر، اجلی را نزدیک نمی‌سازند و روزی را دور نمی‌گردانند. [607].

عامل همگانی شدن کیفر خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه مردمی در برابر زشتکاریهایی که در میانشان صورت می‌گیرد دم فروبندند و آن را تغییر ندهند، زود باشد که خدای عزوجل کیفر خود را شامل همگان سازد. [608].

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی (باید) امر به معروف و نهی از منکر کند که سه خصوصیت در او باشد: به آنچه فرمان می‌دهد، خود عمل کند. آنچه را نهی می‌کند، خود نیز ترک کند. در امر و نهی خود عدالت را رعایت کند و در امر و نهیش، طریق ملامت پیش گیرد. [609].

آیا امر به معروف بر همه واجب است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به پرسش از وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر همه امت، فرمودند:
[صفحه 305]
واجب نیست. عرض شد: چرا؟ حضرت فرمودند: زیرا این کار بر عهده‌ی کسی است که قدرت داشته باشد، از او حرف شنوی داشته باشند و خوب را از بد باز شناسد؛ نه بر افراد ناتوانی که راه و چاه را تشخیص نمی‌دهند و نمی‌دانند از چه به چه دعوت کنند، به باطل یا به حق، دلیل این سخن از کتاب خداوند، این فرموده خدای عزوجل است که می‌فرماید: (باید از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند)، (و لتکن منکم امة یدعون الی الخیر). [610].

شرط عزت مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
برای عزت مؤمن همین کافی است که هر گاه منکر را ببیند، خداوند عزوجل بداند که در دل آن را انکار می‌کند. [611].

مراد از باز داشتن از کار زشت چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (و از کار زشتی که آن را مرتکب می‌شدند یکدیگر را باز نمی‌داشتند)، (کانوا لایتناهون عن منکر فعلوه) فرمودند: آنها اعمال گنهکاران را انجام نمی‌دادند و در مجالس و محافل آنها نمی‌نشستند اما وقتی با آنها رو به رو می‌شدند به صورتشان می‌خندیدند و با ایشان گرم می‌گرفتند. [612].

منفورترین کارها نزد خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 306]
مردی از خشم خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)! به من بفرمایید کدام کارها نزد خدای عزوجل منفورتر است؟ حضرت فرمودند: شرک ورزیدن به خدا. عرض کرد: سپس چه کاری؟ حضرت فرمودند: بریدن پیوند خویشاوندی. عرض کرد: بعد چه کاری؟ حضرت فرمودند: فراخواندن به زشتکاری و بازداشتن از خوبیها. [613].

گناهان نادانان بر دوش دانایان است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر آینه گناهان نادانان بر دوش دانایانتان بار می‌شود، چرا وقتی می‌شنوید مردی از شما کار ناخوشایندی می‌کند - کاری که موجب عیب و اذیت ما نزد مردم می‌شود - نزد او نمی‌روید و سرزنش و موعظه‌اش نمی‌کنید و بی‌پروا و صریح با او حرف نمی‌زنید؟ عرض کرد: اگر حرف ما را نمی‌پذیرفت و اطاعتمان نکرد چه کنیم؟ حضرت فرمودند: در این صورت از او دوری کنید و از همنشینی با وی اجتناب ورزید. [614].
[صفحه 308]

عزت

شرط فروتنی در برابر خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
عزت آن است که هر گاه با حق رو به رو شدی در برابر آن خوار و فروتن باشی. [615].

عزت از آن کیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند اختیار همه کارها را به مؤمن داده است اما این اختیار را به او نداده است که ذلیل باشد، مگر نشنیده‌ای که خدای متعال می‌فرماید: (و عزت از آن خداست)، (و لله العزه) (فاطر / 10) پس مؤمن عزیز است و ذلیل نیست. مؤمن از کوه نیرومندتر است؛ زیرا از کوه با ضربات تیشه کم می‌شود اما با هیچ وسیله‌ای از دین مؤمن نمی‌توان کاست. [616].

عامل عزت و ذلت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
راستی عزت است و نادانی ذلت. [617].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که می‌خواهد بی‌آنکه ایل و تباری داشته باشد عزتمند باشد و بدون آن که مال و ثروتی داشته باشد، بی‌نیاز باشد و بدون آن که قدرتی داشته باشد هیبت و شکوه داشته باشد باید از خواری معصیت خدا به عزت طاعت او درآید. [618].
[صفحه 309]

اثر طمع نداشتن از مردم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
عزت پیوسته بی‌قراری می‌کند تا آن که به خانه‌ای درآید که اهل آن چشم طمع به دست مردم نداشته باشند و آنجا مستقر می‌شود. [619].

سه چیز حق است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز است که به خدا قسم حقند: هیچ ثروتی بر اثر پرداخت صدقه و زکات کم نشد، در حق هیچ کس ستمی نشد که بتواند تلافی کند اما خویشتنداری ورزید مگر این که خداوند عوض آن، به او عزت داد و هیچ بنده‌ای در خواهشی را به روی خود نگشود مگر این که دری از فقر و نیازمندی به رویش گشوده گشت. [620].

اثر فروبردن خشم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ بنده‌ای خشم خود را فرو نخورد، مگر این که خداوند عزوجل بر عزت او در دنیا و آخرت افزود. [621].

اثر از بدی پاک شدن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که از بدی پاک شد، به عزت دست یافت. [622].
[صفحه 310]

اثر دوری گزیدن از مردم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
تنهایی و دوری گزیدن از مردم عزت و احترام را بیشتر نگه می‌دارد، تا دمخور شدن با آنان. [623].
[صفحه 313]

معاشرت

اثرات هدیه دادن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به یکدیگر هدیه دهید تا دل‌هایتان نسبت به هم با محبت شود؛ زیرا هدیه کینه‌ها را از بین می‌برد. [624].

انواع هدیه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هدیه سه گونه است: هدیه جبرانی، هدیه‌ی رشوه‌ای و تملق‌آمیز و هدیه برای خدای عزوجل. [625].

نخستین مخلوق روحانی خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند عزوجل عقل را آفرید و آن نخستین مخلوق روحانی بود، پس برای عقل هفتاد و پنج سرباز قرار داد، از میان آن هفتاد و پنج سربازی که برای عقل قرار داد، یکی خوب است که وزیر است و در مقابل آن بدی قرار داد که آن وزیر جهل است و دیگر ایمان است که دشمن آن کفر می‌باشد و دیگری تصدیق است که در مقابلش انکار قرار دارد و دیگری امید است که در برابرش نومیدی می‌باشد. [626].

مراد از ترازوهای عدل خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سوال از معنای آیه‌ی (و در روز قیامت ترازوهای عدل را می‌نهیم و هیچ کس (در) چیزی ستم نمی‌بیند) (و نضع الموازین القسط...) مقصود از این ترازوها پیامبران و اوصیا(ی آنها)ست. [627].
[صفحه 314]

به وعده خود وفا کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با مردی در جای صخره وعده گذاشت و فرمودند: من در این جا منتظر تو می‌مانم تا بیایی. آفتاب داغی بر آن حضرت می‌تابید. اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خوب است به سایه بروید. حضرت فرمودند: من در این جا با او وعده گذاشته‌ام و اگر نیاید تا قیامت در همین جا می‌ایستم. [628].

با خدا خلف وعده نکنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
وعده‌ی مؤمن نذری است که کفاره‌ای برایش (متصور) نیست؛ زیرا هر که خلف وعده کند، قبل از هر چیز با خدا خلف وعده کرده و خود را در معرض خشم و دشمنی او قرار داده است و این سخن خدای متعال است آن جا که می‌فرماید: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید)، (یا ایها الذین آمنوا لم تقولون مالا تفعلون). [629].

در سه چیز عذر پذیرفته نیست

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز است که هیچ کس در آنها معذور نیست. برگرداندن امانت به نیک و بد، وفای به عهد یا نیک و بد و خوشرفتاری با پدر و مادر، خوب باشند یا بد. [630].
[صفحه 315]

پنج نفر را خوب بشناسید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پنج چیز است که چنانند که من می‌گویم: بخیل را آسایش نیست و حسود را خوشی و شاهان را وفاداری و دروغگو را انسانیت و نابخرد و نادان را سروری نیست. [631].

زیباترین خصلت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سوال از زیباترین خصلت‌های انسان فرمودند: وقار بدون هیبت و بخشش بدون چشمداشت به پاداش و سرگرم شدن به غیر متاع دنیا. [632].

هشت خصلت مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سزاوار است که مؤمن هشت خصلت داشته باشد: در هنگام پیشامدها با وقار و پابرجاست، در گرفتاری‌ها شکیباست، در هنگام خوشی و آسایش سپاسگذار است، به آنچه خداوند روزیش فرموده خرسند باشد، به دشمنان ستم نکند، با دوستان غرض‌ورزی نکند، بدنش از او در رنج و زحمت باشد و مردم از او در آسایش‌اند. [633].

نگران دین خود باشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نگران دین خود باشید و آن را با تقیه پوشیده نگهدارید؛ زیرا کسی که تقیه ندارد ایمان ندارد. شما در میان مردم مانند زنبوران عسل در میان پرندگان هستید. اگر
[صفحه 316]
پرندگان بدانند که درون زنبور عسل چیست؟ همه‌ی آنها را می‌خورند و چیزی باقی نمی‌گذارند. [634].

تقیه چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (و با نیکی، بدی را دفع می‌کنند)، (و یدرؤون بالحسنة السیئة). نیکی (حسنه) همان تقیه است و بدی فاش کردن است. [635].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به عبدالله بن جندب فرمودند:
ای پسر جندب، خدای عزوجل در یکی از وحی‌های خود فرمود:
من نماز را از کسی می‌پذیرم که در برابر بزرگی من افتادگی کند و به خاطر من از خواهش‌های نفس خویشتنداری ورزد و روز خود را با یاد من بگذراند و بر آفریدگان من بزرگی و فخر نفروشد و گرسنه را سیر نماید و برهنه را بپوشاند و بر گرفتار و مصیبت‌زده رحم آورد و غریب را پناه دهد. چنین کسی نورش چون خورشید می‌تابد. برایش در تاریکی نوری قرار می‌دهم و در نادانی حلم و دانایی (به او عطا می‌کنم)، با عزت خود او را حمایت می‌کنم و فرشتگانم را به نگهبانی از او می‌گمارم. مرا می‌خواند و من جوابش را می‌دهم و از من چیز می‌خواهد و من عطایش می‌کنم. حکایت این بنده در نزد من همچون حکایت باغ‌های فردوس است که نه میوه‌هایش می‌خشکد و نه وضع آنها تغییر می‌کند. [636].
[صفحه 317]

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
روشنایی دل را جستم و آن را در اندیشیدن و گریستن یافتم و گذر از صراط را جستم و آن را در صدقه دادن یافتم و نورانیت چهره را جستم و آن را در نماز شب یافتم. [637].

سبب خوشحالی شیطان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
تا زمانی که دو مسلمان با یکدیگر قهر باشند، ابلیس خوشحال است و هر گاه با هم (آشتی و) دیدار کنند، زانوهایش به هم خورد و بندهایش از هم بگسلد و فریاد زند: ای وای بر من، هلاک شدم. [638].

سبب عذاب مظلوم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ گاه دو مرد با حالت قهر از یکدیگر جدا نشوند، مگر این که یکی از آن دو سزاوار بیزاری (خدا و رسولش از او) و لعنت باشد و چه بسا که هر دوی آنها سزاوار این امر باشند.
معتب عرض کرد: خدا مرا فدایتان گرداند، ظالم درست (مستحق این کیفر است) اما مظلوم چرا؟
حضرت فرمودند: برای آنکه برادرش را به آشتی با خود دعوت نمی‌کند و از سخن او چشم نمی‌پوشد. شنیدم پدرم فرمودند: هر گاه دو نفر با هم ستیزه کردند و یکی از آن دو بر دیگری چیره آمد، باید آن که در حق او ستم شده نزد آن دیگری
[صفحه 318]
برود و به او بگوید: ای برادر، ستمکار (و مقصر) من هستم تا قهر و جدایی میان او و رفیقش برطرف شود؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی داوری عادل است و حق ستمدیده را از ستمگر می‌ستاند. [639].

برترین شهریاران

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
برترین شهریاران کسی است که سه خصلت داشته باشد:
مهربانی، بخشندگی و دادگری. [640].

اطرافیان سلطان چه کسانی هستند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اطرافیان سلطان سه طبقه‌اند: یک طبقه خیراندیشانند که اینان مایه‌ی برکت خود و سلطان و رعیت هستند. طبقه‌ای دیگر هدفشان حفظ مقام خود است که اینان نه ستوده‌اند و نه نکوهیده. بلکه به نکوهش نزدیکترند و طبقه‌ای هم شرور و بدخواهند این طبقه شومند و مایه‌ی نکوهش خود و سلطان می‌باشند. [641].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
فرشتگان نه می‌خورند، نه می‌آشامند و نه ازدواج می‌کنند؛ بلکه با نسیم عرش زندگی می‌کنند. [642].
[صفحه 319]

وظایف فرشتگان الهی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به زندیقی که پرسید:
چرا خداوند که خود دانای نهان و نهان‌ترهاست، فرشتگان را گماشته است؟ فرمودند: خداوند با این کار فرشتگان را به بندگی گرفته است و آنان را گواه بر خلق خویش قرار داده است تا بندگان به خاطر همراه بودن فرشتگان با آنان نسبت به طاعت خدا مواظبت بیشتری نشان دهند و از نافرمانی او بیشتر خودداری و اجتناب کنند. ای بسا بنده‌ای که قصد گناه می‌کند، اما به یاد آن دو فرشته‌ی موکل بر خود می‌افتد و در نتیجه، از گناه خودداری می‌ورزد و خویشتن را نگه می‌دارد؛ زیرا می‌گوید: پروردگارم مرا می‌بیند و فرشتگان مراقب من به این گناه من گواهی خواهند داد.
خداوند همچنین از سر لطف و رأفت خود فرشتگان را بر بندگانش گماشته است تا شیطان‌های سرکش و حشرات موذی زمین و بسیاری از آفات و گزندهای دیگر را به اذن خداوند، به طوری که خودشان هم متوجه نشوند. از ایشان دفع کنند تا آنگه که فرمان خدای عزوجل در رسد. [643].

نشانه‌ی بزرگواری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز نشانگر بزرگواری آدمی است: خوشخویی، فرو خوردن خشم و فرو هشتن چشم. [644].
[صفحه 320]

عزت و احترام را فقط الاغ رد می‌کند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند دو مرد بر امیرالمؤمنین علیه‌السلام وارد شدند. حضرت برای هر یک از آن دو تشکی انداخت. یکی از آن دو روی تشک نشست و دیگری خودداری کرد. حضرت فرمودند: روی تشک بنشین؛ زیرا از پذیرفتن عزت و احترام سرباز نزند مگر الاغ. [645].

توبه‌ی قاتل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به این سوال: اگر مؤمن عمدا مؤمنی را بکشد آیا توبه دارد؟ فرمودند:
اگر به خاطر ایمانش او را کشته باشد، توبه ندارد. ولی اگر از روی خشم یا به انگیزه‌ی امری از امور دنیا بکشد، توبه‌اش این است که قصاص شود.
و نیز حضرت فرمودند:
هر کس که مؤمنی را عمدا بکشد، توفیق توبه پیدا نمی‌کند. [646].

جزای خودکشی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که عمدا خودکشی کند، در آتش دوزخ جاودانه است. [647].

دعا و تعویذ

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به این پرسش: آیا دعا و تعویذ چیزی از تقدیر را دفع می‌کند؟ فرمودند: خودش، از تقدیر است. [648].
[صفحه 321]

دهه‌ی آخر ماه رمضان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چون دهه‌ی آخر ماه رمضان فرا می‌رسید، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دامن همت به کمر می‌زد و از زنان دوری می‌گزید و شب‌ها را احیا می‌داشت و خود را وقف عبادت می‌کرد. [649].

ثواب وام و صدقه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بر در بهشت نوشته شده است: (ثواب) وام، هیجده برابر است و صدقه، ده برابر. علتش این است که وام جز به دست نیازمند نمی‌رسد اما صدقه، ممکن است به دست غیر محتاج بیفتد. [650] و نیز حضرت فرمودند:
علت این که وام برتر از صدقه آمده این است که وامخواه جز از روی نیاز تقاضای وام نمی‌کند، اما صدقه را گاه کسی که نیازی به آن ندارد، مطالبه می‌کند. [651].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پاداش وام هیجده برابر پاداش صدقه است؛ زیرا وام به دست کسی می‌رسد که برای گرفتن صدقه، خودش را خوار و خفیف نمی‌کند. [652].

وام دادن بهتر از صدقه است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: اگر وامی پرداخت کنم، خوشتر دارم از این که به همان مقدار صله و بخشش دهم. [653].
[صفحه 322]

غفلت چرا؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر شیطان دشمن است، پس غفلت چرا؟ [654].

عامل هوشیاری و چشم‌پوشی در زندگی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: درستی وضع زندگی اجتماعی و معاشرت، پیمانه پری است که دو سوم آن توجه و هوشیاری است، و یک سومش چشم‌پوشی. [655].

سه وظیفه‌ی مرد برای اداره‌ی خانه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مرد برای اداره‌ی خانه و خانواده‌اش باید سه کار انجام دهد هر چند برخلاف طبع او باشد: خوش‌رفتاری، گشاده دستی و ایجاد آرامش و رفاه اما به اندازه و غیرت و ناموس داری. [656].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز است که با وجود آنها غربت نیست: ادب و تربیت نیکو، بی‌آزاری و دوری از شک. [657].
[صفحه 323]

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن در دنیا غریب است، از خواری آن بی‌تابی نمی‌کند و برای (دستیابی به) عزتش با مردم رقابت نمی‌ورزد. [658].
[صفحه 325]

عافیت

اثر تقوای الهی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که خوش دارد از عافیت طولانی برخوردار شود، تقوی الهی در پیش بگیرد. [659].

شما مرد رنج و بلا نیستید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از خداوند بخشش و عافیت مسألت کنید؛ زیرا شما مرد رنج و بلا نیستید. پیش از شما افرادی از بنی اسرائیل بودند که با اره شقه شدند تا کفر بورزند اما کفر نورزیدند. [660].

دعای حضرت امام جعفر صادق

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در دعای خود فرمودند: (پروردگارا) ما را از بلایای مخوف به سلامت دار و به ما در هنگام رسیدن مصیبت‌های بزرگ صبر نیکو ارزانی دار.
خدایا! در این مجلس و وضع و حالی که هستیم مرا چنان گرامی دار که زان پس هرگز خوار و حقیرم نگردانی و چنان عافیتی عطایم فرما که بعد از آن هرگز مبتلایم نفرمایی.
بار خدایا! مرا از هر بدی که از آسمان به زمین فرود می‌آید و از هر بدی و گزندی که به آسمان فراز می‌رود و از هر بدی که در دل زمین افشانده می‌شود و هر بدی که از درونش بیرون می‌آید، به سلامت بدار. [661].
[صفحه 326]

دعای معروف حضرت ابوذر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در بیان دعای معروف ابوذر (ره) در میان اهل آسمان فرمودند:
بار خدایا! ایمان به خودت و باور به پیامبرت و عافیت از همه بلایا و شکر بر عافیت و بی‌نیازی از مردمان بد را، به من عطا فرما. [662].
[صفحه 328]

عفو و بخشودن مردم

خصلت‌های با ارزش دنیا و آخرت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز از خصلت‌های ارزشمند دنیا و آخرت است:
بخشودن کسی که به تو ستم کرده است، پیوستن به کسی که از تو بریده است و بردباری ورزیدن، هر گاه نسبت به تو رفتار جاهلانه‌ای شود. [663].

خصلت زشت قدرتمندان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چه زشت است انتقام‌گیری قدرتمندان. [664].

پند از بخشایش خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از کسی که به تو ستم کرده است گذشت کن؛ همچنان که دوست داری از تو گذشت شود. از بخشایش خدا نسبت به خودت پند گیر. [665].
[صفحه 331]

عقل و خردمندی

چگونگی خلقت عقل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند جل ثناءه، خرد را آفرید و آن نخستین موجود روحانی است که خداوند از سمت راست عرش، از نور خود خلق کرد. [666].

اثر خردمندی و بی‌خردی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ ثروتی پر برکت‌تر از خردمندی نیست و هیچ فقری پست‌تر از بی‌خردی نیست. [667].

مال پر سود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ مالی سودمندتر از خرد نیست. [668].

پشتوانه‌ی انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پشتوانه انسان خرد است و هوشمندی و فهمیدگی و حافظه و دانش از خرد برمی‌خیزد. پس هر گاه خردش با نور تأیید شود، دانا باشد و حافظ و تیزهوش و زیرک و فهمیده و باخرد به کمال می‌رسد و خرد راهنمای او و مایه‌ی بینش و بصیرتش و کلید کارهای اوست. [669].
[صفحه 332]

چهار عامل تکمیل کننده خرد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
میان بندگان چیزی به کمی پنج چیز تقسیم نشده است:
یقین، قناعت، صبر و شکر و آنچه همه اینها را تکمیل می‌کند خرد است.
[670].

عامل حجت میان بندگان و خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حجت خدا بر بندگان پیامبر است و حجت میان بندگان و خدا خرد است.
[671].

اثر گرفته شدن نعمت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه خداوند بخواهد نعمتی را از بنده‌ای بگیرد، نخستین چیزی که در او تغییر می‌دهد خرد اوست. [672].

راهنمای مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خرد راهنمای مؤمن است. [673].

عامل دینداری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که خردمند باشد دیندار است و هر که دیندار باشد به بهشت می‌رود.
[674].
[صفحه 333]

صفت خردمند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خردمند هیچ کس را خوار نمی‌شمارد. [675].

شیوه‌ی خردمند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خردمند از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود. [676].

آنچه بر خردمند لازم است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بر خردمند است که زمان خود را بشناسد، به کار خویش بپردازد و زبانش را نگه دارد. [677].

خردمند سه چیز را نباید فراموش کند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز است که خردمند را نسزد در هیچ حالتی آنها را از یاد ببرد: فنای دنیا، دگرگونی احوال و اوضاع و آفاتی که از آنها ایمنی نیست. [678].

کم خردترین مردم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 334]
کم خردمندترین مردم، کسی است که به فرودست خود ستم کند و از کسی که از او پوزش خواهد گذشت نکند [679].

عامل شکوفایی خرد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بسیار نگریستن (و اندیشیدن) در دانش، خرد را باز و شکوفا می‌کند [680].

عامل بارور شدن خرد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بسیار اندیشیدن در حکمت، خرد را بارور می‌کند [681].

نشان خردمند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خردمند را خردمند نتوان شمارد، مگر آنگاه که سه چیز را کاملا داشته باشد: در حال خشم و خشنودی، حق را به حق‌دار بدهد، برای مردم آن پسندد که برای خود می‌پسندد و در هنگام دیدن لغزش از کسی، بردباری به خرج دهد [682].

نشان کمال خرد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کمال خرد در سه چیز است: خاکساری در برابر خدا، داشتن یقین نیکو و خاموش ماندن به جز از سخن نیک [683].
[صفحه 335]

ملاک خرد انسانها

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از نامه‌ی مرد پی به خرد و بینش او برده می‌شود و از فرستاده‌ی او پی به فهم و هوش او [684].

راه آزمودن خرد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه خواستی خرد مردی را در یک نشست بیازمایی، در ضمن صحبتهایت، حرفهای ناشدنی به او بگو، اگر آنها را رد کرد او خردمند است و اگر پذیرفت و تایید کرد نابخرد است. [685].

دشمن خرد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هوای نفس، بیدار است و خرد خفته [686].

مدت دوران خرد انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کودک در هفت سالگی، دندان شیری می‌اندازد. در نه سالگی باید او را به نماز خواندن واداشت و در ده سالگی بسترهایشان را از هم جدا کرد و در چهارده سالگی محتلم می‌شود و در بیست و دو سالگی قد کشیدنش متوقف می‌شود و در بیست و هشت سالگی رشد عقلش به پایان می‌رسد به جز تجربه‌ها [687].
[صفحه 336]

عامل آسایش خرد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خاموشی، آسایش خرد است [688].

جایگاه خرد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
جایگاه خرد مغز است مگر نمی‌بینی وقتی کسی کم خرد باشد می‌گویند: چقدر سبک مغز است [689].
[صفحه 339]

دانش و دانایی

بهترین ارث

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بهترین دانش که پدران برای فرزندان خود باقی می‌گذارند، ادب است. نه ثروت؛ زیرا ثروت رفتنی است و ادب ماندنی. مسعده گفت: منظور از ادب، دانش است [690].

دو روز آخر عمر خود صرف چه کاری شود؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر از عمرت دو روز باقی مانده باشد، یکی از آن دو روز را برای ادب (و دانش) خود صرف کن تا برای روز مردنت از آن کمک بگیری عرض شد: آن کمک گرفتن چیست؟ حضرت فرمودند: این که آن چه را پس از خود می‌گذاری نیکو تدبیر سازی و محکم کاری می‌کنی [691].

وارثان پیامبران

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
علماء وارثان پیامبرانند، زیرا پیامبران درهم و دینار به ارث نگذاشتند، بلکه احادیثی از خویش بر جای باقی نهادند. پس، هر کس چیزی از این احادیث را بیاموزد، بهره‌ای فراوان برده است؛ بنابراین بنگرید که دانش خود را از چه کسی فرا می‌گیرید [692].

اثر مرکب عالمان و دانشمندان در روز رستاخیز

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 340]
چون روز رستاخیز شود، خدای عزوجل مردم را در دشتی فراخ گرد می‌آورد و ترازوها گذاشته شود و خون شهیدان با مرکب عالمان سنجیده می‌شود، اما کفه مرکب عالمان بر خون شهیدان می‌چربد [693].

یک عالم بهتر است یا هزار عابد؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
یک عالم، برتر از هزار عابد و هزار زاهد است [694].

یک عالم پانصد سال از عابد جلوتر است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شخص دانشمند، بر فراز تپه‌ای به مسافت پانصد سال (فاصله) جلوتر از عابد می‌آید [695].

عامل شفاعت بهشتیان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چون روز قیامت شود خدای عزوجل عالم و عابد را برانگیزد چون آن دو در پیشگاه خدای عزوجل بایستند، به عابد گفته شود: به بهشت برو و به عالم گفته شود: بایست و به سبب آن که مردم را نیکو تربیت کردی شفاعتشان کن [696].
[صفحه 341]

مراد از کاسته شدن اطراف زمین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سوال از آیه‌ی (آیا شنیدند که ما از اطراف زمین می‌کاهیم)، (اولم یروا انا نأتی الارض ننقصها من اطرافها) فرمودند:
مراد از دست رفتن علماست [697].

شرط نگاه کردن به چهره‌ی علماء

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به پرسش از این سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که: نگریستن به چهره‌ی علما عبادت است فرمودند:
منظور عالمی است که چون به او بنگری، تو را به یاد آخرت اندازد و کسی که بر خلاف این باشد نگاه کردن به او فتنه (و گمراهی) است [698].

شرط آموختن علم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در جستجوی آموختن دانش برآیید، گرچه با فرو رفتن در ژرفای دریاها و شکافتن دل‌ها باشد [699].

وجوب فراگرفتن علم و دانش

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
فرا گرفتن دانش، در هر حالی واجب است [700].
[صفحه 342]

ماهیان و پرندگان برای فراگیران علم آمرزش می‌طلبند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همه اشیاء حتی ماهیان دریاها و پرندگان آسمان، برای جوینده‌ی دانش آمرزش می‌طلبند [701].

مراد از انفاق کردن چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (و آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند)، (مما رزقناهم ینفقون) فرمودند:
یعنی از آنچه به آنها یاد داده‌ایم (دیگران را) آگاه می‌سازند و آنچه از قرآن به آنها آموخته‌ایم، تلاوت می‌کنند [702].

زکات دانش

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر چیزی زکاتی دارد و زکات دانش آموختن آن است به اهلش [703].

سبب مقدم بودن علم بر نادانی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در کتاب علی علیه‌السلام خواندم که خداوند از نادانان پیمان بر طلب علم نگرفت مگر این که پیشتر از دانایان پیمان گرفت که به نادانان علم بخشند؛ زیرا علم مقدم بر جهل بوده است [704].
[صفحه 343]

سزای طلب مزد برای فهماندن دین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس که مردم برای فهم دین خود به او نیاز پیدا کنند و او از آنان مزد طلب کند، سزاوار است که خدای تعالی او را به آتش دوزخ برد. [705].

آیا ارتزاق با علم صحیح است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که علم خود را وسیله‌ی ارتزاق قرار دهد، نیازمند شود. (راوی گوید:) عرض کردم: فدایت شوم! در میان شیعیان و دوستداران شما گروهی هستند که دانش‌های شما را فرا می‌گیرند و آنها را میان شیعیان شما پخش می‌کنند و به خاطر این کار به آنها احسان و هدیه و احترام می‌شود. حضرت فرمودند: اینان ارتزاق کننده نیستند، بلکه ارتزاق کننده‌ی به علم کسی است که بی‌آنکه از علمی برخوردار باشد و از جانب خدای عزوجل هدایتی یافته باشد، برای پایمال کردن حقوق و رسیدن به حکام دنیوی، فتوا دهد [706].

آیا درآمد آموزش قرآن حرام است؟

و نیز به حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام عرض شد: اینها می‌گویند که درآمد آموزگار (علوم دینی) حرام است؛ حضرت فرمودند:
دروغ می‌گویند این دشمنان خدایند. هدف آنها این است که قرآن را آموزش ندهند. اگر کسی خونبهای فرزند خود را هم به آموزگار بدهد، آن خونبها برای او مباح و رواست [707].
[صفحه 344]

عامل یاد شدن به بزرگی در ملکوت آسمان‌ها

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که برای خدا علم بیاموزد و برای خدا (به آن) عمل کند و برای خدا به دیگران آموزش دهد، در ملکوت آسمان‌ها از او به بزرگی یاد می‌شود. و گفته آید: برای خدا آموخت، برای خدا عمل کرد و برای خدا آموزش داد [708].

وظیفه علمای شیعه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
علمای شیعه‌ی ما، نگهبانان مرزی هستند که در آن سویش ابلیس و دیوهای او قرار دارند و جلو یورش آنها به شیعیان ناتوان ما و تسلط یافتن ابلیس و پیروان او بر آنان را می‌گیرند [709].

شرط دانشمندی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ترس (از خدا) میراث دانش است و دانش، فروغ شناخت و دل ایمان. کسی که از حیثیت بی‌بهره باشد دانشمند نیست، گر چه در مشکلات و پیچیدگی‌های دانش موشکاف باشد. خدای تعالی فرموده است: (جز این نیست که از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند)، (انما یخشی الله عباده العلماء) (فاطر / 28) [710].

مراد از دانشمندان چه کسانی هستند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه‌ی (جز این نیست که از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند) فرمودند:
[صفحه 345]
مراد از دانشمند کسی است که کردارش گفتارش را تایید کند و کسی که کردارش گفتار او را تایید نکند (عالم بی‌عمل) دانشمند نیست [711].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
برای ترس از خدا، دانش کفایت می‌کند همانا خداشناس ترین مردم، خداترس ترین آنهاست، و خداترس ترین آنها خداشناس‌ترین آنهاست؛ و خداشناس ترین مردم، بی‌اعتناترین آنهاست به دنیا.
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: برای ترس از خدا علم (به او) کفایت می‌کند و برای نترسیدن از (مقام و عذاب) خدا، نادانی (به مقام و عظمت او) کافی است [712].

شیوه‌ی آموزش دانشمندان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بر دانشمند است که هر گاه آموزش دهد، درشتی و خشونت نکند و هر گاه کسی بخواهد به او علم آموزد ننگش نیاید [713].

خطر علم بدون عمل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که بدون بینش عمل کند، همچون کسی است که در بیراهه رود چنین کسی هر چه تندتر رود، از راه دورتر می‌افتد.
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 346]
کسی که بدون بصیرت عمل کند چون کسی است که به دنبال سراب بیابان راه بپیماید. او هر چه تندتر رود دورتر می‌افتد [714].

اثر علم و عمل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
علم و عمل به هم بسته شده‌اند؛ بنابراین هر که بداند عمل می‌کند و هر که عمل می‌کند بداند. علم، عمل را صدا می‌زند، اگر پاسخش داد می‌ماند و گرنه می‌رود [715].

از دو صفت زشت دوری کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دو کس پشت مرا شکستند: پرده در نابکار و عابد نادان.
آن یکی با زشت‌کاری‌های خود مردم را از عملش باز می‌دارد و این یکی با نادانی خود آنها را از عبادتش باز می‌دارد [716].

عمل دانایان و نادانان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر اندازه که دلتان می‌خواهد بیاموزید، اما (بدانید که) تا به علم عمل نکنید خداوند هرگز از آن به شما سودی نمی‌رساند؛ زیرا که دانایان به عمل کردن اهتمام می‌ورزند و نادانان به روایت کردن [717].
[صفحه 347]

به سخنان خود عمل کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به ازدی فرمودند:
سلام ما را به دوستداران برسان و باخبرشان کن که در برابر خداوند از ما کاری برای آنها ساخته نیست، جز اینکه عمل کنند و هرگز به ولایت ما دست نیابند مگر با عمل و پارسایی و پرحسرت‌ترین مردم در روز قیامت کسی است که عدالتی را وصف کند و خود برخلاف آن رفتار نماید [718].

کمترین کیفر عالم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای عزوجل به داود علیه‌السلام وحی فرمود: که میان خود، عالم فریفته‌ی دنیا را واسطه مکن که تو را از راه محبت من باز می‌دارد. اینان راهزنان بندگان خواهان من هستند. کمترین کاری که با اینها بکنم، این است که حلاوت مناجات خود را از دلهایشان برکنم [719].

عامل سخت‌ترین عذاب برای عالم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در میان مردمان (گنهکار) سخت‌ترین عذاب را عالمی دارد، که از علم خود کمترین سودی نبرد [720].

عامل خشم خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 348]
هر که علمش به خدا افزونتر شود و دنیا دوستیش فزونی گیرد، بر دوری او از خدا و خشم خداوند از او افزوده شود [721].

عامل دوستداری دنیا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هرگاه عالم را دوستدار دنیا دیدید، نسبت به دین خود به او بدبین باشید؛ زیرا هر دوستداری بر گرد محبوب خود می‌گردد [722].

تفسیر علم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دانش به آموختن نیست، بلکه نوری است که در دل هر کس که خدای تبارک و تعالی بخواهد هدایتش کند، می‌افتد. بنابراین اگر خواهان دانش هستی، نخست حقیقت عبودیت را در جان خودت جویا شو و دانش را از طریق به کار بستن آن بجوی و از خداوند فهم و دانایی بخواه تا تو را فهم و دانایی دهد [723].

سفارش خضر به حضرت موسی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خضر علیه‌السلام در سفارش خود به موسی علیه‌السلام فرمود:
بر دلت جامه‌ی تقوا بپوشان، تا به دانش دست یابی [724].

علم چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 349]
مردی خدمت رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) علم چیست، حضرت فرمودند: خاموشی. عرض کرد: سپس چه، حضرت فرمودند: گوش سپردن. عرض کرد: دیگر چه، حضرت فرمودند: حفظ و مراقبت. عرض کرد: آنگاه چه؟ حضرت فرمودند: به کار بستن آن. عرض کرد: سپس چه؟ ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)! حضرت فرمودند: انتشار دادن آن [725].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به یکی از شاگردان خود فرمودند: تو از من چه آموخته‌ای؟ عرض کرد: سرورم! هشت موضوع آموخته‌ام. حضرت فرمودند: بگو بدانم چیست؟ عرض کرد:
نخست این که دریافتم هر محبوبی، در هنگام مرگ از حبیب خود جدا می‌شود. از این رو همّ خود را مصروف چیزی کردم که از من جدا نمی‌شود، بلکه یار تنهایی من است و آن کار نیک است حضرت فرمود: نیکو گفتی به خدا.
دوم این که: مشاهده کردم قومی به تبار خود می‌نازند و جماعتی به مال و فرزند؛ در صورتی که این افتخار نیست، بلکه افتخار بزرگ را در این سخن خدای تعالی یافتم که «همانا گرامی‌ترین شما در پیشگاه خدا پرهیزکارترین شماست» «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» بنابراین کوشش کردم تا نزد او گرامی‌تر باشم. حضرت فرمودند: نیکو گفتی به خدا.
سوم این که: هوسرانی و خوشگذرانی مردم را دیدم و این فرموده‌ی خدای تعالی را نیز شنیدم: «اما آن که از مقام پروردگارش ترسید و نفس را از هوس بازداشت، بهشت جایگاه اوست»، «و اما من خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی فان الجنة
[صفحه 350]
هی المأوی»؛ پس سعی کردم نفس را از هوی باز دارم تا بر طاعت خدای تعالی آرام و قرار گیرد. حضرت فرمودند: نیکو گفتی به خدا.
چهارم این که: دیدم هر کس به چیزی که برایش ارزشمند است دست یابد، در نگهداری آن می‌کوشد و این سخن خدای سبحان را شنیدم: (کیست که به خداوند وام نیکو دهد و او آن را برایش دو چندان گرداند و مزدی کریمانه به وی دهد)، (من ذالذی یقرض الله قرضا حسنا فیضاعفه له و له اجر کریم) و من دو چندان شدن را پسندیدم و محفوظتر از آنچه نزد خداست چیزی ندیدم. بنابراین، هر چیزی که می‌یافتم و برایم ارزشمند بود آن را به خدا دادم، تا برای زمانی که بدان نیاز دارم پس‌انداز شود. حضرت فرمودند: نیکو گفتی به خدا.
پنجم این که: دیدم مردی به روزی هم حسادت می‌ورزند و این سخن خدای تعالی را شنیدم: «ما روزی آنها را در زندگی این جهان میانشان تقسیم کردیم و برخی را به برخی دیگر برتری دادیم تا عده‌ای، عده‌ای دیگر را به خدمت گیرند. و رحمت پروردگارت از آنچه آنها گرد می‌آورند بهتر است»، «نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیاة الدنیا و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضا سخریا و رحمة ربک خیر مما یجمعون». بنابراین

به هیچ کس رشک نبردم و برای آنچه از دستم رفته افسوس نخوردم. حضرت فرمودند: نیکو گفتی به خدا.
ششم این که: دیدم مردم در این سرای دنیا به یکدیگر دشمنی و کینه می‌ورزند و این سخن خدای تعالی را شنیدم: (همانا شیطان دشمن شماست؛ پس شما نیز او را دشمن دارید)، (ان الشیطان لکم عدو فاتخذوه عدوا). از این رو به دشمنی با شیطان پرداختم و از دشمنی با جز او فارغ گشتم. حضرت فرمودند: نیکو گفتی به خدا.
هفتم این که: دیدم مردم در تحصیل روزی، خود را به رنج و زحمت می‌اندازند و این سخن خدای تعالی را شنیدم: (جن و انس را نیافریدم، مگر برای این که مرا عبادت کنند. از آنها رزقی نمی‌خواهم و نمی‌خواهم که مرا اطعام کنند. خداست
[صفحه 351]
روزی دهنده و اوست صاحب نیرویی سخت استوار.)، (و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون - ما ارید منهم من رزق و ما ارید ان یطعمون - ان الله هو الرزاق ذو القوة المتین). و دانستم که وعده و سخن او راست است و به وعده‌ی او اطمینان کردم و سخنش را پذیرفتم و به انجام وظیفه‌ای که در قبال او دارم (یعنی عبادت) پرداختم و از به رنج افکندن خود در طلب روزی که نزد او دارم (و رساندنش را تضمین کرده است) فارغ گشتم. حضرت فرمودند: نیکو گفتی به خدا.
هشتم این که: دیدم عده‌ای به تندرستی خود تکیه می‌کنند و گروهی به پول و ثروت فراوان خویش و جماعتی دیگر به امثال این چیزها و سخن خدای تعالی را شنیدم: (هر کس از خدا بترسد، خداوند برای او راهی قرار دهد و از جایی که گمانش را نمی‌برد روزیش دهد و هر که به خدا تکیه و توکل کند، خداوند او را بس است)، (و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه). پس به خدا تکیه کردم و تکیه‌ام به جز او از بین رفت. حضرت فرمودند:
به خدا قسم که تورات و انجیل و زبور و فرقان و دیگر کتابها(ی آسمانی) همگی بر این هشت موضوع برمی‌گردند [726].

اثر شناخت حلال و حرام

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
فراگرفتن یک حدیث درباره‌ی حلال و حرام از شخص راستگو، برای تو بهتر از دنیا و زر و سیم‌های آن است [727].

عامل زیور دانش

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دانش را فرا گیرید و در کنار آن خود را به زیور بردباری و وقار بیارایید [728].
[صفحه 352]

عامل کفایت انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که به آنچه می‌داند عمل کند، آنچه را نمی‌داند کفایت شود [729].
[صفحه 354]

عمر

مراد از توبیخ افراد هیجده ساله چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (آیا شما را آن قدر عمر ندادیم که...)، (اولم نعمرکم...) (فاطر / 37). فرمودند:
توبیخی است برای افراد هیجده ساله [730].

افراد چهل ساله مواظب خود باشند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بنده تا چهل سالگی میدان دارد، چون به چهل رسید، خدای عزوجل به دو فرشته‌اش وحی فرماید که من بنده‌ام را عمر دادم. پس در کار او سختگیری کنید و کارهایش را از کم و زیاد و خرد و کلان نگهدارید و بنویسید [731].

اوج عمر انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه بنده به سی و سه سالگی برسد به برومندی رسیده است و هر گاه چهل ساله شود به اوج عمر خود رسیده است و چون به چهل و یک سالگی رسد رو به کاهش نهد. شخص پنجاه ساله باید مانند کسی باشد که در حال جان کندن است [732].

عامل ازدیاد عمر انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که خوش نیت باشد، عمرش زیاد شود [733].
[صفحه 356]

اسلام

مراد از رنگ خدا چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (این رنگ خداست)، (صبغة الله و من احسن من الله صبغة و نحن عابدون) (بقره / 138) فرمودند: منظور از رنگ خدا، اسلام است. [734] حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی همین آیه فرمودند:
خداوند مؤمنان را در (زمان گرفتن) میثاق، رنگ ولایت زد. [735].

پایه‌های اسلام

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پایه‌های اسلام سه چیز است: نماز، زکات و ولایت؛ هیچ یک از این سه جز با آن دو دیگر، درست و (پذیرفته) نیست [736].

مراد از تکیه گاه‌های اسلام چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به این پرسش که تکیه گاههای اسلام چیست؟ فرمودند: آری، شهادت به یگانگی خداوند و ایمان آوردن به رسول او (صلی الله علیه و آله و سلم) و اقرار به آنچه او از نزد خدا آورده و پرداخت زکات و اموال و ولایتی که خداوند بدان فرمان داده است (یعنی) ولایت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) [737].

بنیاد اسلام

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بنیاد اسلام، محبت به من و اهل بیت من است [738].
[صفحه 357]

معنای اسلام

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اسلام به معنای اقرار ظاهری (و زبانی) به همه طاعات و احکام الهی است. پس هر که در ظاهر به تمام طاعات اقرار کند، گر چه اعتقاد قلبی نداشته باشد سزاوار نام اسلام و معنای آن می‌باشد و بایسته دوستی ظاهر است و شهادتش مجاز است و ارث می‌برد و هر چه برای مسلمانان و بر مسلمانان است برای او و بر او نیز هست [739].

شرط ایمان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به مردی شامی که سوالاتی از حضرت پرسید و چون پاسخش را فرمودند: عرض کرد: اکنون به خداوند اسلام آوردم، فرمودند: نه، بلکه اکنون به خدا ایمان آوردی؛ اسلام پیش از ایمان است. به وسیله‌ی اسلام از یکدیگر ارث برند و با هم ازدواج کنند، اما به وسیله‌ی ایمان ثواب و پاداش برند [740].

عامل حلال شدن زناشویی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به وسیله اسلام خون اشخاص حفظ می‌شود و امانت، ادا می‌گردد و زناشویی حلال می‌شود، ولی ثواب در برابر ایمان داده می‌شود [741].
[صفحه 359]

سلام

بخیل چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بخیل کسی است که در سلام گفتن بخل ورزد [742].

اول سلام کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نخست سلام کنید بعد سخن آغاز نمایید [743].

شرط ورود به خانه‌ها

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال از آیه‌ی (به خانه‌ای غیر از خانه‌ی خود وارد مشوید، مگر آن که اجازه گیرید و به ساکنانش سلام گویید)، (لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلموا علی اهلها) (نور / 27) فرمودند:
اجازه گرفتن با به صدا درآوردن کفش و سلام کردن است [744].
[صفحه 361]

تسليم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بنده میان سه چیز قرار گرفته است: میان بلا و قضا و نعمت. در برابر بلای خدا وظیفه دارد صبر کند، در برابر قضای خدا وظیفه دارد تسلیم شود و در برابر نعمت خدا وظیفه دارد شکرگزار باشد [745].

تکیه‌گاه انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در زیارت پنجم از زیارت‌های جامعه آمده است: ارشاد و راهنمایی (تو) در کار من و تسلیم (من) در برابر امر و فرمانت را بستر و تکیه‌گاه من قرار ده [746].

مراد از دستگیره محکم انسان چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که به دستگیره‌ی محکم چنگ زند، نجات یافته است. [راوی گوید:] عرض کردم: آن دستگیره‌ی محکم چیست؟ حضرت فرمودند: تسلیم [747].

عامل شناخت مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به پرسش: از کجا دانسته می‌شود که کسی مؤمن است؟ فرمودند: از تسلیم او در برابر خدا و خرسندیش به هر خوشی و ناخوشی که به او می‌رسد [748].
[صفحه 362]

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هیچ گاه درباره‌ی کاری که گذشته بود نمی‌فرمودند: کاش جز این بود [749].

معنای تسلیم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه بنده بگوید: لا حول و لا قوة الا بالله، خدای عزوجل به فرشتگان فرماید: بنده‌ام تسلیم شد، حاجتش را برآورید. حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه بنده بگوید: ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله، خداوند فرماید: ای فرشتگان من! بنده‌ام تسلیم شد، کمکش کنید، او را دریابید، حاجتش را برآورید [750].
[صفحه 364]

مسواک

اخلاق پیامبران

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مسواک زدن از اخلاق پیامبران است [751].

آیا خلایق همه در شمار آدمیانند؟

از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام سؤال شد:
آیا این خلایق همه در شمار آدمیانند؟ حضرت فرمودند: افرادی را که مسواک نمی‌زنند از شمار آنها بینداز [752].

عامل از بین بردن آبریزش چشم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مسواک زدن آبریزش چشم را از بین می‌برد و نور آن را زیاد می‌کند [753].

دوازده ویژگی مسواک زدن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مسواک زدن، دوازده ویژگی دارد: از سنت است، دهان را تمیز می‌سازد، نور چشم را زیاد می‌کند، خدای رحمان را خشنود می‌گرداند دندان‌ها را سفید می‌کند، پوسیدگی آنها را از بین می‌برد، لثه‌ها را محکم می‌سازد اشتها را باز می‌کند، بلغم را می‌برد، حافظه را زیاد می‌کند و حسنات دو چندان می‌شود و فرشتگان شاد می‌گردند [754].
[صفحه 365]

اثر مسواک زدن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بر شما باد به مسواک زدن زیرا این کار وسوسه سینه را از بین می‌برد [755].

در سحرگاه مسواک بزنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه شب (برای عبادت) برخاستی مسواک بزن؛ زیرا فرشته می‌آید و دهانش را بر دهان تو می‌گذارد و هر کلمه‌ای را که تلاوت کنی و به زبان آوری به آسمان بالا می‌برد. بنابراین باید دهانت خوشبو باشد [756].

شیوه مسواک زدن رسول خدا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چون نماز خفتن را می‌خواندند، دستور می‌فرمودند: ظرف وضو و مسواکش را کنار سرشان بگذارند. در روایتی دیگر آمده است: آن حضرت هر بار که از خواب بیدار می‌شدند مسواک می‌نمودند [757].
[صفحه 367]

جوانی و جوانمردی

کلید خیر و قفل شر چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ورقة بن نوفل هر گاه نزد خدیجه بنت خویلد می‌رفت به او چنین سفارش می‌کرد: (بدان که جوان نیک‌خوی، کلید خیر و قفل شر است و جوان زشت‌خوی قفل خیر و کلید شر است.) [758].

نوجوانان را دریابید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به احوال فرمودند:
به بصره رفتی؟ عرض کرد: آری. فرمودند: شوق مردم به این امر (ولایت و امامت ما) و پذیرش آنها را چگونه دیدی؟ عرض کرد: به خدا قسم اندکند، کارهایی کرده‌اند، اما کم است. حضرت فرمودند: بر تو باد به نوجوانان؛ زیرا این گروه در پذیرش هر نوع خوبی شتاب بیشتری نشان می‌دهند [759].

جوان نباید از دو حال خارج باشد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دوست ندارم جوان شما را جز در دو حال ببینم: دانشمند یا دانش آموز؛ زیرا اگر چنین نباشد کوتاهی کرده است و چون کوتاهی کند، ضایع گشته و چون ضایع گردد گنهکار باشد و چون گنهکار باشد، سوگند به آن که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را به حق برانگیخت، در آتش جای گیرد [760].

مراد از فتی و جوانمرد کیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به سلیمان بن جعفر نهدی فرمودند: [صفحه 368]
ای سلیمان! فتی کیست؟ او می‌گوید: عرض کردم: ما به جوان فتی می‌گوییم. حضرت فرمودند: مگر نمی‌دانی که اصحاب کهف همگی میانسال بودند، اما خداوند به سبب ایمانشان آنان را فتیه (جوانان) نامید؟ ای سلیمان! هر که به خدا ایمان آورد و با تقوا باشد او فتی (جوان، جوانمرد) است.
و نیز حضرت به مردی فرمودند:
شما به چه کسی فتی می‌گویید؟ عرض کرد: به جوان. حضرت فرمودند: نه، فتی مؤمن است. اصحاب کهف همگی بزرگسال بودند اما خداوند عزوجل آنان را به سبب ایمانی که داشتند فتیه (جوانان، جوانمردان) نامید [761].
[صفحه 370]

درختکاری

حلالترین و پاکیزه‌ترین شغل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال از مکروه بودن شغل کشاورزی فرمودند: زراعت کنید و درخت بکارید؛ به خدا سوگند که مردم شغلی حلالتر و پاکیزه‌تر از آن پیشه نکرده‌اند، به خدا سوگند بعد از خروج دجال کشاورزی و نخل کاری رونق بسزایی خواهد یافت [762].

سزای قطع درختان میوه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
درختان میوه را قطع نکنید، که خداوند بر سر شما عذاب فرومی‌ریزد [763].

درخت خرما را قطع نکنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
قطع درخت خرما مکروه است [764].
[صفحه 372]

شرک

شرک نورزید و تسلیم باشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر مردمی خدای یگانه و بی‌انبازی را بپرستند و نماز بخوانند و زکات بپردازند و حج بروند و ماه رمضان را روزه بگیرند ولی (از روی اعتراض) به چیزی که خداوند یا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ساخته است بگویند: چرا خلاف آن را نساخت؟ یا در دلشان چنین اعتراضی کنند (و به زبان نیاورند). به سبب آن مشرک شوند. امام آنگاه این آیه را تلاوت نمودند: (سوگند به پروردگارت که ایمان نیاورده باشند مگر آنگاه که در اختلافات میان خود تو را داور کنند و از داوری تو احساس دلتنگی نکنند و کاملا تسلیم باشند)، «فلا و ربک لا یؤمنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم ثم لا یجدوا فی انفسهم حرجا مما قضیت و یسلموا تسلیما» [765].

عامل شرک پنهان و خفی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره آیه: (و بیشتر آنان به خدا ایمان نیاوردند...)، (و ما یومن اکثرهم و بالله الا و هم مشرکون...) (یوسف / 106) فرمودند: مانند این که انسان بگوید: اگر فلانی نبود من از بین می‌رفتم و اگر فلانی نبود چنین و چنان می‌شدم و اگر فلانی نبود خانواده‌ام نابود می‌شد؛ مگر نمی‌بینی که او با این حرفها در ملک خدا برایش شریکی قایل شده است که روزیش می‌دهد و از او دفاع و دفع گرفتاری می‌کند؟ راوی می‌گوید: عرض کردم: پس بگوید: اگر خداوند به واسطه‌ی فلانی بر من منت نمی‌نهاد از بین می‌رفتم؟ حضرت فرمودند: آری، اشکال ندارد.
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی همین آیه فرمودند: ندانسته از شیطان پیروی می‌کند و بدین سان مشرک می‌شود. حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی همین آیه فرمودند:
[صفحه 373]
منظور شرک در فرمانبری است نه شرک در عبادت [766].

شرک پنهان نامحسوس‌تر از حرکت مورچه است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی این جمله که شرک نامحسوس‌تر از حرکت مورچه در شب تاریک بر روی گلیمی سیاه است، سوال شد. فرمودند:
بنده مشرک نباشد مگر آنگاه که برای غیر از خدا نماز بخواند، یا برای غیر خدا ذبح کند و یا برای غیر خدای عزوجل دعوت کند [767].

سخن رسول خدا درباره‌ی شرک خفی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی فرموده‌ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که همانا شرک نامحسوس‌تر از راه رفتن مورچه در یک شب تاریک بر روی تخته سنگی سیاه است. فرمودند: مؤمنان به معبودهای مشرکان ناسزا می‌گفتند و مشرکان نیز متقابلا به معبود مسلمانان دشنام می‌دادند. از این رو، برای آن که مشرکان به خدای مؤمنان ناسزا نگویند خداوند ایشان را از ناسزا گفتن به معبودهای مشرکان نهی فرمودند. بنابراین مؤمنان ندانسته به خدا شرک آورده بودند [768].

[صفحه 375]

ابلیس

هجوم زنبورها به گوشت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هجوم شیطان‌ها به مؤمنان، بیشتر از هجوم زنبورها به گوشت است [769].

هدف از دام‌های ابلیس چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ابلیس در این سرای پر فریب، دام‌های خود را پهن کرده است و هدف او کسی جز دوستداران ما نیست [770].

مراد از گام‌های شیطان چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سوگند خوردن برای طلاق دادن و نذر کردن برای گناه و هر سوگندی به غیر خدا، از گام‌های شیطان است [771].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
وقتی آیه‌ی: (و آنان که چون کار زشتی کنند)، (و الذین اذا فعلوا فاحشه) نازل شد، ابلیس بالای کوهی در مکه به نام ثور رفت و با بلندترین فریاد خود، عفریتهایش را صدا زد آنها جمع شدند و گفتند: سرورا چرا ما را فراخواندی؟ ابلیس گفت: این آیه نازل شد اکنون کدام یک از شما حریف آنها هستید؟ عفریتی از شیاطین برخاست و گفت: من چنین و چنان می‌کنم. ابلیس گفت: تو حریف آن نیستی. دیگری برخاست و همانند آن سخنان گفت. ابلیس گفت: تو نیز از عهده آن
[صفحه 376]
بر نمی‌آیی، وسواس خناس گفت: من از عهده‌اش برمی‌آیم. ابلیس گفت: چگونه: او گفت: به آنان وعده و امیدواری (به توبه و آمرزش) می‌دهم تا آن که مرتکب گناه شوند و چون به گناه درافتادند استغفار را از یادشان می‌برم. ابلیس گفت: تو حریف این آیه هستی. پس او را تا روز قیامت مأمور (مقابله با) آن کرد [772].

ثروت، کمینگاه شیطان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شیطان آدمی را همه جا می‌چرخاند و چون او را خسته و درمانده کرد، نزدیک ثروت کمین می‌کند و گردنش را می‌گیرد [773].

ابزار شیطان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ابلیس به سپاهیان خود گفت: در میان آدمیان حسادت و تجاوزگری افکنید؛ زیرا این دو نزد خدا با شرک برابر است [774].

بنده که خداوندگار خود را نمی‌آزماید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ابلیس نزد عیسی علیه‌السلام آمد و گفت: مگر تو نمی‌گویی که مردگان را زنده می‌کنی؟ عیسی علیه‌السلام فرمود: چرا، ابلیس گفت: پس (اگر راست می‌گویی) خودت را از روی دیوار به زیرانداز. عیسی علیه‌السلام فرمود: وای بر تو! بنده که خداوندگار خود را نمی‌آزماید. ابلیس گفت: ای عیسی! آیا پروردگار تو می‌تواند (کره) زمین را در
[صفحه 377]
تخم‌مرغی با همین اندازه‌ای که دارد جای دهد؟ عیسی علیه‌السلام فرمود: خدای عزوجل به هیچ ناتوانی وصف نمی‌شود اما آنچه تو می‌گویی ناشدنی است [775].

عوامل ناتوانی شیطان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ابلیس گفت: پنج (چیز) است که هیچ چاره‌ای برای آنها ندارم اما دیگر مردمان در مشت من هستند:
هر که با نیت درست به خدا پناه برد و در همه‌ی کارهایش به او تکیه کند، کسی که شب و روز بسیار تسبیح خدا گوید؛ کسی که برای برادر مؤمنش آن پسندد که برای خود می‌پسندد، کسی که هر گاه مصیبتی به او می‌رسد، بیتابی نمی‌کند و هر کسی که به آنچه خداوند قسمتش کرده، خرسند است و غم روزیش را نمی‌خورد [776].

شیطان بر بدن و جسم ایوب تسلط یافت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به سؤال از آیه: (همانا او را بر کسانی که ایمان آورده‌اند و... چیرگی نیست)، (انه لیس له سلطان علی الذین امنوا و علی ربهم یتوکلون) (نحل / 99) فرمودند:
به خدا قسم بر جسم مؤمن چیره می‌شود، اما بر دین او چیره نمی‌شود بر (بدن) ایوب علیه‌السلام تسلط یافت و او را از ریخت انداخت اما بر دین او چیره نگشت [777].

دو اندرز ابلیس به حضرت نوح

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 378]
چون نوح علیه‌السلام از کشتی پیاده شد، ابلیس نزد او آمد و گفت: در روی زمین کسی به اندازه تو بر من منت ندارد این تبهکاران را نفرین کردی مرا از آنان آسوده نمودی. آیا دو خصلت به تو نیاموزم؛ از حسادت دوری کن؛ زیرا حسادت بود که با من آن کرد که کرد. از آزمندی و حرص نیز بپرهیز؛ زیرا آزمندی بود که با آدم آن کرد که کرد [778].

عوامل شریک شدن با شیطان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که اهمیت ندهد چه می‌گوید و درباره‌اش چه گفته می‌شود او شریک شیطان است. و کسی که برایش مهم نباشد مردم او را بدکار ببینند (و بشناسند) شریک شیطان است و کسی که از برادر مؤمن خود غیبت کند بی‌آن که میانشان ظلم و ستمی رفته باشد، شریک شیطان است و هر که شیفته‌ی حرام و شهوت زنا باشد شریک شیطان است [779].
[صفحه 380]

شفاعت

سفارش حضرت امام جعفر صادق هنگام رحلت

و هنگامی که حضرت در آستانه‌ی رحلت قرار گرفتند، دستور فرمودند: بستگانش گرد او جمع شوند و فرمودند:
کسی که نماز را سبک بشمارد، شفاعت ما هرگز شامل حالش نمی‌شود [780].

عاقبت شیعیان و نیکوکاران در روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در روز قیامت ما برای شیعیان گناهکار خود شفاعت می‌کنیم و اما نیکوکاران را خداوند خود نجات داده است [781].

آیا مؤمنین قدرت شفاعت دارند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن بر دو گونه است: مؤمنی که به عهد و شرط خدا وفا کند. و این سخن خدای عزوجل است که: «مردانی هستند که به پیمانی که با خدا بسته بودند وفا کردند.»، «رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه» چنین مؤمنی نه گرفتار هول و هراسهای دنیا می‌شود و نه هول و هراس‌های آخرت. او از کسانی است که شفاعت می‌کند و نیاز به شفاعت کسی ندارد؛ (دوم) مؤمنی که چون ساقه‌ی گیاه کج و گاه راست می‌شود. چنین مؤمنی دستخوش هول و هراس‌های دنیا و آخرت می‌شود و از جمله کسانی است که برایش شفاعت می‌شود ولی قدرت شفاعت کردن ندارد [782].
[صفحه 381]

نیاز همگان به شفاعت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ کس، از اولین و آخرین انسان‌ها نیست مگر آن که به شفاعت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز قیامت نیاز دارد [783].

نیاز مؤمن به شفاعت رسول خدا

از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام سوال شد:
مگر مؤمن بر شفاعت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) در آن روز نیازمند است؟ حضرت فرمودند: آری، مؤمنان نیز خطاها و گناهانی دارند و هیچ کس نیست مگر این که در آن روز به شفاعت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) محتاج است [784].

شفاعت نمودن عالم در روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چون روز قیامت شود به عابد گفته می‌شود: به بهشت برو و به عالم گفته می‌شود: بایست و به سبب آن که مردم را تربیت و ادب نیکو آموختی، برای آنان شفاعت کن [785].
[صفحه 383]

بدبختی

اثر زیارت امام حسین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
درباره‌ی کسی که حسین علیه‌السلام را با آگاهی از مقام آن حضرت زیارت کند، فرمودند: اگر بدبخت باشد، خوشبخت نوشته می‌شود و پیوسته در رحمت خدای عزوجل غوطه می‌خورد [786].

اثر خواندن سوره‌ی کافرون و اخلاص

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی کسی که سوره‌ی کافرون و اخلاص را در نماز واجب بخواند فرمود:
اگر بدبخت باشد نامش از دیوان شوربختان پاک می‌شود و در دیوان نیکبختان ثبت می‌گردد [787].

عامل بدبختی انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه ی(گویند پروردگار ما بدبختیمان بر ما چیره گشت)، (قالوا ربنا غلبت علینا شقوتنا) (مؤمنون / 106) فرمودند:
به سبب اعمال و کردارشان بدبخت شدند [788].

چه کسی خوشبخت و یا بدبخت است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر بخواهی بدانی که چه کسی بدبخت یا خوشبخت است، بنگر که به چه کسی خوبی می‌کند؛ اگر به اهلش خوبی می‌کند بدان که آدم خوبی است و اگر به نااهلش خوبی می‌کند بدان که او را نزد خداوند خیر و خوبی نیست [789].
[صفحه 386]

شکر و سپاسگزاری

بر هر نفسی شکری واجب است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
برای هر نفسی از نفسهایت شکری و بلکه هزار و بیشتر از هزار شکر بر تو واجب است [790].

حجت خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ بنده‌ای نیست مگر آن که خدا بر او حجتی است؛ چه در گناهی که مرتکب می‌شود و چه در نعمتی که از شکر آن کوتاهی می‌کند [791].

اثر شکر و سپاسگزاری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به این سوال که آیا آیه‌ی (اگر سپاس گویید)، (لئن شکرتم لازیدنکم...) (ابراهیم / 7) شامل شکر نعمت ظاهری می‌شود، فرمودند:
آری، کسی که خدا را بر نعمت‌هایش ستایش کند و سپاس گوید و بداند که آن نعمت‌ها از جانب خداست نه دیگری [خداوند بر نعمتهایش می‌افزاید]
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چون خداوند به بنده‌ای نعمتی دهد، پس قلبا قدر آن را بشناسد و به زبان خدا را ستایش کند. هنوز سخنش به پایان نرسیده است که فرمان می‌رسد تا بر نعمتش افزوده شود [792].

دستور سپاسگزاری در تورات

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 387]
در تورات نوشته شده است: از کسی که به تو نعمتی می‌دهد تشکر کن و به کسی که از تو سپاسگزاری می‌کند نعمت عطا کن؛ زیرا با وجود سپاسگزاری نعمت‌ها زوال نیابند و با وجود ناسپاسی نعمت‌ها پایدار نمانند. سپاسگزاری موجب افزایش نعمت‌ها و جلوگیری از زوال آنهاست [793].

فرجام ناسپاسی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند عزوجل به مردمی نعمت داد اما آنان شکرش را به جای نیاوردند و در نتیجه آن نعمت‌ها مایه‌ی وبال آنان شد و مردمی را به مصیبتها گرفتار کرد؛ لیکن آنان صبر کردند و در نتیجه، آن مصایب به نعمت تبدیل شد [794].

حق شکر چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تعالی به موسی علیه‌السلام وحی فرمود که: ای موسی مرا چنان که باید شکر کن موسی عرض کرد: پروردگارا چگونه تو را چنان که باید شکر گویم حال آن که هر شکری که تو را می‌گویم خود نعمتی است که تو به من ارزانی داشته‌ای؟ خدای متعال فرمود: ای موسی وقتی که بدانی توفیق آن شکر را هم من به تو داده‌ام حق شکر مرا ادا کرده‌ای [795].

شکر کامل چگونه است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 388]
شکر کامل اعتراف خاضعانه‌ی زبان درون در برابر خدای تعالی است به عجز و ناتوانی از به جا آوردن کمترین شکر او؛ چرا که توفیق شکر خود نعمت تازه‌ای است که باید شکر آن را به جای آورد [796].

حقیقت شکر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شکر نعمت عبارت است از دوری کردن از حرام‌ها و تمامیت شکر به این است که انسان بگوید: سپاس خدایی را که پروردگار جهان‌هاست [797].

اثر سپاسگویی نعمتها

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ بنده‌ای نیست که خداوند به او نعمتی دهد و او آن را از جانب خدا بداند مگر آن که پیش از سپاسگویی او، خداوند بیامرزدش [798].

حد شکر چیست؟

ابوبصیر به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد:
آیا شکر را حدی هست که چون بنده آن را به جای آورد، شاکر محسوب شود؟ حضرت فرمودند: آری، عرض کردم: آن حد چیست؟ فرمودند:
خدا را بر هر نعمتی که در زمینه‌ی خانواده و مال به او می‌دهد شکر گوید و چنانچه در نعمتی که به مال او می‌دهد (برای خدا) حقی باشد آن را بپردازد. این است سخن خدای عزوجل که (پاک است خدایی که این (مرکوب) را مسخر ما
[صفحه 389]
کرد در حالی که ما تاب آن را نداشتیم.)، (سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین) [799].

چگونگی به جای آوردن شکر نعمت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ نعمتی نیست که خداوند به بنده‌ای عطا کند، خرد باشد یا کلان، و بنده بگوید: خدا را سپاس، مگر این که شکر آن را گزارده باشد [800].

چگونگی شکر گزاری رسول خدا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هر گاه امر خوشحال کننده‌ای برایش پیش می‌آمد، می‌فرمودند: خدا را بر این نعمت سپاس و هر گاه پیشامدی می‌کرد که از آن غمگین می‌شد، و می‌فرمودند: در هر حال خدا را سپاس [801].

کمترین سپاسگزاری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کمترین سپاسگزاری این است که انسان نعمت را (مستقیما) از خدا بداند و جز او علتی برای آن نداند و نیز به آنچه خداوند عطایش کرده است خرسند باشد و با نعمت او مرتکب گناه نشود یا نعمت او را در راه مخالفت با هیچ یک از اوامر و نواهی خدا به کار نگیرد. [802].
[صفحه 390]

عوامل سجده‌ی شکر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در سفری بر ناقه‌ی خود سوار بودند که ناگاه فرود آمدند و پنج بار سجده نمودند و دوباره سوار ناقه‌ی خود شدند. همسفران پرسیدند: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ما از شما رفتاری دیدیم که قبلا ندیده بودیم؟
حضرت فرمودند: آری جبرئیل علیه‌السلام نزد من آمد و مرا از جانب خداوند عزوجل بشارتهایی داد. از این رو خدا را سجده شکر نمودم، برای هر بشارتی سجده‌ای [803].

بر چه چیزی سجده‌ی شکر را به جای آوریم؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه فردی از شما به یاد نعمت خدای عزوجل افتاد برای سپاسگزاری از خدا گونه‌اش را بر خاک گذارد اگر سواره بود پیاده شود و گونه‌اش را بر خاک نهد و اگر به خاطر ترس از بدنامی نتوانست پیاده شود صورتش را بر کوهه‌ی زین بگذارد و اگر باز هم نتوانست این کار را بکند، گونه‌اش را بر کف دست خود بگذارد و آن گاه خدا را برای نعمتی که به او داده است حمد گوید [804].

معنای سپاسگزاری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به پرسش فضل بقباق از آیه (و اما نعمت پروردگارت را بازگوی)، (و اما بنعمة ربک فحدث) فرمودند: کسی که با بخشش و دهش و احسانش به تو، تو را نواخت. سپس فرمودند: پس دین او و عطا و نعمتی را که خداوند به او عنایت کرده است بازگو کن [805].
[صفحه 391]

عامل ناسپاس شدن مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن ناسپاسی می‌شود؛ علتش این است که خوبی او به درگاه خدای تعالی بالا می‌رود و در میان مردم شایع نمی‌شود، اما کافر خوبی کردنهایش شهرت می‌یابد؛ چون خوبی او برای چشم مردم است و در بین مردم شیوع می‌یابد و به آسمان (و درگاه الهی) بالا نمی‌رود [806].

راه نیکوکاری را نبندید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدا لعنت کند راهزنان نیکی را؛ یعنی کسی که به وی خوبی می‌شود اما او ناسپاسی می‌کند و در نتیجه، نیکوکار را از نیکی کردن به دیگران باز می‌دارد [807].

اثر ناسپاسی کردن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که بدرفتاری را زشت نداند، در برابر خوبی دیگران سپاسگزاری نمی‌کند [808].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که بدرفتاری (دیگران) را تحمل کند، از خوبی‌ها سپاسگزاری نکند [809].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که از درشتی به خشم نیاید، از خوبی سپاسگزاری نکند [810].
[صفحه 392]

عوامل صدیق شدن انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای عزوجل فرموده است که: بنده‌ی مؤمن خود را به هیچ کاری واندارم مگر این که آن کار را برای او خیر قرار دهم؛ پس باید به قضای من خرسند باشد و بر بلای من صبر کند و از نعمت‌هایم سپاسگزار باشد تا ای محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) او را از صدیقان نزد خود قلمداد کنم [811].

منفورترین خلق خدا چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به این پرسش که منفورترین خلق نزد خدا کیست، فرمودند: کسی که خدا را متهم کند. (پرسش کننده گوید) عرض کردم: مگر کسی خدا را هم متهم می‌کند؟ حضرت فرمودند: آری؛ کسی که از خدا طلب خیر کند و خداوند خیر او را در چیزی قرار دهد که وی ناخوش می‌دارد و در نتیجه، ناراحت شود.
چنین کسی خدا را متهم کرده است. عرض کردم: مگر کسی از خدا هم شکوه می‌کند؟ حضرت فرمودند: آری؛ کسی که هر گاه گرفتار شود، بیش از حد گرفتاری خود شکایت کند. عرض کردم: دیگر چه کسی؟ حضرت فرمودند: کسی که هر گاه نعمتی به او داده شد، شکر و سپاسگزاری نکند و هر گاه گرفتار شود صبر نورزد.
[صفحه 394]

مشورت

اثر مشورت کردن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ انسانی از مشورت کردن نابود نمی‌شود [812].

شرایط مشورت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در مشورت نخستین کسی مباش که نظر می‌دهد و از اظهار رأی خام و ناپخته بپرهیز و از ناسنجیده‌گویی دوری کن و طرف مشورت آدم خودرأی و سست‌اندیش و دم دمی مزاج و لجوج قرار مگیر و از خدا بترس و سعی نکن در مشورت مطابق میل و هوس مشورت کننده نظر دهی؛ زیرا که سعی در جلب رضایت او پستی است و بدسگالی نسبت به وی خیانت [813].

ویژگی‌های افرادی که مورد مشورت نیستند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
با احمق مشورت مکن و از دروغگو کمک مگیر و به دوستی آدم دل مرده تکیه مکن؛ زیرا که دروغگو دور را نزدیک و نزدیک را دور در نظرت جلوه می‌دهد و احمق خودش را برای تو خسته می‌کند اما به آن چه می‌خواهی نمی‌رساند و آدم دل مرده در زمانی که کاملا به او اعتماد داری، تنهایت می‌گذارد و در اوج ارتباطت با او، از تو می‌برد [814].
[صفحه 395]
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: با کسی که اندیشه‌ات او را قبول ندارد مشورت مکن، هر چند به خردمندی و پارسایی شهرت داشته باشد [815].

ویژگی افراد شایسته‌ی مشورت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در کار خود با کسانی مشورت مکن، که از خدای عزوجل می‌ترسند [816].

حدود چهارگانه‌ی مشورت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مشورت جز با حدود چهارگانه آن تحقق نمی‌پذیرد. نخستین حد آن این است که با کسی که با او مشورت می‌کنی خردمند باشد. دوم این که: آزاده و متدین باشد. سوم این که: دوست و برادروار باشد. چهارم این که: راز خود را به او بگویی و او به اندازه‌ی خودت از آن راز آگاه باشد، اما آن را بپوشاند و به کسی نگوید [817].

اثر خیانت در مشورت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که با برادر خود مشورت کند و او خالصانه راهنماییش نکند، خداوند اندیشه او را از وی بگیرد [818].
[صفحه 397]

شهرت

لباس انگشت نمایی نپوشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
آدمی را رسوایی همین بس که جامه‌ای بپوشد که باعث انگشت نمایی او گردد یا مرکبی انگشت نما سوار شود [819].

دو شهرت مذموم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند دو شهرت را دشمن می‌دارد: شهرت لباس و شهرت نماز [820].

عامل بدگمانی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شهرت یافتن به عبادت، موجب بدگمانی است [821].

از دیدار برادران ملول نشوید

اسحاق بن عمار صیرفی می‌گوید:
من در کوفه بودم و برادران زیادی به دیدن من می‌آمدند و من از شهرت بدم می‌آمد و ترسیدم که شهرت دینی پیدا کنم. از این رو به غلام خود دستور دادم که هر وقت کسی از آنها آمد و مرا خواست، بگوید: او این جا نیست. اسحاق می‌گوید: در آن سال به حج رفتم و امام صادق علیه‌السلام را دیدار کردم، اما دیدم نسبت به من سر سنگین و متغیر است. عرض کردم: فدایت شوم. چرا نسبت به من تغییر کرده‌اید. حضرت فرمودند: چون رفتار تو با مؤمنان تغییر کرده است. عرض کردم: فدایت شوم. من از شهرت ترسیدم و خدا می‌داند که من چقدر شما را دوست دارم. حضرت فرمودند: ای اسحاق! از دیدار برادرانت ملول مشو [822].
[صفحه 399]

گواهی و شهادت دادن

از گواهی دادن سرپیچی نکنید

امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (و شاهدان چون (به شهادت) فراخوانده شوند.)، (و لا یأب الشهدا اذا ما دعوا) (بقره / 282) فرمودند: هر گاه فردی برای شهادت دادن دعوت شد، سزاوار نیست بگوید: من برای شما شهادت نمی‌دهم [823].

شهادت دادن را اجابت کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه برای شهادت دادن فراخوانده شوی، اجابت کن [824].

اثر کتمان شهادت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
درباره‌ی آیه ی(و شاهدان چون به شهادت دادن فرا خوانده شوند.) فرمودند: مراد پیش از شهادت دادن است (یعنی اگر کسی را دعوت کنند که بیا شاهد باش، شخص نباید خودداری کند) و درباره‌ی آیه ی(و هر که شهادت را کتمان کند دلش گنهکار است)، (و من یکتمها فانه آثم قلبه) (بقره / 283 فرمودند: مراد بعد از شهادت است [825].

جزای شهادت دروغ

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شهادت دهنده‌ی دروغ هنوز قدم از جای خود برنداشته، آتش بر او واجب می‌شود [826].
[صفحه 400]

شرط شهادت دادن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که شبانه روز پنج بار با جماعت نماز بخواند، به او خوش گمان باشید و شهادتش را بپذیرید [827].
[صفحه 402]

شیعه

ویژگی‌های شیعیان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شیعیان ما اهل پارسایی و سخت‌کوشی (در عبادت) هستند، اهل وفاداری و امانتدارند، اهل زهد و عبادتند، آنهایند که در شبانه‌روز به عبادت سپری می‌کنند و روزها را به روزه‌داری، زکات اموال خود را می‌پردازند و به حج می‌روند و از هر حرامی دوری می‌کنند.
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: شیعه‌ی ما کسی است که آنچه را نیک می‌شمارد، پیش می‌برد و از آنچه زشت می‌داند، خودداری می‌کند، خوبی‌ها را آشکار می‌سازد و از سر شوق و اشتیاق به رحمت خدای بزرگ به کارهای سترگ می‌شتابد؛ پس او از ماست و رو به سوی ما دارد و هر جا که ما باشیم با ماست [828].

شیعه علی کیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در حقیقت شیعه‌ی علی علیه‌السلام کسی است که عفت بطن و فرج دارد، سخت‌کوش (در عبادت) است، برای آفریدگار خود، کار می‌کند، به پاداش او امید دارد و از کیفرش بیمناک است؛ هر گاه چنین افرادی را دیدی (بدان که) آنان شیعه‌ی جعفرند [829].

شیعیان را در سه چیز بیازمایید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شیعیان ما را در سه چیز بیازمایید: در مواظبت بر اوقات نمازها، در نگهداری اسرارشان از دشمنان ما و در همدردی و کمک مالی به برادرانشان [830].
[صفحه 403]

دو خصلت شیعیان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شیعیان ما با چند خصلت شناخته می‌شوند: با سخاوت و بخشش به برادران و با گزاردن پنجاه رکعت نماز در شبانه روز [831].

اثرات درست بودن اعمال شیعیان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر شیعیان ما درست بودند، فرشتگان با آنان دست می‌دادند و ابرها بر سرشان سایه می‌انداختند و در روز هم می‌درخشیدند و از فراز سر و زیر پای خود، روزی می‌گرفتند (برکت از آسمان و زمین بر آنان می‌بارید) و هر چه از خدا می‌خواستند به آنها می‌داد [832].

چه کسی شیعه نیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شیعه‌ی ما نیست، آن که به زبان دم (از تشیع) زند اما در عمل برخلاف اعمال و کردار ما رفتار کند [833] حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ای شیعیان آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از ما نیست کسی که در هنگام خشم خوددار نباشد و در برخورد با همنشین و همسفر خود و کسی که با او دست آشتی داده، و آن که یاوری مخالف است رفتار نیکو در پیش بنگرد [834].
[صفحه 404]

اصحاب امام صادق چه کسانی هستند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اصحاب من مردمانی خردمند و پرهیزگارند بنابراین، کسی که خردمند و پرهیزگار نباشد از اصحاب من نیست. [835].

شیعیان چهار چیز را انکار نمی‌کنند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شیعه‌ی ما نیست کسی که چهار چیز را انکار کند: معراج، سوال قبر، آفریده شدن بهشت و دوزخ و شفاعت. [836].

شیعیان از این سه عیب مبرا هستند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شیعیان هر عیبی داشته باشند سه عیب ندارند، در بین آنها کسی که گدایی کند وجود ندارد، در میانشان بخیل وجود ندارد، در میانشان کسی که لواط دهد یافت نمی‌شود. [837].

چه کسی شیعه است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام از مردی احوال برادران (مؤمنش) را پرسیدند: آن مرد از آنها تعریف و تمجید کرد. حضرت فرمودند: رسیدگی ثروتمندانشان به تهیدستانشان چگونه است؟ آن مرد عرض کرد: اندک. حضرت فرمودند: دستگیری و کمک مالی ثروتمندانشان به تهیدستانشان چگونه است؟ مرد عرض
[صفحه 405]
کرد: شما اخلاق و صفاتی را می‌فرمایید که در میان ما کمیاب است. حضرت فرمودند: پس، چگونه آنان خود را شیعه می‌دانند؟ [838].

شیعیان سه دسته‌اند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شیعه سه دسته‌اند: دوستدار مهرورز (نسبت به ما) چنین شیعه‌ای از ما است و شیعه‌ای که خود را به ما می‌آراید و کسی که خود را به ما بیاراید، ما مایه‌ی آراستگی او هستیم و شیعه‌ای که ما را وسیله‌ی ارتزاق خود قرار می‌دهد؛ کسی که به وسیله‌ی ما ارتزاق کند به فقر گرفتار آید. [839].

با نام شیعه مردم را نچاپید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مردم درباره‌ی ما بر سه گروهند: گروهی ما را دوست دارند چون منتظر قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما هستند تا از دنیای ما به نوایی برسند، اینان سخنان ما را می‌گویند و آنها را حفظ می‌کنند اما به کردار ما رفتار نمی‌کنند. بزودی خداوند این عده را در آتش محشور خواهد کرد؛ گروهی ما را دوست دارند و سخن ما را می‌شنوند و به اعمال ما رفتار می‌کنند تا با نام ما مردم را بچاپند، خداوند شکم این عده را از آتش پر می‌کند و گرسنگی و تشنگی را بر ایشان مسلط می‌گرداند؛ گروهی ما را دوست دارند و گفتار ما را حفظ می‌کنند و امر ما را اطاعت می‌نمایند و برخلاف کردار ما رفتار نمی‌کنند اینان از ما هستند و ما از آنان. [840].
[صفحه 406]

شرط شیعه بودن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ای گروه شیعیان شما منسوب به ما هستید. پس مایه‌ی زینت ما باشید و مایه‌ی زشتی (و بدنامی) ما نباشید.

عامل تحریف سخنان اهل بیت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رحمت خدا بر آن بنده‌ای باد، که ما را محبوب مردم گرداند و منفور آنان نکند. به خدا قسم، اگر محاسن سخن ما را روایت می‌گرداند، ارجمندتر بودند و هیچ کس نمی‌توانست به آنان وصله‌ای بچسباند؛ اما یکی از آنان جمله‌ای (از ما) را می‌شنود و ده جمله دیگر (از پیش خود) به آن اضافه می‌کند. [841].

ای شیعیان سخنان خوب به مردم بگویید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ای جماعت شیعه مایه‌ی آبروی ما باشید نه باعث بدنامی ما. سخنان خوب به مردم بگویید، زبانهایتان را نگه دارید و آنها را از بیهوده‌گویی و سخنان زشت بازدارید. [842].
[صفحه 408]

رزق و روزی و معاش

برای بهبود حالت دخترانتان امیدوار باشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدایی که برای چند برابر شدن خوبی‌ها و پاک شدن بدی‌هایت به او امید بسته‌ای، برای بهبودی حال و روز دخترانت نیز به همو امید بند. [843].

عامل آسایش و سود بردن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
امیرالمؤمنین علیه‌السلام بارها می‌فرمودند: به یقین بدانید که خدای تعالی اجازه نمی‌دهد بنده بر آنچه در قرآن حکیم برایش مقدر شده پیشی گیرد؛ هر چند سخت بکوشد و با تمام توان چاره اندیشد و ترفند زند. ای مردم! هیچ انسانی باهوش و ذکاوت خود نمی‌تواند تغییری در جهت افزایش روزی خود پدید آورد و از روزی هیچ فقیری به سبب کم‌هوشی او، کم نمی‌شود، کسی که این نکته را بداند و به آن عمل کند پیش از همه آسایش دارد و سود برده است. [844].

حرص زدن چرا؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر روزی مقدر است پس حرص زدن چرا؟ [845].

عامل فراخی روزی احمقان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تعالی روزی احمقان را فراخ گردانید تا خردمندان درس عبرت بگیرند و بدانند که دنیا با تلاش و زندگی به دست نمی‌آید.
[صفحه 409]
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تعالی به یکی از پیامبران خود وحی فرمود که: آیا می‌دانی چرا احمق را روزی می‌دهم؟ عرض کرد: نه، حضرت فرمودند: تا خردمند بفهمد که روزی با زیرکی و چاره‌گری به دست نمی‌آید. [846].

شرط رسیدن به روزی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال محمد بن مسلم از آیه «و هر که از خدا بترسد خداوند برایش راه برون شدن قرار دهد و از جایی که گمانش را ندارد روزیش دهد.»، «و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب» فرمودند: در همین دنیا. [847].

روزی مؤمنان از کجا خواهد رسید؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای عزوجل روزی مؤمنان را از جایی می‌رساند که فکرش را هم نمی‌کنند؛ علتش این است که وقتی مؤمن نداند روزیش از کجا خواهد رسید زیاد دعا می‌کند. [848].

غم روزی خود را نخورید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که غم روزی خود را بخورد برایش یک گناه محسوب می‌شود. [849].
[صفحه 410]

هنگام تنگدستی استغفار کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه در روزیت تأخیر و تنگی دیدی زیاد استغفار کن؛ زیرا خدای عزوجل در کتاب خود فرموده است: (از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است، تا از آسمان برایتان پی‌درپی باران فرستد و شما را به اموال و فرزندان مدد کند)، (استغفروا ربکم انه کان غفارا، یرسل السماء علیکم مدرارا، و یمددکم باموال و بنین) یعنی در دنیا. (و برای شما بهشتیان قرار دهد)، (و یجعل لکم جنات) یعنی در آخرت. [850].

اثر قناعت به روزی کم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که به اندک روزی خداوند رضایت دهد، خداوند نیز به اندک عمل او رضایت دهد. [851].

عامل زیاد شدن روزی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که با خانواده خود نیکوکار باشد روزیش زیاد شود. [852].

عامل کم شدن روزی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حرام‌خوری زیاد روزی را می‌برد. [853].
[صفحه 411]

برای کسب معاش خجالت نکشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که از رفتن به دنبال معاش خجالت نکشد، زحمتش کم گردد، خیالش آسوده باشد و خانواده‌اش را در نعمت قرار دهد. [854].

عامل بی‌بهره شدن از روزی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که دوست نداشته باشد مال حلال به دست بیاورد تا با آن آبروی خود را حفظ کند و قرضش را بپردازد، از هر خیر و خوبی بی‌بهره است. [855].

عامل گرامی شدن انسان نزد خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بنده آن زمان نزد خداوند گرامی‌تر است که در صدد کسب درهمی (حلال) برآید و نتواند به آن دست یابد. [856].

خداوند چه چیزی را از بنده‌ی خود دوست دارد؟

فضل بن ابی‌قره می‌گوید:
خدمت امام صادق علیه‌السلام که در باغش مشغول کار بود رسیدم و عرض کردم: خدا ما را فدای شما کند، اجازه بدهید ما برایتان کار کنیم یا غلامان این کار را انجام
[صفحه 412]
دهند. حضرت فرمودند: نه، مرا به حال خود بگذارید؛ زیرا دوست دارم خداوند عزوجل مرا در حال کار کردن و زحمت کشیدن برای کسب روزی حلال ببیند. [857].

عامل گناه مرد خانواده چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در گناه مرد همین بس که خانواده‌ی خود را بی‌سرپرست رها کند. [858].
[صفحه 414]

رشوه‌خواری

مصداق حرام‌خواری چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رشوه گرفتن در قضاوت، از مصادیق حرام‌خواری است. [859].

رشوه گرفتن در قضاوت کفر است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رشوه در قضاوت کفر ورزیدن به خداوند است. [860].

رشوه گرفتن در احکام و داوری‌ها

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به عمار فرمودند:
ای عمار رشوه گرفتن در احکام و داوری‌ها کفر ورزیدن به خدای بزرگ و پیامبر او است. [861].
[صفحه 416]

خرسندی

شیوه‌ی خرسندی رسول خدا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره‌ی هیچ رخدادی و پیشامدی نمی‌گفت کاش جز این اتفاق می‌افتاد. [862].

عامل خرسندی اهل بیت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ما خاندانی هستیم که آنچه را برای دوستان خود دوست داریم از خدا می‌خواهیم و خدا به ما عطا کند و هرگاه آنچه را برای دوستان خود ناخوش می‌داریم خدا خوش بدارد به آن خرسندیم. [863].

رأس عبادت خداوند چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شکیبایی و راضی بودن نسبت به آنچه خدا می‌کند، خواه خوشایند بنده باشد یا ناخوشایند او، در رأس عبادت خدا است و هیچ بنده‌ای در پیشامدهای خوشایند و ناخوشایند از خدا خرسند نباشد مگر آن که برایش خیری باشد. [864].

راضی باشید به رضایت خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بدانید که هیچ بنده‌ای از بندگان خدا مؤمن نباشد مگر آنگاه که به هر خوب و بدی و خوشایند و ناخوشایندی که از خدا به او می‌رسد راضی باشد. [865].
[صفحه 417]

خداشناس‌ترین مردم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداشناس‌ترین مردم خشنودترین آنها به قضای خداوند است. [866].

عامل توانگری و بی‌نیازی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به آنچه خدا برای تو قسمت کرده خرسند باش، توانگر و بی‌نیاز خواهی شد. [867].

عامل خوشی، آسایش و غم و اندوه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خوشی و آسایش در خرسندی و یقین است و غم و اندوه در شک و ناخرسندی. [868].

اثر ناخرسندی نمودن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که به آنچه خدای عزوجل قسمت کرده است خرسند نباشد، (در واقع) خدای تعالی را در قضایش متهم کرده است. و نیز فرمودند:
قضاوت خداوند در هر حال جاری می‌شود، بنابراین کسی که به آن خرسند باشد مأجور است و کسی که از آن ناخرسند باشد خداوند اجرش را از بین می‌برد. [869].
[صفحه 419]

مراقبت

در برابر دنیا شکیبا باشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در برابر دنیا شکیبا باشید که ساعتی بیش نیست. آنچه از دنیا گذشته است نه دردی از آن می‌یابی و نه سروری و آنچه هنوز نیامده است نمی‌دانی که چگونه خواهد بود. همانا دنیا ساعتی است که تو در آن به سر می‌بری؛ پس در آن ساعت بر طاعت خدا شکیبا باش و در ترک معصیت خدا بردبار. [870].

عامل مغبون شدن و فریب خوردن انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که دو روزش برابر باشد مغبون است و هر که فردایش بدتر از امروزش باشد فریب خورده است و هر که کاستی‌های خود را بررسی نکند پیوسته در کاستی ماند و هر که کاستی‌اش ادامه یابد مرگ برایش بهتر است. [871].

عامل خشنودی خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خوشا به حال بنده‌ای که برای خدا با نفس و هوای خویش جهاد کند. هر که سپاه هوی و هوس خویش را شکست دهد به خشنودی خدا دست یابد و هر که خردش با کوشش و شکستگی و فروتنی بر بساط خدمتگزاری به خدا بر نفس اماره‌اش چیره شود به پیروزی بزرگی دست یافته باشد. میان بنده و خدای تعالی حجاب ظلمانی‌تر و وحشتناک‌تر از نفس و هوای نفس نیست و برای کشتن این دو، سلاح و ابزاری چون احساس فقر و نیازمندی به خدا و خشوع و گرسنگی و تشنگی کشیدن در روز، و شب‌زنده‌داری نیست، که اگر چنین کسی بمیرد شهید است و اگر زنده بماند و همچنان به این راه ادامه دهد خداوند عاقبت او را به خشنودی
[صفحه 420]
بزرگ ختم کند. خداوند عزوجل می‌فرماید: (و آنان که در راه ما جهاد کنند راههایمان را به آنان نشان می‌دهیم و خداوند با نیکوکاران است)، «و الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین» [872].
[صفحه 422]

کشاورزی و درختکاری

بهره‌مندی شش عمل مؤمن بعد از مرگ خود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شش چیز است که مؤمن بعد از مرگ خود از آن بهره‌مند می‌شود:
فرزند صالحی که برای او آمرزش بطلبد. قرآنی که تلاوت می‌کند. چاه آبی که حفر می‌نماید و درختی که می‌نشاند و نهر آبی که در راه خدا جاری و وقف می‌کند و روش و سنت پسندیده‌ای که از خود بر جای می‌گذارد و بعد از او به آن عمل می‌شود. [873].

کدام مال بهتر است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سوال شد: کدام مال بهتر است؟ حضرت فرمودند: زراعتی که صاحبش بکارد و به آن رسیدگی کند و در روز برداشت، حق و حقوق آن را بپردازد. [874].

بعد از گاو کدام ثروت بهتر است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از رسول خدا (ص) سوال شد: بعد از گاو کدام ثروت بهتر است؟ حضرت فرمودند: آن‌هایی که ریشه‌هایشان در دل خاک استوار است و در خشکسالی نیز میوه می‌دهند (درختان خرما) [875].

کشاورزان گنج‌های مردمند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 423]
کشاورزان گنج‌های مردمند، بذر پاکیزه‌ای را می‌کارند که خداوند عزوجل خلق کرده است. مقام آنان در روز قیامت از همگان بهتر و قرب و منزلتشان از همه بیشتر است و «مبارک» خوانده می‌شوند. [876].

مراد از مؤمنان چه کسانی هستند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه ی «و مؤمنان باید به خدا توکل کنند»، (و علی الله فلیتوکل المؤمنون) فرمودند: منظور از مؤمنان کشاورزان است. [877].

روزی پیامبران

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند روزی پیامبران خود را در کشاورزی و دامداری قرار داد تا بارش‌های آسمان را ناخوش ندارند. [878].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: خداوند عزوجل کشت و زرع را برای پیامبران خود برگزید تا بارش آسمان را ناخوش ندارند. [879].

محبوبترین کار نزد خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در میان کارها هیچ کاری نزد خدا محبوبتر از کشاورزی نیست و خداوند هیچ پیامبری بر نیانگیخت مگر آنکه کشاورز بود به استثنای ادریس علیه‌السلام که خیاط بود. [880].
[صفحه 424]

گنج‌های خدا در روی زمین

یزید بن هارون واسطی از امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی بزرگان پرسید، حضرت فرمودند:
آنان کشتگران گنج‌های خدا در روی زمین اویند. در میان کارها هیچ کاری نزد خدا محبوبتر از کشاورزی نیست و خدا هیچ پیامبری نفرستاد مگر آن که کشاورز بود بجز ادریس علیه‌السلام که خیاط بود. [881].
[صفحه 426]

زکات

عامل هلاکت مردم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند، نامش بلند باد، چیزی سخت‌تر از زکات بر این امت واجب نکرد و عموم آنان جز در این مورد هلاک نشوند. [882].

عامل بی‌حاصل بودن نماز

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که زکات ندهد نمازش بی‌حاصل است و کسی که ورع نداشته باشد زکاتش پذیرفته نیست. [883].

عامل قبولی و پذیرفتن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هنگامی که آیه‌ی زکات «از اموال آنان صدقه بگیر»، (خذ من اموالهم صدقه) (توبه / 103) در ماه رمضان نازل شد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به جارچی خود دستور داد در میان مردم جار زند که خدای تبارک و تعالی همچنان که نماز را بر شما واجب کرد زکات را نیز بر شما واجب ساخت. آن حضرت تا رمضان سال بعد به اموال آنان کاری نداشت. چون رمضان سال بعد را مسلمانان روزه گرفتند و عید فطر فرارسید رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به جارچی خود فرمودند: تا در میان مسلمانان جار زند که ای مسلمانان زکات اموال خود را بدهید تا نمازتان پذیرفته شود. [884].

عامل فقر تهیدستان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند عزوجل در دارایی‌های توانگران به اندازه‌ای که نیاز تهیدستان را تامین کند حقی فرض کرد. اگر خداوند می‌دانست که آنچه برای تهیدستان مقرر داشته
[صفحه 427]
کفایتشان نمی‌کند حق بیشتری واجب می‌کرد؛ بنابراین تهیدستی فقیران نه به سبب (کم بودن) این فریضه (زکات) بلکه از آن رو است که توانگران حقوق آنان را نمی‌پردازند. [885].

خداوند در میان هزار انسان بیست و پنج مستمند قرار داد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تعالی همه مردمان را بیافرید و از خرد و کلان و توانگر و تهیدست آنان آگاه است. او در میان هر هزار انسان بیست و پنج مستمند قرار داد؛ بنابراین اگر می‌دانست که زکات آن عده زندگی این عده را تامین نمی‌کند بر مقدار زکات آنان می‌افزود؛ چرا که او آفریننده‌ی آنها است و نسبت به مردم از خود آنان آگاهتر است. [886].

علت وجوب زکات

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
زکات به منظور آزمودن توانگران و کمک به مستمندان وضع شده است. اگر مردم زکات اموال خود را می‌پرداختند، هیچ مسلمانی نیازمند نمی‌ماند و به سبب آنچه خداوند عزوجل برای او واجب کرده است بی‌نیاز می‌شد. مردم، فقیر و نیازمند و گرسنه و برهنه نشدند مگر به سبب گناهان ثروتمندان. [887].

اموال خود را با زکات حفظ کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ مالی در خشکی و دریا از بین نرفت مگر به سبب فروگذاردن زکات.
پس اموال خود را با زکات حفظ کنید. [888].

جزای ندادن زکات

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 428]
کسی که زکات نپردازد، هنگام رسیدن مرگ خواهان بازگشت (به زندگی) می‌شود و این است (منظور) سخن خدای عزوجل که: (چون یکی از آنان را مرگ فرارسد، گوید: پروردگارا مرا برگردانید باشد که برای جبران آنچه فروگذاشتم کاری نیک انجام دهم»، (حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون، لعلی اعمل صالحا فیما ترکت) [889].

دزدان سه گروهند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دزدان سه گروهند: کسی که زکات ندهد و کسی که کابین زنان را بر خود حلال شمارد و نیز کسی که وام ستاند و قصد نپرداختن آن را داشته باشد. [890].

نوع مرگ کسی که زکات نمی‌دهد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که قیراطی از زکات نپردازد هنگام مردن، یهودی و یا نصرانی خواهد مرد. [891].

حق معلوم غیر از زکات است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند عزوجل در دارایی‌های توانگران به جز زکات، حقوقی دیگر واجب و مقرر کرده و فرموده است:
«و آنان که در اموالشان حقی است معین...»، (و الذین فی اموالهم حق معلوم، للسائل و المحروم) (معارج / 24 / 25) بنابراین حق معلوم و معین که جز زکات می‌باشد، چیزی است که هر کس وظیفه خود می‌داند از مالش بپردازد. او باید به اندازه‌ی توان و وسعت مالی که دارد آن مقدار را بر خود واجب شمارد و بسته به میل خودش هر روز یا هر جمعه یا هر ماه بپردازد. [892].
[صفحه 429]

حق معلوم شامل چه کسانی می‌شود؟

مردی خدمت امام صادق علیه‌السلام آمد و عرض کرد:
یا ابا عبدالله علیه‌السلام تا زمانی که وضع مالیم خوب شود مبلغی به من قرض بدهید. حضرت فرمودند: یعنی تا زمانی که محصولات را برداشت کنی؟ آن مرد عرض می‌کرد: نه به خدا قسم (من محصولی ندارم). حضرت فرمودند: تا مال‌التجاره‌ات برگردد؟ عرض کرد: نه به خدا قسم (من مال‌التجاره ندارم). حضرت فرمودند: تا ملکی از تو فروخته شود؟ عرض کرد: نه به خدا قسم (من ملکی ندارم) امام صادق علیه‌السلام فرمودند: پس تو از کسانی هستی که خداوند در اموال ما برای آنان حقی مقرر کرده است. آنگاه فرمودند: تا همیانی درهم بیاورند. حضرت دست در همیان بردند و مشتی برداشتند و به او دادند و فرمودند: از خدا بترس و در خرج کردن افراط و تفریط مکن بلکه حد وسط را نگه دار. [893].

شخص فقیر چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه «جز این نیست که صدقات برای فقیران است»، (انما الصدقات للفقراء...) (توبه / 60) فقیر کسی است که دست گدایی به سوی مردم دراز نمی‌کند و مسکین وضعش از فقیر بدتر است و بائس از همه آنان بینواتر است. [894].

مراد از زکات ظاهری و باطنی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به مردی که پرسید:
زکات واجب مال چقدر است؟ حضرت فرمودند: مقصودت زکات ظاهری است یا باطنی؟ عرض کرد: هر دو، حضرت فرمودند: زکات ظاهری در هزار درهم بیست و
[صفحه 430]
پنج درهم واجب است و زکات باطن این است که وقتی برادرت به چیزی نیازمندتر از تو بود او را بر خود ترجیح دهی. [895].

زکات دانش چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر چیزی زکاتی دارد و زکات دانش این است که آن را به اهلش بیاموزی.
[896].

زکات نعمت‌ها، مقام، پیروزی و بدن چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نیکی کردن، زکات نعمت‌ها است و وساطت کردن، زکات مقام و موقعیت و بیماری‌ها زکات بدن‌ها و گذشت زکات پیروزی و هر چیزی که زکاتش را بدهی، از خطر نابودی در امان است. [897].

زکات چشم و گوش چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بر هر جزیی از اجزای بدن تو و بلکه بر هر تار مویی و حتی بر هر نیم‌نگاهی زکاتی است واجب برای خدای عزوجل. زکات چشم نگاه عبرت‌آمیز و فروهشتن آن از شهوات و امثال آن است و زکات گوش شنیدن دانش و حکمت و قرآن است. [898].

از شرایط درستی روزه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از شرایط درستی روزه، دادن زکات (فطره) است همچنان که تمامیت نماز به درود فرستادن بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشد؛ چه اگر کسی روزه بگیرد و زکات فطره عمدا ندهد از روزه بی‌بهره است. [899].
[صفحه 432]

زهد و بی‌رغبتی به دنیا

کلید خیر چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همه چیز در یک خانه نهاده شده و کلید آن بی‌اعتنایی به دنیا قرار داده شده است. [900].

مراد از زهد چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
زهد به دنیا به استفاده نکردن از مال و ثروت و یا حرام کردن حلال (بر خود) نیست، بلکه زهد آن است که به آنچه در دست داری مطمئن‌تر از آنچه در دست خدا است نباشی. [901].

مقصود از زهد به دنیا چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به امیرالمؤمنین علیه‌السلام عرض شد: زهد به دنیا چیست؟ حضرت فرمودند: فروهشتن حرام آن. [902].

کلید در آخرت چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
زهد کلید در آخرت است و برائت از آتش. زهد آن است که هر چه تو را از خدا بازدارد رها کنی پس آن که بر از دست دادن آن افسوس نخوری و نه بر اثر فروگذاشتن آن دچار غرور و خودپسندی شوی و چشم‌داشت گشایشی را داشته باشی و نه خواهان شایستگی در قبال این کار و نه طالب عوض و جبران آن باشی. بلکه از دست دادن آن را مایه‌ی آسایش و بودن آن را آفتی (برای خود) بدانی و همواره از آفت گریزان باشی و به آسایش چنگ زنی. [903].
[صفحه 433]

دنیاگریز چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به این که دنیاگریز کیست؟ فرمودند: کسی که از ترس حسابرسی حلال دنیا را ترک گوید و از بیم کفر حرام آن را رها کند. [904].

شخص زاهد چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
زاهد کسی است که آخرت را بر دنیا برمی‌گزیند و خاکساری را بر بزرگی و اقتدار و رنج را بر آسایش، و گرسنگی را بر سیری و فرجام آخرت را بر محبت دنیا و ذکر (خدا و آخرت) را بر غفلت و پیکرش در دنیا است و دلش در آخرت. [905].

اثر زهد در دنیا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همانا زاهدان و پشت‌کنندگان به دنیا از شور جلال و عظمت منورند و نشانه‌ی خدمتگزاری بر پیشانی آنها هویدا است؛ چگونه چنین نباشد؟ آدمی وقتی خود را وقف خدمتگزاری به حکمرانی از حکمرانان دنیا می‌کند آثار آن در وی دیده می‌شود پس چگونه ممکن است کسی خود را وقف خدمت به خدای تعالی کند و اثر آن بر وی دیده نشود. [906].

جهل و معرفت بندگان در دنیا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از جمله سخنان نجوا آمیز خدای تعالی به موسی علیه‌السلام این بود که: همانا بندگان صالح من به اندازه‌ی معرفتشان نسبت به من دل از دنیا برکندند و دیگر آفریدگان
[صفحه 434]
من به اندازه‌ی جهلشان نسبت به دنیا روی آوردند؛ هیچ یک از آفریدگان من از بزرگداشت دنیا شادی و خرمی ندید. [907].

عامل چشیدن حلاوت ایمان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چشیدن حلاوت ایمان بر دلهای شما حرام است، مگر آنگاه که دلهایتان به دنیا زاهد و بی‌رغبت باشند. [908].

اثر میل به دنیا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
میل به دنیا غم و اندوه به بار می‌آورد و بی‌اعتنایی به دنیا مایه‌ی آسایش تن و جان است. [909].

در این دنیا صبورانه صبر کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
آیا کسی هست که در این دنیای چند روزه بزرگوارانه صبر کند. [910].
[صفحه 436]

ازدواج

ثواب دو رکعت نماز مرد زن‌دار

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دو رکعت نمازی که مرد زن‌دار بخواند بهتر است از مرد مجردی که شب را به عبادت سپری کند و روز را به روزه‌داری. [911].

عامل گمان بد به خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که از ترس تهیدستی ازدواج نکند، به خدای عزوجل گمان بد برده است، خداوند عزوجل می‌فرماید: «اگر تهیدست باشند خداوند از فضل خود توانگرشان می‌سازد»، «ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله» (نور / 32) [912].

عامل نظر افکندن خداوند به بنده در روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که عزبی را زن دهد، از جمله کسانی است که خداوند در روز قیامت به او نظر می‌افکند. [913].

عامل شومی و ناخجستگی زن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شومی و ناخجستگی زن، زیاد بودن کابین او و نافرمانی از شوهرش می‌باشد. [914].

کابین زن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 437]
علت آنکه کابین بر عهده مرد است نه زن، در حالی که کار هر دو یکی می‌باشد این است که مرد وقتی کارش به انجام رسید برمی‌خیزد و منتظر نمی‌ماند که زن هم ارضا شود. این است که کابین به عهده‌ی مرد نهاده شده است نه زن. [915].

در انتخاب زن دقت کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همانا زن طوق است؛ پس بنگرید که چه طوقی به گردن می‌افکنی. برای زن ارزش و بهایی نمی‌توان تعیین کرد، نه برای خوب آنها و نه برای بدشان. زن خوب، ارزشش طلا و نقره نیست بلکه از طلا و نقره هم بهتر و ارزشمندتر است و زن بد، ارزشش خاک نیست بلکه خاک هم از او ارزشمندتر است. [916].

رعایت سه نکته توسط زن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
زن نسبت به شوهر سازگار خود سه نکته را باید رعایت کند:
حفظ کردن خود از هر گناه و آلودگی تا شوهرش در هر حال و موقعیتی، خوشایند یا ناخوشایند، در دل به او اطمینان داشته باشد و مراقبت از او و زندگیش تا شوهرش در صورتی که لغزشی از وی سر زند نسبت به وی عطوفت و مهربانی نشان دهد و اظهار عشق به او با عشوه و دلبری و هیأت مناسب و خوشایند در نظر او. [917].
[صفحه 438]

سه خصلت مرد برای اداره‌ی خانه و خانواده

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مرد برای اداره‌ی منزل و خانواده‌ی خود به سه خصلت نیاز دارد که اگر هم به طور طبیعی آنها را نداشته باشد باید خود را به تکلف در آنها وادارد: خوش‌رفتاری، گشاده‌دستی سنجیده و غیرت بر حفاظت آنها. [918].

نیاز شوهر به همسرش در سه چیز

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شوهر در رابطه با همسرش از سه چیز بی‌نیاز نیست: سازگاری با او تا بدین وسیله سازگاری و محبت و عشق به او، او را به خود جلب کند و خوشخویی با او و دلبری از او با آراستن خود برای وی و فراهم آوردن امکانات رفاهی او. [919].

عامل رفع عذاب از زن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ام‌سلمه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره‌ی فضیلت خدمت کردن زنان به شوهرانشان پرسید، حضرت فرمودند: هر زنی که در خانه‌ی شوهر خود به قصد مرتب کردن آن، چیزی را جا به جا کند خداوند به او نظر می‌افکند و هر که خداوند به او نظر کند عذابش ندهد. [920].
[صفحه 439]

عامل افزایش عمر انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که با خانواده‌اش نیکی کند خداوند بر عمرش بیفزاید. [921].

اثر آزار ندادن شوهر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ملعون است ملعون آن زنی که شوهر خود را بیازارد و غمگین کند و خوشبخت است خوشبخت آن زنی که شوهر خود را احترام نهد و آزارش ندهد و در همه حال از وی فرمان برد. [922].

چیره‌ترین دشمن مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چیره‌ترین دشمن مؤمن همسر ناشایست است. [923].

دعای رسول خدا در باب زن ناشایست

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
یکی از دعاهای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) این بود که: پناه می‌برم به تو از زنی که پیش از آن که زمان پیری‌ام فرارسد مرا پیر کند. [924].
[صفحه 441]

دید و بازدید

پاداش دیدار برادر خود برای خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که به خاطر خدا به دیدن برادر خود رود خدای عزوجل فرماید:
تو مرا دیدار کرده‌ای و پاداش تو به عهده من است و من به پاداش کمتر از بهشت برای تو راضی نمی‌شوم. [925].

عامل رستگار شدن انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که برای خدا نه غیر او و برای دستیابی به وعده‌ی او و دریافت آنچه نزد خدا است به دیدن برادر خود رود، خداوند هفتاد هزار فرشته به او گمارد که آوازش دهند: هان! رستگار شدن بهشت گوارایت باد. [926].

عامل نورانیت انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که در راه خدا و برای خدا به دیدن برادر خود رود در روز قیامت میان جامه‌هایی از نور می‌خرامد و بر هر چه می‌گذرد آن را روشن می‌کند. [927].

عامل زنده نگه داشتن دین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دید و بازدید کنید که دیدار شما از یکدیگر موجب زنده شدن دلهای شما و یادکرد احادیث ما می‌شود و احادیث ما شما را به هم مهربان می‌کند. اگر به آنها عمل کنید، کمال و نجات می‌یابید و اگر رهایشان کنید گمراه و هلاک می‌شوید. پس به احادیث ما عمل کنید که در این صورت من ضامن نجات شما هستم. [928].
[صفحه 442]

به دیدار بدکاران مروید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه خواستی از کسی دیدار کنی به دیدن نیکان برو و با بدکاران دیدار مکن؛ زیرا آنان صخره‌ای هستند که در آن چشمه‌ی آبی نمی‌جوشد و درختی هستند که برگش سبز نمی‌شود و زمینی هستند که گیاهی در آن نمی‌روید. [929].
[صفحه 444]

زیارت قبور اهل بیت اطهار

ثواب زیارت قبور اهل بیت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که پس از رحلتمان ما را زیارت کند، چنان است که در زمان حیاتمان زیارت نموده باشد. [930].

ثواب زیارت امیرالمؤمنین علی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه بخواهی امیرمؤمنان علیه‌السلام را زیارت کنی بدان که تو زایر استخوان‌های آدم و بدن نوح و پیکر علی بن ابیطالب علیه‌السلام هستی. [931].

فضیلت امیرمؤمنان در نزد خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بدان که امیرمؤمنان علیه‌السلام نزد خداوند از همه امامان برتر است و ثواب اعمال آنان از آن او است و امامان به اندازه اعمال خود برتری داده شده‌اند. [932].

عامل برآورده شدن حاجات

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نزدیک کوفه قبری است که هر غمدیده‌ای آنجا رود و در کنار آن چهار رکعت نماز گزارد خداوند با برآوردن حاجتش او را شادمان برگرداند. [933].

ثواب زیارت حضرت فاطمه دخت رسول خدا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند میان قبر و منبر من باغی از باغ‌های بهشت است و منبر من بر فراز آبراهه‌ای از آبراهه‌های بهشت است؛ چون قبر حضرت فاطمه
[صفحه 445]
سلام الله علیها میان قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و منبر او است و قبر حضرت فاطمه سلام الله علیها باغی از باغ‌های بهشت می‌باشد و یکی از آبراهه‌های بهشت به سوی آن است. [934].

ثواب زیارت امام حسین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که حسین علیه‌السلام را با معرفت به حق و مقام او زیارت کند خداوند ثواب هزار حج پذیرفته و هزار عمره‌ی پذیرفته را برایش بنویسد و گناهان گذشته و آینده‌ی او را ببخشد. [935].

عامل نقص دین و ایمان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که تا زنده هست به زیارت قبر حسین علیه‌السلام نرود، دین و ایمانش ناقص باشد و اگر به بهشت هم برود مقامش در آن جا از همه‌ی مؤمنان پایین‌تر باشد. [936].

مدت زیارت امام حسین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سالی یک بار به زیارت قبر حسین علیه‌السلام بروید. [937].

فضیلت زائران قبر امام حسین در نزد خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تبارک و تعالی، پیش از جلوه بر اهل عرفات، بر زائران قبر حسین علیه‌السلام جلوه کند و حاجاتشان را برمی‌آورد و گناهانشان را می‌بخشاند و خواهش‌های آنان از طرف دیگران را می‌پذیرد و سپس به اهل عرفات می‌پردازد و با آنان نیز همین می‌کند. [938].
[صفحه 446]

سخن امام حسین درباره‌ی زائران خویش

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حسین بن علی علیه‌السلام می‌فرمودند: اگر زائر من بداند که خداوند چه برایش آماده کرده است، شادیش بیش از بی‌تابیش (از رنج سفر) خواهد بود و همانا زائر او پاک از هر گناهی به خانه خود برمی‌گردد. [939].

دعای امام صادق برای زوار امام حسین

معاویة بن وهب می‌گوید:
از امام صادق علیه‌السلام اجازه‌ی شرفیابی خواستم، حضرت فرمودند: داخل شو. من داخل شدم، دیدم در مصلای خانه خود مشغول نماز است. نشستم تا نماز خود را تمام نمودند و می‌فرمودند: الهی ای آن که کرامت را مختص ما کردی و وعده‌ی شفاعت به ما دادی و وصایت را ویژه‌ی ما گردانیدی و دانش گذشته و آینده را به ما بخشیدی و دل‌های مردمان را شیفته‌ی ما کردی من و برادران من و زوار قبر پدرم حسین علیه‌السلام را بیامرز؛ همانان که به نیت نیکی به ما و به امید پاداشی که به سبب پیوند با ما می‌دهی و به قصد شاد کردن پیامبر تو، اموالشان را خرج کنند و رنج و زحمت سفر (برای زیارت حسین علیه‌السلام) را بر خود هموار می‌سازند.
الهی دشمنان ما از آنان به سبب این سفر عیب‌جویی می‌کنند اما آنان علیرغم این انتقادات مخالفان ما به سوی ما می‌آیند. پس بر آن چهره‌هایی که داغی آفتاب تغییرشان داده است رحمت آر و به آن چهره‌هایی که بر خاک قبر ابی‌عبدالله علیه‌السلام، مالیده می‌شود رحم کن.
الهی من این جان‌ها و این پیکرها را به تو می‌سپارم تا در آن روز تشنگی (قیامت) در کنار حوض (کوثر) با آنان دیدار کنیم. [940].
[صفحه 447]

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه به زیارت اباعبدالله علیه‌السلام رفتی با دلی غم‌زده و اندوهناک و پیکری ژولیده و غبار گرفته و گرسنه و تشنه زیارتش کن؛ زیرا که حسین علیه‌السلام غم‌زده و اندوهناک و ژولیده و غبار گرفته و گرسنه و تشنه کشته شد. حوایج خود را بخواه و برگرد و در کنار قبر او سکونت اختیار مکن. [941].

ثواب زیارت امامان بقیع

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که ما را زیارت کند گناهانش آمرزیده شود و در فقر نمیرد. و نیز از حضرت سؤال شد: ثواب کسی که یکی از شما را زیارت کند چیست؟ فرمودند: مانند ثواب کسی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را زیارت کند. [942].

ثواب زیارت فاطمه‌ی معصومه دخت امام کاظم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ما را حرمی است و آن قم است. به زودی زنی از فرزندان من به نام فاطمه در آن جا دفن خواهد شد. هر که او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می‌شود. [943].

کسی که قادر به زیارت قبور اهل بیت نیست

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که قادر به زیارت ما نیست، دوستان صالح ما را زیارت کند، که ثواب زیارت ما برایش نوشته می‌شود.
[صفحه 449]

زیور و آرایش نمودن

برکات شانه زدن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه «در هر مسجد زیورهای خود را برگیرید» (خذوا زینتکم عند کل مسجد) (اعراف / 31 و 32) فرمودند:
منظور شانه کردن است، (زیرا شانه زدن) روزی را می‌آورد مو را زیبا می‌کند، حاجت را برآورده می‌سازد، نطفه را زیاد می‌گرداند و بلغم را از بین می‌برد. [944].

سزاوار نیست زن خود را واگذارد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سزاور نیست که زن خودش را واگذارد، بلکه حتی اگر شده با آویختن گردنبندی خود را بیاراید. [945].

عامل زیبایی و زیور مرد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بر تو باد به بخشندگی و خوشخویی؛ زیرا همان گونه که گوهر درشت وسط گردنبند باعث زیبایی آن است این دو خصلت نیز مایه زیب و زیور مرد هستند. [946].
[صفحه 451]

درخواست و نیاز خواهی

دست نیاز به سوی مردم دراز نکنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شیعه‌ی ما دست نیاز به سوی مردم دراز نمی‌کند، گرچه از گرسنگی بمیرد. [947].

در سه جا شایسته است انسان درخواست نماید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
درخواست کردن شایسته نیست مگر در سه جا: در خونبهایی که به عهده‌ی بیچاره‌ای است یا در وام سنگین و یا نیازهایی که (انسان را) به خاک مذلت نشاند. [948].

اثر درخواست بدون احتیاج

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر بنده‌ای که بدون احتیاج دست سؤال دراز کند نمیرد تا آن که خداوند او را به آن چیز (واقعا) محتاج کند و آتش دوزخ را بر او لازم و حتمی گرداند. [949].

مراد از اسراف‌کاران چه کسانی هستند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که به اندازه‌ی خوراک روز خود داشته باشد و دست سؤال به سوی مردم دراز کند از اسراف‌کاران است. [950].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 452]
از کسی که می‌ترسی دست رد به سینه‌ات زند چیزی مخواه. [951].

عوامل محرومیت انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز موجب محرومیت است: پافشاری در درخواست، غیبت و ریشخند کردن. [952] و نیز حضرت فرمودند:
هر که بیش از قدر و اندازه‌ی خود درخواست کند سزاوار محروم شدن است. [953].

در کار خیر شتاب کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه مردی دست نیاز سوی من دراز کند در رفع نیاز او می‌شتابم؛ زیرا می‌ترسم کار از کار بگذرد و اقدام من در کمک به او دیگر به کارش نیاید. [954].

بدگمان نباشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مردی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و عرض کرد:ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آیا در اموال حقی جز زکات وجود دارد؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند:
آری. مسلمانان باید هر گاه گرسنه‌ای از آنان غذا بخواهد غذایش دهند و هر گاه برهنه‌ای لباس بخواهد وی را بپوشاند. مرد گفت: بیم آن می‌رود که دروغ بگوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: آیا بیم آن نمی‌رود که راست بگوید؟ [955].
[صفحه 453]

به چه کسانی عطا کنیم؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به پرسش درباره‌ی سائلی که معلوم نیست راست می‌گوید: نیازمند است یا نه، فرمودند:
به هر که نسبت به وی در دلت احساس ترحم کردی، عطا کن. [956].

وظیفه‌ی عطا کننده به سائل چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
تا سه سائل را غذا بدهید، پس از آن مختارید، اگر خواستید نیز به آنها بدهید وگرنه وظیفه آن روز خود را انجام داده‌اید. [957].
[صفحه 455]

سجده برای خالق بی‌همتا

اثر سجده طولانی در خفا و پنهانی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه بنده در جایی که کسی او را نمی‌بیند سجده را به درازا کشاند شیطان گوید: واویلا! آنان فرمان بردند و من نافرمانی کردم و سجده کردند و من نکردم. [958].

شیوه‌ی فرمانبرداران کدام است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بر تو باد به طول دادن سجده؛ زیرا که این کار شیوه‌ی فرمانبرداران است.
[959].

شرط ضمانت بهشت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
گروهی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمدند و عرض کردند:ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در برابر پروردگارت بهشت را برای ما ضمانت کن. حضرت فرمودند: به شرط آن که شما نیز با سجده‌های طولانی مرا یاری دهید. [960].

علت جایز نبودن سجده بر غیر زمین

هشام بن حکم به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد:
به من خبر دهید که سجده بر چه چیزهایی جایز است و بر چه چیزهایی جایز نیست؟ حضرت فرمودند: سجده کردن جز بر زمین یا آنچه از زمین می‌روید بجز خوردنی‌ها یا پوشیدنیهایش جایز نیست.
عرض کردم: فدایت شوم، علت این امر چیست؟ حضرت فرمودند: چون سجده یعنی خضوع در برابر خدای عزوجل بنابراین سزاوار نیست که بر آنچه خوردنی و پوشیدنی است سجده شود؛ زیرا دنیاپرستان بنده خوراک و پوشاکند و کسی که سجده می‌کند در حال سجده، خدای تعالی را می‌پرستد؛ پس نشاید که در سجده
[صفحه 456]
پیشانی خود را بر معبود دنیاپرستان فریفته‌ی دنیا بگذارد. سجده کردن بر زمین بهتر است؛ چون تواضع و خضوع در برابر خدای عزوجل را بیشتر می‌رساند. [961].

اثر سجده کردن بر تربت امام حسین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سجده کردن بر تربت حسین علیه‌السلام حجاب‌های هفتگانه را از هم می‌درد. [962].
[صفحه 458]

فضیلت مسجد

خانه‌های خداوند در روی زمین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بر شما باد به رفتن مساجد، زیرا مساجد خانه‌های خدا در روی زمینند هر که پاک و پاکیزه وارد آنها شود خداوند او را از گناهانش پاک گرداند و در زمره‌ی زائران خود قلمدادش می‌نماید. پس در مساجد نماز و دعا بسیار بگزارید. [963].

عامل ساختن خانه در بهشت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس مسجدی بسازد، خداوند برای او در بهشت خانه‌ای بسازد. [964].

جایی از خانه‌ی خود را مسجد قرار دهید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
علی علیه‌السلام اتاقی داشتند که در آن چیزی جز یک فرش و یک شمشیر و یک قرآن نبود و در آن جا نماز می‌خواندند و یا در آن به خواب و استراحت نیم‌روزی می‌پرداختند. [965].

عامل قبولی نماز

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مسجدها از حاضر نشدن همسایگان در خود به درگاه خدای تعالی شکایت کردند، خداوند عزوجل به آنها وحی فرمود: به عزت و جلالم سوگند که حتی یک نماز از آنان نپذیرم و عدالتی از آنان در میان مردم آشکار نکنم و رحمت من به آنان نرسد و همسایه‌ی من در بهشت نشوند. [966].
[صفحه 459]

سه چیز در نزد خداوند شکایت می‌کنند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز نزد خدای عزوجل شکایت کنند: مسجد خرابی که اهالیش در آن نماز نخوانند و دانشمندی که در میان عده‌ای نادان قرار گرفته باشد و قرآنی که در کنار طاقچه‌ها گذاشته شده و غبار رویش را گرفته باشد و کسی آن را نخواند. [967].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هرگاه به در مسجد رسیدی بدان که تو به آستان خانه‌ی پادشاهی بزرگ و پرشکوه آمده‌ای که جز پاکان بر بساط او قدم نگذارند و اجازه نشستن در مجلس او جز به صدیقان داده نشود؛ وانگهی تو بر بساط خدمتگزاری و چاکری پادشاه قدم گذاشته‌ای پس اگر از هیبت و شکوه پادشاه غافل مانی خطری بزرگ تو را تهدید می‌کند بدان که هر گونه خواهد با تو رفتار کند خواه به عدالت و یا با فضل و کرمش تواند. در پیشگاه او به ناتوانی و تقصیر و درویشی خود اعتراف کن؛ زیرا تو برای پرستش و همدمی با او آمده‌ای رازهایت را با او در میان نه و بدان که اسرار درون خلایق همگی، یا آشکارشان بر او پوشیده نیست در برابر او همچون درویش‌ترین بندگانش باش و دلت را از هر علقه و دل مشغولی که حجابی میان تو و پروردگارت شود خالی کن؛ زیرا که او جز پاکترین و خالص‌ترین را نمی‌پذیرد و بنگر که از کدام دیوان نامت بیرون می‌آید. اگر حلاوت مناجات با او و لذت گفتگو با وی را چشیدی و بر اثر رویکرد خوش او به تو و اجابتش، جام رحمت و کرامت او را سر کشیدی هر آینه لایق چاکری و خدمتگزاری او شده‌ای؛ اینک (به مسجد) درآی که در امن و امان خواهی بود و گرنه درنگ کن همچون بیچاره‌ای که راه‌های چاره بر او بسته شده است و دست امیدش کوتاه گشته و حکم مرگش صادر شده است. پس هر گاه خدای عزوجل بداند که دلت به راستی به او پناه آورده است با دیده‌ی مهر و رأفت و
[صفحه 460]
محبت به تو بنگرد و در انجام کارهایی که محبوب و پسند اوست توفیقت دهد؛ زیرا او بخشنده و بزرگوار است و دوست دارد نسبت به بنده بیچاره‌اش که برای کسب خشنودی او، دلسوخته بر درگاهش ایستاده‌اند بزرگواری کند، خدای عزوجل فرموده: (آیا آن کیست که دعای بیچاره‌ی درمانده را اجابت می‌کند)، (امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء) (نمل / 62) [968].

رفتن به مشاهد را ترک نکنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رفتن به هیچ یک از مشاهد را ترک نکن: مسجد قبا که از همان روز اول بر شالوده‌ی تقوا بنا شد و مشربه‌ی ام‌ابراهیم و مسجد فضیخ و قبور شهیدان و مسجد احزاب که همان مسجد فتح باشد (ترک نکن) [969].

فضیلت مسجد کوفه و سهله

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در کوفه مسجدی است به نام سهله اگر عمویم زید به آن جا می‌رفت و نماز می‌خواند و از خدا پناه می‌خواست خداوند بیست سال به او پناه می‌داد. در فضیلت مسجد کوفه اخبار بسیار زیادی آمده حاکی از آن است که: این مسجد خانه ادریس پیامبر علیه‌السلام بوده و آن حضرت در آن جا خیاطی کرده و به نماز می‌پرداخته است؛ خانه ابراهیم علیه‌السلام بوده که از همان جا به جنگ عمالقه رفت؛ اقامتگاه آن سواره یعنی حضرت خضر بوده است؛ داود از همان جا به پیکار جالوت رفت؛ هر پیامبری که خدا فرستاد در آن جا نماز خواند؛ کسی که در این مسجد باشد، مانند کسی است که در خیمه‌ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است؛ هر گاه صاحب ما عجل الله تعالی فرجه الشریف همراه خانواده‌اش قیام کند در آن جا استقرار خواهد یافت؛ هر غمدیده و گرفتاری به این مسجد رود خداوند اندوهش را برطرف کند؛ در آن جا زبرجدی
[صفحه 461]
است که صورت هر پیامبر و وصیی بر آن منقوش است؛ در آن جاست که در صور دمیده می‌شود و خلایق در آن جا محشور می‌شوند و از کنار آن هفتاد هزار نفر به صحرای محشر می‌آیند که بدون حساب و کتاب وارد بهشت می‌شوند. [970].
[صفحه 463]

بخشندگی

شرایط بخشندگی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بخشندگی از اخلاق پیامبران است و ستون ایمان می‌باشد. هیچ مؤمنی نیست مگر آن که بخشنده است و تنها آن کس بخشنده است که از یقین و همت والا برخوردار باشد؛ زیرا که بخشندگی پرتو نور یقین است. هر که هدف را بشناسد بخشش بر او آسان شود. [971].

شرط دین‌داری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تبارک و تعالی اسلام را به عنوان دین شما برگزید، پس با بخشندگی و خوش‌خویی ملازم آن باشید. [972].

بهترین و بدترین افراد چه کسانی هستند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بهترین افراد شما بخشندگان شمایند و بدترین شما بخیلانتان. [973].

برتری نادان بخشنده از عابد بخیل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نادان بخشنده برتر از عابد بخیل است.

بخشنده چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بخشنده آن ولخرجی نیست که اموال خود را نابجا حیف و میل کند، بلکه بخشنده کسی است که زکات و دیگر حقوق مالی را که خدای عزوجل بر او واجب کرده است بپردازد. [974].
[صفحه 464]

مراد از مرز بخشندگی چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال از مرز بخشندگی فرمودند:
حقوقی را که خداوند بر اموال تو واجب کرده است، خارج کنی و آن را در جای خودش قرار دهی. [975].

سخاوتمند کریم چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سخاوتمند کریم کسی است که اموال خود را به حق خرج کند. [976].

مقصود از بخشندگی چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بخشندگی آن است که نفس بنده از طلب حرام صرف‌نظر کند و هر گاه به مال حلالی دست یافت با رضایت خاطر آن را در راه طاعت خدای عزوجل خرج کند. [977].

مراد از شرمندگی و فرار از نکوهش چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بخشندگی آن است که بی‌خواهش کسی صورت گیرد؛ اما آن بخشندگی که در مقابل درخواست انجام گیرد ناشی از شرمندگی و برای فرار از نکوهش است. [978].

دین مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن در دین خود نیرومند است و در حق سخاوتمند. [979].
[صفحه 466]

راز و رازداری

مایه‌ی افتادن انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
فاش کردن راز مایه‌ی افتادن است. [980].

مرکز گنجایش راز

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سینه‌ی تو بیشتر گنجایش راز تو را دارد. [981].

خون خود را حفظ کن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
راز تو جزئی از خون توست، پس نباید که در رگ‌های غیر تو جریان یابد.
[982].

معیار رازداری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دوستت را از راز خود آگاه مکن مگر بر رازی که اگر دشمن از آن آگاه شود نتواند به تو زیانی برساند؛ زیرا دوست نیز ممکن است که روزی دشمن شود. [983].

خود را بر باد ندهید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چهار چیز بر باد می‌رود... رازی را که به کسی سپری که از خرد بی‌بهره باشد. [984].
[صفحه 468]

درون انسان‌ها

اعمال خیر انسان آشکار می‌شود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ بنده‌ای نیست که در نهان خیری را انجام دهد، مگر آن که با گذشت ایام خداوند خیری از او آشکار سازد و هیچ بنده‌ای نیست که در نهان کار شری به جای آورد، جز آن که با گذشت ایام خداوند شر او را نمودار سازد. [985].

عمل اندک خود را برای خدا انجام دهید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که اندک عمل خود را برای خدای عزوجل انجام دهد، خداوند بیشتر از آن چه خواسته برایش نمایان سازد و هر که عمل بسیار خود را با تحمل رنج جسمی و شب زنده‌داری برای مردم انجام دهد، خدای عزوجل جز این که اعمال او را در چشم کسانی که اعمالش را می‌شنوند اندک جلوه دهد، کاری نکند. [986].

پلیدی ظاهر ناشی از چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پلیدی ظاهر ناشی از پلیدی باطن است و هر که درون خود را درست کند، خداوند ظاهر او را درست گرداند. بزرگترین تباهی آن است که بنده به غفلت از خدایتعالی خرسند باشد؛ این تباهی زاییده‌ی آرزوی دراز و آزمندی و کبر است، چنان که خدای عزوجل در داستان قارون از این نکته خبر داده است، آنجا که می‌فرماید: (و خواهان تباهی در روی زمین مباش که خداوند تبهکاران را دوست ندارد)، (و لا تبغ الفساد فی الارض ان الله لا یحب المفسدین). این خصلت‌ها که کار قارون و باور او بود و همگی در دنیا دوستی ریشه دارند. [987].
[صفحه 469]

عامل نیرومندی انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه درون سالم شد. برون نیرومند می‌شود. [988].

درون انسان‌ها

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بنده را چه سود که نیکی آشکار کند و بدی نهان دارد. مگر نه این که چون به خودش مراجعه کند در می‌یابد که حقیقت چنین نیست. خدا می‌فرماید: (بلکه انسان به خود بیناست)، (بل الانسان علی نفسه بصیره) درون هر گاه درست شد، برون نیز درست و نیرومند گردد. [989].

مراد از عدل، احسان و تجاوز چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه درون و برون یکسان باشد عدل است و هر گاه درون بهتر از برون باشد این احسان است، و هر گاه برون بهتر از درون باشد این تجاوز است.
[990].
[صفحه 471]

شادمانی

در سه جا شادی نمایید

شادی در سه خصلت است: در وفاداری و رعایت حقوق و ایستادگی در برابر سختی‌های زمانه. [991].

ثواب به فریاد رسیدن مؤمن غمزده و تنگدست

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که به فریاد برادر مؤمن غمزده و تنگدستش برسد و اندوهش را بزداید و در روا شدن حاجتش او را کمک کند، به خاطر این کار نزد خداوند هفتاد و دو رحمت الهی منظور شود که یکی از آنها را در همین دنیا برای بهبود وضع معیشتش به او دهد و هفتاد و یک رحمت دیگر را برای هول و هراس‌های روز قیامتش ذخیره کند. [992].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ یک از شما فکر نکند که اگر مؤمنی را شاد کرد فقط او را شادمان ساخته، بلکه به خدا قسم ما را شاد کرده، بلکه به خدا قسم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را شاد کرده است.
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: به خدا سوگند هر گاه حاجت مؤمن برآورده شود از برآورده شدن آن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شادتر گردد تا خود آن مؤمن. [993].

ثواب شاد نمودن مسلمان در برخوردهای خود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر مسلمانی که به مسلمانی برخورد کند و او را شاد سازد، خدای عزوجل او را شاد گرداند. [994].
[صفحه 472]

ثواب شاد نمودن مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که به مؤمنی شادی رساند، به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شادی رسانده باشد و هر که به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شادی رساند، به خدا شادی رسانده باشد و چنین است هر که به مؤمنی اندوهی رساند. [995].

عامل برطرف شدن اندوه‌های آخرت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که غمی از مؤمنی بزداید، خداوند اندوه‌های آخرت را از او برطرف سازد و از گورش خنک دل بیرون آید. [996].

نحوه‌ی خروج مؤمن از گورش

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چون خداوند مؤمن را از گورش درآورد تمثالی با او خارج شود که جلو او راه می‌رود و هر گاه مؤمن یکی از صحنه‌های هراس‌انگیز روز قیامت را ببیند آن تمثال به او گوید: نترس و غم به خود راه مده مؤمن به او گوید: تو کیستی؟ تمثال گوید: من همان شادی و سروری هستم که به برادر مؤمنت رساندی. [997].

عامل رفع حوائج انسان توسط خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر مؤمنی که گرفتاری مؤمن تنگدستی را رفع کند، خداوند حوائج او را در دنیا و آخرت آسان (و برآورده) سازد. [998].
[صفحه 474]

اسراف‌کاری

نشانه‌های اسراف‌کار

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
لقمان به فرزندش گفت: اسرافکار سه نشانه دارد: آنچه مال او نیست می‌خرد و آنچه مال او نیست می‌پوشد و آنچه مال او نیست می‌خورد. [999] [1000].

کمترین حد اسراف‌کار

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
میانه‌روی چیزی است که خدای عزوجل آن را دوست دارد و اسراف را ناخوش می‌دارد، حتی دور انداختن هسته (خرما و میوه) را؛ زیرا آن به کار می‌آید و حتی دور ریختن زیادی نوشیدنیت را. [1001].

خداوند تباه‌کاری را دوست ندارد

بشر بن مروان می‌گوید:
خدمت امام صادق علیه‌السلام رسیدیم. آن حضرت دستور فرمودند: مقداری خرما آوردند. یکی از افراد هسته‌ها را دور می‌انداخت. حضرت دستش را گرفت و فرمود: این کار را نکن؟ این حیف و میل است و خداوند تباه‌کاری را دوست ندارد. [1002].

کمترین اندازه‌ی اسراف

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کمترین اندازه اسراف، دور ریختن ته مانده‌ی ظرف (آب و غذا) و تبدیل لباس بیرون به لباس خانه و دم دستی، و دور انداختن هسته‌ها(ی خرما و میوه) است. [1003].
[صفحه 475]

لباس بیرونت را لباس خانه و دم دستی قرار ندهید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال از کمترین حد اسراف فرمودند:
کمترین اندازه‌ی آن این است که لباس بیرونت را لباس خانه، دم دستی قرار دهی، ته مانده‌ی ظرفت را دور بریزی و خرما بخوری و هسته‌هایش را این طرف و آن طرف بیندازی. [1004].

عامل اسراف چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در آنچه بدن را سالم نگه می‌دارد اسراف نیست. بلکه اسراف در چیزهایی است که مال را تلف کند و به بدن زیان رساند. [1005].
[صفحه 478]

خوشبختی

رشته‌ی خوشبختی و درماندگی و خواری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خوشبختی رشته خیری است که خوشبخت به آن چنگ زده، پس او را به سوی نجات می‌کشاند، و بدبختی رشته‌ی درماندگی و خواری است که بدبخت به آن می‌آویزد و او را به هلاکت می‌کشاند و همه این‌ها با علم خدای تعالی است. [1006].

خوشبخت چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خوشبخت کسی است که در نفس خود فراغتی یابد و به کار اصلاح بپردازد.
[1007].

چه کسی خوشبخت نیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که عالم نباشد سزاوار نیست که خوشبخت شمرده شود. [1008].

عوامل خوشبختی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز از خوشبختی است: همسر سازگار، فرزند نیکوکار و درآمدی که روز هنگام، آن را به دست آورد و شب نزد خانواده‌اش برگردد. [1009].

اثر خوشبختی مرد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از خوشبختی مرد آن است که شکل و شمایل و خلق و خوی فرزندش شبیه خود او باشد. حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خوشبخت است مردی که نمیرد تا جانشین خود را ببیند. [1010].
[صفحه 478]

کمال خوشبختی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نه هر کس آهنگ کاری کند بتواند آن را انجام دهد و نه هرکه بر انجام کاری توانا باشد، توفیق آن را یابد و نه هر که توفیق یابد آن را درست انجام دهد. بلکه هر گاه نیت و توانایی و توفیق و درست از عهده برآمدن فراهم آیند، آنگاه است که خوشبختی کامل می‌گردد. [1011].

مراد از خوشبختی طالب و مطلوب

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چنین نیست که هر کس بخواهد به مردم خوبی کند، بکند و نه هر کس به این کار رغبت داشته باشد، توانایی آن را داشته باشد و نه هر کس بدان توانا باشد، توفیق آن را یابد، بلکه هر گاه خداوند بر بنده منت نهد، رغبت به نیکی کردن و توانایی بر انجام آن و اذن و توفیق را برایش فراهم آورد. در این هنگام است که خوشبختی و کرامت برای طالب (شخصی که می‌خواهد نیکی کند) و مطلوب (شخصی که مورد نیکی است) کامل گردد. [1012].
[صفحه 480]

مسافرت و آداب آن

مسافرت را با صدقه آغاز کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مسافرت خود را با صدقه دادن آغاز کن و هر گاه خواستی، بیرون برو؛ زیرا (با صدقه دادن) سلامت سفرت را می‌خری. [1013].

آداب مسافرت از منظر لقمان حکیم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
لقمان به فرزندش گفت: هر گاه با عده‌ای همسفر شدی، در کارهای مربوط به خودت و آنها با ایشان مشورت کن و در روی آنان تبسم زیاد داشته باش در زاد و توشه‌ات نسبت به آنان بخشنده باش اگر تو را دعوت کردند قبول کن و اگر از تو کمک خواستند کمکشان کن و در سه چیز از آنان برتر باش: خاموشی، کثرت نماز و بخشندگی در مرکب یا دارایی و یا توشه‌ای که همراه داری.
اگر در امر حقی از تو شهادت خواستند شهادت بده و اگر از تو مشورت و نظر خواستند، با تمام توان اندیشه‌ات را برای آنان به کار گیر. اگر همسفرانت راه افتادند، تو نیز با آنان راه بیفت و اگر دیدی کار می‌کنند، تو نیز با آنان مشغول کار شو، اگر صدقه و قرضی دادند تو نیز با آنان همراهی کن و از کسی که سنش از تو بیشتر است حرف شنوی داشته باش.
هر گاه اتراق کردی بیش از آن که بنشینی دو رکعت نماز بگزار و هر گاه کوچ کردی نیز دو رکعت نماز بخوان و آنگاه با سرزمینی که در آن فرود آمده‌ای خداحافظی کن و بر آن و مردمش درود فرست؛ زیرا هر سرزمینی را ساکنانی از فرشتگان است. [1014].
[صفحه 481]

با افراد هم‌سطح خود مسافرت کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال شهاب بن عبدربه، از بخشش به برادران در هنگام مسافرت فرمودند:
ای شهاب، این کار را مکن؛ زیرا اگر تو گشاده‌دستی کنی و آنها نیز (از روی ناچاری) گشاده‌دستی کنند به آنان اجحاف کرده باشی و اگر خودداری کنند، آنان را خوار و خجلت‌زده کرده باشی. پس با افراد هم‌سطح خودت همسفر شو. [1015].

حق مسافر چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حق مسافر آن است که اگر بیمار شد، برادرانش سه روز برای او اقامت و اتراق کنند. [1016].

اثر چهل گام راه رفتن با همسفر مؤمن خود

مفضل بن عمر (در برگشت از سفر) چون بر امام صادق علیه‌السلام وارد شد، حضرت پرسیدند: چه کسی همسفر تو بود؟ عرض کردم: مردی از برادرانم. حضرت فرمودند: پس چه شد؟ عرض کردم: از وقتی وارد مدینه شده‌ام نمی‌دانم جایش کجاست. حضرت فرمودند: مگر نمی‌دانی که هر کس چهل گام با مؤمنی همسفر شود؟ در روز قیامت راجع به او از وی سؤال می‌شود؟ [1017].

مراد از مردانگی در سفر چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مردانگی در سفر عبارت است از: ره توشه‌ی زیاد و خوب و بخشش آن به همسفرانت و کتمان اسرار آنان بعد از جدا شدن از آنها و زیادی شوخی در غیر آن چه
[صفحه 482]
به خشم آورد خدای عزوجل را. حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: مردانگی در سفر عبارت است از: بخشیدن از ره توشه‌ی خود به همراهان، شوخی کردن به گونه‌ای که خشم خدا را همراه نداشته باشد، کمی مخالفت و ناسازگاری با همسفران و ترک بدگویی از همراهان بعد از جدا شدن از آنان. [1018].
[صفحه 484]

سفاهت و سبکسری

عمل آدم سفیه و نادان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سبکسری خوی پستی است؛ آدم سفیه به زیردست خود زور می‌گوید و در برابر بالادست خود زبون است. [1019].

مراد از شخص سبکسر و ناتوان چه کسی است؟

عبدالله بن سنان می‌گوید:
پدرم در حضور من از امام صادق علیه‌السلام راجع به آیه (و چون به قوت خویش رسید)، (حتی اذا بلغ اشد) سؤال کرد: حضرت فرمودند:
منظور آن از احتلام است، مگر آن که سبکسر یا ناتوان باشد. پدرم پرسید: سبکسر کیست؟ حضرت فرمودند: کسی که کالای یک درهمی را به چند درهم می‌خرد. پرسید: ناتوان کیست؟ حضرت فرمودند: ابله. [1020].

شیوه‌ی مقابله با ابله

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
با بی‌اعتنایی به سفیه و ندادن جواب او با وی مقابله کن تا مردم جانب تو را بگیرند؛ زیرا کسی که جواب سفیه را بدهد و مقابله به مثل کند هیزم بر آتش نهاده باشد. [1021].

کسانی که آرزومند بردباری‌اند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسانی که بیش از هر کس سزاوارند آرزومند بردباری مردم باشند، سفیهانند که نیاز دارند از سبکسری آنان چشم‌پوشی شود. [1022].
[صفحه 485]

سجایای اخلاق

مراد از زندگی گوارا چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
زندگی‌ای گواراتر از اخلاق خوش نیست. [1023].

ثواب خوش‌خویی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تبارک و تعالی ثوابی را که بر خوش‌خویی بنده می‌دهد مانند ثواب کسی است که هر صبح و شام در راه خدا جهاد کند. [1024].

آوردن محبوبترین عمل به نزد خدای متعال

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن، بعد از انجام واجبات، عملی محبوبتر از خوش اخلاقی با مردم نزد خدای تعالی نمی‌آورد. [1025].

مراد از خلق عظیم چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از جمله خطابهایی که خداوند متعال به پیامبرش (صلی الله علیه و آله و سلم) نمود این بود که فرمود: ای محمد! (همانا تو بر خلقی عظیم هستی)، (انک لعلی خلق عظیم) (قلم / 4) حضرت فرمودند: یعنی بخشندگی و خوش‌خویی. [1026].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 488]
اخلاق پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این سخن خدای عزوجل بود: (عفو را پیشه کن و به نیکی فرمان ده و از جاهلان روی گردان)، (خذ العفو و أمر بالعرف و اعرض عن الجاهلین). [1027].

حد و معنای حسن خلق

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به پرسش از حد و معنای حسن خلق فرمودند:
حسن خلق این است که نرم‌خو و مهربان باشی، گفتارت پاکیزه و مؤدبانه باشد و با برادرت با خوش‌رویی برخورد کنی. [1028].

بهترین خلق و خوی کدام است؟

اسحاق بن عمار می‌گوید:
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: خلق و خوی بخششی است که خدای عزوجل به آفریدگانش عطا می‌فرماید: برخی از آنها عزیزی است و برخی به نیت و قصد است (با تصمیم و تمرین به دست می‌آید).
عرض کردم: کدام یک از این دو بهتر است؟ حضرت فرمودند: کسی که خوی غریزی دارد بر آن سرشته شده و جز آن نتواند انجام دهد و صاحب خوی اکتسابی بر طاعت صبوری می‌ورزد، پس این بهتر است. [1029].

مراد از مکارم اخلاق چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به جراح مدائنی فرمودند:
آیا به تو بگویم که مکارم الاخلاق چیست؟
گذشت کردن از مردم، کمک مالی کردن به برادر (دینی) خود و بسیار به یاد خدا بودن. [1030].
[صفحه 489]

مکارم دهگانه‌ی اخلاق

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مکارم ده تاست: اگر می‌توانی آنها را داشته باش؛ زیرا گاهی شخص آنها را دارد ولی فرزندش ندارد و گاهی در فرزندش هست و در پدرش نیست و گاهی در بنده هست و در آزاد نیست (این ده خوی کریمانه عبارتند از) استقامت در برابر حوادث، راستگویی، امانتداری، صله رحم، میهمان‌نوازی، اطعام بینوا، جبران کردن نیکی‌ها، رعایت حق و حرمت همسایه، مراعات حق و حرمت رفیق و در رأس همه شرم و حیا. [1031] حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تبارک و تعالی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را به مکارم اخلاق مخصوص گردانید. پس شما نیز خود را بیازمایید، اگر این خوی‌ها در شما بود خدای عزوجل را سپاس گویید و از او این مکارم را بیشتر بخواهید. پس آنها را (ده خوی) برشمردند: یقین، قناعت، صبر، شکر، بردباری، خوشخویی، بخشندگی، غیرت، شجاعت و جوانمردی. [1032].

از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی مکارم اخلاق سؤال شد، فرمودند: گذشت از کسی که به تو ستم کرده است، ارتباط برقرار کردن با کسی که از تو بریده است، عطا کردن به آنکه از دادن چیزی به تو دریغ کرده است و گفتن حق اگر چه برضد خودت باشد. [1033].

عامل زیاد شدن روزی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خوش‌خویی روزی را زیاد می‌کند. [1034].
[صفحه 490]

عامل زیاد شدن عمر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نیکی کردن و خوش‌خویی خانه‌ها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند. [1035].

عامل ذوب کردن گناهان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خوش‌خویی گناه را می‌گدازد همچنان که آفتاب یخ را. [1036].

اثر نیک‌خویی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
لقمان به فرزندش گفت: فرزندم! اگر چیزی نداشتی که با آن به خویشانت رسیدگی کنی و به برادرانت احسان نمایی، (دست کم) نیک‌خویی و خوش‌رویی خود را از دست مده؛ زیرا کسی که نیک‌خو باشد، نیکان او را دوست بدارند و بدکاران از وی دوری کنند. [1037].

اثر بدخویی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بدخویی کردار را تباه می‌سازد همچنان که سرکه عسل را. [1038].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
لقمان به فرزندش گفت: فرزندم! از غمزدگی و بی‌حوصلگی و بدخویی و کم‌خویی دوری کن که هیچ دوستی تحمل این خصلت‌ها را ندارد. در کارهایت آرام و
[صفحه 491]
بردبار باش و در به دوش کشیدن خرج و مخارج برادران صبوری کن و با همگان خوش‌خو باش. [1039].

عامل عذاب دادن خود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که بداخلاق باشد. خودش را عذاب می‌دهد. [1040].

از دو خصلت بپرهیزید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از دو خصلت بپرهیز: بی‌تابی و تنبلی؛ زیرا اگر بی‌تاب و کم‌حوصله باشی بر حق شکیبایی نکنی و اگر سست و تنبل باشی حقی را نمی‌پردازی. [1041].

زیباترین خصلت کدام است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به پرسش یحیی بن عمران جلی از (زیباترین خصلت‌ها) فرمودند:
وقار بدون هیبت و بخشش بدون انتظار پاداش و سرگرم شدن به غیر مال و متاع دنیا. [1042].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خصلت‌ها و نیک اخلاقی به یکدیگر وابسته‌اند. [1043].
[صفحه 493]

شراب و شرابخواری

شراب همیشه حرام بوده است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند هرگز پیامبری را برنینگیخت مگر آن که می‌دانست که چون دین او را کامل کند تحریم شراب‌خواری نیز در آن است. شراب همیشه حرام بوده است. دین از خصلتی به خصلتی دیگر تحول می‌یابد و اگر از ابتدا کامل بود مردم دین را نمی‌پذیرفتند. [1044].

شراب‌خواری کلید هر بدی است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شراب‌خواری کلید هر بدی است و شرابخوار، کتاب خدای عزوجل را دروغ می‌شمارد، زیرا اگر آن را باور داشت حرام آن را حرام می‌دانست. [1045].

دروغ بدتر از شراب است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای عزوجل بر در بدی و پلیدی قفل‌ها زده و کلیدهای آن قفل‌ها را شراب قرار داده است و بدتر از شراب دروغ است. [1046].

علت تحریم شراب

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال مفضل از علت تحریم خمر فرمودند:
خداوند شراب را به علت تأثیر بد و فسادی که به وجود می‌آورد حرام کرد؛ زیرا میگسار دچار رعشه (اندام) می‌شود، نورانیت دلش از بین می‌رود، مردانگی و مروت را از دست می‌دهد، در ارتکاب کارهای حرام و خونریزی و زنا گستاخ و بی‌پروا
[صفحه 494]
می‌شود و در حال مستی و نابخردی هیچ بعید نیست که به محارم خود تجاوز نکند. شراب بر شرابخوار جز شر و بدی نمی‌افزاید. [1047].

عامل تشنه‌کام مردن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
آنان که در دنیا از مسکرات سیراب شوند. تشنه‌کام می‌میرند و تشنه‌کام محشور می‌شوند و تشنه‌کام به دوزخ می‌روند. [1048].

مراد از شراب ناب چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که شراب‌خواری را برای غیر خدا (هم که شده) رها کند خداوند او را از شراب ناب و مهر شده بنوشاند. راوی عرض کرد: یابن رسول الله! کسی که شراب را برای غیر خدا ترک کند؟ حضرت فرمودند:
آری به خدا قسم، برای حفظ (سلامتی) خویش. [1049].
[صفحه 496]

ترس

مراد از پست‌ترین بینندگان چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از خدا چنان بترس که گویی او را می‌بینی؛ چه اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند. اگر فکر کنی که او تو را نمی‌بیند هر آینه کافر شده‌ای و اگر بدانی که او تو را می‌بیند و با این حال دور از چشم مردم و در برابر دیدگان خدا گناه کنی بی‌گمان او را در حد پست‌ترین بینندگان خود قرار داده‌ای. [1050].

مؤمن میان دو ترس به سر می‌برد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن میان دو ترس به سر می‌برد: گناهی که در گذشته کرده است و نمی‌داند خدا با آن چه کرده است (آن را بخشیده یا نه) و عمری که باقی مانده است و نمی‌داند در آن مدت چه گناهان مهلکی مرتکب خواهد شد؛ بنابراین، مؤمن پیوسته ترسان است و جز ترس اصلاحش نکند. [1051].

آنچه برای مؤمن سزاوار است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سزاوار است که مؤمن از خداوند چنان بترسد که گویی بر لبه‌ی دوزخ قرار دارد و به او چنان امیدوار باشد که گویی اهل بهشت است. [1052].

اثر امیدواری به خداوند متعال

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به خداوند چنان امیدوار باش که تو را بر انجام گناهان بی‌پروا نکند و از خدا چنان بترس که تو را از رحمت او نومید نسازد. [1053].
[صفحه 497]

مراد از دو نور مؤمن چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پدرم علیه‌السلام فرمودند: هیچ بنده مؤمنی نیست مگر آن که در دلش دو نور است: نور ترس و نور امید که اگر هر یک از آنها را وزن کنی بر دیگری فزونی نیابد. [1054].

ترس و امید از منظر لقمان حکیم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از سفارش‌های لقمان علیه‌السلام به فرزندش این بود که: از خدای عزوجل چنان بترس که اگر نیکی جن و انس را نزدش آوری (باز گمان کنی که) تو را عذاب کند و به او چنان امیدوار باش که اگر گناهان جن و انس را نزدش ببری تو را خواهد بخشید. [1055].

دارای دو دل باشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
لقمان علیه‌السلام در اندرزی به فرزندش فرمود: فرزندم دارای دو دل باش: با یک دل از خدا بترس، ترسی که در آن تفریط راه نیابد و با دلی دیگر به خدا امیدوار باش، امیدی که مایه‌ی فریب و غفلت (از عذاب و خشم خدا) نشود. [1056].

شرط مؤمن بودن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بنده مؤمن نباشد مگر آنگاه که بیمناک و امیدوار باشد و بیمناک و امیدوار نباشد مگر آن گاه که بیم و امید او را به عمل کشاند. [1057].

مراد از شخص ترسان چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 498]
ترسان (از خدا) کسی است که هراس زبانش را بند آورده باشد. [1058].

جاه و شهرت‌طلبی از آن چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
جاه و شهرت‌طلبی در قلب انسان ترسان و هراسان (از خداوند و عذاب او) وجود ندارد. [1059].

مراد از دو بهشت خداوند چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه: (برای آن که از عظمت پرودگار خویش بترسد دو بهشت است)، (و لمن خاف مقام ربه جنتان) (رحمان / 46) فرمودند:
کسی که بداند خداوند او را می‌بیند و گفته‌هایش را می‌شنود و هر کار خوب و بدی بکند خدا از آن آگاه است و بدین سبب از زشتکاری بازایستد، او همان کسی که از عظمت پرودگار خویش ترسیده و نفس را از هوی و هوس بازداشته است. [1060].

اثر ترس از خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که از خدا بترسد خداوند همه چیز را از او بترساند و هر که از خدا نترسد خداوند او را از همه چیز ترسان کند. [1061].

عامل عزت و قدرت انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به معلی بن خنیس فرمودند:
[صفحه 499]
ای معلی از خداوند عزت و قدرت بخواه تا تو را قدرتمند و توانا کند. عرض کرد: چگونه، یابن رسول الله؟ حضرت فرمودند: ای معلی! از خدا بترس، همه چیز از تو می‌ترسد. [1062].

بیچاره آدمیزاد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بیچاره آدمیزاد! اگر همچنان که از ناداری می‌ترسد از دوزخ می‌ترسید، از هر دوی آنها در امان می‌ماند و اگر همچنان که در آشکار از مردم می‌ترسید در نهان نیز از خدا می‌ترسید در هر دو سرای سعادتمند می‌شد. [1063].

عامل ایمنی در روز رستاخیز

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به امام حسین علیه‌السلام گفته شد: چقدر از پروردگارت ترسانی! حضرت فرمودند: در روز رستاخیز ایمن نیست مگر آن کس که در دنیا از خداوند ترسان باشد. [1064].

مؤمن دوست خداوند است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همانا مؤمن دوست خداست، یاریش می‌رساند و برای او کار می‌کند و درباره‌ی او جز حق نمی‌گوید و از غیر او نمی‌ترسد. [1065].

بی‌پروا نباشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 500]
مردمی گناهان بسیار کردند و بر اثر آن هراسان شدند و از عذاب سخت خدا بیمناک گشتند. عده‌ای آمدند و گفتند: گناهان شما به گردن ما. پس خدای عزوجل بر آنان عذاب فرستاد و آنگاه خداوند فرمود: آنان از من ترسیدند، اما شما گستاخی کردید. [1066].

آیه‌ی رفع ترس

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه وارد جایی شدی که می‌ترسی این آیه را بخوان: (رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا)، «پرودگارا مرا به فرودگاه راستین وارد و از خروجگاه راستین خارج کن و از جانب خویش، قدرتی یاری‌گر برایم قرار ده». و هر گاه کسی را که (از او می‌ترسی) دیدی آیةالکرسی را بخوان. [1067].
[صفحه 502]

خیانت

مؤمن از خیانت و دروغ مبراست

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن بر هر خوبی سرشته می‌شود مگر خیانت و دروغ. [1068].

در کارهای خود خیانت نکنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام از وکیل خود حساب می‌کشیدند و او پیوسته می‌گفت: به خدا من خیانت نکرده‌ام، به خدا من خیانت نکرده‌ام. حضرت فرمودند: ای فلانی! خیانت کرده باشی یا مال مرا هدر داده باشی برای من یکسان است؛ زیرا گناه خیانت به گردن توست. سپس حضرت فرمودند:
رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: اگر از روزی خود بگریزید روزی در پی شما می‌آید تا به شما برسد، همچنان که اگر از اجل خود بگریزید به دنبالتان می‌آید تا به شما برسد. و کسی که خیانتی کند به همان مقدار از روزیش کم می‌شود و گناه آن برایش نوشته می‌گردد. [1069].

اگر کسی خیانت کرد شما خیانت نکنید

و نیز معاویة بن عمار به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد:
من به کسی پولی می‌سپارم و او انکار می‌کند که به وی چیزی سپرده‌ام، بعد از مدتی او مالی به من می‌سپارد. آیا می‌توانم آن را به جای پولی که نزد او دارم (و به من نمی‌دهد) بردارم؟ حضرت فرمودند: نه، این خیانت است. [1070].

مراد از شخص خائن کیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به هارون نابینا فرمودند:
[صفحه 503]
ای هارون! خدای تبارک و تعالی به خویشتن سوگند یاد کرده که خائنی را همجوار خود نکند. هارون می‌گوید: عرض کردم: خائن کیست؟ حضرت فرمودند: آن که درهمی یا چیزی از مال دنیا را از مؤمن دریغ دارد پنهان کند. [1071].

مراد از خیانت به خدا و رسولش و مؤمنان چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر یک از یاران ما که برادرش در مشکلی از او کمک بخواهد و وی با تمام توان خود در کمک به او نکوشد، هر آینه به خدا و پیامبر او و مؤمنان خیانت کرده است. [1072].

بدترین مردم چه کسانی هستند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بازرگانان خیانتکار بدترین مردمانند. [1073].
[صفحه 505]

خیر و خوبی

خیر و شر کلی در کجاست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همه خوبی و تمام بدی فراروی توست و خیر و شر کلی را جز در آخرت نبینی؛ زیرا خدای عزوجل همه‌ی خوبی را در بهشت و تمام بدی را در دوزخ قرار داده است.

شرط رسیدن به همه خوبی‌ها

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چه می‌شود اگر هر یک از شما با اندک کاری، به همه خوبی‌ها دست یابد؟
راوی می‌گوید: عرض کردم: فدایت شوم، با چه کاری؟ حضرت فرمودند:
با شاد کردن شیعیان ما، که ما را شاد می‌کند. [1074].

کلید تمام خوبی‌ها و بدی‌ها

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
تمام بدی در خانه‌ای نهاده شد، و دنیادوستی را کلید آن کرده‌اند و همه خوبی در خانه‌ای قرار داده شده و کلید آن دل برکندن از دنیا قرار داده شده است. [1075].

عوامل رسیدن به خیر دنیا و آخرت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر خواهی که به آرزویت برسی و به خیر دنیا و آخرت دست یابی چشم طمع از مال مردم برگیر و خود را از مردگان بشمار و خود را از هیچ کس برتر و بالاتر مپندار و همچنان که از دارایی خود نگهداری می‌کنی، زبانت را نیز نگهدار. [1076].
[صفحه 506]

سه چیز همیشه کمیاب است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز همیشه کمیاب است: برادر خدایی، همسر شایسته و همراه در دین‌داری و فرزند سر به راه؛ هر که یکی از این سه را داشته باشد به خیر دنیا و آخرت و بهره‌ی فراوان دنیا دست یافته است. [1077].

اثرات نظر خداوند متعال به بنده‌ی خود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه خداوند خوبی بنده‌ای را بخواهد او را به دنیا بی‌اعتنا گرداند، در دین فقیه و آگاهش کند و به عیبهایش بینا سازد؛ این سه خصلت به هر کس داده شود خوبی دنیا و آخرت به او داده شده است. [1078].

اثر نقطه سفید و نورانی در قلب بنده‌ی خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای عزوجل چون خوبی بنده‌ای را بخواهد نقطه‌ای نورانی در دلش پدید آورد و گوش‌های دلش را بگشاید و فرشته‌ای راهنما بر او بگمارد. و چون بدی بنده‌ای را خواستار شود نقطه‌ای سیاه در دلش ایجاد کند و گوش‌های دلش را ببندد و شیطانی گمراه کننده بر او بگمارد. سپس این آیه را تلاوت کرد: (و هر که را خداوند خواهان هدایتش شود سینه‌اش را برای اسلام بگشاید)، (فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للاسلام). [1079].

عامل کامل شدن اسلام

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 507]
هر گاه خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد سینه‌اش را برای اسلام فراخ گرداند؛ و چون این نعمت به او عطا کند زبانش به حق گویا شود و دلش با حق گره خورد و به آن عمل کند و چون خداوند این امور را در او گرد آورد، اسلامش به کمال رسیده است. [1080].

در کار خیر عجله کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه تصمیم به انجام کار خیری گرفتی آن را به تأخیر مینداز؛ زیرا خدای تبارک و تعالی گاه بر بنده‌ی خود که به کاری از طاعت او مشغول است می‌نگرد و می‌گوید: به عزت و جلالم سوگند که پس از این طاعت، تو را دیگر عذاب نکنم. و نیز حضرت فرمودند:
پدرم می‌فرمودند: چون آهنگ کار خوبی کردی، در انجام آن شتاب کن؛ زیرا نمی‌دانی که چه پیش می‌آید. [1081].

عامل منع کار خیر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه یکی از شما قصد کاری نیک یا رساندن نفعی به دیگری کند، دو شیطان در جانب راست و چپ او حاضر شوند؛ پس بشتابید (برای انجام کار خیر) که آن دو شیطان او را از آن کار بازندارند. [1082].

بهترین شما چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بهترین شما بخشنده‌ترین شما هستند. و بدترین شما بخیل‌ترینتان.
[1083].
[صفحه 508]

عوامل بهترین شدن مردم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بهترین بندگان کسی است که پنج خصلت در او باشد: هر گاه خوبی کند شاد شود و اگر بد کند بخشش طلبد و هر گاه چیزی به او داده شود سپاسگزاری کند و هر گاه گرفتار شود شکیبایی ورزد و هر گاه کسی به او ستم کند گذشت کند. [1084].

عامل شادمانی در روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کار خوب را هرگز خرد مشمارید؛ زیرا فردا (ی قیامت) آن را می‌بینی و شادمانت می‌کند. [1085].

بهتر از راستگویی و خوبی چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بهتر از راستگویی راستگوست و بهتر از خوبی کسی است که خوبی می‌کند. [1086].

درهای خوبی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به علی بن عبدالعزیز فرمودند: آیا تو را از ورودیهای خوبی آگاه نکنم؟ روزه سپر است، صدقه گناه را پاک می‌کند و برخاستن در دل شب برای مناجات با خدا. پس این آیه را تلاوت نمودند: (از بسترهای خود پهلو تهی می‌کنند)، (تتجافی جنوبهم عن المضاجع) [1087].
[صفحه 510]

طلب خیر

طلب خیر از خداوند متعال

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند این سخن را فرو فرستاد: از بدبختی بنده‌ی من این است که کارها را انجام دهد و از من درخواست خیر نکند.
و نیز حضرت فرمودند: هر کس بدون طلب خیر از خدا اقدام به کاری کند و پس گرفتار شود، او را اجر و پاداشی نباشد. و نیز فرمودند:
هیچ بنده‌ی مؤمنی از خدای عزوجل طلب خیر نکند، جز آن که به او خیر دهد هر چند پیشامد ناخوشایندی برایش بکند (باز خیر در همان است). [1088].

طلب خیر با دعا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به ابن ابی‌یعفور درباره‌ی طلب خیر از خدا فرمودند:
ابتدا خدا را به بزرگی و عظمت یاد می‌کنی و او را ستایش می‌نمایی و بر پیامبر و خاندانش درود می‌فرستی و پس می‌گویی: (اللهم انی اسئلک بانک عالم الغیب و الشهادة الرحمن الرحیم و انت علام الغیوب، استخیر الله برحمة)، (پروردگارا از تو که دانای غیب و آشکار و رحمان و رحیمی و تو که دانای تمام اسراری تقاضا می‌کنم؛ از خدا به مدد رحمتش طلب خیر می‌کنم.) و نیز حضرت فرمودند:
کسی که با طیب خاطر (و از ته دل) یک بار از خدا طلب خیر کند خداوند حتما به او خیر عنایت خواهد کرد. و نیز حضرت فرمودند:
هیچ بنده‌ی مؤمنی نیست که برای کاری که می‌خواهد انجام دهد یک بار از خدا طلب خیر کند، مگر آن که خداوند او را به بهترین آن دو امر (که در انتخاب آنها تردید دارد) راهنمایی کند. [1089].
[صفحه 511]

طلب خیر با قرآن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به کسی که خدمت ایشان بود عرض کرد:
گاه تصمیم به انجام کاری می‌گیرم و درباره‌ی آن از خدا طلب خیر می‌کنم، اما فکرم به جایی نمی‌رسد. فرمودند:
قرآن را باز کن و به اولین آیه‌ای که چشمت می‌افتد، به خواست خدا عمل کن. [1090].

به قرآن تفائل نزنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به قرآن تفائل کردن (استخاره) عبارت از این است که انسان وقتی در ترجیح یکی از دو کار بر دیگری بماند و نتواند برای عمل یکی را انتخاب کند، از خداوند می‌خواهد که او را در انتخاب یکی از آن دو کار راهنمایی کند و خیر او را در آن قرار دهد، اما تفائل زدن یا فال گرفتن به معنای شناسایی و پیش‌بینی کردن عواقب کارها و پیشامدهای آینده و امثال اینهاست. [1091].

طلب خیر با نماز

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دو رکعت نماز بخوان و از خدا طلب خیر کن؛ زیرا سوگند به خدا که هیچ مسلمانی از خدا طلب خیر نکند، مگر آن که خداوند قطعا برای او خیر و نیکی قرار می‌دهد. [1092].
[صفحه 513]

مدارا کردن

با بندگانم مدارا کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
جبرئیل علیه‌السلام نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت: ای محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پروردگارت تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید: با بندگانم مدارا کن. [1093].

شیوه‌ی برخورد با مؤمنان و کافران

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: درباره‌ی آیه‌ی: (و با مردم سخن نیک گوئید)، (قولوا للناس حسنا) فرمودند: مقصود همه‌ی مردمان اعم از مؤمن و کافر است. اما با مؤمنان باید گشاده‌رو بود و اما با کافران باید به نرمی و مدارا سخن گفت، تا به سوی ایمان کشیده شوند و کمترین ثمره‌اش این است که خود و برادران مؤمنش را از گزند آنان مصون می‌دارد. [1094].

اثر مدارا کردن با دشمنان خدا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مدارا کردن با دشمنان خدا بهترین صدقه‌هایی است که انسان برای خود و برادرانش می‌دهد. [1095].
[صفحه 516]

دعا و خواهش

مگوئید کار گذشته است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای عزوجل را بخوان و مگو کار گذشته است. زراره می‌گوید: مقصود آن حضرت این است که ایمان تو به قضا و قدر نباید مانع از این شود که در دعا کردن پافشاری کنی. [1096].

مراد از دعای کاری چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دعا کاری‌تر از نیزه است. و نیز حضرت فرمودند:
دعا از سلاح نیز کارگرتر است. [1097].

عامل کوتاه شدن مدت بلا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به اصحاب خود فرمودند:
آیا طولانی بودن بلا را از کوتاه بودن آن باز می‌شناسید؟ عرض کردیم: خیر. حضرت فرمودند: هر گاه به یکی از شما در هنگام بلا و گرفتاری، دعا کردن الهام شد بدانید که بلا کوتاه است (و به زودی رفع می‌شود) [1098].

دعا، شفای هر دردی است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بر تو باد به دعا کردن، زیرا که آن شفای هر دردی است. [1099].
[صفحه 517]

عامل رفع بلا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که نگران باشد که بلایی به او برسد و بیش از رسیدن بلا دعا کند، خداوند عزوجل هرگز آن بلا را به او نرساند. [1100].

عامل استجابت دعا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که در دعا کردن پیشدستی کند (همیشه دعا کند نه فقط موقع بلا و گرفتاری) هر گاه بلا بر او نازل شود دعایش اجابت گردد و فرشتگان گویند:
صدایی آشناست و از آسمان (درگاه خداوند) پوشیده نماند. اما کسی که در دعایش پیشدستی نکند، چون بلا به او رسد دعایش مستجاب نشود و فرشتگان گویند: ما این صدا را نمی‌شناسیم. [1101].

عامل نزدیک شدن به خداوند متعال

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بر شما باد به دعا کردن؛ زیرا با هیچ چیز به مانند دعا به خدا نزدیک نمی‌شوید. دعا کردن برای هیچ امر کوچکی را، به خاطر ناچیز بودنش رها نکنید؛ زیرا حاجت‌های کوچک نیز به دست همان کسی است که حاجت‌های بزرگ به دست اوست. [1102].
[صفحه 518]

مراد از رحمت چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه: (رحمتی که خدا بر مردم بگشاید کسی نتواند که بازش دارد)، (ما یفتح الله للناس من رحمة فلا ممسک لها) فرمودند: آن رحمت، دعاست. [1103].

مراد از مخزن حاجت چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دعا مخزن اجابت است، همچنان که ابر مخزن باران است. [1104].

شرط روا شدن هر حاجتی چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بسیار دعا کن؛ زیرا دعا کلید هر رحمتی است و مایه روا شدن هر حاجتی و آنچه نزد خداست جز با دعا به دست نمی‌آید. هیچ دری نیست که بسیار کوبیده شود مگر آن که بزودی به روی کوبنده بازگردد. [1105].

شرایط استجابت دعا

اشاره

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
آداب دعا را رعایت کن. اگر شرایط دعا را به جا نیاوری منتظر اجابت مباش و بدان که اگر خدا ما را به دعا کردن فرمان نداده بود ولی ما خالصانه او را می‌خواندیم باز از روی فضل و کرم اجابت می‌کرد، چه رسد به این که خودش اجابت دعای کسی را که شرایط آن را به جا آورد ضمانت کرده است. [1106].
[صفحه 519]
در این جا مهمترین شرایط استجابت دعا را که از معصومین علیهم‌السلام روایت شده است ذکر می‌شود.

شناخت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به گروهی که از آن حضرت پرسیدند: چرا ما دعا می‌کنیم اما مستجاب نمی‌شود؟ فرمودند:
چون کسی را که می‌خوانید نمی‌شناسیدش. و نیز حضرت درباره‌ی آیه: (پس، دعوت مرا اجابت کنند و به من ایمان آورند)، (فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی) (بقره / 186) فرمودند:
یعنی بدانند که من می‌توانم آنچه را از من می‌خواهند به آنان بدهم. [1107].

عمل کردن به مقتضای شناخت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به این سؤال که: خداوند فرموده است: «مرا بخوانید اجابتتان می‌کنم»، «ادعونی استجب لکم» (غافر / 60) پس چرا دعا می‌کنیم ولی دعایمان اجابت نمی‌شود؟ فرمودند: زیرا شما به عهد و پیمان خدا وفا نمی‌کنید. خداوند می‌فرماید: «به عهد من وفا کنید به عهد شما وفا می‌کنم»، «اوفوا بعهدی اوف بعهدکم» (بقره / 40) به خدا قسم اگر به عهد خدا وفا می‌کردید، خداوند به عهد و پیمان شما وفا می‌کرد. [1108].

و نیز حضرت فرمودند: خداوند به موسی علیه‌السلام وحی فرمود: که ای موسی! مرا با دل پاک و زبان راست بخوان. [1109] و نیز حضرت فرمودند:

[صفحه 520]

هر گاه بنده با نیتی راست و درست و دلی بااخلاص، خدای تبارک و تعالی را بخواند و به عهد خدای عزوجل نیز وفا کند دعایش مستجاب می‌شود.

اما اگر خداوند عزوجل را بدون نیت و اخلاص بخواند، دعایش اجابت نشود. مگر نه این که خداوند متعال می‌فرماید: (به عهد من وفا کنید به عهد شما وفا می‌کنم)، (و اوفوا بعهدی اوف بعهدکم) (بقره / 40) پس کسی که وفا کند وفا می‌بیند. [1110].

پاکی درآمد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که خوشحال می‌شود که دعایش مستجاب گردد کسب و کار خود را پاک گرداند. [1111] حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: هر یک از شما که می‌خواهد دعایش مستجاب شود درآمد خود را پاک کند و حق مردم را بپردازد. دعای هیچ بنده‌ای که مال حرامی در شکمش باشد یا مظلمه‌ی کسی به گردنش باشد، به درگاه خدا بالا نمی‌رود. [1112].

حضور و رقت قلب در هنگام دعا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای عزوجل دعایی را که از دلی غافل و بی‌توجه سرزند اجابت نمی‌کند.
پس هنگام دعا کردن با دلت (به خدا) روی آر و یقین بدان که در این صورت دعایت مستجاب می‌شود. حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند دعایی را که با سنگ‌دلی همراه باشد مستجاب نمی‌کند. [1113].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: هر زمان که بدنت به لرزه درآمد و چشمانت گریان شد و دلت تپیدن گرفت آن لحظه را (برای دعا کردن) غنیمت شمار، که به تو توجه شده است. و نیز حضرت فرمودند:
[صفحه 521]
هر زمان که به یکی از شما رقت قلب دست داد، دعا کند؛ زیرا قلب تا خالص و پاک نشود رقت نمی‌یابد. [1114].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند عزوجل می‌فرماید: سوگند به عزت و جلالم که دعا و نفرین ستمدیده‌ای را در حق ستم کننده‌ی بدو که خود ستم نسبت به دیگری چنان ستمی را روا داشته است اجابت نمی‌کنم. [1115].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه مردی ستم بیند و به ستمگر خود نفرین کند، خداوند عزوجل فرماید: کس دیگری هم هست که می‌گوید به او ستم کرده‌ای و تو را نفرین می‌کند. اگر خواهی نفرین هر دوی شما را مستجاب کنم و اگر خواهی به تأخیر اندازم تا مشمول عفوم شوید. [1116].

آداب دعا کردن

تمجید خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در کتاب امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمده است که بیش از درخواست چیزی از خدا باید او را ستود. پس، هر گاه خدای عزوجل را خواندی (ابتدا) او را تمجید کن. (راوی می‌گوید:) عرض کردم: چگونه تمجیدش کنم؟ حضرت فرمودند: می‌گویی: ای کسی که از رگ گردن به من نزدیک‌تر است، ای کسی که میان انسان و دلش حائل می‌شود، ای کسی که در بالاترین چشم‌انداز است، ای کسی که مانند ندارد. [1117].
[صفحه 522]

صلوات فرستادن بر محمد و خاندانش

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دعا پیوسته در حجاب است تا آنگاه که بر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و بر خاندان محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) صلوات فرستاده شود. و نیز حضرت فرمودند:
هر که خواهد از خداوند عزوجل حاجتی طلب کند، به صلوات فرستادن بر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آل او آغاز نماید، سپس حاجتش را بخواهد و در پایان نیز بر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) صلوات فرستد؛ زیرا خدای عزوجل کریمتر از آن است که آغاز و انجام دعا را بپذیرد و وسط را واگذارد؛ چرا که صلوات بر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از خداوند پوشیده نمی‌ماند. [1118].

شفیع قرار دادن صالحان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همانا خداوند را فرستادگانی آشکار و فرستادگانی پنهان است. پس هر گاه به حق فرستادگان آشکار خدا از او چیزی خواستی به حق فرستادگان پنهانش نیز بخوان. [1119].

اعتراف به گناه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
(در دعا) ابتدا باید خدا را ستود، سپس به گناه اعتراف نمود و آنگاه حاجت را خواست. [1120].

به جا آوردن دو رکعت نماز

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مردی وارد مسجد شد و دو رکعت نماز خواند و سپس از خدای عزوجل درخواست کرد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: این بنده از پرودگارش زود خواهش کرد.
[صفحه 523]
مرد دیگری آمد و دو رکعت نماز خواند و سپس خدای عزوجل را ثنا گفت و بر پیامبر و خاندانش درود فرستاد. در این هنگام رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) (به او) فرمودند: بخواه که به تو داده می‌شود. و نیز حضرت فرمودند:
هر که درست وضو بگیرد و دو رکعت نماز بگزارد و رکوع و سجود آنها را به طور کامل به جا آورد، سپس سلام گوید و خدای عزوجل و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را مدح کند و آنگاه حاجتش را بخواهد هر آینه به جا خواهش کرده و هر که به جا طلب خیر و خوبی کند نومید نگردد. [1121].

بلند همتی در خواهش

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مردی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و سلام کرد و مسلمان شد و سپس عرض کرد: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا می‌شناسی؟ حضرت فرمودند: تو کیستی؟ عرض کرد: من صاحب همان منزلی هستم در طائف که شما در فلان روز از دوره‌ی جاهلیت بر من وارد شدید و من گرامیتان داشتم.
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: خوش آمدی، حالا چه می‌خواهی؟ آن مرد عرض کرد: دویست گوسفند با چوپانان آنها. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور فرمودند به او بدهند، آنگه به اصحابش فرمودند: این مرد همت آن را نداشت تا چیزی را از من بخواهد که آن پیرزن بنی‌اسرائیل از موسی علیه‌السلام خواست. [1122] [1123].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به این سؤال که خواهش پیرزن از موسی علیه‌السلام چه بود؟ فرمودند: آن پیرزن گفت: این کار را نمی‌کنم مگر آن که چند
[صفحه 524]
کار برایم بکنی: پایم را چابک گردانی، بینایی مرا به من بازگردانی، جوانیم را به من بازگردانی و مرا با خودت در بهشت جای دهی. [1124].

دعا کردن برای همه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس پیش از دعا کردن برای خودش، چهل مؤمن را دعا کند دعایش مستجاب می‌شود. [1125].

دعای پنهانی

حضرت فرمودند:
عظمت و ثواب دعا و تسبیحی را که بنده در خلوت خویش کند جز خدای تبارک و تعالی کس نداند. [1126].

دعای گروهی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ گاه چهار نفر فراهم نیامدند و برای مطلبی به درگاه خدا دعا نکردند، مگر این که با اجابت آن دعا از هم پراکنده شدند. [1127].
و نیز حضرت فرمودند: هر گاه امر دشوار و ناگواری برای پدرم پیش می‌آمد زنان و کودکان را گرد می‌آورد. و سپس دعا می‌کرد و آنها آمین می‌گفتند. [1128].
«میان این گونه خبرها و خبرهای فقره‌ی پیشین مبنی بر فضیلت دعای پنهانی می‌توان این گونه سازش داد که احادیث قبلی را حمل بر مواردی کرد که در جمع شدن برای دعا تأثیر اجتماعی وجود ندارد یا مواردی که شرع تنهایی و خلوت در آنها را مطلوب دانسته است مانند نماز شب، اما احادیث دسته‌ی دوم مربوط به
[صفحه 525]
جاهایی می‌شود که جمع شدن اثر اجتماعی دارد یا اختصاص به موارد خاصی دارد که در احادیث ذکر شده‌اند.» [1129].

خوش‌بین بودن به اجابت دعا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه دعا کنی با دل (به خدا) روی آر و چنین پندار که حاجت و خواسته‌ی تو بر در خانه است.
و نیز حضرت فرمودند: چون دعا کنی چنین خیال کن که حاجتت بر در خانه است. [1130].

انتخاب زمان مناسب

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در سه زمان دعا از خداوند پوشیده نمی‌ماند: بعد از ادای فریضه، به هنگام بارش باران و هنگام پدیدار شدن نشانه‌ای از اعجاز خدا در زمین. [1131].
و نیز حضرت فرمودند: هر کس برای خدا از بیماری عیادت کند، هر دعایی که آن بیمار برای او بکند خداوند اجابت می‌فرماید. [1132].

اموری که باید دعا کننده ترک کند

دعا برای چیزهای ناشدنی و ناروا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال از آیه: (آن چیزهایی را که خداوند بدان‌ها بعضی از شما را بر بعض دیگر برتری داده است آرزو مکنید)، (و لا تتمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض) فرمودند:
[صفحه 526]
نباید انسان آرزوی زن و دختر کسی را بکند بلکه باید مانند آنها را آرزو کند (که خدا به او بدهد). [1133].

شتاب داشتن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه بنده دعا کند خدای تبارک و تعالی پیوسته در فکر حاجت اوست به شرط آن که بنده شتاب به خرج ندهد. [1134] و نیز حضرت فرمودند:
هر گاه بنده شتاب کند و از حاجت‌خواهی خود (از خدا) دست بکشد خدای تعالی فرماید: بنده‌ام عجله کرد. گویی می‌پندارد که نیازهای او را کسی جز من برآورده می‌کند. [1135] و نیز حضرت فرمودند:
مؤمن پیوسته در خیر و رفاه و رحمت خداست مادام که عجله نشان ندهد و نومیدانه دست از دعا نکشد. (راوی گوید:) عرض کردم: چگونه عجله نشان می‌دهد؟ حضرت فرمودند: می‌گوید: مدتهاست دعا می‌کنم و اجابت نمی‌بینم. [1136].

صلاح کار خود را به خدا نیاموزد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که به خدا چیزی را که نمی‌داند یاد دهد عرش او به لرزه درآید.
[1137].

کسی که حاجتش بی‌درخواست برآورده می‌شود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه بنده را به درگاه خدای عزوجل حاجتی باشد و بیش از طلب حاجت خود زبان به ستایش (خدا) و درود فرستادن بر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و خاندان محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)
[صفحه 527]
بگشاید چندان که یادش برود حاجتی نیز داشته است خداوند حاجت او را، بیش از آن که بخواهد، برآورد. [1138] و نیز حضرت فرمودند:
یک بار خدای را خواندم و او پاسخم داد و من حاجت خود را از یاد بردم؛ زیرا پاسخ‌دهی خدا و روی آوردن او به بنده‌اش در هنگام دعا بسی بزرگتر و ارزشمندتر است از آن‌چه که بنده از او می‌خواهد، حتی اگر خواسته‌اش بهشت و نعمت‌های جاویدان آن باشد. [1139].

آنکه دعایش مستجاب می‌شود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه یکی از شما خواهد که هر چه از خداوند طلب کند به او بدهد باید از همه مردم چشم امید برکند و جز به خدا امید نبندد، پس، چون خدای عزوجل دانست که او براستی چنین است هر چه از خدا بخواهد عطایش کند. [1140].

دلهای خود را وارسی کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دل‌های خود را وارسی کنید. اگر دیدید که خداوند آنها را از خطور هر گونه ناخشنودی نسبت به کارهایی که او می‌کند پاک ساخته است. (جز رضایت و خشنودی از خدا و کرده‌های او در دلتان نمی‌یابید) در این صورت هر چه می‌خواهید از او طلب کنید. [1141].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه دعاست که از خدای تعالی پوشیده نمی‌ماند (و مستجاب می‌شود).
دعای پدر در حق فرزندش هر گاه نسبت به او نیکوکار و فرمانبردار باشد،
نفرین پدر در
[صفحه 528]
حق او هر گاه وی را بیازارد و نافرمانی کند، نفرین ستمدیده در حق ستمگر، دعای ستمدیده در حق کسی که انتقام او را از ستمگر گرفته باشد، دعای مرد مؤمن در حق برادر مؤمن خود که به خاطر ما او را کمک مالی کرده باشد و نفرین او در حق کسی که برادرش به وی محتاج شده و او می‌توانسته است نیازش را برطرف سازد و نکرده است. [1142].

نفرین مسلمان ستمدیده اجابت می‌شود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مبادا ستمگری را در ستم کردن به مسلمانی ستمدیده یاری رسانید، زیرا اگر شما را نفرین کند نفرینش مستجاب می‌شود. پدرمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: همانا نفرین مسلمان ستمدیده اجابت می‌شود. [1143].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دعای چهار کس مستجاب نمی‌شود: مردی که در خانه‌اش بنشیند و بگوید: خدایا! روزی مرا برسان. پس خداوند به او می‌فرماید: مگر به تو دستور نداده‌ام که در طلب کسب روزی برآیی؟ و مردی که زنش را نفرین کند، پس خداوند می‌فرماید: مگر کار او را به تو واگذار نکرده‌ام؟ مردی که مال و ثروتی داشته باشد و آن را هدر دهد و بگوید: خدایا! مرا روزی ده؛ و مردی که مال خود را بدون مدرک و گواه به کسی وام دهد؛ پس خداوند به او بگوید: مگر به تو دستور ندادم که (هنگام وام دادن) گواه و مدرک بگیری؟ [1144].
[صفحه 529]

شرط استجابت دعا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
موسی بن عمران بر یکی از یاران خود که در حال سجده بود گذشت و کارش را که انجام داد و برگشت دید او همچنان در حال سجده است. موسی علیه‌السلام به او گفت: اگر حاجتت به دست من برآورده می‌شد آن را روا می‌کردم و می‌ساختم. خدای عزوجل به موسی علیه‌السلام وحی فرمود: که ای موسی! اگر چندان سجده کند که گردنش بشکند خواهشش را نپذیرم مگر آن که از آنچه من ناخوش دارم دست کشیده به آنچه دوست دارم روی آورد (کارهای زشت را رها کرده کارهای خداپسند انجام دهد) [1145].

جزای عذرتراشی برای ستم ستمکار

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که برای ستم ستمکاری عذر بتراشد (و ستمگریهای او را توجیه کند) خداوند کسی را بر او مسلط گرداند که به وی ستم کند در این صورت چنان چه (برای رفع ستم او از خود) دعا کند مستجاب نشود و خداوند در برابر ستمدیدگی‌اش به او اجر و پاداش ندهد. [1146].

علت تأخیر در استجابت دعا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر آینه بنده دعا می‌کند و خداوند عزوجل به دو فرشته (موکل بر انسان یا دو فرشته‌ی دیگر مأمور این کار) می‌فرماید: من دعای او را مستجاب کردم اما حاجتش را نگهدارید؛ زیرا دوست دارم صدای او را بشنوم. و همانا بنده ای دعا می‌کند و خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: زود خواسته‌اش را برآورید که من خوش ندارم صدای او را بشنوم. [1147].
[صفحه 530]

استجابت دعای موسی مبنی بر هلاکت فرعون چهل سال به طول انجامید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از زمانی که خدای عزوجل (در پاسخ خواهی موسی و هارون برای هلاکت فرعون) فرمود: (هر آینه دعای شما اجابت شد)، (قد اجیبت دعوتکما) تا زمانی که فرعون نابود شد چهل سال طول کشید. [1148].

بیست سال مدت تأخیر در استجابت دعا

اسحاق بن عمار (می‌گوید:) به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: آیا می‌شود دعای کسی مستجاب شود و برآورده شدن آن به تأخیر افتد؟ حضرت فرمودند: آری، بیست سال (ممکن است به تأخیر افتد) [1149].

علل مستجاب نشدن دعا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: همانا برخی از بندگانم از من (توفیق انجام) طاعتی را می‌طلبد تا بدان سبب او را دوست بدارم اما من از او دریغ می‌کنم تا مبادا بر اثر عمل خود دچار عجب و خودپسندی شود. [1150].

چهار عامل استجابت دعا

مردی خدمت أمیرالمؤمنین علیه‌السلام آمد و عرض کرد: من خدا را می‌خوانم ولی اجابتی نمی‌بینم؟ حضرت فرمودند: چون تو خدا را با صفاتی جز صفات او وصف می‌کنی (و می‌خوانی) همانا دعا چهار خصلت باشد: [صفحه 531]
اخلاص باطنی، حضور نیت (و قلب) شناخت وسیله و انصاف داشتن در خواسته. آیا تو با آگاهی از این چهار نکته دعا می‌کنی؟ عرض کرد: خیر. حضرت فرمودند: پس، آنها را بشناس (و با توجه به این چهار نکته دعا کن) [1151].

از دعای ناآگاهانه برحذر باشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
راههای نجات و نابودی خودت را بشناس تا مبادا از خدا چیزی را به گمان این که نجات تو در آن است بخواهی، حال آن که سبب نابودی تو می‌شود.
خدای عزوجل فرموده است: (انسان به دعا شری را می‌طلبد)، (و یدع الانسان بالشر دعاءه بالخیر) (اسراء / 11) [1152].

عامل اندوخته شدن ثواب دعای مؤمن در آخرت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند به حساب مؤمن رسیدگی می‌کند و به او می‌فرماید: این حساب را می‌شناسی؟ عرض می‌کند: نه، ای پروردگار. خداوند می‌فرماید: در فلان و بهمان شب چنین و چنان دعایی (و خواهشی) کردی و من آن را برای تو اندوختم. حضرت فرمودند: آن مؤمن چون عظمت ثواب و پاداش خدای را می‌بیند عرض
[صفحه 532]
می‌کند: پروردگارا، کاش هیچ دعا و خواهش مرا در دنیا برآورده نمی‌کردی و آنها را برای (آخرت) من می‌اندوختی. [1153].

درخواست مؤمن در روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن پاداش نیک (و چشمگیر) آخرت را که می‌بیند آرزو می‌کند کاش هیچ دعایی از او در دنیا مستجاب نمی‌شد. [1154].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حضرت فاطمه (سلام الله علیها) هر گاه دعا می‌کرد برای مردان و زنان مؤمن دعا می‌کرد و برای خودش دعا نمی‌کرد. در این باره از آن حضرت سؤال شد: فرمودند: اول همسایه بعد خانه. [1155].

عامل وسعت رزق و رفع بلا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دعای مسلمان برای برادرش در غیاب او، به دعا کننده روزی می‌رساند و بلا را از او دور می‌گرداند و فرشته به او می‌گوید: تو را نیز دو چندان آن دعا باد. [1156].

اثر دعای مؤمن در حق مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دعای مؤمن در حق مؤمن بلا را از او دور می‌کند و روزیش را زیاد می‌گرداند. [1157].
[صفحه 534]

دنیا

عامل دست‌یابی به خشنودی خداوند متعال

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در زیارت وداع با امام حسین علیه‌السلام فرمودند:
خدایا! نه چندان دنیا را بر من زیاد گردان که با سرگرم شدن به زیبایی‌های شگفت‌آور و فریفته شدن به درخشندگی زیورهای آن از یاد تو بازمانم و نه چندان در تنگنایم قرار ده که رنج آن به کار من (برای آخرت) لطمه زند و هم و غم آن سینه‌ام را بیاکند. از دنیا آن اندازه به من ده که از بندگان بدت بی‌نیاز مانم و به سبب آن به خشنودی تو دست یابم. [1158].

از دنیا به قدر کفاف برگیرید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
لقمان به فرزندش گفت: از دنیا به قدر کفاف برگیر و آن را رها مکن چندان که نانخور مردم شوی و در آن چندان فرو مرو که به آخرتت زیان رساند. [1159].

عامل بازخواست نشدن انسان در روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر می‌توانی از دنیا به چیزی دست نیابی که فردا (ی قیامت) از آن بازخواست شوی، این کار را بکن. [1160].

دنیا در نظر امام صادق

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دنیا در نظر من چونان مردار است که هر گاه ناچار شوم از آن بهره می‌گیرم. [1161].
[صفحه 535]

منشاء گناهان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
منشاء هر گناهی دنیادوستی است. [1162].

عوامل معصیت شدن خداوند متعال

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چیزهایی که موجب نافرمانی و معصیت خدا شد شش چیز بود:
دنیادوستی، ریاست‌طلبی، شکم‌پرستی، زن‌دوستی، پرخوابی و راحت‌طلبی است. [1163].

اثرات دل بستن به دنیا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که به دنیا دل بندد به سه چیز دل بسته است: اندوه بی‌پایان و آرزوی دست نیافتنی و امید نارسیدنی. [1164].

عامل افسوس خوردن انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که بیشتر به دنیا بچسبد هنگام جدایی از آن بیشتر افسوس می‌خورد.
[1165].

دل خوش کردن به دنیا چرا؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر دنیا فناپذیر است پس دل خوش کردن به آن چرا؟ [1166].
[صفحه 536]

بیش از دوسوم مردم چگونه‌اند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به اسحاق بن غالب فرمودند:
ای اسحاق! فکر می‌کنی مصداق این آیه چند نفرند؟ (اگر از دنیا چیزی به آنها داده شود خوشنود و خوشحال می‌شوند و اگر چیزی داده نشود در خشم می‌آیند)، (ان اعطوا منها رضوا و ان لم یعطوا منها اذا هم یسخطون؟) پس حضرت به من فرمودند: بیش از دوسوم مردم چنین‌اند. [1167].

مراد از زندان، گور و بهشت مؤمن و کافر چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دنیا زندان مؤمن است و گور دژ او و بهشت جایگاهش و دنیا بهشت کافر است و گور، زندان او و آتش جایگاهش. [1168].

دعای امام صادق درباره‌ی دنیا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در دعای خود فرمودند:
(پروردگارا) دنیا را بر من زندان مکن و جدایی از آن را مایه‌ی اندوه من مگردان. [1169].

عامل فقر انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که شب و روز بزرگترین هم و غمش دنیا باشد، خدای تعالی فقر را در برابر دو چشم او قرار دهد و کارش را پریشان سازد و از دنیا جز به آنچه قسمتش کرده است نرسد و کسی که شب و روز بزرگترین هم و غمش آخرت باشد خداوند دلش را بی‌نیاز گرداند و کارش را سامان دهد. [1170].
[صفحه 537]

دنیا در نزد خداوند متعال چگونه است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به لاشه‌ی بزغاله گوش بریده‌ای که در یک زباله‌دانی افتاده بود گذشتند؛ پس به اصحابش فرمودند: این چند می‌ارزد؟ عرض کردند: اگر زنده بود شاید به درهمی هم نمی‌ارزید. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: سوگند به آن که جانم در دست اوست، هر آینه دنیا در نزد خداوند بی‌ارزش‌تر از این بزغاله در نزد صاحب آن است. [1171].

عامل سکونت در فردوس؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به پسر جندب فرمودند:
ای پسر جندب! اگر دوست داری که همسایه‌ی خانه خدای جلیل شوی و در فردوس در جوار او سکنی گزینی، باید دنیا در نظرت خوار باشد. [1172].

عامل بدگمان شدن به دین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه کار دنیایت آباد شد به دینت بدگمان باش. [1173].

عامل کم شدن بهره‌ی آخرت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ما دنیا را دوست داریم (اما) اگر دنیا به ما داده نشود بهتر است از آن که داده شود. چیزی از دنیا به فرزند آدم داده نشد مگر آن که از بهره‌ی آخرت او کم گشت. [1174].
[صفحه 538]

دنیا از منظر ابوذر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ابوذر (ره) در سخنرانی خود می‌گفت: ای طالب عالم! مبادا زن و فرزند و دارایی تو را از خودت بازدارد. روزی که از آنها جدا شوی همچون میهمانی باشی که شب را با آنان به سر برده و صبح آنان را ترک کرده، نزد دیگران بروید. [1175].

دنیا خوبی‌های خودش را از تو می‌گیرد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه دنیا به کسی رو کند، خوبی‌های دیگران را نیز به او دهد و هر گاه از او روی گرداند خوبی‌های خودش را نیز از وی می‌گیرد. [1176].
[صفحه 540]

دین

انسان در سه چیز خود را برحق می‌داند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز است که هر انسانی خود را در آنها برحق می‌داند: دینی که بدان عقیده دارد، هوی و خواهشی که بر او چیره است و تدبیر او در کارهایش. [1177].

مراد از توحید و عدل چیست؟

مردی به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد:
اساس دین توحید و عدل است و دامنه دانش آن گسترده است و خردمندی باید که آن را درک کند. پس (توحید و عدل را) به گونه‌ای برایم بیان دارید که فهم آن آسان و حفظش راحت باشد. حضرت فرمودند:
توحید آن است که آنچه را درباره‌ی خودت جایز و رواست نسبت به پروردگارت روا ندانی و عدل آن است که آنچه را آفریدگارت تو را بدان سبب نکوهیده است به او نسبت ندهی. [1178].

ثمره‌ی دین چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
آدم دیندار می‌اندیشد و در نتیجه آرامش بر جان او چیره می‌شود و خضوع می‌کند سپس به فروتنی می‌گراید، قناعت می‌ورزد و به سبب آن (از مردم) بی‌نیاز می‌شود و به آنچه به او داده شده خشنود است، گوشه تنهایی را برمی‌گزیند و از دوستان بی‌نیاز می‌گردد، قید شهوت‌ها و خواهش‌های نفس را می‌زند و بدین سان آزاد می‌شود، دنیا را کنار می‌گذارد و در نتیجه از بدی‌ها و گزندهای آن خود را حفظ می‌کند، حسادت را دور می‌اندازد پس دوستی و محبت آشکار می‌شود، مردم را نمی‌ترساند از این رو از آنان نمی‌ترسد، به آنان تصدی نمی‌کند بنابراین از گزند ایشان در امان است، به هیچ چیز دل نمی‌بندد و در نتیجه، به رستگاری و کمال و
[صفحه 541]
فضیلت دست می‌یابد، عافیت را به دیده‌ی بصیرت می‌بیند و از این رو کارش به پشیمانی نمی‌کشد. [1179].

آفات دین چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
آفت دین، حسادت است و خودپسندی و فخرفروشی. [1180].

دعای امام صادق هنگام مصیبت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در هنگام مصیبت می‌فرمودند:
خدا را سپاس و ستایش که این مصیبت مرا در دینم قرار نداد. [1181].

چه کسی دین ندارد؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که خود را به ولایت (و حاکمیت) پیشوای ستمگر غیر خدایی ملتزم کند، دین ندارد. [1182] و نیز حضرت فرمودند:
کسی که پایبند عهد و پیمان نیست، دین ندارد. [1183].
و نیز حضرت فرمودند: هر که به خاطر دین حب و بغض نداشته باشد، دین ندارد. [1184].

عامل خوار شدن انسان در روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 542]
مبادا فرمان خدای عزوجل را خوار شمارید که هر کس فرمان خدا را خوار شمارد خداوند در روز رستاخیز او را خوار گرداند. [1185].

دشمنان اهل‌بیت در دوزخ چه می‌گویند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به ابی‌بصیر فرمودند:
ای ابامحمد! خداوند از شما یاد کرده آن جا که از زبان دشمنان دوزخی شما می‌گوید: «و گویند: چرا مردانی را که از اشرار می‌شمردیم اکنون نمی‌بینیم؟»، «و قالوا ما لنا لا نری رجالا کنا نعدهم من الاشرار» (ص / 62 و 63)
به خدا سوگند منظور از این آیه کسی جز شما نیست و شما در نظر مردم این جهان بدترین مردم هستید در حالی که به خدا قسم در بهشت شادمان خواهید بود و آنان در دوزخ جستجویتان می‌کنند. [1186].

عامل آباد شدن بنیان نادانی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در سفارش به عبدالله بن جندب فرمودند:
ای پسر جندب! دیری است که (بنیان) نادانی آباد شده و بنیادش نیرومند گشته است و این از آن روست که دین خدا را به بازی گرفتند چندان که اگر کسی از آنان با عمل خود به خدا تقرب بجوید منظور (واقعیش) غیر اوست؛ اینان همان ستمگرانند. [1187].

ابوبصیر به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد:
فدایت شوم، مرا آگاه ساز از آن دینی که خداوند عزوجل بر بندگانش واجب کرده است و وظیفه دارند آن را بشناسند و جز آن دین دیگری از ایشان پذیرفته نیست. حضرت فرمودند: گواهی دادن به یگانگی خداوند و پیامبر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و
[صفحه 543]
گزاردن نماز و پرداخت زکات و حج خانه‌ی خدا برای افراد مستطیع و روزه‌ی ماه رمضان. در این جا امام اندکی سکوت کرد و سپس دوبار فرمود: و ولایت. [1188].

عبدالعظیم حسنی فرمود:
خدمت سرورم علی بن محمد علیهم السلام رسیدم؛ چشمش که به من افتاد فرمودند: خوش آمدی ای ابوالقاسم، تو براستی دوستدار ما هستی. عرض کردم: یابن رسول الله! می‌خواهم دین خود را بر شما عرضه کنم که اگر درست و پسندیده بود تا زنده هستم بر آن پایداری ورزم. حضرت فرمودند: بگو ای ابوالقاسم. عرض کردم: من معتقدم که خدای تبارک و تعالی یکی است... و معتقدم که فریضه‌های واجب، بعد از ولایت، عبارتند از: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر. پس، حضرت علی بن محمد علیهم السلام فرمودند: ای ابوالقاسم! به خدا سوگند این همان دینی است که خداوند برای بندگانش برگزیده و پسندیده است. بر آن پایدار بمان. خداوند در دنیا و آخرت تو را بر عقیده‌ی حق و ثابت استوار بدارد. [1189].

برای استواری دینتان دعای غریق را بخوانید

ابراهیم مخارقی می‌گوید:
برای ابوعبدالله جعفر بن محمد علیهم السلام دین خود را توصیف کرده، گفتم: گواهی می‌دهم که خدایی جز الله نیست. یگانه است و بی انباز و (گواهی می‌دهم که) محمد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی علیه‌السلام امام عادل پس از اوست، و سپس حسن و حسین و بعد علی بن الحسین و سپس محمد بن علی و آنگاه شما. حضرت فرمودند: خدایت رحمت کناد، آن گاه فرمودند: از خدا بترسید، از خدا بترسید، از [صفحه 544]
خدا بترسید، بر شما باد به (در پیش گرفتن) پارسایی و راستگویی و امانت پردازی، و پاک نگهداشتن شکم و فرج تا در رفیق اعلی با ما باشید. [1190].

مراد از دین چیست؟

عمرو بن حریث می‌گوید:
به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: قربانت گردم، آیا اجازه می‌دهی دین خود را که به وسیله‌ی آن خدا را می‌پرستم برایتان بازگویم؟ حضرت فرمودند: بگو. عرض کردم: من خدا را این گونه پرستش می‌کنم که گواهی می‌دهم معبودی جز خدا نیست و محمد بنده و فرستاده‌ی اوست و قیامت بدون شک آمدنی است و خداوند مردگان را از گورهایشان برمی‌انگیزد [و گواهی می‌دهم که] برپا داشتن نماز، پرداخت زکات، روزه‌ی ماه رمضان و زیارت خانه‌ی خدا برای کسی که استطاعت داشته باشد واجب است. بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ولایت (و امامت) از آن علی بن ابی‌طالب علیهم السلام است و سپس از حسن و حسین و علی بن حسین و بعد از او از آن محمد بن علی علیهم السلام است و شما امامان من هستید، بر این عقیده زندگی می‌کنم و بر این می‌میرم و بر این آیین، خدا را می‌پرستم. حضرت فرمود: ای عمرو! به خدا سوگند، که این همان دین من و دین پدران من است که با آن خدا را، در نهان و آشکار، پرستش می‌کنیم و بدان پایبندیم. [1191].
[صفحه 546]

ذکر و یاد خداوند

گرامی‌ترین انسان در نزد خداوند متعال کیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به این سؤال که: گرامی‌ترین انسان نزد خدا کیست؟
حضرت فرمودند: کسی که بیش از همه به یاد خدا باشد و به فرمان او عمل کند. [1192].

اندازه‌ای برای ذکر خدا قائل نباشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر چیزی حدی دارد که در آن جا به پایان می‌رسد مگر یاد خدا که آن را حدی پایان پذیر نیست. خداوند عزوجل فرایض را واجب کرد و هر که آنها را به جا آورد همان حد آنهاست. مگر ذکر خدای عزوجل به اندک آن رضایت نداده و حدی که در آن جا پایان پذیرد برایش قرار نداده است. پس این آیه را تلاوت نمودند: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را بسیار یاد کنید)، (یا ایها الذین امنوا ذکروا الله ذکرا کثیرا) (احزاب / 41 و 42)
و نیز حضرت فرمودند: تا آنجا که می‌توانید در تمام لحظات و ساعات شب و روز خدا را بسیار یاد کنید؛ زیرا که خداوند به بسیار یاد کردن خود فرمان داده است. [1193].

مراد از ذکر کثیر چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چنانچه بنده در روز صد بار پروردگارش را یاد کند این ذکر کثیر است.
[1194].

مراد از تسبیح حضرت فاطمه زهرا چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 547]
تسبیح حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها از جمله همان ذکر کثیر است که خدای عزوجل فرموده است: (و خدا را بسیار یاد کنید)، (اذکروا الله ذکرا کثیرا) (احزاب / 41)

کمترین حد ذکر کثیر چیست؟

عبدالله بن بکیر (می‌گوید): از امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (خدا را بسیار یاد کنید) پرسیدم: کمترین حد ذکر کثیر چیست؟ حضرت فرمودند: سی و سه بار تسبیح گفتن در تعقیب هر نماز. [1195].

در همه حال خدا را یاد کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
موسی علیه‌السلام عرض کرد: پروردگارا (گاه) من در حالی هستم که شأن تو را بالاتر از آن می‌دانم که یادت کنم. خداوند فرمود: ای موسی! مرا در همه حال یاد کن. [1196].

بهترین و لازم‌ترین سفارش

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بهترین و لازم‌ترین سفارش‌ها این است که پرودگارت را فراموش نکنی و پیوسته به یادش باشی و نافرمانیش نکنی و نشسته و ایستاده عبادتش کنی. [1197].

چه کسی به جای فراریان می‌جنگد؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 548]
کسی که در میان غافلان به یاد خدا باشد مانند کسی است که به جای فراریان می‌جنگد. [1198].

اثر ذکر مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
صاعقه به مؤمن و کافر اصابت می‌کند، اما به آن که ذکر خدا می‌گوید اصابت نمی‌کند. [1199] و نیز حضرت فرمودند:
صاعقه به یاد کننده‌ی خدای عزوجل گزند نمی‌رساند. [1200].
و نیز حضرت فرمودند: مؤمن به هر مرگی می‌میرد، غرق می‌شود، زیر آوار می‌رود، طعمه‌ی درندگان می‌گردد، صاعقه‌زده می‌شود. اما صاعقه به یاد کننده‌ی خدا آسیب نمی‌رساند. [1201].

به جباران بگو مرا یاد نکنند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تبارک و تعالی به داود علیه‌السلام وحی فرمود که: به جباران بگو مرا یاد نکنند؛ زیرا هر بنده‌ای که مرا یاد کند او را یاد کنم. پس اگر آنان مرا یاد کنند من نیز با نفرین آنان را یاد می‌کنم. [1202].

به یاد من باشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تعالی فرمود: ای پسر آدم! در درون خود به یاد من باش تا من نیز در جانم به یاد تو باشم؛ ای پسر آدم! در خلوت به یاد من باش تا در خلوت به یاد تو باشم؛ ای پسر آدم! در میان جمع مرا یاد کن تا تو را در میان جمعی بهتر از تو یادت کنم. [1203].
[صفحه 549]

شیعیان اهل‌بیت چه کسانی هستند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شیعیان ما کسانی هستند که در خلوت و تنهایی خدا را فراوان یاد می‌کنند.
[1204].

نشانه‌ی گمراهی و رهیافتگی چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که به راستی به یاد خدا باشد فرمانبرداری کند و هر که از خدا غافل باشد نافرمانی کند، طاعت نشانه‌ی رهیافتگی و معصیت نشانه‌ی گمراهی و ریشه هر دو یاد خدا و غفلت است. [1205].

سخت‌ترین چیزی که خداوند واجب نموده است چیست؟

امام صادق علیه‌السلام به حسین بزاز فرمودند:
آیا تو را از سخت‌ترین چیزی که خداوند بر بندگان خود واجب کرده است آگاه نکنم؟ با برادرت همدردی کن و یاد کردن خدا در همه حال.
منظور من از یاد خدا گفتن «سبحان الله والحمدالله ولا اله الا الله و الله اکبر» نیست. گو این که این هم ذکر است. اما مقصود به یاد خدا بودن در هنگام روبه‌رو شدن با طاعت یا معصیت خداست. [1206].
[صفحه 550]

مراد از یاد خدا بزرگتر است چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه: (و یاد خدا بزرگتر است)، (و لذکر الله اکبر) فرمودند:
به یاد خدا بودن در هنگام روبه‌رو شدن با حلال و حرام خداوند متعال. [1207].

ذکر بر دو گونه است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ذکر بر دو گونه است: ذکر خالص که با دل سازگار و هموار است و ذکر بازدارنده که یاد هر کس جز او را از دل می‌زداید. [1208].

عامل به یاد خدا بودن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر به یاد خدا هستی این را به آن سبب بدان که او به یاد توست، او تو را یاد می‌کند در حالی که بی‌نیاز از توست. پس یاد او از تو ارزشمندتر و خواستنی‌تر و کاملتر و زودتر است تا یاد تو از او بنابراین هر که می‌خواهد خدای تعالی را یاد کند باید بداند که اگر خداوند توفیق یاد خود را به یاد بنده نیاورد بنده قادر به ذکر و یاد او نیست. [1209].

مراد از اهل ذکر چه کسانی هستند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (پس، از اهل ذکر بپرسید)، (فاسألوا اهل الذکر) (نحل / 43) فرمودند:
ذکر قرآن است و اهل ذکر خاندان محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) هستند. [1210].
[صفحه 551]

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ذکر زبان حمد و ثنا است، ذکر نفس، سخت‌کوشی و تحمل رنج و ذکر روح بیم و امید و ذکر دل صدق و صفا و ذکر عقل تعظیم و شرم و ذکر معرفت تسلیم و رضا و ذکر باطن و درون مشاهده و لقا است. [1211].
[صفحه 553]

ذلت و خواری

خود را خوار نکنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تبارک و تعالی اختیار هر کاری را به مؤمن داده است، مگر اختیار خوار کردن خویشتن را. [1212].

مؤمن خود را چگونه خوار می‌کند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن را نشاید که خویشتن را خوار سازد. عرض شد: چگونه خود را خوار می‌سازد؟ حضرت فرمودند: دست به کاری می‌زند که توانش را ندارد و بدین سان خود را خوار و سرافکنده می‌کند و موجب عذرخواهی شود. [1213].

عامل خواری بزرگ چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
آدمی از خواری کوچک بی‌تابی می‌کند و همین او را به خواری بزرگ می‌کشاند. [1214].

عامل دروغ گفتن و خواری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
واگذاشتن حقوق، خواری می‌آورد و انسان در این باره مجبور به دروغ گفتن می‌شود. [1215].
[صفحه 554]

چه کسی خوار است

مردی به امام صادق علیه‌السلام عرض کرد:
میان من و عده‌ای بر سر چیزی اختلاف پیش آمده است و می‌خواهم از آن چیز دست بردارم اما به من گفته می‌شود: دست کشیدن از آن مایه‌ی خواری است. حضرت فرمودند: آنکه خوار است ستمگر است (نه تو) [1216].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مردی از همسایه خود به آن حضرت شکایت کرد، حضرت فرمودند: تحملش کن. عرض کرد: مردم مرا به زبونی متهم می‌کنند. حضرت فرمودند: زبون کسی است که ظلم می‌کند. [1217].
[صفحه 557]

گناہ

دو کلمه موعظه از امام حسین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مردی به حسین علیه‌السلام نوشت: مرا دو کلمه موعظه کن. آن حضرت به او نوشتند: هر که با نافرمانی خدا کاری را بجوید، مطلوب خود را بیشتر از دست می‌دهد و به آمدن آنچه از آن دوری می‌کرده است بیشتر شتاب می‌بخشد. [1218].

کسانی که امید نجات در آنها نیست

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
من برای کسانی از این امت که حق ما را بشناسند امید نجات دارم مگر سه کس: قدرتمند ستمگر، هواپرست و کسی که آشکارا فسق کند. [1219].

مراد از کثیف‌ترین گناهان چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کثیف‌ترین گناهان سه گناه است: کشتن حیوان بی‌زبان، ندادن مهریه‌ی زن و نپرداختن مزد کارگر. [1220].

آهنگ کار بد نکنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه آهنگ کار بدی کردی، آن را انجام نده، زیرا گاه خداوند بنده را در حال ارتکاب معصیتی می‌بیند و می‌فرماید: به عزت و جلال خود سوگند که از این پس هرگز او را نمی‌بخشم. [1221].

عامل گناهان بزرگ

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 558]
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در زمین خشک و بی‌گیاه فرود آمدند و به اصحابش فرمودند: مقداری هیزم بیاورید. عرض کردند: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) ما در سرزمین خشک و بی‌گیاه هستیم که در آن هیزمی یافت نمی‌شود. حضرت فرمودند: هر کس هر چه یافت بیاورد. آنها هیزم‌ها را جمع کردند و در برابر حضرت انباشتند. پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: گناهان نیز این گونه جمع می‌شوند. آنگاه حضرت فرمودند: از گناهان انگاشته بپرهیزید؛ زیرا هر چیزی بازخواست کننده‌ای دارد. بدانید که بازخواست کننده‌ی گناهان می‌نویسد: (هر کاری را که پیش از این کرده‌اند و هر اثر و نشانی که به جا گذاشته‌اند و هر چیزی را در کتاب مبین (لوح محفوظ) شماره کرده‌ایم). [1222].

مراد از گناهان کبیره چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دروغ بستن به خدای عزوجل و پیامبر او (صلی الله علیه و آله و سلم) و اوصیاء علیهم‌السلام از گناهان کبیره است. [1223] و نیز حضرت فرمودند:
تهمت زدن به زنان پاکدامن از کبایر است؛ زیرا خداوند عزوجل می‌فرماید: (در دنیا و آخرت نفرین شده‌اند و آنان را عذابی بزرگ است)؛ (لعنوا فی الدنیا و الآخرة و لهم عذاب عظیم) [1224] و نیز حضرت فرمودند:
قتل نفس (آدم‌کشی) از گناهان کبیره است؛ زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: (و هر که مؤمنی را از روی عمد بکشد سزایش جاودانه شدن در دوزخ است.)، (و من یقتل مؤمنا متعمدا فجزاءه جهنم خالدا فیها). [1225].

مراد از اصرار بر گناه چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 559]
اصرار بر گناه به معنای ایمن داشتن خود از عذاب خداست و کسی جز زیانکاران خود را از مکر (عذاب و مهلت) خداوند ایمن نداند. [1226].

عامل تباه شدن دل چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پدرم علیه‌السلام می‌فرمودند: هیچ چیز بیشتر از گناه دل را تباه نمی‌کند؛ همانا دل گناه می‌کند و بر آن اصرار می‌ورزد تا جایی که سرانجام گناه بر آن چیره می‌گردد و دل را زیر و زبر می‌کند. [1227].

عامل از بین بردن نعمت چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند هر نعمتی را که به بنده‌ای داد از او نگرفت مگر به سبب گناهی که سزاوار سلب آن نعمت شد. [1228].

اثر سرعت کار بد در آدمی چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همانا بنده گناه می‌کند و به سبب آن از نماز شب محروم می‌شود. سرعت تأثیر کار بد در آدمی از سرعت تأثیر کارد در گوشت بیشتر است. [1229].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ رگی (بر اثر تب و بیماری) نزند و هیچ پایی به سنگ نخورد و هیچ سردرد یا مرضی رخ ندهد، مگر در اثر گناهی. این فرموده‌ی خدای عزوجل در کتاب اوست که: (اگر شما را مصیبتی رسد به خاطر کارهایی است که می‌کنید و خدا بسیاری را می‌بخشد)، (و ما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم و یعفوا عن کثیر)
[صفحه 560]
(شوری / 30) گناهانی که خداوند می‌بخشد از گناهانی است که از آنها بازخواست می‌کند. [1230].

عامل محروم شدن مؤمن از روزی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همانا مؤمن گناه می‌کند و به سبب آن از روزی محروم می‌شود. [1231].

عامل مردن بیشتر انسان‌ها

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسانی که بر اثر گناهان می‌میرند بیشترند از کسانی که بر اثر رسیدن اجل می‌میرند. [1232].

گناهانی که نعمت‌ها را دگرگون می‌کند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
گناهانی که نعمت‌ها را دگرگون می‌کند. زورگویی و سرکشی است و گناهانی که پشیمانی به بار می‌آورد آدم‌کشی است و گناهانی که انتقام و کیفرها را فرود می‌آورد ستم است و گناهانی که پرده‌ها را می‌درد (و آبرو و حیثیت‌ها را می‌برد) شرابخواری است و گناهانی که جلوی روزی را می‌گیرد زناست و گناهانی که مرگ و نیستی را شتاب می‌بخشد، بریدن پیوند خویشاوندی است و گناهانی که مانع استجابت دعا می‌شود و قضا را تیره و تار می‌کند آزردن پدر و مادر است. [1233].

سزای عیب‌جویی مؤمن از برادر خود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تبارک و تعالی برای بنده‌ی مؤمن خود چهل سپر قرار داده است. هر گاه گناهی (بزرگ) از او سر زند یک سپر کنار می‌رود و چون از برادر مؤمن خود عیبی
[صفحه 561]
بکند و او را بدان سرزنش کند دیگر سپرها کنار می‌روند و بی‌پرده ماند و بدین سبب در آسمان به زبان فرشتگان رسوا شود و در زمین به زبان مردم. [1234].

مراد از کیفر در دنیا و آخرت چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه خداوند خوبی بنده‌ای را بخواهد در همین دنیا کیفرش دهد و چون برای بنده‌ای بد بخواهد گناهانش را نگه دارد تا در روز قیامت کیفر بیند. [1235].

عامل از بین بردن گناهان چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همانا اندوه گناهان مسلمان را می‌برد. [1236].

عامل بخشوده شدن گناهان چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همانا مؤمن خواب هولناک می‌بیند و به سبب آن گناهانش بخشوده می‌شود آسیب بدنی می‌بیند و بدان سبب گناهانش آمرزیده می‌شود. [1237].

عامل کیفر انسان چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چون آیه (به آرزوهای شما نیست... هر کس که مرتکب بدی شود جزایش را ببیند)، (لیس بأمانیکم... من یعمل سوءا یجزبه) نازل شد، مردی به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد: آیه‌ی کمرشکن آمد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: چنین نیست، آیا تو غمگین نمی‌شوی؟ آیا بیمار نمی‌شوی؟ آیا محنت و اندوه به تو نمی‌رسد؟ عرض کرد: چرا؟ حضرت فرمودند: همین این‌ها از کیفرهاست. [1238].
[صفحه 562]

امید بخش‌ترین آیه‌ی قرآن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
علی علیه‌السلام رو به مردم کرد و فرمودند: به نظر شما کدام آیه در کتاب خدا امیدوار کننده است؟ یکی گفت: آیه‌ی (همانا خداوند شرک به خود را نمی‌آمرزد و جز آن را برای هر کس بخواهد می‌آمرزد)، حضرت فرمودند: خوب است اما آن آیه نیست. مردم پس از اظهارنظر بازایستادند. حضرت فرمودند: ای جماعت مسلمانان! چه شد که سخنی نمی‌گوئید؟ عرض کردند: به خدا قسم چیزی برای گفتن نداریم. حضرت فرمودند:
از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که می‌فرمودند: امیدبخش‌ترین آیه در کتاب خدا این آیه است: «نماز بگزار در آغاز و انجام روز و ساعاتی از شب؛ زیرا نیکی‌ها، بدی‌ها را از میان می‌برد...»، «و اقم الصلاة طرفی النهار و زلفا من اللیل ان الحسنات یذهبن السیئات ذلک ذکری للذاکرین» (هود / 16) [1239].

استغفار فرشتگان برای شیعیان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همانا خداوند عزوجل، را فرشتگانی است که گناهان را از دوش شیعیان ما فرو می‌ریزانند همچنان که باد برگ درختان را که در آستانه‌ی ریزش است فرو می‌ریزاند و این سخن خدای عزوجل است آنجا که می‌فرماید: «به ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و برای مؤمنان آمرزش می‌خواهند»، «یسبحون بحمد ربهم و یستغفرون للذین امنوا». به خدا سوگند که مقصود (از مؤمنان) کسی جز شما نیست. [1240].

سجده‌ی بسیار گناهان را از بین می‌برد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 563]
مردی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گناهانم زیاد شده و اعمالم سست و اندک گشته است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: زیاد سجده کن؛ زیرا همچنان که باد برگ درختان را فرو می‌ریزاند، سجده گناهان را می‌ریزاند. [1241].

عوامل مصونیت از گناه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همانا صله‌ی رحم و نیکوکاری، حسابرسی را آسان می‌کند و از گناهان مصون می‌دارد. [1242].

نیشت را به خنده باز مکن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمودند: تو که کارهای رسوا کننده کرده‌ای نیشت را به خنده باز مکن و کسی که مرتکب گناهان شده است نباید خود را از غافلگیر شدن (توسط عذاب خداوند) ایمن دارد. [1243].
[صفحه 565]

ریاست‌طلبی

سزای ریاست‌طلبی در شخص

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از مناجات‌های خدای متعال با موسی علیه‌السلام (این بود که): به حال کسی که مردم از او خشنودند غبطه مخور تا آن که بدانی خدا هم از او خشنود است و به حال کسی که مردم فرمانش را می‌برند نیز غبطه مخور؛ زیرا طاعت و پیروی بناحق مردم از او، باعث هلاکت او و پیروانش باشد. [1244].

مراد از دل ترسان بیمناک چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حب مقام و شهرت در دل ترسناک بیمناک (از خدا) نباشد. [1245].

از سران ریاست پیشه بپرهیزید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از این سران ریاست پیشه بپرهیزید؛ زیرا به سوگند که کفش‌ها در پی مردی به صدا در نیاید مگر آن که او هلاک شود و دیگران (پیروانش) را نیز به هلاکت اندازد. [1246].

نابودی جوینده ریاست‌طلبی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که جویای ریاست باشد، نابود می‌شود. و نیز حضرت فرمودند:
هر که ریاست بخواهد هلاک شود. [1247].

ریاست‌طلبی نکوهیده کدام است؟

امام صادق علیه‌السلام به سفیان بن خالد فرمودند:
[صفحه 566]
ای سفیان: از ریاست بپرهیز؛ زیرا که هر که جویای ریاست شد هلاک گشت. عرض کردم: فدایت شوم! پس همه‌ی ما هلاک شدیم؛ زیرا هیچ یک از ما نیست جز آن که دوست دارد اسمش برده شود و مردم به او روی آورند و از او استفاده کنند. حضرت فرمودند: درست متوجه نشدی، بلکه ریاست‌طلبی به این معناست که بی‌دلیل مردی را علم کنی و هر چه می‌گوید تصدیق نمایی و مردم را به عقیده‌ی او فراخوانی. [1248].

کسی را بدون دلیل، علم نکنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به ابوحمزه ثمالی فرمودند:
از ریاست بپرهیز و از راه افتادن پشت سر شخصیت‌ها خودداری کن.
عرض کردم: فدایت شوم، (مذموم کردن) ریاست را دانستم اما دوسوم آنچه (از اخبار و احادیث شما) در دست دارم از همین راه افتادن دنبال رجال و شخصیتهاست. حضرت فرمود: درست متوجه نشدی بلکه مقصود این است که مبادا کسی را بدون دلیل علم کنی و هر چه می‌گوید تصدیق نمایی. [1249].

سزای کسی که به ناحق جویای ریاست باشد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که به ناحق جویای ریاست شود از اطاعت به حق مردم نسبت به خود محروم گردد. [1250].

عامل از بین رفتن سروری

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: کسی که مردم را به اندک گناهی کیفر دهد نباید به سروری چشم بدوزد. [1251].
[صفحه 567]

از پنج واقعیت آگاه شوید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شما را از پنج واقعیت آگاه می‌سازم: بخیل را آسایش و حسود را خوشی و شاهان را وفاداری و دروغگو را مردانگی و نادان را سروری نباشد. [1252].

شرط ریاست

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ریاست را جستم و آن را در خیرخواهی برای بندگان خدا یافتم. [1253].
[صفحه 569]

رؤيا

رؤیای مؤمن چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همانا رؤیای مؤمن، یکی از هفتاد جزء نبوت است. [1254].

اقسام رؤیا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رؤیا سه گونه است: نویدی از جانب خدا به مؤمن، ترسی که شیطان می‌افکند و خواب‌های آشفته. [1255].

منشأ رؤیا

ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام پرسید:
آیا خواب راست و دروغ هر یک منشأ دارد؟ حضرت فرمودند: درست است. (با این تفاوت که) رؤیای دروغ و خلاف واقع از انسان در آغاز شب که هنگام تسلط (شیاطین رانده شده و نابکار است می‌بیند.)
این گونه رؤیاها تخیلات آدمی است و دروغ و غیرواقعی و بی‌فایده می‌باشند. اما رؤیای صادق را بعد از گذشت دوسوم شب که فرشتگان فرود می‌آیند و آن پیش از سحر است می‌بینند. این گونه رؤیاها راستند و به خواست خدا تحقق می‌یابند مگر آن که بیننده‌ی خواب جنب یا ناپاک خوابیده باشد و خدای عزوجل را چنان که شاید یاد نکرده باشد؛ در این صورت رؤیا با تأخیر و درنگ تحقق می‌یابد. [1256].

عامل رفع خواب‌های آشفته

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه کسی خواب ناخوشایندی دید از پهلویی که خوابیده به پهلوی دیگر خود برگردد و بگوید: (همانا نجوا کردن کار شیطان است تا بدان وسیله مؤمنان را
[صفحه 570]
اندهگین سازد و تا خدا نخواهد، هیچ زیانی به آنها نرساند)، (انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین آمنوا و لیس بضارهم شیئا الا باذن الله). پس بگوید: از شر خوابی که دیدم و از شر شیطان رجیم به همان پناه می‌برم که فرشتگان مقرب خدا و پیامبران مرسل او و بندگان نیکوکارش بدو پناه بردند. [1257].

عامل دیدن خواب وحشتناک

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر گاه بنده آهنگ معصیت خدای عزوجل کند و خداوند خیر او را بخواهد خوابی وحشتناک به او نشان دهد که بدان سبب از آن گناه باز ایستد. [1258].

ارزش دین خداوند متعال

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دین خدای تبارک و تعالی ارجمندتر از آن است که در خواب دیده شود.
[1259].
[صفحه 572]

ریاکاری

علت پرهیز از ریاکاری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از ریاکاری بپرهیز؛ زیرا هر که برای غیر خدا کاری کند، خدا او را به همان کسی که برایش کار کرده است واگذارد. [1260].

هر گونه ریایی شرک است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بنده را چه زیان که هر گاه خدا او را بشناسد، مردم نشناسندش. هر که برای چشم مردم کار کند پاداشش به عهده‌ی مردم است و هر که برای خدا کار کند پاداشش با خداست. هر گونه ریایی شرک است. [1261].

عامل شرک به خداوند متعال

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه‌ی (هر که امید دیدار پروردگارش را دارد...)، (فمن کان یرجوا لقاء ربه... فلیعمل عملا صالحا و لا یشرک بعبادة ربه احدا) (کهف / 110) فرمودند:
آدمی کار ثوابی می‌کند اما خدا را در نظر ندارد، بلکه ستایش مردم در نظر اوست و مشتاق است که آن را به گوش مردم برساند. چنین کسی در پرستش پرودگار شرک آورده است. [1262].

مراد از شرک ریاست چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی همین آیه (هر که امید دیدار پروردگارش را دارد...) فرمودند: این شرک، شرک ریاست. [1263].
[صفحه 573]

نمازخوان ریاکار به دوزخ می‌رود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در روز رستاخیز بنده‌ای را که نماز خوانده می‌آورند او می‌گوید: پرودگارا! من برای رضای تو نماز خواندم؛ اما به او گفته می‌شود: نه، بلکه برای آن نماز خواندی که گفته شود چه نماز خوبی می‌خواند. او را به دوزخ برید. [1264].

نشانه‌ی ریاکار

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
لقمان به فرزندش گفت: ریاکاری سه علامت دارد: وقتی تنهاست تنبل است، وقتی مردم نزدش هستند کوشاست و هر کاری را برای ستایش (مردم از خود) انجام می‌دهد. [1265].

نمازی که ریا نیست

عبید از امام صادق علیه‌السلام پرسید:
کسی که نمازش را با قرائت و نیکو به جای آورد به امید آن که بیننده را به این کار (نماز درست و با قرائت) بکشاند؟ حضرت فرمودند:
این کار ریا نیست. [1266].

عامل ریاکاری چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که در نهان کاری نیک انجام دهد، برایش نهانی نوشته می‌شود و چون آن را به زبان آورد، آن عمل نهانی پاک می‌شود و عملی آشکار نوشته می‌گردد و اگر برای دومین بار به زبان آورد عمل آشکار هم پاک می‌شود و برایش ریا می‌نویسند. [1267].
[صفحه 574]

مراد از کسانی که مخفیانه وارد بهشت می‌شوند کیانند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در روز رستاخیز، رضوان (نگهبان بهشت) گروهی را می‌بیند که برایش نگذشته بودند. به آنها می‌گوید: شما کیستید و از کجا وارد شدید؟ می‌گویند: دور شو از ما. ما گروهی هستیم که خداوند را مخفیانه پرستیدیم و او نیز مخفیانه ما را به بهشت درآورد. [1268].

مراد از اعمال آشکار و پنهان چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
صدقه و روزه و کلیه کارهای خوب اگر مستحبی باشد بهتر است پنهانی صورت گیرد و اگر واجب و فریضه باشد بهتر است که آشکارا انجام پذیرد. [1269].
[صفحه 576]

رأى

نشانگر رأی درست

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز نشانگر رأی درست است: خوش برخوردی، خوب گوش دادن به سخن و خوب پاسخ دادن. [1270].

اثر خودرأیی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
آدم خودرأی، بر لبه‌ی لغزشگاه ایستاده است. [1271].

با خودرأی مشورت مکنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
با خودرأی مشورت مکن. [1272] و نیز حضرت فرمودند:
کینه‌توز را رأی نباشد. [1273].
[صفحه 578]

رباخواری

کسانی که در پناه خداوند متعال هستند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه کس در پناه خدای عزوجل می‌باشند تا آنگاه که خداوند از حسابرسی (بندگان) فارغ شود: مردی که هرگز گرد زنا نگردد، مردی که مالش را هرگز به ربا آلوده نسازد و مردی که در این دو کار واسطه نشود. [1274].

وضعیت رباخوار در روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: آن شب که به آسمان برده شدم گروهی را دیدم که یکی از آنها می‌خواست از جای خود برخیزد اما از بس شکمش بزرگ بود نمی‌توانست بلند شود. پرسیدم: ای جبرئیل! این‌ها چه کسانی هستند؟! فرمود: اینان رباخوارانند که از جای خود مانند کسی برمی‌خیزند که به افسون شیطان دیوانه شده است. [1275].

شیوه‌ی مردن رباخوار

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رباخوار از دنیا نرود تا آن که شیطان دیوانه‌اش کند. [1276].

گناه ربا بدتر از زنا با محارم است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
یک درهم ربا نزد خدا سنگین‌تر از سی بار زنا کردن با محارم خود؛ مانند خاله و عمه است. [1277] و نیز حضرت فرمودند:
[صفحه 579]
یک درهم ربا نزد خداوند سنگین‌تر است از هفتاد بار زنا کردن با محارم خود در خانه‌ی خدا. [1278].
و نیز حضرت فرمودند: ربا هفتاد جزء دارد که کمترین آن (مانند) این است که انسان با مادر خود در خانه‌ی خدا نزدیکی کند. [1279].

علت تحریم ربا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال از علت تحریم ربا فرمودند: تا این که مردم از احسان کردن به یکدیگر دریغ نورزند. [1280].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به پرسش هشام بن حکم از علت تحریم ربا فرمودند:
اگر ربا حلال بود مردم کار تجارت و کسب مایحتاج خود را رها می‌کردند پس خداوند ربا را حرام فرمود، تا مردم از حرام‌خواری دست کشیده و به تجارت و خرید و فروش روی آورند و به یکدیگر قرض دهند. [1281].

بی‌برکت بودن ربا

مردی از امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه‌ی (خداوند ربا را ناچیز می‌گرداند و صدقات را فزونی می‌بخشد)، (یمحق الله الربا و یربی الصدقات) (بقره / 276) سؤال کرد و گفت:
گاه فردی را مشاهده می‌کنم که ربا می‌خورد و با این حال مال و ثروتش زیاد می‌شود؟ حضرت فرمودند: کدام نابودی و بی‌برکتی بدتر از این که یک درهم ربا دین را نابود می‌کند. اگر توبه کند ثروتش از دست می‌رود و فقیر می‌شود. [1282].
[صفحه 581]

رجعت

رجعت مردگان

امام صادق علیه‌السلام: به خدا سوگند که روزها و شب‌ها به سر نیاید تا آن که خداوند مردگان را زنده کند و زندگان را بمیراند و حق را به اهلش بازگرداند و دین برگزیده‌ی خود را برپا دارد. (و بر جهان حاکم گرداند) [1283].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه‌ی (آن که قرآن را بر تو نازل کرده است تو را به وعده‌گاهت بازمی‌گرداند)، (ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد) فرمودند: به خدا سوگند دنیا به آخرت نرسد و نابود نشود تا آن که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی علیه‌السلام در ثویه گرد آیند و دیدار کنند و در آن جا مسجدی بسازند که دوازده هزار در دارد. [1284].

وضعیت مؤمن هنگام ظهور امام زمان

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: هر گاه قائم ظهور کند، در قبر به مؤمن گفته شود: ای فلان! آقایت ظهور کرده است، اگر خواهی به او ملحق شوی، برخیز و ملحق شو و اگر خواهی که در جوار کرامت پرودگارت بمانی بمان. [1285].

چگونگی زنده شدن مؤمنان در قبر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چون زمان قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف فرارسد در ماه جمادی‌الآخر و ده روز از رجب چنان بارانی ببارد که مردم مانند آن را ندیده باشند، پس خداوند به سبب آن باران گوشت و استخوان مؤمنان را در قبرهایشان برویاند. گویی آنان را می‌نگرم که از طرف جهینه می‌آیند و گرد و غبار موهایشان را می‌تکانند. [1286].

زمانی که مردگان با زنده‌گان دیدار کنند

عبدالله بن خفقه می‌گوید: ابان بن تغلب به من گفت:
[صفحه 582]
به گروهی برخوردم که بر روایت کردن من از جعفر، (امام صادق) خرده می‌گرفتند. گفتم: چگونه مرا برای روایت کردن از مردی سرزنش می‌کنید که هیچ پرسشی از او نکردم مگر آن که از قول رسول خدا جوابم داد. ابان تغلب گفت: عده‌ای کودک می‌رفتند و با خود می‌خواندند: (ای شگفتا و شگفتا از جمادی تا رجب)؛ و من از امام صادق علیه‌السلام در این باره پرسیدم؛ آن حضرت فرمودند: در آن زمان زنده‌ها با مرده ها دیدار می‌کنند. [1287].

اولین کسی که به دنیا برمی‌گردد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نخستین کسی که زمین (قبر) بر روی او شکافته می‌شود و به دنیا برمی‌گردد حسین بن علی علیهم السلام است. [1288].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
گویی حمران بن اعین و میسر بن عبدالعزیز را می‌بینم که در میان صفا و مروه با شمشیرهای خود بر مردم (تبهکار) می‌کوبند.
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: نخستین کسی که به دنیا برمی‌گردد حسین بن علی علیهم السلام است. او چندان فرمانروایی می‌کند که بر اثر پیری ابروانش بر روی چشمانش فرومی‌افتد. [1289].

پرچمدار امام زمان چه کسی است؟

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: از خداوند مسألت کردم که اسماعیل را بعد از من زنده بدارد، نپذیرفت اما این منزلت را به من ارزانی داشت که اسماعیل نخستین یار از ده یاور او (قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد که زنده می‌شوند. یکی دیگر از آن یاوران، عبدالله بن شریک است که پرچمدار وی می‌باشد. [1290] و نیز حضرت فرمودند:
[صفحه 583]
همراه قائم علیه‌السلام بیست و هفت نفر از پشت کوفه ظهور می‌کنند. پانزده تن آنان از قوم موسی علیه‌السلام هستند، همانان که به راه حق هدایت می‌کردند و به عدالت فرا می‌خواندند؛ هفت نفر از اصحاب کهف هستند و نیز یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه‌ی انصاری و مقداد و مالک اشتر که همگی در خدمت او و از یاران و کارگزاران وی هستند. [1291].

آیه‌ی قرآن دال بر رجعت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
درباره‌ی آیه‌ی (و قریه‌ای را که به هلاکت رسانده‌ایم محال است که بازگشتی داشته باشند)، (و حرام علی قریة اهلکناها انهم لا یرجعون) فرمودند: هر قومی که خداوند با عذاب نابود کرده باشد، در هنگام رجعت، برنمی‌گردند. این آیه بزرگترین دلیل بر رجعت است؛ زیرا هیچ مسلمانی منکر بازگشت همه‌ی مردم در قیامت نیست، چه آنهایی که با عذاب به هلاکت رسیده‌اند و چه آنهایی که هلاک نشده باشند. پس، مقصود از این سخن خدای تعالی که (بازگشتی ندارد) رجعت است. اما در قیامت دوباره زنده می‌شوند تا (به کیفر گناهان خود) به دوزخ روند. [1292].

رجعت کسانی که کشته شده یا مرده‌اند

امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (روزی که از هر امتی گروهی را محشور کنیم)، (و یوم نحشر من کل امة فوجا) فرمودند: هر مؤمنی که کشته شده باشد، رجعت می‌کند. تا (پس از زندگی دوباره به مرگ طبیعی) بمیرد و هر مؤمنی که (به مرگ طبیعی) مرده باشد نیز رجعت می‌کند، تا کشته شود. [1293].
[صفحه 585]

صله رحم

صله‌ی رحم را از دست ندهید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه: (و آنان که... پیوند می‌دهند...)؛ (الذین یصلون ما امر الله به ان یوصل...) (رعد / 21 - 19) فرمودند: یکی از مصادیق آن صله رحم است و غایت تأویل آن پیوند برقرار کردن با ما است. [1294].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه: (بترسید از آن خدایی که به نام او از یکدیگر چیزی می‌خواهید و از بریدن خویشاوندی‌ها پروا کنید.)، (و اتقوا الله الذی تساءلون به و الارحام) فرمودند: منظور خویشاوندی‌های مردم است. همانا خدای عزوجل به پیوند آن فرمان داده و آن را بزرگ و مهم شمرده است، مگر نمی‌بینی که آن را در ردیف خود قرار داده است. [1295].

با کسی قطع رابطه نکنید

ابوبصیر (می‌گوید) از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم:
آیا انسان می‌تواند با خویشاوندی که (مذهب) حق را نمی‌شناسد قطع رابطه کند؟ حضرت فرمودند: نباید با او ببرد. [1296].

عامل آسان شدن حساب

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
صله رحم و نیکوکاری حساب را آسان می‌سازد و از گناهان نگه می‌دارد.
پس صله‌ی ارحام به جای آورید و به برادران خود نیکی کنید، اگر چه با سلام کردنی نیکو و جواب سلام دادن باشد.
[صفحه 586]

عامل رفع اجل انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به میسر فرمودند:
ای میسر! عمر تو زیاد شده است، چه کاری انجام داده‌ای؟ عرض کردم: زمانی که نوجوان بودم پنج درهم مزد می‌گرفتم و آن را خرج دایی خود می‌کردم. و نیز به همو فرمودند: ای میسر! بارها اجل تو سر رسید اما هر بار خداوند به سبب صله‌ی رحم و نیکی به خویشانت آن را از تو دور کرد. [1297].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مردی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خویشاوندانی دارم که با آنان رفت و آمد دارم ولی آنها مرا می‌آزارند لذا تصمیم دارم آنان را رها کنم. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: در این صورت خداوند همه شما را رها می‌کند.
عرض کرد: پس چه کنم؟ حضرت فرمودند: به کسی که دست رد به سینه تو زده عطا کن و با کسی که از تو بریده پیوند برقرار کن و از کسی که به تو ستم کرده درگذر؛ اگر چنین کنی خداوند عزوجل پشتیبان تو در برابر آنها خواهد بود. [1298].

عامل شتاب بخشیدن به مرگ و نابودی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از جمله گناهانی که مرگ و نابودی را شتاب می‌بخشد قطع رحم است.
[1299].
[صفحه 587]

از حالقه بپرهیزید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از حالقه بپرهیزید که آن مردان را به نابودی می‌کشاند. عرض کردم: حالقه چیست؟ حضرت فرمودند: قطع رحم. [1300].

بهترین صله‌ی رحم کدام است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حتی اگر شده با نوشاندن جرعه‌ای آب به خویشاوند صله‌ی رحم به جای آر و بهترین صله‌ی رحم آزار نرساندن به خویشاوند است. [1301].
[صفحه 589]



علت حج و طواف کعبه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال هشام بن حکم از علت حج و طواف کعبه فرمودند:
خداوند متعال مردمان را آفرید و آنها را به پیروی از دین و آنچه مصلحت دنیاشان در آن است فرمان داد و نهی نمود و حج را مایه‌ی فراهم آمدن مردم از شرق و غرب عالم و آشنا شدن آنها با هم (و آگاه شدنشان از حال و روز یکدیگر قرار داد و تا بازرگانی که از شهری به شهری کالا می‌برند سود برند و کرایه دهندگان و شترداران به فایده‌ای رسند و تا آثار پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) شناخته شود و خبرهای آن حضرت نقل و بازگو شود و از یادها نرود. اگر هر قومی و مردمی «فقط» به شهر و سرزمین خود بسنده می‌کردند، نابود می‌شدند و شهرها ویران می‌گشت و درآمدها و سودها افت می‌کرد و خبرها پوشیده می‌ماند و کسی از آنها آگاه نمی‌شد. این است علت حج.

برکات زیارت خانه‌ی خدا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
این خانه را پیوسته زیارت کنید که زیارت‌های پیوسته شما از آن، ناخوشی‌های دنیا و سختی‌ها و هراس‌های روز رستاخیز را از شما دور می‌کند. [1302].

عامل فقرزدایی انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ندیده‌ام که چیزی همانند مداومت بر زیارت این خانه چنان سریع توانگری آورد و فقر را بزداید. [1303] و نیز حضرت در پاسخ به اسحاق بن عمار که عرض کرد:
من خودم را آماده کرده‌ام که هر ساله به حج بروم یا مردی از افراد خانواده‌ام را با هزینه خودم به حج بفرستم، فرمودند:
[صفحه 590]
آیا بر این کار مصمم هستی؟ عرض کردم: آری. حضرت فرمودند: اگر چنین کنی یقین داشته باش که ثروتت زیاد خواهد شد و تو را نوید توانگری می‌دهم. [1304].

گزاردن حج را به تأخیر نیاندازید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس بمیرد و حج نگذارده باشد، اگر نه به سبب فقر شدید، یا بیماری بازدارنده از حج و یا ممانعت قدرتمندی از حج خودداری کرده باشد، باید که یهودی بمیرد و یا نصرانی. [1305].

چه کسانی در آخرت کورند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه: (هر کس در این سرای کور باشد در آخرت نیز کور است و گمراهتر)، (و من کان فی هذه الدنیا اعمی فهو فی الاخره اعمی و اضل سبیلا) فرمودند: او کسی است که حج، یعنی حج واجب را به تأخیر اندازد و بگوید: امسال حج می‌روم سال دیگر حج می‌روم، تا آن که سرانجام مرگش فرارسد. [1306].

آداب احرام بستن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چون احرام بستی تقوای خدا را در پیش گیر و یاد خدا بسیار گو و جز به خیر سخن مگو؛ زیرا همچنان که خدای تعالی فرموده است: از تمامیت حج و عمره این است که آدمی زبانش را جز از سخن خیر نگه دارد. خداوند عزوجل فرموده است: (پس هر که در آن ماهها این فریضه را ادا کند (باید بداند که) که همبستری و...)، (فمن فرض فیهن الحج فلا رفث...) (بقره / 197) [1307].
[صفحه 591]

آداب حج گزاردن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چون خواستی حج کنی، پیش از آنکه عزم رفتن کنی، دلت را از هر دلبستگی و مشغله‌ای و از هر حجابی برای خدا خالی کن، همه کارهایت را به آفریدگارت واگذار و در تمام حرکات و سکنات به او توکل کن، و سرسپرده‌ی قضا و قدر و حکم او شو و با دنیا و آسایش و مردمان بدرود گوی و حقوقی را که از مردم به گردن داری بپرداز و بر توشه‌ی راه و مرکب و همسفران و نیرو و جوانی و مال و دارایی خود تکیه مکن که بیم آن می‌رود این همه دشمن و مایه‌ی وبال تو گردند؛ زیرا آن که مدی خشنودی خدا باشد و با این حال به چیزی دیگر پشت گرم شود خداوند همان چیز را دشمن و مایه‌ی وبال و زحمت او گرداند، تا به او بفهماند که اگر خدا نگهدار نباشد و توفیق ندهد نه او و نه هیچ کس دیگر را توان و چاره‌ای نیست.
چنان آماده شو که گویی امید برگشت نداری، همسفر و همنشینی خوش و نیکو باش، اوقات فرایض خداوند و سنت‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و چیزهای دیگری را که رعایت آنها بر تو لازم است مانند ادب، بردباری، شکیبایی، سپاسگزاری، مهربانی، بخشش و ایثار ده. توشه‌ی خود به همسفران را در تمام اوقات پاس بدار.
آنگاه با آب توبه‌ای که گناهان را پاک می‌کند خود را شستشو ده و جامه‌ی صدق و صفا و خضوع و خشوع بر تن کن. خویشتن را از هر آنچه تو را از یاد خدا و اطاعت او بازمی‌دارد محرم ساز. آنگاه که خدای عزوجل را می‌خوانی او را لبیک گوی. لبیک خالص و پاکیزه و ناب و به دستگیره‌ی استوار او (عروة الوثقی) چنگ زن. همانگونه که با مسلمانان بر گرد خانه‌ی خدا طواف می‌کنی، دلت را همراه فرشتگان بر گرد عرش به طواف آر. در هنگام هروله کردن از هوای نفس خویش بگریز و از همه نیرو و توانت دست بشوی. آنگاه که به سوی منی خارج می‌شوی. از بی‌خبری و لغزش‌های خود نیز به درآی و آنچه را بر تو روا نیست و سزاوارش نیستی تمنا مکن.
[صفحه 592]
در عرفات به خطاها و گناهان خود اعتراف کن و با خداوند بر وحدانیت و یگانگی تجدید پیمان کن. در مزدلفه با اطمینان به خدا نزدیک شو. آنگاه که بر کوه (مشعر) بالا می‌روی روحت را نیز به سوی ملأ اعلی بفرست. آنگاه که قربانی می‌کنی گلوی هوس و طمع را نیز ببر. در هنگام رمی جمرات نیز به خواهش‌ها و پستی و دنائت و کردارهای زشت و نکوهیده سنگ

بینداز. در هنگام تراشیدن سر، عیبهای آشکار و پنهانت را نیز بستر. آنگاه که به حرم قدم می‌گذاری خود را، از این که دنبال خواهشت روی، در امان و پناه و کنف حمایت خداوند درآر.
با یقین به عظمت صاحب‌خانه و شناخت شکوه و شوکت و قدرت او خانه را زیارت کن. از سر خشنودی به قسمت خداوند و خضوع در برابر عزت و قدرت او حجرالاسود را استلام کن. با طواف وداع با هر چه جز اوست بدرود گوی. آنگاه که بر صفا می‌ایستی، جان و درون خود را برای آن روزی که به دیدار خدا می‌روی پاک گردان. در مروه مروت داشته باش و با فانی کردن اوصافت تقوای خدا در پیش گیر. بر شرایطی که در این حج بر خود نهاده‌ای و پیمانی که با خدایت بسته‌ای و تا روز رستاخیز آن را بر گردن گرفته‌ای استوار و پابرجا باش. [1308].

مراد از حج برای خدا و حج برای مردم چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حج بر دو گونه است: حج برای خدا و حج برای مردم. کسی که برای خدا حج گزارد خداوند بهشت را به او پاداش دهد و هر که برای مردم حج رود پاداش و ثوابش در روز قیامت به عهده‌ی همان مردم است. [1309].

شرط آمرزیدن حج

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 593]
هر کس برای خدا حج گزارد و قصدش ریاکاری و شهرت‌طلبی نباشد، به یقین خداوند او را بیامرزد. [1310].

ثواب کسی که در راه حج بمیرد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس در راه رفتن به مکه یا برگشتن از آن بمیرد، روز قیامت از آن ترس و هراس بزرگ در امان باشد. [1311] و نیز حضرت فرمودند:
هر کس در حال احرام بمیرد، خداوند او را لبیک گویان برانگیزد. [1312].
و نیز حضرت فرمودند: هر کس در یکی از دو حرم (مکه و مدینه) بمیرد خداوند او را در زمره‌ی کسانی برانگیزد که از عذاب خدا در امانند و هر کس در فاصله‌ی میان دو حرم بمیرد، نامه اعمال او گشوده نخواهد شد. [1313].

هر کس وارد حرم شود در امان است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه‌ی (و هر کس به آن درآید در امان است)، (و من دخله کان امنا) (آل عمران / 97) فرمودند:
هر انسانی که وارد حرم شود و به آن پناه برد از خشم خدا در امان است و هر حیوان و پرنده‌ای وارد آن شود نباید آن را رم داد یا آزارش رساند تا آنگاه که از حرم خارج شود. [1314].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در تفسیر این آیه فرمودند:
اگر سارقی در جای دیگری غیر از مکه دزدی کند یا نسبت به خود مرتکب جنایتی شود و به مکه بگریزد تا زمانی که در حرم هست نباید دستگیر شود، اما از رفتنش به بازار باید جلوگیری شود و کسی با او خرید و فروش و مجالست نکند تا از
[صفحه 594]
حرم خارج گردد، آنگاه دستگیر شود. اما اگر آن کار را در حرم کرده باشد باید او را دستگیر کرد. [1315].

حضور امام غایب در موسم حج

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مردم امام خود را گم می‌کنند، ولی آن حضرت در موسم حج حاضر می‌شود و مردم را می‌بیند اما آنها ایشان را نمی‌بینند. [1316].
[صفحه 596]

حجت خدا

چرا نیاموختی؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در توضیح آیه‌ی: «بگو: حجت رسا ویژه خداست»، «قل فللّه الحجة البالغه...» (انعام / 149) فرمودند:
خدای تعالی در روز قیامت به بنده فرماید: بنده‌ی من! آیا می‌دانستی؟ اگر پاسخ دهد: آری. خداوند به او فرماید: آیا به آنچه می‌دانستی عمل کردی؟ و اگر پاسخ دهد: نمی‌دانستم. بدو فرماید: چرا نیاموختی تا (بدانی و) عمل کنی. پس او مجاب و محکوم شود. این است آن حجت قاطع و رسا. [1317].

نتیجه‌ی کار کردن بر اساس شک و یا گمان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس براساس شک یا گمان کار کند، کارش پوچ و هدر است. زیرا حجت خدا روشن و آشکار است. [1318].

مراد از اقامه حجت خداوند چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند به وسیله‌ی آنچه به مردم داده و شناسانده، بر آنان اقامه حجت کرده است. [1319].

خداوند بر بندگانش حجت است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ بنده‌ای نیست مگر آن که خدا بر او حجت است: چه در گناهی که مرتکب شده و چه در نعمتی که در شکرش کوتاهی کرده است. [1320].
[صفحه 598]

حدیث و نقل آن

جایگاه و منزلت مردم در نزد اهل‌بیت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
جایگاه و منزلت مردم نزد ما را از اندازه‌ی روایاتی که از ما نقل می‌کنند بشناسید. [1321].

چه کسی از هزار عابد برتری دارد؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
آنکه حدیث ما را روایت کند و بدان وسیله دل‌های شیعیان ما را قوی و استوار گرداند از هزار عابد برتر است. [1322] و نیز حضرت فرمودند:
آنکه حدیث روایت کند و در دین فقیه و آگاه باشد بهتر است از هزار عابد که دین فهم و راوی حدیث نباشد. [1323].

ثواب کسی که چهل حدیث حفظ کند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس چهل حدیث از احادیث ما را درباره‌ی حلال و حرام حفظ کند خداوند در روز قیامت او را فقیه و عالم برانگیزد و عذابش نکند. [1324].

غم دانایان و غم نادانان چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
غم دانایان فهمیدن است و غم نادانان نقل کردن است. [1325].

جایز بودن نقل به معنای حدیث

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 599]
هر گاه حدیثی را درست فهمیدی و معنایش را رساندی هر گونه که می‌خواهی آن را بیان کن. [1326].
محمد بن مسلم (می‌گوید:) به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم:
حدیثی از شما می‌شنوم و آن را کم و زیاد می‌کنم. حضرت فرمودند: اگر معانی آن را برسانی اشکال ندارد. [1327].

کسی که بشنود فلان کار ثواب دارد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس از حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیده باشد که فلان کار ثواب دارد و آن را به نیت فرمایش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) انجام دهد همان ثواب برایش منظور شود هر چند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نگفته باشد. [1328].
[صفحه 605]

غم و اندوه

مراد از ناخوشیهای دل چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اندوهها، ناخوشیهای دلند؛ همچنان که بیماریها، ناخوشیهای تن هستند [1329].

عامل غم و اندوه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دنیاخواهی، غم و اندوه می‌آورد و پشت کردن به دنیا مایه‌ی آسایش دل و بدن است [1330].

چشم به مال دیگران نداشته باشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
وقتی آیه: (اگر بعضی از مردان و زنانشان را به چیزی بهره‌ور ساخته‌ایم تو بدان نگاه مکن و غم آن را مخور و در برابر مؤمنان فروتن باش)، (لا تمدن عینیک الی ما متعنا به ازواجا و لا تحزن علیهم و اخفض جناحک للمؤمنین) نازل شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: کسی که به دلداری خداوند دلخوش و صبور نباشد، جانش بر دنیا حسرتها خورد و هر که چشمش به داراییهای دیگران باشد، اندوهش بسیار شود و ناراحتیش بهبود نیابد [1331].

عامل ناخشنودی از پروردگار

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که برای دنیا غم خورد از پروردگار خویش ناخشنود است.
خداوند (از روی عدالت و حکمت و علم خود) آسایش و شادمانی را در یقین و خشنودی از خدا اقرار داد و غم و اندوه را در شک و ناخشنودی (از خدا)، پس از خدا راضی باشید و در برابر فرمان او گردن نهید [1332].
[صفحه 606]

مراد از کلید گشایش و گنجهای بهشت چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هرگاه از سوی حکومت یا دیگران اندوهی به تو رسید جمله: «لا حول و لا قوة الا بالله»، «هیچ قوت و قدرتی نیست مگر به اتکای خدا» را فراوان بگو؛ که آن کلید گشایش است و گنجی از گنجهای بهشت [1333] و نیز حضرت فرمودند: هرگاه غمها بر تو فرود آمد بر تو باد به گفتن جمله (لا حول و لا قوة الا بالله) [1334].

اثر خوردن انگور سیاه

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چون آب (طوفان) فروکش کرد و استخوانهای مردگان نمایان گردید و نوح علیه‌السلام آن صحنه را دید بسیار بی‌تاب شد و اندوهگین گشت. پس، خدای تعالی به او وحی کرد که انگور سیاه بخور تا غمت زدوده شود [1335].

سر خود را بشویید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس در خود اندوهی بیابد و علت آن را نداند، سر خود را بشوید [1336].

مراد از نور خدا چیست؟

ابوبصیر (می‌گوید:)
با یکی از یارانمان خدمت امام صادق علیه‌السلام رسیدیم. به آن حضرت عرض کردم: فدایت شوم یابن رسول الله! من (گاه) بدون آنکه بدانم دلیلش چیست؟ غمگین و
[صفحه 607]
اندوهناک می‌شوم! امام صادق علیه‌السلام فرمودند: آن غم و شادی از ما به شما می‌رسد. زیرا اگر اندوهی یا سروری به ما رسد بر شما نیز وارد می‌شود چون ما و شما از نور خدای متعال هستیم [1337].

صبح و شب مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن صبح و شبش را به اندوه می‌گذراند و جز این به صلاح او نیست [1338].

زمانی که هرزگان می‌خندند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند به عیسی بن مریم علیهم السلام وحی فرمود: آنگاه که هرزگان می‌خندند تو با میل اندوه، چشمانت را سرمه کن [1339].

عامل حزن و اندوه عارفان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حزن و اندوه همواره با عارفان است به سبب کثرت واردات غیبی بر دلهایشان و افتخار بسیارشان بر بودن در زیر پوشش کبریاء. اگر اندوه لحظه‌ای از دلهای عارفان کنار رود دست به استغاثه بر می‌دارند و اگر در دلهای دیگران نهاده شود آن را خوش ندارند [1340].

مرگ حق است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر مرگ حق است، دیگر شادی چرا؟ [1341].
[صفحه 608]

عامل تسبیح خداوند و عبادت چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که برای ما نگران و به خاطر ستمی که بر ما برود غمگین باشد، نفس کشیدنش تسبیح است و غمخواریش برای ما عبادت [1342].
[صفحه 610]

حسابرسی

عامل حسابرسی از نفسهای خود چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از نفسهای خود حساب بکشید پیش از آنکه به حساب شما رسیده شود؛ زیرا در قیامت پنجاه ایستگاه است و توقف در هر ایستگاهی هزار سال به درازا می‌کشد. امام علیه‌السلام پس این آیه را تلاوت نمودند: (در روزی که مدت آن پنجاه هزار سال است) [1343].

عامل رسوا نشدن در روز رستاخیز

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بر هر مسلمانی که نسبت به ما معرفت دارد لازم است در هر روز و شب کار خود را بر نفسش عرضه دارد و به حساب نفس خود برسد. اگر دید کار خوبی انجام داده است به دنبال بیشتر از آن باشد و اگر دید کار بدی از او سرزده است استغفار کند تا روز رستاخیز سرشکسته و رسوا نشود [1344].
و نیز حضرت فرمودند: هرگاه به بستر خود رفتی در این باره بیندیش که چه خوراکی به معده‌ی خود فرو فرستاده‌ای و در آن روز چه کارهایی کرده‌ای و یادآور که می‌میری و تو را معاد و رستخیزی است [1345].

عامل پذیرفته شدن اعمال

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هنگامی که بنده در برابر خداوند، جل جلاله، بایستد نخستین پرسشی که از او می‌شود درباره‌ی نمازهای واجب، زکات واجب، روزه‌ی واجب، حج واجب و ولایت ما اهل‌بیت علیهم السلام است. اگر با اعتراف به ولایت و دوستی ما از این دنیا برود، نماز و روزه و زکات و حجش پذیرفته می‌شود [1346].
[صفحه 611]

عوامل بازخواست نشدن مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز است که بنده‌ی مؤمن درباره‌ی آنها بازخواست نمی‌شود: غذایی که می‌خورد، لباسی که می‌پوشد و همسر پاک و مددکاری که به وسیله‌ی او از آلوده شدن به گناه محفوظ ماند [1347].

مراد از نعمت چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه‌ی: (در آن روز از نعمت سوال می‌شوید)، (ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم) (تکاثر / 8) فرمودند: این امت درباره‌ی نعمت وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پس اهل‌بیت علیهم‌السلام که خداوند به آنان داده است بازخواست می‌شوند [1348].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی همین آیه فرمودند:
خداوند بزرگوارتر از آن است که از مؤمنی درباره‌ی خوردن و آشامیدنش بازخواست کند [1349].

در روز قیامت از چهار چیز بازخواست می‌شود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از جمله اندرزهای لقمان به پسرش این بود: بدان که فردا چون در برابر خدا عزوجل بایستی از چهار چیز بازخواست می‌شوی: جوانیت را در چه راهی به سر آوردی؟ عمرت را در چه راهی صرف کردی؟ مال و دارائیت را از کجا آورده‌ای؟ و در چه راهی خرج کردی؛ پس برای آن هنگام مهیا شو و پاسخی آماده کن [1350].
[صفحه 612]

گوش و چشم و دل بازخواست می‌شوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه‌ی: (گوش و چشم و دل همگی بازخواست خواهند شد)، (ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک کان عنه مسؤلا) فرمودند: از گوش درباره‌ی شنیده‌هایش و از دل درباره‌ی آنچه بدان وابسته شده است [1351].

عامل آسان شدن حسابرسی در روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
صله‌ی رحم حسابرسی روز قیامت را آسان می‌کند. سپس این آیه را تلاوت نمودند: (آنانکه آنچه را خدا به پیوستن آن فرمان داده است پیوند می‌دهند و از پروردگارشان می‌ترسند و از سختی حسابرسی بیم دارند)، (و الذین یصلون ما امر الله به ان یوصل و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب) (رعد / 21) [1352] و نیز حضرت فرمودند:
آنگاه که خداوند مؤمن را از قبرش برانگیزد همراه او مثالی بیرون آید که پیشاپیش او حرکت می‌کند و هر زمان که مؤمن با یکی از صحنه‌های هراس‌انگیز قیامت روبه‌رو شود آن مثال می‌گوید: نترس و غم مخور؛ مژده باد تو را به شادمانی و کرامت خدای عزوجل؛ تا آنکه مؤمن در برابر خدای متعال می‌ایستد و مختصری حسابرسی می‌شود [1353].

خوبیها و بدیها به طور دقیق حسابرسی می‌شوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه‌ی (و از سختی حسابرسی بیم دارند)، (و یخافون سوء الحساب) (رعد / 21) فرمودند: بدیها و خوبیهایشان به طور دقیق و همه جانبه حسابرسی می‌شود [1354].

[صفحه 613]

تهیدستان بدون حسابرسی وارد بهشت می‌شوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در روز قیامت گروهی از مردم برخیزند و به در بهشت آیند و در را بکوبند. به آنان گفته شود: شما کیستید؟ گویند: ما تهیدستانیم. گفته شود: آیا پیش از حسابرسی می‌خواهید وارد بهشت شوید؟ گویند: به ما چیزی ندادید تا درباره‌ی آن بازخواستمان کنید. پس خدای عزوجل فرماید: راست می‌گویند؛ به بهشت درآیید [1355].

صبوران بدون حسابرسی وارد بهشت می‌شوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آنگاه که نامه‌های اعمال گشوده و ترازوها برپا می‌شود، برای بلادیدگان ترازویی برپا نگردد و نامه‌های عملی گشوده نشود، آن گاه این آیه را تلاوت نمودند: (جز این نیست که مزد شکیبایان به طور کامل داده می‌شود...)، (ان ما یوفی الصابرون اجرهم بغیر حساب) (زمر / 10) [1356].

کسانی که بدون حسابرسی به دوزخ برده می‌شوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه کسند که خداوند آنها را بدون حسابرسی به دوزخ می‌برد: پیشوای منحرف و ستمگر، تاجر دروغگو و پیرمرد زناکار [1357].
[صفحه 615]

حسد و حسادت

نتیجه عمل حسود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حسود پیش از آنکه به محسود زیان برساند به خود زیان می‌زند. مانند ابلیس که با حسدورزی برای خود نفرین خرید و برای آدم علیه‌السلام برگزیدگی [1358].

خیرخواهی از حسود محال است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خیرخواهی از حسود محال است [1359].

مراد از سایه‌ی عرش خداوند چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
آنگاه که موسی بن عمران علیهم السلام در حال مناجات و سخن گفتن با پروردگارش بود، مردی را در زیر سایه‌ی عرش خدا دید. عرض کرد: ای پروردگار من! این کیست که در سایه‌ی عرش تو است؟ خداوند فرمود: ای موسی! او از کسانی است که بر نعمتهایی که خدا به مردم داده است حسادت نورزیده است [1360].

حسود لذت و آرامش ندارد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بخیل را آسایش نباشد و حسود را لذت [1361].
و نیز حضرت فرمودند: حسود آسایش ندارد [1362] و نیز حضرت فرمودند:
حسود نباید به آرامش دل، چشم امید ببندد [1363].
[صفحه 616]

مراد از آفت دین چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
آفت دین، حسد و خودپسندی و فخرفروشی است [1364].

حسادت و تجاوزگری برابر با شرک است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ابلیس به سپاه خود می‌گوید: میان آنها حسادت و تجاوزگری افکنید، که این دو خوی، نزد خدا با شرک برابر است [1365].

مراد از ریشه‌ی کفر چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از حسادت کردن به یکدیگر بپرهیزید؛ زیرا کفر، ریشه‌اش حسادت است [1366].

نشانه‌ی حسود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
لقمان به فرزندش گفت: حسود را سه نشانه است: پشت سر غیبت می‌کند، رو به رو تملق می‌گوید و از گرفتاری دیگران شاد می‌شود [1367].

حسادت پسندیده

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن غبطه می‌خورد و حسادت نمی‌ورزد؛ منافق حسادت می‌ورزد و غبطه نمی‌خورد [1368].
[صفحه 618]

حق و حقگویی

مرتبت حق

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حق بلندپایه و ارجمند است؛ پس به آن عمل کنید [1369].

باطل نابود است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ باطلی نیست که در برابر حق بایستد مگر آن که حق بر باطل چیره شود و این سخن خدای متعال است (بلکه حق را بر سر باطل می‌زنیم تا آن را در هم کوبد)، (بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه) (انبیاء / 18) [1370].

نشانه‌ی ایمان راستین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نشانه‌ی ایمان راستین آن است که حق را، هر چند به زیانت باشد، بر باطل، اگر چه سودت رساند، ترجیح دهی [1371].

واجب‌ترین حق مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن را بر مؤمن هفت حق است، واجب‌ترین آنها این است که آدمی حق را بگوید هر چند بر ضد خود یا پدر و مادرش باشد و به خاطر آنها از حق منحرف نشود [1372].
[صفحه 619]

عامل فراخ شدن دل برای اسلام

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند هرگاه خوبی بنده‌ای را بخواهد دلش را برای اسلام فراخ می‌گرداند و هرگاه این نعمت به او داد زبانش را به حق گویا کند و دلش را به آن پیوند زند. پس، او به حق عمل کند و چون خداوند این همه را به او دهد اسلامش را کامل کرده است و هرگاه خداوند خوبی بنده‌ای را نخواهد او را به خود واگذارد و سینه‌اش تنگ و در فشار باشد، اگر حقی بر زبانش جاری شود، در دل به آن اعتقادی نداشته باشد و چون عقیده قلبی نداشته باشد، خداوند توفیق عمل به آن را به او ندهد [1373].

مراد از انسانهای دمدمی مزاج چه کسانی هستند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بدانید که خدای تعالی از بندگانی که هر لحظه‌ای به رنگی درآیند نفرت دارد. پس هیچگاه از حق و پیروانش جدا نشوید که هر کس به باطل و باطل گرایان بیاویزد هلاک شود و دنیا از دستش برود [1374].
[صفحه 621]

حقوق مؤمنین

عامل ارج نهادن به حقوق برادران

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که دین خدا را ارج نهد، برای حقوق برادران خود نیز ارج قایل باشد و هر که دین خدا را خفیف و سبک شمارد، به برادران خود نیز اهمیتی ندهد [1375].

مراد از حق مؤمن چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همان گونه که هیچ کس نمی‌تواند فضل ما و آنچه را خداوند به ما عطا فرموده و حقوقی را که برای ما (بر مردم) واجب کرده است، وصف کند هیچ کس نیز نمی‌تواند حق مؤمن را توصیف کند و حقوقی را که خداوند برای او بر برادر مؤمنش واجب کرده ادا کند [1376].
و نیز حضرت فرمودند: خداوند به چیزی برتر از ادای حق مؤمن عبادت نشده است [1377].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن را بر مؤمن هفت حق است که خدای عزوجل آنها را بر او واجب کرده است و خدا درباره‌ی آنها از او بازخواست می‌کند: او را در چشم خود بزرگ شمارد، در دل دوستش بدارد، با مال و دارائی خود یاریش رساند، بر او همان پسندد که بر
[صفحه 622]
خود می‌پسندد، غیبت او را حرام بداند، در بیماری به عیادتش برود، در تشییع جنازه‌اش شرکت کند و بعد از مرگ جز به خوبی از او یاد نکند [1378].

مراد از حق مسلمان بر مسلمان چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حق مسلمان بر مسلمان این است که تا برادرش گرسنه است او سیر نخورد و تا برادرش تشنه است او سیراب نگردد و تا برادرش برهنه است او خود را نپوشاند [1379].

کمترین حق مؤمن بر برادرش چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال از کمترین حق مؤمن بر برادرش فرمودند: آنچه را که او بدان نیازمندتر است به خود اختصاص ندهد.
[صفحه 624]

سوگند خوردن

راست یا دروغ به خدا سوگند مخور

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
راست یا دروغ به خدا سوگند مخورید؛ زیرا خداوند عزوجل می‌فرماید: (و خدا را وسیله‌ی سوگندهای خود قرار مدهید)، (و لا تجعلوا الله عرضة لایمانکم) (بقره / 224) [1380].

مراد از سوگند دروغ چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که سوگندی خورد و بداند که دروغ می‌گوید به جنگ خدا رفته است [1381].
و نیز حضرت فرمودند: خدای عزوجل فرموده است: من رحمت خود را شامل حال کسی که سوگند دروغ بخورد نمی‌گردانم [1382].
و نیز حضرت فرمودند: هر کس به خدا سوگند می‌خورد باید راست بگوید و اگر راست نگوید، نزد خدای عزوجل هیچ ارزشی ندارد [1383].

سوگندی که گناه نمی‌باشد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که برای دور کردن ستمی از خود، از روی تقیه سوگند بخورد، گناهی مرتکب نشده و کفاره‌ای به عهده‌اش نیست [1384].

سوگندهایی که جایز نیستند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 625]
سوگند خوردن برای حلال کردن حرام یا حرام کردن حلالی و برای قطع رحم جایز نیست [1385].
و نیز حضرت درباره‌ی آیه: «خدا شما را به سبب سوگندهای لغوتان بازخواست نمی‌کند»، (لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم) فرمودند:
لغو این است که انسان بی‌دلیل و جهت بگوید: نه به خدا قسم، آری به خدا قسم [1386].

کسی که به دروغ بگوید: خدا می‌داند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هرگاه بنده دروغ بگوید و بگوید خدا می‌داند (که حرف من راست است) خداوند فرماید: آیا کسی غیر از من نیافتی که به او دروغ بندی؟ [1387].
[صفحه 627]

بردباری

مراد از وصف مؤمن چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در وصف مؤمن فرمودند:
در بردباری او کاستی و در اندیشه‌اش سستی دیده نمی‌شود [1388].

عامل بردباری چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که تمرین بردباری کند بردبار شود [1389].
و نیز حضرت فرمودند: گاه باشد که انسان غیر بردبار جامه‌ی بردباری بپوشد [1390].

بهترین کار انسان قدرتمند چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از بهترین کارهای انسان قدرتمند این است که عصبانی شود و بردباری کند [1391].

اثر بردباری چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بردبار پیروز است [1392].

مراد از رکن دانش چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بر تو باد به بردباری که آن رکن دانش است [1393].

مؤمن در دین و دانش خود چگونه است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن در دین خود قوی و دانش را با بردباری آمیخته است [1394].
[صفحه 629]

شرم و حیا

از بی‌شرمی دوری کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در نامه‌ای که به اصحاب خود نوشتند و به آنان دستور نمودند که پیوسته آن را بخوانند و از نظر بگذرانند فرمودند:
بر شما باد به شرم و حیا و دوری کردن از آنچه مردمان صالح پیش از شما از آنها دوری کردند [1395].

شرم و حیا در رأس مکارم اخلاق است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مکارم اخلاق یکی بسته به دیگری است، خداوند آنها را به هر که خود بخواهد می‌دهد. ممکن است در مرد باشد و در فرزند نباشد، در بنده باشد و در آقایش نباشد. (این خویها عبارتند از:) راستگویی، صداقت با مردم، عطا کردن به سائل، جبران کردن خوبیها، امانتداری، صله رحم، دوستی و مهربانی با همسایه و یار، مهمان‌نوازی و در رأس همه حیا است [1396].

مراد از ایمان و نفاق چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حیا و پاکدامنی و کندی (کندی زبان نه کندی دل) از ایمان است و زشتگویی و بدزبانی و دریدگی از نفاق و دورویی است [1397].

عامل بی‌ایمان شدن چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ایمان ندارد کسی که حیا ندارد [1398].
[صفحه 630]

اثر کم رو بودن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که کم رو باشد کم دانش شود [1399].

حیا بر دو گونه است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حیا بر دو گونه است: یک حیا ضعف و ناتوانی است و حیای دیگر قدرت و اسلام و ایمان [1400].

چه کسانی بی‌خیر هستند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که از عیب و ننگ شرم نداشته باشد و در پیری دست از خلافکاری نکشد و در نهان از خدا نترسد، بی‌خیر است [1401].

عامل از بین رفتن عزت و حیا چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دست نیاز به سوی مردم دراز کردن، عزت را سلب می‌کند و حیا را می‌برد [1402].
[صفحه 632]

اخلاص عمل

بالاترین نعمت خداوند عزوجل به بنده‌اش

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند عزوجل نعمتی بالاتر از این به بنده‌اش نداده است که در قلبش جز خدا نباشد [1403].

پایداری عمل، سخت‌تر از خود عمل است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پایداری بر عمل تا آنجا که خالص شود، سخت‌تر از خود عمل است [1404].

شرط گفتن لا اله الا الله

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس از روی اخلاص بگوید: «لا اله الا الله» به بهشت می‌رود و اخلاصش به این است که «لا اله الا الله» او را از آنچه حرام کرده باز دارد [1405].

مراد از عمل اخلاص چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
عمل خالص آن است که نخواهی کسی جز خدای عزوجل تو را بر انجام آن بستاید [1406].

همه اشیاء در برابر مؤمن خاشعند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همه اشیاء در برابر مؤمن خاشعند و از هیبت او می‌هراسند. سپس حضرت فرمودند: اگر برای خدا اخلاص ورزد همه چیز، حتی گزندگان و درندگان زمین و پرندگان هوا را از او بترساند [1407].
[صفحه 633]

اثر تربت قبر امام حسین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در تربت قبر حسین علیه‌السلام شفای هر دردی است و آن بزرگترین دارو است [1408].

اجر و ثواب سرودن شعر در مرگ سالار شهیدان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به جعفر بن عفان طائی فرمودند: شنیده‌ام که درباره‌ی حسین بن علی علیهم السلام اشعار نیکویی می‌سرایی؟ عرض کرد: آری. جعفر برای آن حضرت و کسانی که پیرامونش بودند شعری خواند تا جایی که اشک‌ها بر چهره و محاسنش جاری شد. و نیز حضرت فرمودند:
هر کس درباره‌ی حسین بن علی علیهم السلام بیتی شعر بسراید و خود بگرید و ده نفر را بگریاند، برای او و آن ده نفر بهشت باشد [1409].
[صفحه 635]

حاجت و نیازمندی

ثواب گام برداشتن برای رفع حاجت مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس در راه برآوردن نیاز برادر مؤمنش گام بردارد تا برآورده شود و از این کار ثواب الهی را بجوید، خدای عزوجل به پاداش این کار برایش ثواب یک حج و یک عمره‌ی پذیرفته و روزه‌ی دو ماه حرام با اعتکاف این دو ماه در مسجدالحرام بنویسد و هر کس به نیت روا ساختن حاجت او قدم بردارد اما موفق به این کار نشود خداوند به پاداش آن ثواب یک حج پذیرفته شده را منظور دارد. پس، در کار خیر شوق نشان دهید [1410] و نیز حضرت فرمودند:
زمانی که بنده برای برطرف ساختن نیاز برادر مؤمن خود قدم بردارد خداوند عزوجل دو فرشته را، یکی در سمت راست او و دیگری در سمت چپش، بر وی بگمارد. که از پروردگارش برای او آمرزش طلبند و برای روا شدن حاجتش دعا کنند [1411] و نیز حضرت فرمودند:
کسی که در راه برطرف ساختن نیاز برادر خود قدمی بردارد چونان کسی است که سعی میان صفا و مروه به جای آرد [1412] و نیز حضرت فرمودند:
روایت شده است که در میان بنی‌اسرائیل هرگاه عابدی به نهایت درجه‌ی عبادت می‌رسید برای برآوردن نیازها و رفع مشکلات مردم به راه می‌افتاد [1413].

روا ساختن حاجت مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: هر کس یک نیاز برادر مؤمن خود را روا سازد خداوند عزوجل در روز رستاخیز صد هزار نیاز او را برآورد که نخستین آنها بهشت است [1414].
[صفحه 636]

مراد از پاداش توبه چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هرگاه مسلمانی نیاز مسلمانی را برآورد خدای تبارک و تعالی او را ندا دهد که: پاداش تو به عهده‌ی من است و من به کمتر از بهشت برای تو راضی نمی‌شوم [1415].

روا ساختن حاجت مؤمن برتر از حج است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
برآوردن نیاز مؤمن به یقین برتر از یک حج و بیشتر و بیشتر است (حضرت تا ده حج شمردند) [1416] و نیز حضرت فرمودند:
روا ساختن حاجت مؤمن نزد خدا از بیست حج که برای هر حج صد هزار (درهم یا دینار) خرج شده باشد، محبوبتر است. و نیز حضرت فرمودند:
برآوردن نیاز مؤمن برتر است از هزار حج که با مناسکش پذیرفته شود و از آزاد کردن هزار بنده در راه خدا و اهدای هزار اسب با زین و لگامهایش در راه خدا [1417].

کسی که از برآوردن نیاز برادر خود امتناع کند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر مسلمانی دست نیاز به سوی مسلمانی دراز کند و او بتواند نیازش را برآورد و نکند، خداوند در روز قیامت او را سخت توبیخ کند و فرماید: برادرت برای نیاز نزد تو آمد و من برآوردن آن را در دست تو قرار دادم اما به ثواب این کار بی‌رغبتی کردی و
[صفحه 637]
دست رد به سینه‌ی او زدی. به عزت خودم سوگند که، چه دوزخی باشد یا آمرزیده، به هیچ حاجتی از تو اعتنایی نکنم [1418].

عامل دست بسته محشور شدن در روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که برادر مؤمنش در هنگام تنگدستی نیاز خود را به او بگوید و او بتواند خودش یا از طریق کسی دیگر حاجتش را روا سازد و نکند خداوند در روز قیامت وی را دست بسته به گردن محشور فرماید و تا فارغ شدن از حساب بندگانش همچنان او را نگه دارد [1419].

عامل تنهایی در دنیا و آخرت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هرگاه مؤمنی بتواند برادر خود را یاری رساند، اما کمکش نکند، خداوند در دنیا و آخرت او را تنها گذارد [1420] و نیز حضرت فرمودند:
هیچ مؤمنی نیست که از آبروی خود برای برادر مؤمنش مایه بگذارد مگر آن که خداوند روزی او را بر آتش حرام گرداند و در روز قیامت سختی و خواری به او نرسد و هر مؤمنی که از برادر مؤمن خود مقام و آبروی بیشتر داشته باشد اما در استفاده از مقام و آبروی خود برای کمک به او دریغ ورزد در دنیا و آخرت سختی و خواری
[صفحه 638]
بیند و در روز قیامت شعله‌های آتش چهره‌اش را فرو گیرد، خواه دوزخی باشد یا آمرزیده [1421].

عامل عذاب در روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هرگاه یکی از برادران ما دست حاجت به سوی یکی از شیعیان ما دراز کند و او بتواند کمکش کند و دریغ ورزد، خداوند عزوجل او را به برآوردن نیاز یکی از دشمنان ما مبتلا می‌کند و به سبب آن در روز قیامت عذاب شود [1422].

خود را مخفی نکنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که برای طلب حاجت خود یا برای سلام و احوالپرسی نزد برادر مؤمن خود رود و او خود را از وی مخفی کند، تا زنده است پیوسته نفرین خدا نثار او شود [1423] و نیز حضرت فرمودند:
هر مؤمنی که خود را از دسترس مؤمن دیگر دور نگه دارد، خداوند عزوجل میان او و بهشت هفتاد هزار حصار بکشد که میان هر حصار با حصار دیگر هزار سال راه است [1424].

ثواب کسی که برادر مؤمن خود را بپوشاند

امام صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که مؤمن برهنه‌ای را بپوشاند خداوند استبرق بهشتی بر تن او کند و هر که جامه‌ای بر تن مؤمن (اما فقیر) پوشیده کند تا تکه‌ای از آن جامه باقی است پیوسته او در پوشش خدا باشد [1425].
[صفحه 639]
و نیز حضرت فرمودند: هر که لباس زمستانی یا تابستانی به برادر خود بپوشاند، بر خدا است که از جامه‌های بهشت بر تن او کند و سختیهای مردن را بر وی آسان گرداند و در قبرش بر او گشایش دهد و آن گاه که سر از گور بردارد فرشتگان با بشارت به استقبالش روند [1426].

ثواب برآوردن نیازها

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که برای رضای خدا در راه برآوردن نیاز برادر مسلمان خود بکوشد، خداوند عزوجل هزار هزار حسنه برایش بنویسد [1427].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در ضمن حدیثی مفصل فرمودند:
اگر برای برآوردن نیاز برادر خود بکوشم تا نیازش برطرف شود نزد من خوشتر است از این که هزار بنده آزاد کنم و هزار اسب زین و لگام بسته در راه خدا هدیه کنم [1428] و نیز حضرت فرمودند:
کسی که به فکر برآوردن نیاز برادر مؤمن مسلمان خود باشد تا زمانی که در فکر نیاز او باشد خداوند در کار نیاز وی باشد [1429].

محبوب‌ترین مردم نزد خدا چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای عزوجل فرموده است: مردم خانواده‌ی من هستند، پس محبوبترین آنان نزد من کسانی هستند که با مردم مهربانتر و در راه برآوردن نیازهای آنان کوشاتر باشند [1430].
[صفحه 640]
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه‌ی (و هر جا باشم مرا با برکت قرار داد)، (و جعلنی مبارکا اینما کنت) فرمود: یعنی سودمند بودن [1431].

در برآوردن نیازها شتاب کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هرگاه مردی دست نیاز به سوی من دراز کند، در رفع نیاز مشکل او شتاب می‌ورزم، زیرا بیم آن می‌رود که کار از کار بگذرد و اقدام من در کمک به او دیگر به کارش نیاید [1432].

از تازه به دوران رسیده‌ها حاجت مخواهید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر دست خود را تا آرنج در دهان اژدها کنی بهتر است تا اینکه دست نیاز به سوی تازه به دوران رسیده‌ها دراز کنی [1433].
[صفحه 642]

بغض و نفرت

منفورترین خلق چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
منفورترین خلق خدا بنده‌ای است که مردم از زبان او بترسند [1434].

منفورترین کار نزد خدای متعال

خداوند از پرخوابی و بیکاری زیاد نفرت دارد [1435].

سه عمل منفور نزد خداوند سبحان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز است که خداوند آنها را دشمن دارد: خوابیدن در روز بدون شب زنده‌داری، خنده‌ی بی‌دلیل و غذا خوردن از روی سیری [1436].
و نیز حضرت فرمودند: مردی از خثعم خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) آمد و عرض کرد: کدام کار نزد خدای عزوجل منفورتر است؟ حضرت فرمودند: شرک ورزیدن به خدا. عرض کرد: دیگر چه؟ فرمودند: بریدن از خویشاوندان. عرض کرد: سپس چه؟ حضرت فرمودند: امر به منکر و نهی از معروف [1437].

عوامل نفرت و دشمنی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز نفرت و دشمنی آورد: دورویی، ستمگری و خودپسندی [1438].
[صفحه 645]

بلا و آزمایش

مراد از امر و نهی خداوند چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از امر و نهی خدا هیچ گرفتگی و گشایشی صورت نمی‌گیرد مگر از جانب خدای عزوجل در آن آزمایش و حکمی است [1439].

فقر و غنا آزمایش خداوند است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
امیرالمؤمنین علیه‌السلام بیمار شدند و گروهی عیادت آن حضرت رفتند و عرض کردند: چگونه صبح کردید ای امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: با بدی. عرض کردند: سبحان الله! چنین سخنی از چون شمایی؟ فرمودند: خدای تعالی فرماید: (و شما را با خوبی و بدی می‌آزماییم...)، (و نبلوکم بالشر و الخیر فتنه) (انبیاء 35) خوبی همان تندرستی و توانگری است و بدی همان بیماری و ناداری. و این هر دو برای آزمایش و امتحان است [1440].

چشیدن بلا از آن چه کسی است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پیامبران بیش از همه سختی بلا را می‌چشند، پس از آنها جانشینان و پیروانشان و سپس به ترتیب کسانی که نزد خدا مقامی ارجمندتر دارند [1441].

مراد از «دنیا زندان مؤمن است» چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دنیا زندان مؤمن است؛ از کدام زندان خیری می‌رسد؟ [1442].
[صفحه 646]

دوره‌ی سختیها کوتاه است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اهل حق همیشه در سختی بوده‌اند؛ اما بدانید که دوره‌ی این سختی کوتاه است و سرانجامش آسایش طولانی است [1443].

بر گرفتاریهای زمان خود صبوری کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه (و در کتاب از اسماعیل یاد کن...)، (و اذکر فی الکتاب اسماعیل...) فرمودند:
خداوند قوم اسماعیل را بر او مسلط کرد و آنها پوست سر و صورتش را کندند... و این اسماعیل آن اسماعیل پسر ابراهیم نیست [1444].
و نیز حضرت فرمودند: پیش از شما مردمی بودند که کشته می‌شدند، سوخته می‌شدند، اره می‌شدند و زمین با همه فراخی بر آنان تنگ می‌گشت ولی هیچ یک از اینها آنان را از عقیده‌شان، همان که شما هم دارید، رویگردان نمی‌کرد. آنان نه ستمی کرده و نه آزاری رسانده بودند که سزاوار این کیفر باشند بلکه تنها بدین سبب از آنان انتقام می‌کشیدند که به خدای توانا و ستوده ایمان داشتند از خدا بخواهید که درجات آنان را به شما عطا فرماید. بر سختیها و گرفتاریهای زمان خود صبوری ورزید تا به پای آنها برسید [1445].

مؤمن بر انواع بلاها آزمایش می‌شود

از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام پرسیده شد:
آیا مؤمن به جذام و پیسی و امثال آن مبتلا می‌شود؟ حضرت فرمودند: مگر بلا جز برای مؤمن نوشته و مقدر شده است؟! [1446].
[صفحه 647]

مؤمنین به دل نگیرید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند عزوجل فرموده است: اگر بنده‌ی مؤمن به دل نمی‌گرفت هر آینه سر کافر را دستاری آهنی می‌بستم تا هرگز سر درد نگیرد [1447].

توانگران و تهیدستان به امر و نهی و صبر و رضا آزمایش می‌شوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه: (اگر نه آن بود که همه مردم یک امت می‌شدند...)، (لولا ان یکون الناس امة واحدة) (زخرف / 33 و 34)
فرمودند:
اگر خدا چنین می‌کرد هیچ کس ایمان نمی‌آورد. اما او در میان مؤمنان توانگران و تهیدستان قرار داد و در میان کافران نیز توانگرانی و تهیدستانی. آن گاه آنان را با امر و نهی و صبر و رضا بیازمود [1448].

مراد از بخشش های الهی چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مصیبتها هدیه‌ها و بخششهایی هستند از سوی خداوند و فقر در خزانه‌ی خدا نگهداری می‌شود (آن را جز به بندگان خاصش ندهد.) [1449].

منظور از زیور مؤمن چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 648]
بلا و گرفتاری برای مؤمن زیور است و کرامتی است برای کسی که خرد ورزد. زیرا گرفتار بلا شدن و شکیبایی و پایداری کردن در برابر آن ایمان را استوار می‌گرداند [1450].

مقصود از کرامتهای خداوند متعال چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تعالی هیچ بنده‌ای را از آدم تا محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) نستود مگر پس از آن که وی را دچار بلا ساخت و او در آن بلا حق بندگی را ادا کرد. پس کرامتهای خداوند در حقیقت پایانه‌هایی است که آغاز آنها بلا است [1451].
و نیز حضرت فرمودند:
همانا بلایای خداوند آکنده از کرامتهای جاودانه او است و رنج و محنتهایش، اگر چه پس از مدتی، خشنودی و قرب او را به بار می‌آورد [1452].

مراد از بندگان ناب و خالص خداوند متعال چه کسانی هستند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای عزوجل در روی زمین بندگانی دارد ناب و خالص که هیچ تحفه و هدیه‌ای از آسمان به زمین نمی‌فرستد مگر اینکه آن تحفه را نصیب دیگران می‌کند و هیچ بلایی نمی‌فرستد مگر اینکه آن را متوجه ایشان می‌گرداند [1453].

وسیله‌ی تنبه مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 649]
مؤمن چهل شب را سپری نمی‌کند جز آن که پیشامدی برایش شود که غمگینش سازد تا بدان وسیله متنبه گردد [1454].
و نیز حضرت فرمودند:
هرگاه خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد و او گناهی ورزد در پی آن گناه به مصیبتی گرفتارش سازد تا او را به یاد استغفار اندازد. و هرگاه خداوند برای بنده‌ای شر و بدی خواهد و او گناهی ورزد و در پی آن به او نعمتی بخشد تا آمرزش خواهی را از یادش ببرد و آن گناه را ادامه دهد. این است فرموده‌ی خدای عزوجل که: (از راهی که خود نمی‌دانند به تدریج آنان را فرو می‌گیریم)، (سنستدرجهم من حیث لا یعلمون) (اعراف / 182) یعنی به وسیله ی دادن نعمت در هنگامی که گناه می‌ورزند [1455].
و نیز حضرت فرمودند: هیچ مؤمنی نیست مگر آن که هر چهل روز یک بار به وسیله بلا و گرفتاری متنبه می‌شود. این بلایا به مال او می‌رسد یا به فرزندش یا به خودش که پاداش آن را می‌بیند و یا اندوهی به او می‌رسد که نمی‌داند از کجا رسیده است [1456].

شرط دوستی خداوند متعال

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هرگاه خداوند مردمی یا بنده‌ای را دوست بدارد بر سر او بلا می‌ریزد و از غمی به در نمی‌آید مگر آن که در غمی دیگر فرو می‌افتد [1457].

بلا به فراخور ایمان است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 650]
مؤمن مانند کفه‌ی ترازو است که هر چه بر ایمانش افزوده شود بلا و گرفتاریش فزونی گیرد [1458] و نیز حضرت فرمودند:
پیامبری نزد قوم خود می‌آمد و آنان را به فرمانبری از خدا فرمان می‌داد و آنان را به یکتاپرستی فرا می‌خواند و سر پناهی که شب را در آن بگذراند نداشت. نمی‌گذاشتند سخنش تمام بشود و به حرفهایش گوش نمی‌دادند و او را می‌کشتند. راستی که خدای تبارک و تعالی بندگان خود را به فراخور قدر و منزلتی که نزد او دارند مبتلا می‌کند [1459].

مراد از پاداش دادن خداوند چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به پرسش از آیه: (هر مصیبتی به شما می‌رسد...)، (و ما اصابکم من مصیبة) آیا می‌پنداری آنچه بر سر علی علیه‌السلام و خاندان او آمد، دستاورد خودشان بود؟ حالی که آنان پاک و معصوم بودند. فرمودند:
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بی‌آنکه گناهی کرده باشد شبانه‌روزی صد بار به درگاه خدا توبه و استغفار می‌کردند خداوند اولیای خود را بی‌آنکه گناهی کرده باشند، به مصائب گرفتار می‌سازد تا بدین وسیله پاداششان دهد [1460].

عامل رسیدن به منزلت بهشت چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: همانا در بهشت منزلتی است، هیچ بنده‌ای بدان نرسد مگر با بلایی که (در دنیا) به بدنش می‌رسد [1461] و نیز حضرت فرمودند: بنده را نزد خدا مقام و منزلتی است که بدان نرسد مگر با یکی از این دو:
[صفحه 651]
از بین رفتن مال و دارایی‌اش یا رسیدن بلایی به جسمش [1462].

از خداوند متعال بلا نخواهید

به حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام عرض شد:
از ابوذر (ره) نقل می‌شود که گفته است: مردم از سه چیز بدشان می‌آید ولی من آنها را دوست دارم: مرگ را دوست دارم، فقر را دوست دارم و بلا را دوست دارم. حضرت فرمودند: این نقل قول درست نیست، بلکه منظور ابوذر این است که مرگ در راه طاعت خدا را خوشتر دارم از زندگی همراه با معصیت خدا و فقر در راه اطاعت خدا را دوست‌تر دارم تا ثروت همراه با نافرمانی خدا و بلا و سختی دیدن در راه طاعت خدا برایم خوشایندتر است از سلامتی و عافیت همراه با معصیت خدا [1463].

مبتلا شدن مؤمن به سود او است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از وحی‌های خدا به موسی علیه‌السلام [این بود که:] آفریده‌ای نیافریده‌ام که نزد من محبوبتر از بنده‌ی مؤمنم باشد. او را مبتلا می‌سازم چون برایش بهتر است؛ به او عافیت می‌بخشم چون برایش بهتر است، از او می‌گیرم و محرومش می‌سازم چون برایش بهتر است. من بهتر می‌دانم که چه چیز بنده‌ی مرا اصلاح می‌کند؛ پس باید که بر بلای من صبور باشد و از نعمتهایم سپاسگزار و از حکم و قضای من خشنود، تا او را در شمار بندگان صدیق خود نویسم [1464].

سخت‌ترین آزمایش بندگان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدا بندگان را به چیزی سخت‌تر از بذل و بخشش مال نیازموده است [1465].
[صفحه 652]

مراد از آرزوی مرگ چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز است که هر کس به یکی از آنها گرفتار شود آرزوی مرگ کند:
فقر پیاپی، محرومیت رسوا و دشمن چیره (و غالب) [1466].
و نیز حضرت فرمودند: سه چیز است که هر کس به یکی از آنها گرفتار آید آسیمه سر شود:
نعمت از دست رفته، زن بدکار و داغ عزیز [1467].

اثر بلا روی بلا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هرگاه بلا روی بلا بیاید از بلا رهایی حاصل آید [1468].

دعا در هنگام دیدن شخص بلازده

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هرگاه دیدی مردی به بلایی دچار است و خداوند به تو نعمت ارزانی داشته بگو: خدایا! مسخره نمی‌کنم و به خود نمی‌بالم اما تو را به سبب نعمتهای بزرگی که به من داده‌ای سپاس می‌گویم [1469].
[صفحه 654]

بازرگانی و تجارت

عامل افزایش خرد انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
تجارت کردن خرد را می‌افزاید [1470].
و نیز حضرت فرمودند: تجارت نکردن خرد را می‌کاهد [1471].

خانواده‌ی خود را در رفاه و آسایش قرار دهید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به معاذ فرمودند:
ای معاذ! از تجارت خسته و ناتوان شده‌ای یا به آن بی‌رغبت گشته‌ای؟
عرض کردم: نه ناتوان و خسته شده‌ام و نه بی‌رغبت. حضرت فرمودند: پس تو را چه شده است؟ عرض کردم: منتظر چیزی بودیم و آن زمانی بود که ولید کشته شد. و من ثروت زیادی داشتم و اینک نیز دارم و به هیچ کس هم بدهکار نیستم و فکر نمی‌کنم تا آخر عمرم تمام شود. حضرت فرمودند: تجارت را ترک می‌کنی در صورتی که تجارت نکردن خرد را می‌برد؛ خانواده‌ات را در رفاه و آسایش قرار بده و کاری نکن که آنها برای تهیه هزینه زندگیت کار کنند [1472].

تجارت مایه‌ی اعتبار انسان است

حضرت امام علیه‌السلام از [احوال] معاذ کرباس‌فروش جویا شد، عرض شد: ترک تجارت کرده است. حضرت فرمودند:
کار شیطان است. کسی که تجارت را رها کند دو سوم عقلش پریده است. مگر نمی‌داند که کاروانی از شام آمد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از آن کالا خرید و با آنها تجارت کرد و سودی برد که با آن وام خود را پرداخت [1473].

عوامل روزی انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 655]
روزی بعضی مردم در تجارت است و روزی برخی در شمشیر و روزی پاره‌ای دیگر در زبانشان [1474].

شرط تجارت نمودن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس بخواهد تجارت کند باید احکام دین خود را بیاموزد تا حلال را از حرام باز شناسد. کسی که احکام دین خود را نیاموزد و تجارت کند در کام شبهات فرو غلتد [1475].

ثواب پذیرفتن تقاضای فسخ معامله

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هرگاه مسلمانی از معامله پشیمان شود و تقاضای فسخ کند و مسلمان طرف دیگر معامله تقاضای فسخ معامله را بپذیرد خداوند در روز رستاخیز از لغزشهای او درگذرد [1476].

عوامل لطف خداوند متعال

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چهار کسند که خداوند در روز رستاخیز به آنان (به دیده‌ی لطف) نظر می‌کند: کسی که تقاضای فسخ معامله را از آنکه پشیمان شده است بپذیرد، یا اندوه غمزده‌ای را بزداید، یا بنده‌ای را آزاد کند، یا ازدواج ناکرده را همسر دهد [1477].
[صفحه 656]

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
امیرالمؤمنین علیه‌السلام رد می‌شدند، دیدند دختری از قصاب گوشت خریده و می‌گوید: سنگین‌تر بکش. حضرت به قصاب فرمودند: بیشتر بده؛ زیرا این کار برکتش بیشتر است [1478] و نیز حضرت فرمودند:
حق مشتری ادا نخواهد شد مگر آنکه کفه‌ی ترازو به نفع او بچربد و سنگین‌تر شود [1479].

برکت غذا با پیمانه نمودن آن است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به مسمع کردین فرمودند:
ابوسیار! زمانی که آشپزت می‌خواهد غذا درست کند به او دستور بده آن را پیمانه کند زیرا برکت در غذایی است که با پیمانه تهیه شود [1480].

مراد از سود گرفتن مؤمن از مؤمن چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سود گرفتن مؤمن از مؤمن رباست مگر اینکه جنسی را به بیشتر از صد درهم بخرد در این صورت به اندازه‌ی خوراک روزانه‌ات روی قیمت آن بکش. یا این که برای تجارت کردن بخرد که در این صورت نیز از آنان سود بگیرد ولی مدارا کنید [1481].
و نیز از حضرت درباره‌ی این روایت که سود گرفتن مؤمن از مؤمن رباست سؤال شد. حضرت فرمودند:
این زمانی است که حق حاکم شود و قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما خاندان قیام کند. اما امروزه اشکالی ندارد [1482].
[صفحه 657]

سه نفر بدون حساب وارد بهشت می‌شوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند سه نفر را بدون حسابرسی وارد بهشت می‌کند:
پیشوای دادگر، تاجر راستگو و پیری که عمر خود را در طاعت خدا گذرانده باشد [1483].

کار تجارت را رها نکنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام از شغل یکی از اصحاب خود پرسیدند:
عرض کرد:
فدایت شوم، من تجارت را کنار گذاشتم؛ حضرت فرمودند: چرا؟ عرض کرد: منتظر این امر (روی کار آمدن دولت و حکومت شما) هستم. حضرت فرمودند: این از شما تعجب است، ثروتتان از بین می‌رود. از تجارت دست مکش و فضل و برکت خدای را بجوی، حجره‌ی خود را بگشای و بساط کسب و کارت را پهن کن و از پروردگارت روزی بطلب [1484].

کمتر وام بگیرید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کمتر وام بگیرید که قرض کم داشتن عمر را زیاد می‌کند [1485].

جزای پرداخت نکردن بدهکاری

معاویة بن وهب (می‌گوید):
به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: که نقل می‌شود مردی از انصار وقتی مرد دو دینار بدهکار بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر او نماز نخواند و فرمودند: بر دوست خود نماز
[صفحه 658]
بخوانید. تا آنکه یکی از نزدیکان او پرداخت آن دو دینار را به عهده گرفت (آیا این موضوع صحت دارد؟) امام صادق علیه‌السلام فرمودند: درست است. سپس فرمودند:
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این کار را کرد تا مسلمانان عبرت بگیرند و بدهکاریهای خود را به یکدیگر بپردازند و موضوع وام را سبک نگیرند. (و مگر نه اینکه) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وقتی رحلت فرمودند بدهکار بودند، حسن علیه‌السلام بدهکار به شهادت رسیدند و حسین علیه‌السلام وقتی به شهادت رسیدند بدهکار بودند [1486].

آفت احتکار گندم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای عزوجل با نعمت دانه (گندم) بر بندگانش منت نهاد و شپش را آفت آنها قرار داد و اگر نه چنین بود زمامداران آن را نیز همچون زر و سیم می‌اندوختند [1487].

بدترین مردم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بدترین مردم، بازرگانان خیانتکارند [1488].
[صفحه 660]

قم و قیام قائم آل محمد

منزلت و عظمت شهر قم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند کوفه را برای دیگر جاها و مؤمنان آن را برای مؤمنان دیگر سرزمینها حجت قرار داد و شهر قم را برای سایر شهرها و مردم آن را برای همه‌ی اهالی شرق و غرب عالم، از جن و انس، حجت قرار داد.
خداوند شهر قم و مردم آن را مستضعف و ناتوان رها نکرد بلکه آنان را توفیق داد و تأیید نمود.
روزگاری خواهد آمد که شهر قم و مردمان آن بر دیگر مردمان حجت باشند. آن روزگار از زمان غیبت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما است تا هنگام ظهورش. اگر چنین نبود زمین اهل خود را در کامش فرو می‌برد. فرشتگان بلایا را از قم و مردم قم دور می‌کنند. هیچ ستمگری آهنگ بدی به آنان نکند مگر آنکه در هم شکننده ستمگران او را در هم شکند [1489].

ظهور علم و دانش در شهر قم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به زودی کوفه از مؤمنان تهی خواهد گشت و علم و دانش از آن رخت برخواهد بست همانند ماری که در سوراخش پنهان شود. آن گاه دانش و علم در شهری آشکار خواهد شد به نام قم. این شهر مکان دانش و فضیلت می‌شود، تا آنجا که بر روی کره‌ی زمین کسی نمی‌ماند که در دین ضعیف و ناتوان باشد. حتی زنان پرده‌نشین؛ و این نزدیک ظهور قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما است.
خداوند قم و مردم آن را جانشین حجت می‌کند. اگر چنین نبود هر آینه زمین اهل خود را فرو می‌بلعید و در روی زمین حجتی باقی نمی‌ماند. علم و دانش از این شهر به شهرهای دیگر در شرق و غرب عالم سرازیر می‌شود و بدین‌سان حجت
[صفحه 661]
خدا بر بندگانش نمی‌ماند که دین و دانش به او نرسیده باشد. سپس قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور می‌کند [1490].

چرا قم را قم نامیده‌اند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به عفان بصری فرمودند:
آیا می‌دانی چرا گفته‌اند قم؟ عرض کردم: خدا و رسولش و شما بهتر می‌دانید. حضرت فرمودند: از آن رو قم را قم نامیده‌اند که مردم آن بر گرد قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آل محمد (صلوات الله علیه) فراهم آیند و همراه او قیام کنند و در راه او پایداری می‌ورزند و یاریش می‌رسانند [1491].

مراد از گروه جنگاوران زورمند چه کسانی هستند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه‌ی: (گروهی از بندگان خویش را که جنگاورانی بودند بر سر شما فرستادیم که حتی در درون خانه‌ها هم کشتار کردند)، (بعثنا علیکم عبادا لنا اولی بأس شدید فجاسوا خلال الدیار) فرمودند:
اینان مردمی هستند که خداوند پیش از ظهور قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌فرستد و آنان هر کس را که به خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم ستم کرده باشد می‌کشند [1492].

علت نام‌گذاری حضرت قائم به مهدی

آن گاه که از علت نامگذاری قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مهدی پرسیده شد: حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چون او به هر امری نهانی رهنمون می‌شود [1493].
[صفحه 662]

مقام کسی که چشم به راه حضرت مهدی است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که منتظر و چشم به راه دوازدهمین (امام) باشد مانند کسی است که با شمشیر آخته از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دفاع می‌کند [1494].
[صفحه 664]

آداب مجلس

مکان نشستن رسول خدا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه وارد منزلی می‌شدند در پایین‌ترین جای مجلس می‌نشستند [1495].

با چه کسی نباید همنشینی کرد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه: (و در این کتاب بر شما نازل کرد...)، (و قد نزل علیکم فی الکتاب...) (نساء / 140) فرمودند: مقصود این است که [هرگاه شنیدید کسی] حق را انکار و تکذیب می‌کند و از امامان بد می‌گوید: از نزد چنین کسی برخیز و با او همنشینی مکن، هر که می‌خواهد باشد [1496].

مکانی که مؤمن در آن جا نباید بنشیند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سزاوار نیست مؤمن در مجلسی بنشیند که درآن معصیت خداوند می‌شود و او نمی‌تواند آن وضع را تغییر دهد [1497].

در جای شبهه‌انگیز نایستید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که به خدا و روز واپسین ایمان دارد نباید در جای شبهه‌انگیز بایستد [1498].

محفلی که در آن ذکر خدا نباشد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 665]
هرگاه عده‌ای در محفلی گرد آیند و در آن ذکر خدا و ما نکنند آن محفل در روز قیامت برای آنان مایه‌ی دریغ خواهد بود [1499].

فضیلت مجالس نشست و گفتگو

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به فضیل فرمودند:
آیا با هم می‌نشینید و گفتگو می‌کنید؟ عرض کرد: آری، فدایت شوم.
حضرت فرمودند: من این مجالس را دوست دارم. ای فضیل! راه ما را زنده نگه دارید. رحمت خدا بر آن که امر ما را زنده کند. ای فضیل! هر کس از ما یاد کند یا در حضور او از ما یاد شود و از چشمش به اندازه پر مگسی اشک در آید خداوند گناهان او را ببخشد اگر چه از کفهای دریا فزونتر باشد [1500].

دعای برخاستن از مجلس

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه از مجلسی بر می‌خاستند، اگر چه زمانی کوتاه در آن جا نشسته بودند، بیست و پنج مرتبه از خدا آمرزش می‌طلبیدند [1501].
[صفحه 667]

بهشت

مراد از بهای بهشت چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
جمله «لا اله الا الله» بهای بهشت است [1502].

عوامل وجوب بهشت بر انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه کار است که هر کس یکی از آنها را انجام دهد خداوند بهشت را بر او واجب گرداند: انفاق کردن در تنگدستی، خوشرویی با همه عالم و انصاف داشتن [1503].

عوامل ضمانت بهشت بر انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چه کسی چهار چیز را به من تضمین می‌دهد تا من چهار خانه در بهشت برای او تضمین کنم؟ انفاق کن و از تنگدستی مترس، سلام را در جهان رواج ده، بحث و جدل را واگذار هر چند حق با تو باشد و با مردم به انصاف رفتار کن [1504].

ثواب اعتراف به امامت علی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تبارک و تعالی به مؤمن تضمین داده است که... اگر به ربوبیت او و پیامبری محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امامت علی اعتراف کند و فرایض او را به جا آورد وی را در جوار خود سکنا دهد [1505].

سه گروه وارد بهشت نمی‌شوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 668]
خدای تبارک و تعالی به خود سوگند یاد کرده است که سه گروه را در بهشت جای ندهد: کسی که فرمان خدای عزوجل را رد کند یا کسی که از فرمان امام هدایت‌گر سر برتابد و کسی که حق مؤمنی را نپردازد [1506].

عالی‌ترین نعمت بهشت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند را در هر روز جمعه بر بندگان مؤمن خود کرامت و بخششی است... هرگاه گرد هم آیند پروردگار تبارک و تعالی برایشان جلوه کند و چون به او بنگرند به سجده درافتند [1507].

مؤمنان در بهشت چه کسانی هستند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در توصیف مؤمنان در بهشت فرمودند:
خدای تبارک و تعالی فرماید: ای بندگان راستین من! در دنیا از نعمت عبادت من برخوردار شوید؛ زیرا در آخرت به آن متنعم می‌شوید [1508].

مراد از عطا کردن نیکویی در دنیا و آخرت چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه: (پروردگار ما! در دنیا و آخرت به ما نیکویی عطا فرما)، (ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الاخرة الحسنه) فرمودند: نیکویی در آخرت همان خشنودی خدا و بهشت است و در دنیا وسعت روزی و معاش و خوشخویی [1509].

کمترین فرد بهشت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 669]
کمترین فرد بهشت چنان است که اگر جن و انس میهمان او شوند همه را از خوراک و آشامیدنی پذیرائی کند و از آنچه دارد چیزی کم نشود [1510].

کمترین نعمت بهشتیان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کمتر نعمت بهشتیان چنان است که بویش از فاصله هزار سال به مسافت دنیا به مشام می‌رسد [1511].

پاداش گوش نکردن به ساز و آواز

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در بهشت درختی است که بادهای بهشت به فرمان خدا وزیدن می‌گیرند و آن درخت آهنگهایی می‌زند که خلایق به زیبایی آنها نشنیده‌اند آن گاه حضرت فرمودند: این پاداش کسانی است که در دنیا از ترس خدا، گوش سپردن به ساز و آواز را ترک کرده باشند [1512].

برای رسیدن به درجات بهشت با هم رقابت کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به خدا سوگند احدی از شما به دوزخ نمی‌رود. پس برای رسیدن به درجات (بهشت) با هم رقابت کنید و با پارسایی دل دشمن خود را دردمند سازید [1513].

اعراف چه مکانی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اعراف بلندیهایی است میان بهشت و دوزخ و آن مردان (اعراف 46 و 48) همان امامان (صلوات الله علیهم) هستند که با پیروان خود بر فراز این تپه‌ها و بلندیها می‌ایستند [1514].
[صفحه 671]

جهاد و مبارزه با نفس

جهاد کردن در رکاب پیشوایی دادگر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
جهاد کردن، در رکاب پیشوایی دادگر واجب است [1515].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نفس خود را چون دشمنی دان که با او مبارزه می‌کنی و عاریه‌ای که باید برگردانی؛ زیرا تو طبیب نفس خویش قرار داده شده‌ای، نشانه‌ی سلامتی به تو شناسانده شده و درد و بیماری برایت روشن گشته است و به دارو راهنمایی شده‌ای. پس، بنگر که با نفس خود چه می‌کنی [1516].

در طاعت خدا از جان مایه بگذارید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در طاعت خدا از جان مایه بگذارید؛ زیرا هیچ یک از خوبیها و ثوابهایی که نزد او است به دست نمی‌آید مگر با فرمانبری از او و پرهیز از حرامهایش [1517].

عوامل واسطه شدن میان خدا و بندگان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بدانید که میان خدا و بندگانش نه فرشته مقربی واسطه شود نه پیامبر مرسل و نیز هیچ کس دیگر مگر طاعتشان از خداوند؛ پس در طاعت خدا بکوشید [1518].
[صفحه 673]

دوزخ و دوزخیان

کمند و زنجیرهای دوزخ

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام از قول جبرئیل علیه‌السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
اگر یک حلقه از آن زنجیر هفتاد گزی به زمین افکنده شود از گرمای آن دنیا گداخته گردد [1519].

جامه‌ی دوزخیان

از گفته‌های جبرئیل به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم [است که:] اگر یکی از جامه‌های دوزخیان میان آسمان و زمین آویخته شود همه مردم دنیا از بوی آن بمیرند [1520].

اثر قطره‌ی ضریع (خار خشک)

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از قول حضرت جبرئیل علیه‌السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم [است که:] اگر قطره‌ای از ضریع (خار خشک) در آب آشامیدنی مردم دنیا بچکد از بوی گند آن همگی بمیرند [1521].

عوامل دوزخی شدن مرد و زن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه خوی است که اگر در مرد باشد مترس و بگو: او دوزخی است: خشونت و بزدلی و بخل سه خوی است که اگر در زن باشد بی‌پروا بگو: او دوزخی است. بی‌حیایی، خودستایی و فخرفروشی [1522].

سبک‌ترین عذاب در روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سبک‌ترین عذاب روز قیامت عذاب مردی است که در آتشی کم عمق جا دارد و دو کفش و دو بند کفش از آتش به پا دارد. از گرمای آن آتش مغزش همچون دیگ به
[صفحه 674]
جوش می‌آید و فکر می‌کند که در دوزخ از عذاب او سخت‌تر نیست در صورتی که عذاب او در دوزخ سبک‌ترین عذاب است [1523].

سقر دره‌ی متکبران در روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در جهنم بر متکبران دره‌ای است به نام سقر. آن دره از شدت گرمای خود به خداوند عزوجل شکایت برد و خواهش کرد اجازه دهد تا نفسی بکشد. پس، نفسی کشید که دوزخ را سوزاند [1524].

اثر یکتاپرستی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تبارک و تعالی به عزت و جلال خود سوگند یاد کرده است که یکتاپرستان را هرگز در آتش عذاب ندهد [1525].
و نیز حضرت فرمودند: خدای تبارک و تعالی پیکرهای یکتاپرستان را بر آتش حرام کرده است [1526].

علت جاودانگی در دوزخ

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دوزخیان از این رو در آتش جاویدانند که در دنیا نیتشان این بود که چنانچه تا ابد زنده بمانند تا ابد خدا را نافرمانی کنند و بهشتیان نیز از این رو در بهشت جاویدانند که در دنیا بر این نیت بودند که اگر برای همیشه ماندگار باشند برای همیشه نیز خدا را فرمان برند. پس، جاودانگی هر دو گروه به سبب نیتشان است.
[صفحه 675]
آن گاه حضرت این آیه را تلاوت نمودند: (بگو هر کس طبق شاکله ی خود عمل می‌کند)، (قل کل یعمل علی شاکلته) یعنی طبق نیت خود [1527].

مراد از منزل بهشت و دوزخ چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند هیچ آفریده‌ای نیافرید مگر آن که برایش منزلی در بهشت و منزلی در دوزخ قرار داد که اینان (بهشتیان) جایگاه آنان (دوزخیان) را به ارث می‌برند و آنان جایگاه اینان را، این است فرموده‌ی خداوند که: (آنان همان وارثانی هستند که بهشت برین را به ارث می‌برند...)، (اولئک هم الوارثون الذین یرثون الفردوس...) [1528].
[صفحه 677]

همسایگی

عامل زیاد شدن رزق و روزی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حسن همسایگی روزی را زیاد می‌کند [1529].

عامل آباد شدن خانه‌ها و افزایش عمر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حسن همسایگی خانه‌ها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند [1530].

حسن همسایگی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بر شما باد به حسن همسایگی که خداوند به این کار فرمان داده است [1531].

همسایه‌ی خود را آزار ندهید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مردی از انصار خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: من از بنی فلان خانه‌ای خریده‌ام و نزدیکترین همسایه‌ام کسی است که امیدی به خیر و خوبی او ندارم و از شر و بدیش در امان نیستم. پس، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه‌السلام و سلمان و ابوذر - و یکی دیگر که فراموش کرده‌ام و فکر می‌کنم مقداد باشد - (فراموشی از راوی، یعنی عمرو بن عکرمه) دستور فرمودند: با تمام قدرت در مسجد اعلام کنند ایمان ندارد هر آن کس که همسایه‌اش از شر او در امان نباشد. آنان سه بار این سخن را اعلام کردند [1532].
[صفحه 680]

محبت و دوستی

عوامل دوستی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز دوستی می‌آورد: دینداری، تواضع و بخشندگی [1533].

دوستی مردم را به خود جلب کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رحمت خدا بر آن بنده‌ای که دوستی مردم را به خود جلب کند و با آنان در حد فهم و شناختشان سخن بگوید و از گفتن آنچه توان فهمش ندارند و انکار می‌کنند خودداری کند [1534].

نشانه‌ی محبت

نشانه‌ی محبت ترجیح دادن محبوب است به هر چه جز او است [1535].

شرط ایمان ناب و خالص

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ایمان انسان به خدا ناب و خالص نباشد مگر آن که خداوند را از خودش و پدر و مادر و فرزند و زن و مالش و از همه‌ی مردم بیشتر دوست بدارد [1536].
و نیز حضرت در دعای خود فرمودند:
آقای من، من گرسنه سیری ناپذیری محبت توأم، من تشنه‌ی سیراب ناشدنی محبت توأم، وه که این چه شوقی است به کسی که او مرا می‌بیند و من او را نمی‌بینم [1537].
[صفحه 681]

دل، حرم خداوند است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دل، حرم خدا است، پس جز خدا را در حرم خدا منشان [1538].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در دعای خود در هنگام حلول ماه مبارک رمضان فرمودند:
بر محمد و خاندان او درود فرست و دلم را به مقام والای خودت مشغول دار و دوستی و محبتت را به سوی آن فرست تا دیدارت کنم در حالی که از رگهای گردنم خون بیرون می‌جهد [1539].

ایمان، دوستی و دشمنی است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به این سؤال که آیا دوستی و دشمنی جزء ایمان است؟ حضرت فرمودند:
مگر ایمان جز دوستی و دشمنی است؟ [1540].
و نیز حضرت فرمودند:
آیا دین جز دوستی و محبت است؟ خدای عزوجل می‌فرماید: (بگو اگر خدا را دوست می‌دارید از من پیروی کنید تا خداوند دوستتان بدارد)، (قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله) [1541].

عامل محبوب شدن بنده

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تبارک و تعالی فرموده است: بنده با هیچ وسیله‌ای محبوبتر از آنچه بر او فرض کرده‌ام محبوب من نمی‌شود [1542].
[صفحه 682]

عامل دوستی با خداوند عزوجل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دوستی خداوند عزوجل را جستم آن را در دشمنی با گنهکاران یافتم [1543].

اثر کنار کشیدن مؤمن از دنیا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هرگاه مؤمن از دنیا کنار کشد بلند مرتبه گردد و شیرینی محبت خدا را دریابد و نزد دنیاپرستان چون دیوانه نماید، در صورتی که شیرینی محبت خدا با آنها در آمیخته است و از این رو، جز به او، دل مشغول نکرده‌اند [1544].

محبوبترین مردم نزد خدا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بدانید که محبوبترین مؤمنان نزد خدا کسی است که مؤمن تهیدست را از ناداری نجات دهد و در امور مادی و زندگیش به او یاری رساند و کسی که مؤمنان را کمک کند و سود رساند و ناراحتی آنها را برطرف سازد [1545].
و نیز حضرت فرمودند: محبوبترین کس نزد خدای عزوجل آن است که در گفتارش راستگو باشد و در نمازگزاردن نماز و آنچه خدا بر او واجب کرده است مواظبت کند و امانت‌پرداز باشد [1546].

مردم خانواده‌ی خداوندند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای عزوجل فرموده است: مردم خانواده‌ی منند؛ پس محبوبترین آنها نزد من کسی است که با آنان مهربانتر و در راه برآوردن نیازهای آنها کوشاتر باشد [1547].
[صفحه 683]

محبوبترین کارها نزد خداوند عزوجل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
یکی از محبوبترین کارها نزد خدای عزوجل شاد کردن مؤمن است؛ برطرف کردن گرسنگی‌اش، یا زدودن اندوهش، یا پرداختن قرضش می‌باشد [1548].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
یکی از محبوبترین کارها نزد خدای عزوجل شاد کردن مؤمن است؛ برطرف کردن گرسنگی‌اش، یا زدودن اندوهش، یا پرداختن قرضش می‌باشد [1549].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
یکی از محبوبترین کارها نزد خدای تعالی، زیارت قبر حسین علیه‌السلام است [1550].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس خوشحال می‌شود که بداند خداوند دوستش دارد یا نه، به فرمانهای خدا عمل کند و از ما پیروی نماید. آیا نشنیده است سخن خدای عزوجل را به پیامبرش که: (بگو اگر خدا را دوست دارید...)، (قل ان کنتم تحبون الله...) (آل عمران / 31) [1551].
و نیز حضرت فرمودند: هرگاه خدای عزوجل بنده‌ای را دوست بدارد به او طاعت خود را الهام فرماید، قناعت را پیشه‌ی او کند، در دین فقیه و آگاهش گرداند، جانش را نیرو بخشد، با همان کفاف زندگیش را بگذارند و جامه‌ی عفت بر او بپوشد و هرگاه خداوند بنده‌ای را دشمن دارد او را مالدوست گرداند، آرزوهایش را دراز کند، دنیا را به ذهن او افکند، او را به خواهشهای نفسش واگذارد، پس بر مرکب عناد بنشیند و بساط تبهکاری را بگستراند و بر بندگان ستم روا دارد [1552].

ملاک منزلت بنده در نزد خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 684]
هر کس می‌خواهد بداند که چه منزلتی نزد خداوند دارد بنگرد که منزلت خدا نزد او چگونه است؛ زیرا بنده به همان اندازه نزد خدا منزلت دارد که بنده برای خدا نزد خود منزلت قائل است [1553].

نشانه‌ی خدادوستی انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند به موسی علیه‌السلام وحی فرمود: دروغ می‌گوید آن کس که گمان برد مرا دوست دارد، اما چون شب فرا رسد چشم از عبادت من فروبندد. مگر نه این است که هر دلداده‌ای دوست دارد با دلدار خود خلوت کند؟ هان ای پسر عمران، چون شب شود من متوجه دوستداران خود شوم و دیده‌ی دلشان را بگشایم و کیفرم را در برابر چشمانشان مجسم کنم و با من گفتگو کنند چنان که گویی مرا می‌بینند و در حضور خودم با من سخن می‌گویند [1554].

اثر نور محبت خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نور محبت خدا هرگاه بر درون بنده‌ای بتابد او را از هر مشغله‌ی دیگری تهی گرداند. هر یادی جز خدا تاریکی است. دلداده‌ی خدا مخلصترین بنده خدا است و راستگوترین مردمان و وفادارترین آنها به عهد و پیمان [1555].

بزرگترین منزلت انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خردمندان کسانی هستند که اندیشه را به کار گیرند تا بر اثر محبت خدا را به دست آورند - تا آن جا که فرمودند: - چون به این منزلت برسد خواهش و محبت خود را از آن آفریدگارش قرار دهد و هرگاه چنین کند به بزرگترین منزلت دست
[صفحه 685]
یابد و پروردگارش را در دل خویش ببیند و حکمت را بیابد نه از طریقی که دانشمندان و صدق را نه از راهی که صدیقان. حکیمان حکمت را با خاموشی فراچنگ آورده‌اند و دانشمندان دانش را با جستن و صدیقان را با خشوع و عبادت دراز مدت [1556].

عامل دوست نداشتن خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به خدا سوگند کسی که دنیا را دوست بدارد و محبت غیر ما را به دل گیرد خداوند را دوست ندارد [1557].

اثر دوست داشتن یکدیگر برای خدا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
آنان که به خاطر خدا یکدیگر را دوست بدارند، در روز قیامت بر فراز منبرهایی از نور هستند و نور پیکرها و منبرهایشان همه چیز را روشن کند، به طوری که با آن نور شناخته شوند و گفته می‌شود: اینان کسانی هستند که به خاطر خدا یکدیگر را دوست می‌داشتند [1558].

عامل دین نداشتن انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس دوستی و دشمنیش برای دین نباشد دین ندارد [1559].

نشانه‌ی دین دوستی مرد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نشانه‌ی دین دوستی مرد، دوست داشتن برادرانش می‌باشد [1560].
[صفحه 686]

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مردی سه مرتبه به امیرالمؤمنین علیه‌السلام عرض کرد: به خدا قسم من شما را دوست می‌دارم. حضرت فرمودند: به خدا سوگند تو مرا دوست نداری! مرد عصبانی شده گفت: به خدا قسم گویی از دل من خبر داری؟ حضرت فرمودند: نه، اما خداوند دو هزار سال پیش از آفریدن کالبدها، ارواح را بیافرید و من روح تو را در میان آنها ندیدم [1561].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در وصف دوستداران خود فرمودند: و گروهی که در آشکار و نهان ما را دوست دارند. اینان طراز برترند، از آب شیرین و گوارا نوشیده‌اند و تأویل و تفسیر قرآن را می‌دانند و از فصل الخطاب و سبب سببها آگاهند. اینان طراز اولند و فقر و فاقه و انواع بلا شتابانتر از دویدن اسب به سویشان بشتابد و سختی و تنگدستی آنان را فرا گیرد و دچار تزلزل شوند و به فتنه درافتند و یکی زخم بردارد و دیگری سرش بریده شود و در هر شهر دوردستی پراکنده باشند [1562].
[صفحه 688]

توحید و خداشناسی

مراد از زشت بودن آدمی چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چه زشت است که آدمی در قلمرو خداوند هفتاد یا هشتاد سال زندگی کند و از نعمتهای او بهره گیرد اما خدای را چنان که باید نشناسد [1563].

عامل شناختن خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به این سؤال که: خدایت را به چه می‌شناختی؟ فرمودند:
به در هم شکستن تصمیم و بر هم خوردن خواست و اراده. تصمیم گرفتم و تصمیم را در هم شکست و اراده کردم اما اراده‌ام را بر هم زد [1564].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر هر چیزی بر بهایم مبهم و پوشیده ماند چهار امر بر آنها پوشیده نیست:
آگاهی از این که آفریدگاری دارند و آگاهی از طلب روزی... [1565].

علت انکار خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به جان خودم سوگند، که مردمان نادان (و خدانشناس) را خداوند نادان نیافریده است. آنان دلالتهای آشکار و نشانه‌های روشن را در آفرینش خود می‌بینند و ملکوت آسمانها و زمین و آفرینش شگفت‌آوری را که در کمال اتقان و نظم است و بر وجود آفریدگار دلالت دارد مشاهده می‌کنند اما آنان مردمانی هستند که درهای گناهان را
[صفحه 689]
به روی خود گشودند و راه شهوتها را بر خویش هموار کردند و در نتیجه هواهای نفس بر دلهایشان چیره گشت و به سبب ستمی که بر خویش روا داشتند شیطان بر ایشان مسلط گشت و خداوند این چنین بر دلهای متجاوزان مهر می‌نهد. (در نتیجه خدای را انکار می‌کنند) [1566].

مراد از عرش و کرسی خداوند چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
عرش به یک معنا، مجموعه آفرینش است و کرسی ظرف آن، به معنای دیگر عرش آن علمی است که خداوند پیامبران و رسولان و حجتهای خویش را بر آن آگاه کرد و کرسی آن علمی است که خداوند هیچ یک از پیامبران و رسولان و حجتهای خویش را بر آن آگاه نکرد [1567].

مراد از علم خداوند چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه‌ی: (کرسی او آسمانها و زمین را در بردارد)، (وسع کرسیه السماوات و الارض) (بقره / 255) فرمودند:
مقصود علم او است [1568].

دلیل بر یگانگی خداوند چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام سؤال شد:
دلیل بر یگانگی خدا چیست؟ حضرت فرمودند: نیازمندی آفریده‌ها [1569].
[صفحه 690]

چه چیزی کمتر از شرک است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه: (خداوند شرک ورزیدن به خود را نمی‌آمرزد و کمتر از آن را از هر که بخواهد می‌آمرزد)، (ان الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر مادون ذلک لمن یشاء) فرمودند:
منظور از جز آن گناهان کبیره و غیر کبیره است [1570].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام با دست خویش به گلوی مبارکشان اشاره نموده و فرمودند:
هرگاه جان به این جا برسد عالم (راهی به) توبه ندارد. آن گاه این آیه را تلاوت نمودند: (همانا توبه بردن به درگاه خدا برای کسانی است که ندانسته بد می‌کنند)، (انما التوبة علی الله للذین یعملون السوء بجهالة) [1571].
و نیز حضرت فرمودند:
هر گناهی که بنده می‌کند، گرچه عالم باشد، از روی جهل و نادانی است زیرا او با معصیت پروردگارش خود را به خطر افکنده است [1572].

مراد از کار خداوند متعال و کار بنده چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر چیزی که بتوانی بنده را به سبب انجام آن سرزنش کنی کار خود او است (بنده) هر آن چیزی که نتوانی بنده را به سبب آن سرزنش کنی کار خدا است. خدای تعالی به بنده‌اش می‌فرماید: چرا نافرمانی کردی؟ چرا نابکاری کردی؟ چرا شراب خوردی؟ چرا زنا کردی؟ پس، اینها کار بنده است. به او نمی‌فرماید: چرا بیمار
[صفحه 691]
شدی؟ چرا قد و قامتت کوتاه شد؟ چرا سفید پوست شدی؟ چرا سیاه پوست شدی؟ چون این امور فعل خدای تعالی است [1573].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس منصفه باشد که خداوند بندگان خود را بر انجام گناهان مجبور می‌کند یا بیش از توانشان به آنان تکلیف می‌دهد از ذبحش نخورید، شهادتش را نپذیرید، پشت سرش نماز نخوانید و چیزی از زکات به او ندهید [1574].
[صفحه 693]

ایثار و ایثارگری

ارزش ایثارگران

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در وصف مؤمنان کامل فرمودند: آنان کسانی هستند که در روزگار سختی و آسایش به برادران نیکی می‌کنند و در عسرت و تنگدستی دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند و خداوند در وصف ایشان فرموده است: (و از خود گذشتگی می‌کنند...)، (و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة...) (حشر / 9) [1575].

کسی که درآمد کم خود را ببخشد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند بزرگ انسان کم درآمد را (که همان اندک مال خود را بخشش می‌کنند) ستوده و فرموده است: (و از خودگذشتگی می‌کنند...) (حشر / 9) [1576] و خداوند کسی را که این چنین شناسانده است دوست می‌دارد [1577].

ایثار حضرت فاطمه‌ی زهرا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
فاطمه (سلام الله علیها) مقداری جو در خانه داشت و از آن کاچی تهیه نمود. چون آماده شد و آن را در برابر خود نهادند (تا تناول نمایند) بینوایی از راه رسید و گفت: خداوند شما را رحمت کند. سپس علی علیه‌السلام برخاستند و یک سوم غذا را به او داد. دیری نپایید که یتیمی آمد و گفت: خدایتان رحمت کند. پس، علی علیه‌السلام برخاست و یک سوم دیگر غذا را به او داد. سپس اسیری از راه رسید و گفت: رحمت خدا بر شما باد. علی علیه‌السلام یک سوم باقیمانده را نیز بدو داد و خود هیچ از آن نچشیدند. پس، خداوند سبحان این آیات را درباره‌ی ایشان فرو فرستاد و این آیات بر هر مؤمنی که به خاطر خداوند عزوجل چنین ایثاری کند نیز صادق است [1578].
[صفحه 694]

نیکی کردن به زیاد بخشیدن نیست

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نیکی کردن به زیاد بخشیدن نیست؛ چرا که خداوند عزوجل در کتاب خود می‌فرماید: (و از خودگذشتگی می‌کنند...)، (و یؤثرون علی انفسهم...) (حشر / 9)
[صفحه 697]

برادری

مؤمن برادر مؤمن است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن برادر مؤمن است، چشم او و راهنمای او است. به او خیانت و ستم نمی‌کند، فریبش نمی‌دهد و وعده‌ای نمی‌دهد که به آن عمل نکند [1579].

ارواح مؤمنین از یک روح است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن برادر مؤمن است همچون یک پیکر که هرگاه عضوی از آن به درد آید دیگر اندامهای آن درد را حس می‌کنند؛ ارواح آنان از یک روح است [1580].

عامل آرامش مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر چیزی به چیزی آرام می‌گیرد و مؤمن به برادر مؤمن خود آرامش می‌یابد چنانکه پرنده به همجنس خود آرام می‌گیرد [1581].

عامل زیان باری انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که خواهان افزودن بر شما برادران و یاران نباشد به زیان گرفتار آید [1582].

عامل بسیار بودن انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
آدمی با برادر خود بسیار است [1583].

مایه‌ی فضیلت نیکوکاران چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 698]
دوست داشتن متقابل نیکان، پاداشی است برای نیکوکاران و مهرورزی بدکاران به نیکان، فضیلتی است برای نیکوکاران و دشمنی بدکاران با نیکان، زیور نیکوکاران است و دشمنی ورزیدن نیکان با بدکاران مایه‌ی خواری و رسوایی بدکاران است [1584].

عوامل پایداری دوستی و برادری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رو دربایستی و حرمت میان خود و برادرت را از بین نبر و آن را نگهدار زیرا با از بین رفتن رو دربایستی و حرمت، آزرم و حیا نیز از میان می‌رود نگه داشتن حرمت مایه‌ی پایداری دوستی است [1585].
و نیز حضرت فرمودند: برادران در میان خود به سه چیز نیازمندند که اگر به کار بندند دوستی بپاید وگرنه از یکدیگر جدا شوند و دشمن هم گردند و آن است: انصاف با یکدیگر، مهربانی با یکدیگر و حسد نبردن به هم [1586].
و نیز حضرت فرمودند: حارث بن اعور به امیرالمؤمنین علیه‌السلام عرض کرد: ای امیرمؤمنان! به خدا سوگند که دوستت دارم. حضرت فرمودند: ای حارث! اگر مرا دوست داری با من دشمنی مورز، مرا بازیچه‌ی خود قرار مده، برای خودنمایی با من بحث مکن، مرا به شوخی مگیر، مرا (از مقامی که دارم) پایین نیاور و (از آن مقام) بالاتر مبر. (در حق من افراط و تفریط مکن) [1587].

اظهار محبت نسبت به برادر

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هرگاه کسی را دوست داشتی به او بگو. [1588].
[صفحه 699]

راه شناختن دوست

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به دلت بنگر، اگر دوستت را ناخوش داشت، بدان که یکی از شما دو نفر کاری کرده است [1589].

چه کسی ملعون است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ملعون است ملعون است، کسی که برادرش با وی از در صلح و آشتی درآید و او آشتی نکند [1590].

راه بازگشت را بر خود نبندید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پس از قطع رابطه با برادرت، از او بدگویی مکن؛ که راه بازگشت به تو بسته می‌شود؛ زیرا شاید که تجارب او را به سوی تو برگرداند [1591].

عامل قطع رابطه با برادران

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس دوستی و محبت خود را در جایگاه مناسبش ننهد در معرض قطع رابطه قرار گرفته است [1592].

اقسام برادران

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 700]
برادران سه دسته‌اند: یکی چون خوراک است که همیشه بدان نیاز است و آن خردمند است و دومی چون درد است و آن نابخرد است و سومی چون دارو، و آن صاحبدل است [1593].

برادران سه گروهند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
برادران سه گروهند: آن جا که با جان همراهی کند، دیگری آن که با مال یاری رساند و این دو گروه در برادری راستند؛ و سومی که از تو وجه معاش می‌گیرد و تو را برای اندکی لذت و خوشی می‌خواهد، او را مورد اعتماد مدان [1594].

دوستی که عامل خیر نیست

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دوستی و همنشینی کسی که آنچه برای خود می‌خواهد برای تو نخواهد خیری ندارد [1595] و نیز حضرت فرمودند:
از برادری کردن با کسی که تو را به طمع چیزی یا از سر ترس چیزی یا خواهشی و یا به خاطر خورد و خوراک می‌خواهد، دوری کن و برادری پرهیزگاران را بجوی، هر چند برای جستن آنها در اعماق زمین فرو روی و هر چند عمر خود را در این راه صرف کنی [1596].

شرط دوستی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که تنها با آنکه هیچ عیبی ندارد برادری کند دوستان اندکی خواهد داشت [1597].
[صفحه 701]

عامل بی‌دوست ماندن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از دین و آیین مردم پرس و جو مکن که بی‌دوست می‌مانی [1598].

راههای آزمایش برادران

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
برادران خود را به دو خصلت بیازمایید. اگر آن دو خصلت را داشتند با آنها دوستی کن وگرنه از ایشان دوری کن، دوری کن، دوری کن. (آن دو خصلت): پایبندی به خواندن نماز در وقت خود و نیکی کردن به برادران در روزگار سختی و آسایش [1599].

عامل خیانت به برادران

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که برادر خود را گرفتار امری ناخوشایند بیند و بتواند آن را از او برطرف سازد و چنین نکند، بیگمان به او خیانت ورزیده است [1600].

عامل گرامی داشتن خداوند عزوجل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که برادر مسلمانش بر او وارد شود و وی گرامیش دارد، در حقیقت خدای بزرگ را گرامی داشته است [1601] و نیز فرمودند:
هر که به برادر مؤمن خود خوشامد گوید خداوند تا روز قیامت برای او خوشامد گوید [1602] و نیز حضرت فرمودند:
[صفحه 702]
بدانید کسی که دین خود را بزرگ دارد، برادرانش را نیز ارج نهد و هر که دین خود را خوار و سبک شمارد برادران خود را نیز خوار و خفیف کند [1603].

عامل ارج نهادن به حرمت مسلمانان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حرمت مسلمانان را ارج نمی‌نهد مگر آن کسی که خداوند حرمتش را در میان مسلمانان زیاد کرده است، هر که خدا و پیامبر را بیشتر حرمت نهد به مسلمانان بیشتر احترام گذارد [1604].

راه آزار ندادن خود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هرگاه یکی از شما تنگدست و گرفتار شد به برادر خود بگوید و خویشتن را آزار ندهد [1605].

خداوند یار مؤمن است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند یار مؤمن است مادام که او یار و مددکار برادر خود باشد [1606].

عامل خیر رساندن به رسول خدا

هر مؤمنی که به برادر مؤمن خود خیری برساند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خیر رسانده است [1607].

ادب برادری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از برادران خود بدگویی نکنید مگر حرام‌زاده. [1608].
[صفحه 704]

ادب و تربیت

با سه چیز تربیت بشوید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پدرم مرا با سه چیز تربیت کرد. به من فرمودند: پسرم! هر که با دوست بد همنشینی کند سالم نمی‌ماند و هر که گفتار خود را مهار نکند پشیمان می‌گردد و هر که به جاهای بد درآید آماج تهمت و بدگمانی شود [1609].

بهترین میراث پدران برای فرزندان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بهترین میراث پدران برای فرزندان ادب است نه مال و ثروت؛ زیرا ثروت از میان می‌رود و ادب می‌پاید.
مسعده گوید: مقصود آن حضرت از ادب، دانش است [1610].

تشویق به ادب کردن فرزند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن آن قدر برای خانواده‌ی خود دانش و تربیت نیکو به ارث می‌نهد تا همه‌ی آنها را وارد بهشت کند به طوری که کوچک و بزرگ و خدمتکار و همسایه را در بهشت می‌یابد. و بنده‌ی گنهکار پیوسته برای خانواده‌ی خود بد ادبی را به ارث می‌نهد چندان که همه آنها را وارد دوزخ می‌کند به طوری که کوچک و بزرگ و خدمتکار و همسایه را در آن جا می‌بیند [1611].
[صفحه 705]

تربیت برای روزه گرفتن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کودک را باید از سن پانزده تا شانزده سالگی برای روزه گرفتن تربیت کرد [1612].

خانواده‌ی خود را از آتش نگه دارید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چون آیه: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده‌ی خود را از آتش نگه دارید)، (یا ایها الذین امنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا) نازل شد، مردم گفتند: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) چگونه خود و خانواده‌مان را حفظ کنیم؟
حضرت فرمودند:
عمل خیر انجام دهید و آن را به خانواده‌ی خود نیز یادآوری کنید و بر پایه‌ی فرمانبرداری از خدا پرورششان دهید [1613].

چگونگی تربیت فرزند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
فرزند خود را تا شش سالگی آزاد بگذار، سپس شش سال او را علم و سواد بیاموز. بعد از آن، هفت سال او را با خود داشته باش و آداب و تربیتهای خودت را به او بیاموز اگر تربیت پذیر بود و اصلاح شد که شده وگرنه او را به حال خود واگذار و خیری در او نیست [1614].
[صفحه 706]

تربیت رسول خدا به وسیله خداوند عزوجل

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند پیامبر خود را تربیت کرد و چون او چنانکه می‌خواست بار آورد به وی فرمود: (به خوبی فرمان ده و از نادانان روی گردان)، (و أمر بالمعرف و اعرض عن الجاهلین) وقتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) این کار را بر او انجام داد خداوند وی را ستود و فرمود: (همانا تو دارای خلقی عظیم هستی)، (انک لعلی خلق عظیم) [1615].

عامل کیفر دادن مردم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر نوجوانی که در میان مردمش رشد کند و برای ارتکاب گناهی تأدیب و تنبیه نشود، نخستین کیفری که خداوند عزوجل به سبب او آن مردم را می‌دهد کاستن از روزیهای ایشان است [1616].
[صفحه 708]

اصول

چه چیزی برای انسان حلال است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همه چیز بر تو حلال است مگر آن که دقیقا بدانی آن حرام است که در این صورت باید آن را واگذاری... همه چیزها همین حکم را دارند تا زمانی که خلاف آن برایت روشن شود یا بینه اقامه شود [1617].

عامل حلال و حرام بودن چیزها

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
تا زمانی که امری و نهیی درباره‌ی اشیاء به تو نرسد همه چیز آزاد است. هر چیزی که در آن حلال و حرام باشد همیشه برای تو حلال است، تا وقتی یقین به حرمت بخشی از آن پیدا کنی، که در این صورت باید آن را ترک نمایی [1618] و نیز حضرت فرمودند:
هر چه در ید قدرت خدا باشد (و از توان و اختیار بشر خارج باشد) خداوند عذر آن را می‌پذیرد [1619] و نیز به امام صادق علیه‌السلام عرض شد:
اگر کسی یک یا سه روز در حالت اغما باشد نمازهایش را چگونه قضا کند؟ حضرت در پاسخ او این قاعده را بیان فرمودند [1620].

آنچه را که خداوند پوشیده داشته است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر چه را خداوند از بندگان پوشیده داشته تکلیف و مسؤولیت آن را از گردنشان برداشته است [1621] و نیز حضرت فرمودند:
[صفحه 709]
خداوند نسبت به آنچه به بندگان داده و به ایشان شناسانده است با آنان احتجاج می‌کند [1622].

مواردی که حکم به ظاهر می‌شود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پنج مورد است که مردم باید در آنها به ظاهر حکم عمل کنند: ولایت و سرپرستی زناشویی، ارث و میراث، ذبایح و شهادت دادن. اگر ظاهر فرد درست و در خور اطمینان بود شهادتش جایز است و نباید از باطن او پرس و جو کرد [1623].
[صفحه 711]

غذا خوردن

دو ضرر پرخوری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
برای قلب مؤمن چیزی زیان بارتر از پرخوری نیست. پرخوری موجب دو چیز می‌شود: سنگدلی و تحریک شهوت [1624].

سخن حضرت یحیی با ابلیس

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
درباره‌ی سخنانی که میان یحیی علیه‌السلام و ابلیس رد و بدل شد: یحیی به شیطان گفت: این آویزها چیست؟ گفت: اینها شهوات و امیالی است که فرزند آدم گرفتار آنها شده است. یحیی گفت: آیا چیزی از آنها برای من هست؟ شیطان گفت: هرگاه از خوراک سیر شوی تو را از نماز و یاد خدا باز داریم. یحیی گفت: بارخدایا عهد می‌کنم که هرگز معده‌ی خود را از غذا پر نکنم ابلیس گفت: به خدا عهد می‌کنم که هرگز مسلمانی را اندرز ندهم. آن گاه ابوعبدالله (امام صادق علیه‌السلام) فرمودند:
با خدا عهد می‌بندم که جعفر و خاندان او هرگز شکمهای خود را از طعام انباشته نکنند و با خدا عهد می‌کنم که جعفر و خاندان جعفر هرگز برای دنیا کار نکنند [1625].

عامل برکت و سلامتی انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که قبل و بعد از غذا دستهایش را بشوید در اول و آخر آن غذا به او برکت داده شود و تا زنده است در رفاه به سر برد و از بیماری جسمی در امان ماند [1626].
[صفحه 712]

به غذا فوت نکنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام از قول پدران خود در حدیث نهی‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم از فوت کردن در غذا یا آشامیدنی نهی فرمودند [1627].

بر ظرف‌های غذا درپوش بگذارید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ظرفهای خود را بدون درپوش نگذارید؛ زیرا هرگاه روی ظرفها پوشیده نباشد شیطان در آن آب دهان می‌اندازد و هر چه بخواهد از آنها بر می‌دارد [1628].
[صفحه 716]

ایمان و مؤمن

مراد از ایمان و اسلام چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به پرسش ابوبصیر درباره‌ی ایمان فرمودند:
ایمان به خدا آن است که نافرمانی او نشود. عرض کردم: پس اسلام چیست؟ حضرت فرمودند: هر که اعمال عبادی ما را انجام دهد و مانند ما ذبح کند [1629] و نیز حضرت فرمودند:
ایمان آن چیزی است که در دلها جا می‌گیرد و اسلام آن چیزی است که ازدواج و ارث بردن به آن بستگی دارد و خونها(ی مسلمانان) محفوظ می‌ماند [1630].

نام دین خداوند چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دین خدا نامش اسلام است پیش از آن که شما به وجود آیید، هر جا که بوده‌اید و پس از پدید آمدن شما، اسلام دین خدا بوده است و هست. پس هر که به دین خدا اقرار و اعتراف کند مسلمان است و هر که به دستورهای خدای عزوجل عمل کند مؤمن است [1631].

نشان ایمان حقیقی چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از نشانه‌های ایمان حقیقی این است که حق را، هر چند به زیان تو باشد، بر باطل، هر چند به سود تو باشد، ترجیح دهی [1632].

شرط ایمان حقیقی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 717]
روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) حارثه را دید... به او فرمودند: از حارثه! چگونه صبح کردی؟ عرض کرد: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در حالی که مؤمن حقیقی هستم. فرمودند: هر ایمانی را حقیقتی است، حقیقت ایمان تو چیست؟ عرض کرد: از دنیا بیزار شده‌ام و شبم را با بیداری (عبادت و تهجد) گذرانده‌ام و روزم را با تشنگی (روزه‌داری) [1633].

شرط مؤمن بودن انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بدانید که هیچ بنده‌ای از بندگان خدا هرگز مؤمن نباشد مگر آن که از کرده‌ی خدا درباره‌ی خود، خوشایند وی باشد یا ناخوشایند، خشنود باشد [1634].

مایه‌ی ترس و امید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
و مؤمن نیستی مگر آن که در بیم و امید به سر بری و بیمناک و امیدوار نیستی مگر آن که به آنچه مایه‌ی ترس و امید تو گشته عمل کنی [1635].

عامل مؤمن بودن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن تنها آن گاه مؤمن است که همچون پیکر برادر خود باشد که هرگاه رگی از او بجنبد دیگر رگهایش با او به جنبش در می‌آیند [1636].

مؤمن بی‌عمل ملعون است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ملعون است ملعون است کسی که بگوید: ایمان گفتاری است بی‌کردار و بدون عمل [1637].
[صفحه 718]
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر بندگان، حق را توصیف کنند و به آن رفتار نمایند اما در دلهایشان به حق بودن آن اعتقاد نداشته باشند سودی نبرده‌اند [1638].

مؤمن در حال ایمان گناه نمی‌کند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال گروهی درباره‌ی ایمان فرمودند:
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: زناکار در حال ایمان زنا نمی‌کند، سارق و دزد در حال ایمان دست به سرقت نمی‌زند و شرابخوار در حال داشتن ایمان شراب نمی‌خورد. آنان (مخاطبان امام) به یکدیگر نگاه کردند. عمرو بن ذر عرض کرد:
چه نامی بر این افراد بگذاریم؟ حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند: همانا نامی که خدا بر آنان نهاده است، به نام اعمالشان. خداوند فرموده است: (مرد دزد و زن
دزد...)، (و زن زناکار و مرد زناکار...)، (و السارق و السارقة...)، (الزانیة و الزانی...) [1639].

عوامل تکمیل کننده ایمان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بنده‌ای حقیقت ایمان را به کمال نمی‌رساند مگر آن که سه خصلت در او باشد:
فهم در دین، برنامه‌ریزی درست در اقتصاد زندگی و شکیبایی در برابر گرفتاریها و مصائب [1640] و نیز حضرت فرمودند:
ایمان بنده کامل نباشد مگر چهار خصلت در او باشد:
اخلاقش را نیکو گرداند، خود را سبک شمارد، از زیاده‌گویی خودداری ورزد و اضافی مال خود را ببخشد [1641].
[صفحه 719]

مراد از درجات ایمان چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ایمان مانند نردبانی است که ده پله دارد و پله‌های آن یکی پس از دیگری پیموده می‌شود. پس کسی که در پله‌ی دوم است نباید به آن که در پله‌ی اول است بگوید تو چیزی نداری؛ تا برسد به آن که در پله‌ی دهم است (او هم نباید به پائین‌تر از خود چنین سخنی را بگوید). آن را که در پله‌ی پایین‌تر از تو قرار دارد نینداز که بالاتر از تو نیز تو را می‌اندازد. اگر دیدی کسی یک پله از تو پایین‌تر است با مهربانی و ملایمت او را به طرف خود بالا کش و فراتر از توانش باری به دوش او مگذار که او را می‌شکنی و هر کس مؤمنی را بشکند باید شکستگی او را درمان کند [1642].

هفت بخش ایمان چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند ایمان را به هفت بخش تقسیم نموده است:
نیکوکاری، راستگویی، یقین، خشنودی، وفاداری، دانش و بردباری [1643].

محکم‌ترین حلقه‌های ایمان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از استوارترین دستاویزهای ایمان این است که برای خدا دوست بداری و برای خدا دشمنی ورزی و به خاطر داد و دهش کنی و به خاطر خدا از بخشش خودداری ورزی [1644].
[صفحه 720]

مراد از ایمان استوار و عاریتی چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در تبیین مستقر، مستودع [آیه: او است خداوندی که شما را از یک نفس بیافرید. بعضی پایدار و بعضی ناپایدار. و هو الذی انشأکم من نفس واحدة فمستقر و مستودع... (انعام / 98)] فرمودند:
مستقر آن کسی است که بر ایمان استوار است و مستودع، ایمان عاریتی است [1645].

عوامل استوار کننده‌ی ایمان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال از عواملی که ایمان را در بنده استوار می‌سازد فرمودند:
آنچه ایمان را در او استوار می‌کند پارسایی است و آنچه ایمان را از دل او بیرون می‌برد طمع و آزمندی است [1646] و نیز حضرت فرمودند:
هر کس کردارش با گفتارش یکی باشد نجات و رستگاری او گواهی شده است و هر کسی کردارش با گفتارش سازگار نباشد ایمانش عاریتی است [1647].

ایمان با عمل استوار می‌شود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ایمان مؤمن جز با عمل استوار نمی‌شود، عمل جزء ایمان است [1648].

برای استوار شدن ایمان خود دعا کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 721]
خداوند پیامبران را بر سرشت نبوتشان آفرید، از این رو هرگز برنمی‌گردند و اوصیا بر سرشت وصیتهایشان آفرید، بدین سبب هرگز برنمی‌گردند و برخی مؤمنان را بر سرشت ایمان آفرید، از این رو هرگز (از ایمان خود) بر نمی‌گردند و برخی از مؤمنان هم ایمان عاریتی دارند؛ اینان اگر (برای استواری ایمان خود) دعا کنند و در دعا اصرار ورزند، با ایمان بمیرند [1649].

عامل چشیدن ایمان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چشیدن شیرینی ایمان بر دلهای شما حرام گشته مگر آن گاه که دلهایتان از دنیا رویگردان شوند [1650].

عوامل سلب کننده‌ی ایمان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بی گمان بنده به سبب یکی از پنج کار که همگی مانند هم و شناخته شده هستند از ایمان خارج می‌شود: کفر، شرک، گمراهی، فسق و ارتکاب کبائر [1651].

کمترین عامل سلب کننده‌ی ایمان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کمترین چیزی که انسان را از ایمان خارج می‌سازد این است که با کسی پیوند برادری دینی ببندد و سپس لغزشها و اشتباهات او را بر شمارد تا روزی آنها را دستمایه‌ی سرزنش وی قرار دهد [1652].
[صفحه 722]

کمترین چیزی که موجب کفر بنده می‌شود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به این پرسش که: کمترین چیزی که موجب کفر بنده می‌شود چیست؟ فرمودند:
اینکه بدعتی بگذارد و از آن دفاع کند و از هر که با آن مخالفت ورزد بیزاری جوید [1653] و نیز از حضرت سؤال شد کمترین چیزی که بنده با آن کافر می‌شود چیست؟ آن حضرت سنگریزه‌ای از روی زمین برداشتند و فرمودند: این که بگوید این ریگ یک هسته است و از هر که با این سخن او مخالفت ورزد بیزاری جوید [1654].

بخت و روزی مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن بی‌بخت و روزی نیست [1655].

شش خصلت در مؤمن نیست

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شش چیز در مؤمن نباشد: تنگدستی، تیره‌روزی (یا بی‌خبری)، حسادت، لجبازی، دروغ و تجاوزگری و زورگویی [1656].

سبب نام‌گذاری مؤمن به مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن، مؤمن نامیده شده است که چون از خدا امان می‌خواهد و خدا به او امان می‌دهد [1657] و نیز حضرت فرمودند:
مؤمن از آن رو مؤمن نامیده شده است که از عذاب خدا در امان است و روز قیامت خود را در امان خدا در می‌آورد و خدا امان خواهی او را می‌پذیرد [1658].
[صفحه 723]

به حرفهای شخصی گزافه‌گو گوش مدهید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کمترین چیزی که ایمان را از آدمی سلب می‌کند این است که با آدم گزافه‌گویی (در دین) بنشیند و به حرفهایش گوش دهد و آنها را تأیید کند [1659].

ارجمندی مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حرمت مؤمن از کعبه بیشتر است [1660].

شناخت حقیقت مؤمن ممکن نیست

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خلایق از پی بردن به کنه صفت خداوند عزوجل ناتوانند و همچنان که از رسیدن به گوهر صفت خدا ناتوانند از دریافت ژرفای صفت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز ناتوانند و همچنان که از پی به کنه صفت امام ناتوانند و همچنان که امام را چنان که باید نمی‌توانند بشناسند از شناخت حقیقت مؤمن چنان که باید ناتوانند [1661].

مراد از یاور خوب و کم‌خرج چه کسی است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن یاوری خوب و کم‌خرج و زحمت است؛ زندگیش را خوب اداره می‌کند؛ از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود [1662].

مراد از برپایی هفت آسمان و زمین با دو مؤمن چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 724]
خدای عزوجل فرموده است: اگر از شرق تا غرب کره زمین آفریده‌ای نداشتم به جز یک مؤمن و یک پیشوای دادگر، هر آینه با عبادت همان دو از عبادت همه آنچه در زمین آفریده‌ام بی‌نیاز بودم و هفت آسمان و زمین با آن دو برپا می‌شد [1663].

مؤمنان همچون یک پیکرند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به خدا قسم مؤمن هرگز مؤمن نیست، مگر آنکه برای برادر خود همچون بدن باشد که هرگاه رگی از او (از درد و بیماری) بجنبد دیگر رگهایش با آن هم صدا شوند [1664].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن در دین قدرتمند است، در نرمی دوراندیش، ایمانش با یقین همراه است، در فهمیدن (دین) آزمند و در پیمودن راه با نشاط و با وجود کار و گرفتاری نمازش را ترک نمی‌کند [1665] و نیز حضرت فرمودند:
مؤمن بردباری است که جهالت نمی‌ورزد و اگر نسبت به او کار جاهلانه‌ای صورت گیرد بردباری می‌کند، او ستم نمی‌کند و اگر به او ستم شود می‌بخشد، بخل نمی‌ورزد و اگر به او بخل ورزند صبر می‌کند [1666].
و نیز حضرت فرمودند: مؤمن کسی است که درآمدش حلال و پاک باشد و اخلاقش نیکو و باطنش سالم و درست؛ زیادی مالش را انفاق کند و از زیاده‌گویی بپرهیزد [1667].
[صفحه 725]

مایه‌ی رسوایی مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن مغلوب فرج و رسوای شکم خود نمی‌شود [1668].

صلابت مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمن از پاره‌ی آهن محکمتر است؛ پاره‌ی آهن هرگاه در آتش نهاده شود تغییر می‌کند اما اگر مؤمن بارها کشته شود در دلش تغییری پدید نمی‌آید [1669].

کرنش همه چیز برای مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
همه اشیاء برای مؤمن کرنش می‌کنند و همه اشیاء به او احترام می‌گذارند. آن گاه فرمودند: اگر برای خدا اخلاص ورزد، خداوند همه چیز را از او هراسان سازد حتی حشرات و خزندگان و درندگان زمین و پرندگان آسمان و ماهیان دریا [1670] و نیز حضرت فرمودند:
مؤمن کسی است که هر چیزی از او بیمناک باشد زیرا او در دین خدا قدرتمند و عزیز است از هیچ چیز نمی‌ترسد و این نشانه‌ی هر مؤمنی است [1671].
و نیز حضرت فرمودند: همه چیز، حتی حشرات و خزندگان و درندگان و پرندگان آسمان در برابر مؤمن تسلیمند [1672].

مؤمنان اندکند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 726]
زن مؤمن از مرد مؤمن کمیاب‌تر است و مرد مؤمن از کبریت احمر. کدام یک از شما کبریت احمر را دیده است؟! [1673].

نشانه‌ی مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه چیز از نشانه‌های مؤمن است: شناخت خدا و شناخت دوستان و دشمنان خدا [1674].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به این پرسش که: مؤمن بودن مؤمن به چه چیز شناخته می‌شود؟ حضرت فرمودند:
تسلیم در برابر خدا و خشنود بودن به هر آنچه از غم و شادی که به او می‌رسد [1675].

ایمان همدم و دلآرام مؤمن است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ مؤمنی نیست مگر آن که خدا ایمان او را همدم و دلارام او قرار دهد، چندان که اگر بر ستیغ کوهی باشد احساس تنهایی نکند [1676].

شرط ایمان و یقین

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ایمان نباشد مگر با عمل، عمل نباشد مگر با یقین و یقین در کار نباشد مگر با خشوع [1677].

مراد از شک چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه «کسانی که ایمان آوردند و ایمان خود را به ستم نیامیختند»، «الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم» فرمودند:
[صفحه 727]
یعنی به شک [1678].

منظور از پلیدی چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (این چنین خداوند پلیدی را برای کسانی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد)، (کذلک یجعل الله الرجس علی الذین لا یؤمنون) فرمودند: منظور شک است [1679].

مؤمنان خدمتکار یکدیگرند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مؤمنان خدمتکار یکدیگرند. جمیل گوید: عرض کردم: چگونه خدمتکار یکدیگرند؟ حضرت فرمودند: به یکدیگر سود می‌رسانند [1680].

موی سفید وقار مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
چیزی را ندیدم که به سوی چیزی شتابنده‌تر از سپیدی موی، به سوی مؤمن باشد. موی سپید در دنیا برای مؤمن وقار است و در روز قیامت نوری درخشان. خدای تعالی با موی سپید به خلیل خود ابراهیم علیه‌السلام وقار بخشید. پس ابراهیم عرض کرد: پروردگارا این چیست؟ خداوند به او فرمود: این وقار است. ابراهیم علیه‌السلام گفت: پروردگارا بر وقار من بیفزا [1681].

بزرگی و شرف مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بزرگی مؤمن شب زنده‌داری او است و عزتش بی‌نیازی او از مردم و خودداری از آزاررسانی به مردم است [1682].
[صفحه 728]

عاقبت حقیر شمردن مؤمن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: هر که یکی از دوستان مرا خوار شمارد، آماده جنگ با من شده است و من در یاری دادن دوستانم شتابنده‌ترینم [1683].
و نیز حضرت فرمودند:
هر که مؤمن بینوایی را حقیر شمارد خداوند پیوسته او را تحقیر کند و دشمنش دارد تا آن گاه که از تحقیر او دست بردارد [1684].

مراد از کینه مؤمن و کینه کافر چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کینه‌ی مؤمن لحظه‌ای است، و زمانی که از برادر خود جدا شد در دل خود کینه‌ای نسبت به او نگه نمی‌دارد؛ اما کینه کافر مادام‌العمر است [1685].
و نیز حضرت فرمودند:
کینه مؤمن تا زمانی است که نشسته است، همین که برخاست کینه نیز از دل او می‌رود [1686].
[صفحه 730]

امانتداری

عامل توانگری چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
امانتداری، توانگری است [1687].

عوامل منزلت علی در نزد رسول خدا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ببین، علی علیه‌السلام به سبب چه چیز آن منزلت را نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیدا نمود همان را پیروی کن. همانا علی علیه‌السلام با راستگویی و امانتداری آن مقام را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یافت [1688].

برگرداندن امانت واجب است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از خدا بترسید و امانت را به کسی که شما را امین دانسته است، بازگردانید؛ زیرا حتی اگر قاتل امیرالمؤمنین علیه‌السلام امانتی را به من بسپرد هر آینه آن را به او بر می‌گردانم [1689].
و نیز حضرت فرمودند: امانت را به صاحبش برگردانید، اگر چه قاتل حسین بن علی علیه‌السلام باشد [1690].

شرط پیامبری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند عزوجل هیچ پیامبری برنینگیخت مگر با راستگویی و برگرداندن امانت به نیکوکار و بدکار [1691].
و نیز حضرت فرمودند:
[صفحه 731]
از خدا بترسید و امانتها را به سیاه پوست و سفیدپوست برگردانید اگر چه (صاحبش) حروری (از خوارج) باشد یا شاهی (از یاران معاویه) [1692].

به خائنی که او را آزموده‌ای امانت مسپار

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نباید به کسی که امانت بدو سپرده‌ای بدگمان باشی و به خائنی که او را آزموده‌ای امانت مسپار [1693].
[صفحه 733]

انسان

کرامت و بزرگواری آدمیان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شبی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به معراج برده شد وقت نماز رسید. جبرئیل علیه‌السلام اذان و اقامه گفت و سپس عرض نمود: ای محمد (برای امامت نماز) پیش برو. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: تو پیش برو، ای جبرئیل! جبرئیل فرمودند: از آن زمان که به ما دستور داده شد بر آدم علیه‌السلام سجده کنیم خود را بر آدمیان مقدم نمی‌داریم [1694].

آنچه انسان را بر فرشتگان برتری می‌دهد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به این پرسش عبدالله بن سنان که: فرشتگان برترند یا آدمیان؟ فرمودند:
امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام فرمودند: خداوند در فرشتگان فقط عقل نهاده است و نه خواهش نفسانی و در ستوران میل و خواهش نهاده است بدون عقل و در بنی‌آدم هر دو را نهاده است. پس، آنکه عقلش بر خواهشش چیره آید از فرشتگان برتر است و هر که خواهشش بر عقلش غالب گردد از ستوران بدتر است [1695].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه‌ی: (جن و انس را نیافریدیم مگر تا مرا بپرستند)، (و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون) (ذاریات / 56) فرمودند:
آنان را برای عبادت آفرید [1696] و نیز حضرت فرمودند:
آنان را برای امر و نهی و تکلیف آفرید. آنان را نیافرید تا به زور عبادت کنند بلکه برای آزمایش آفرید تا به وسیله اوامر و نواهی خود ایشان را بیازماید [1697].
[صفحه 734]
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه: (پیوسته گونه گونند مگر آن کسی که خدایت به رحمت آورد و برای همین آنان را آفریده است)، (و لا یزالون مختلفین الا من رحم ربک و لذلک خلقهم) (هود / 118 و 119) فرمودند:
آنان را بیافرید تا کاری کنند که مستوجب و سزاوار رحمت خدا شوند و خداوند بر ایشان رحمت آورد [1698].

آفریدگان بیهوده خلق نشده‌اند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند تبارک و تعالی آفریدگان خود را بیهوده نیافرید و آنان را به خود رها نکرد بلکه آفریدشان تا قدرت خویش را نشان دهد و تکلیف طاعت خود را به دوش آنها نهد تا با آن سزاوار خشنودی او شوند. آنان را نیافرید تا از آنها سود برد و یا زیانی را به وسیله آنها از خود دور سازد. بلکه آفریدشان تا به ایشان سود رساند و به نعمت جاودان برساندشان [1699].

ما برای بقائیم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به مردی که پرسید: ما برای شگفتی [دیگران] آفریده شده‌ایم؟ فرمودند: مگر تو برای خدا چه هستی؟ عرض کرد: برای نابود شدن آفریده شده‌ایم؟ حضرت فرمودند: خاموش پسر برادر! ما برای بقا آفریده شده‌ایم [1700].
[صفحه 736]

بخل و بخیلی

بخل ورزیدن چرا؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر خداوند عزوجل به راستی پاداش و عوض می‌دهد، پس دیگر بخل ورزیدن چرا؟ [1701].

عامل شرافت انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که از بخل برهد به شرافت دست یابد [1702].

بخل مورزید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در شگفتم از کسی که دنیا به او روی آورده است و او بخل می‌ورزد، یا دنیا از او رویگردان است و او نسبت به آن بخل می‌ورزد؛ زیرا با وجود رویکرد دنیا انفاق به او (آدم بخیل) زیانی نمی‌رساند و در صورت پشت کردن دنیا به او بخل و امساک به او سودی نمی‌رساند [1703].
و نیز حضرت فرمودند: بخیلان پیش از همه باید برای مردم آرزوی توانگری کنند؛ زیرا وقتی مردم بی‌نیاز شدند از اموال و داراییهای بخیلان چشم بر می‌دارند [1704].

عامل بدگمانی به خداوند تعالی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 737]
در بخل بخیل همین بس که به خدای خود بدگمان است. کسی که به عوض یقین داشته باشد، بذل و بخشش می‌کند [1705].

عامل قطع صله‌ی رحم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بخیل نباید به صله‌ی رحم چشم بدوزد [1706].

چه کسی بخیل است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بخیل کسی است که مالی را به ناروا به دست آورد و آن را بی‌جا خرج کند [1707].

من می‌بخشم تو بخل می‌ورزی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
امیرالمؤمنین علیه‌السلام پنج بار شتر [1708] خرما برای مردی فرستاد. مردی به امیرالمؤمنین علیه‌السلام عرض کرد: به خدا قسم فلانی از تو (این مقدار) نخواسته است، یک بار از پنج بار برای او کافی است. حضرت فرمودند: خدا امثال تو را در میان مؤمنان زیاد نکند! من می‌بخشم و تو بخل می‌ورزی [1709].

چه کسی تنگ چشم است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 738]
تنگ چشم، کسی است که حق خدا را نپردازد و در راهی جز حق خدای عزوجل خرج کند [1710].

نشانه‌های انسان تنگ چشم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
تنگ چشمی، بالاتر و بدتر از بخل است؛ زیرا بخیل نسبت به آنچه خود دارد بخل می‌ورزد، اما تنگ چشم هم به مال مردم و هم به مال خودش بخل می‌ورزد، تا جایی که هرچه دست مردم می‌بیند آرزو می‌کند که، به حلال یا حرام از آن او باشد؛ از آنچه خدا روزیش کرده نه سیر می‌شود و نه سودی بر می‌گیرد [1711].
[صفحه 740]

نیکوکاری

راه نیکوکاری

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از جمله کارهای شایسته، نیکی کردن به برادران و کوشش در برطرف ساختن نیازهای آنان است. این کارها بینی شیطان را به خاک می‌مالد و موجب دور شدن از آتش و وارد شدن به بهشت می‌گردد. این مطلب را به یاران شریف خود برسان. آنان نیکوکارانی هستند که در سختی و آسایش به برادران نیکی می‌کنند.

نحوه‌ی ورود مؤمن به بهشت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در رستاخیز چیزی مانند یک وزنه می‌آید و به پشت مؤمن می‌خورد و او را به بهشت در می‌افکند پس گفته می‌شود: این همان نیکوکاری است [1712].

و حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به پدران خود نیکی کنید تا فرزندانتان به شما نیکی کنند [1713].

با یکدیگر پیوند و ارتباط داشته باشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
با یکدیگر پیوند و ارتباط داشته باشید به هم نیکی کنید و نسبت به هم مهربان باشید و همچنان که خدای عزوجل به شما دستور داده برادرانی نیکوکار باشید [1714].

با یکدیگر مهربان باشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
با همدیگر پیوستگی و نیکوکاری و مهربانی و مهرورزی داشته باشید [1715].
[صفحه 741]
و نیز حضرت فرمودند:
از خدا بترسید و برادران نیکوکار باشید و در راه خدا یکدیگر را دوست بدارید و با هم ارتباط برقرار سازید و به هم مهر و شفقت ورزید [1716].

عوامل نیک فرجامی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام به یکی از مردم فرمودند:
اگر می خواهی که عملت ختم به خیر شود و در هنگام مردن با بهترین اعمال بمیری حق خدا را پاس داشته، نعمتهایش را در راه معصیت صرف نکن و به سبب بردباری که نسبت به تو نشان می‌دهد دچار غرور و غفلت مشو و هر کس را که دیدی از ما به نیکی یاد می‌کند یا دم از محبت ما می‌زند گرامی بدار [1717].

در همه حال خدا را ستایش کنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) هرگاه از چیزی خوشحال می‌شدند، می‌فرمودند: خدا را بر این نعمت سپاس و هرگاه امر ناراحت کننده‌ای به ایشان می‌رسید می‌فرمودند: در هر حال خدای را سپاس [1718].

عامل رستگار شدن نیکان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سوگند به خدا که نیکان رستگار شدند، آیا می‌دانید آنها چه کسانی هستند؟ کسانی هستند که آزارشان به مورچه‌ای نمی‌رسد [1719].

عامل اعلان جنگ به خداوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 742]
خداوند بزرگ فرموده است هر که بنده‌ی مؤمن مرا بیازارد، با من اعلان جنگ دهد [1720].

اثر نیازردن مردم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که دست از آزار مردم بردارد، یک دست از آنها نگه داشته و مردم دستهای بسیار از (آزار) او نگه می‌دارند [1721].

نحوه‌ی برخورد نیکوکاران و بدکاران با هم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نیکوکاران چون با هم روبه‌رو شوند - هر چند به زبان اظهار دوستی و محبت با هم نکنند - دلهایشان به سرعت در آمیختن باران با آب رودخانه‌ها، به هم انس گیرد.
و بدکاران هرگاه با هم روبه‌رو شوند - هر چند به زبان اظهار دوستی و محبت با هم کنند - دلهایشان از انس و الفت با یکدیگر دور است، همانند چهارپایان که از مهرورزی با هم بدورند، گرچه روزگاری دراز از یک آخور علوفه خورند [1722].

دل نیکوکاران و بدکاران

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نیکوکاران وقتی با هم روبه‌رو می‌شوند اگر چه دوستی خود را به زبان نیاورند دلهایشان با همان سرعتی که قطرات باران در آبهای رودخانه‌ها به هم می‌پیوندند، به یکدیگر می‌پیوندند و بدکاران وقتی با هم روبه‌رو می‌شوند اگر چه به زبان اظهار دوستی کنند دلهایشان از یکدیگر دور است همچون دوری دلهای بهایم از یکدیگر هر چند مدتهای طولانی بر سر یک آخور با هم علوفه خورند [1723].
[صفحه 743]

راه آسایش چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به این سؤال که راه آسایش چیست؟
فرمودند:
در مخالفت کردن با هوای نفس. عرض شد: پس چه وقت بنده طعم آسایش را می‌چشد؟ حضرت فرمودند: در نخستین روز ورودش به بهشت [1724].

عوامل ریاضت و پرورش نفس

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در سفارشهای خود به عنوان بصری فرمودند:
و اما آنها که موجب ریاضت و پرورش نفس است: از خوردن چیزی که بدان میل و اشتها نداری بپرهیز که این کار حماقت می‌آورد و تا گرسنه نشده‌ای غذا نخور؛ خوراک حلال بخور در موقع خوردن نام خدای بگوی و این حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به یاد آر که: آدمی ظرفی بدتر از شکم خود پر نکرد [1725].
[صفحه 745]

برزخ

مراد از برزخ چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
برزخ همان گور است و آن پاداش و کیفر در فاصله میان دنیا و آخرت است [1726].

از برزخ شما می‌ترسم

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به خدا سوگند از برزخ بر شما می‌ترسم. عرض کردم: برزخ چیست؟
حضرت فرمودند: گور، از زمان مرگ تا روز رستاخیز [1727].

روح مؤمن بعد از مرگ کجا است؟

حضرت در پاسخ به این روایت که ارواح مؤمنان در چینه‌دانهای پرندگانی سبز رنگ است که بر گرد عرش می‌چرخند. فرمودند:
خیر، مؤمن در پیشگاه خداوند گرامی‌تر از آن است که روحش در چینه‌دان مرغی قرار داده شود، بلکه روح آنها در کالبدهایی همچون کالبد خود آنان می‌باشد [1728].
و نیز حضرت فرمودند:
چون خداوند جان او (مؤمن) را بستاند روحش را به کالبدی همچون کالبد وی در دنیا می‌برد؛ و می‌خورند و می‌آشامند و هرگاه کسی برایشان وارد شود او را با همان چهره‌ای که در دنیا داشته، می‌شناسند [1729].

ارواح مؤمنان با هم دیدار می‌کنند

ابوبصیر می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام از ارواح مؤمنان سخن به میان آوردند و فرمودند:
[صفحه 746]
آنان با هم دیدار می‌کنند. عرض کردم: دیدار می‌کنند؟! حضرت فرمودند: آری و از یکدیگر سوال و جواب می‌کنند و همدیگر را می‌شناسند به طوری که وقتی او را می‌بینی می‌گویی فلانی است [1730].

نحوه‌ی زندگی ارواح مؤمنان در بهشت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
ارواح مؤمنان در اتاقهایی در بهشت است، از غذای آنجا می‌خورند و از نوشیدنیهای آن می‌آشامند. به دیدار هم می‌روند و می‌گویند: پروردگارا قیامت را برپا دار تا آنچه را به ما وعده داده‌ای به کار بندی [1731].

محل تجمع ارواح مؤمنان در وادی‌السلام

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در فرمایش خود به راوی فرمودند: خداوند ارواح مؤمنان را از شرق و غرب عالم در وادی‌السلام جمع می‌کند. عرض کردم: وادی السلام کجا است؟ حضرت فرمودند: پشت کوفه. هان! گویی آنان را می‌بینم که دسته دسته نشسته‌اند و با هم صحبت می‌کنند [1732].

ارواح کافران در برزخ است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی ارواح کافران فرمودند:
در اتاقهای درون آتش جا دارند، از خوراک آن می‌خورند و از نوشیدنیهای آن می‌نوشند، به دیدار هم می‌روند و می‌گویند: بار خدایا! قیامت را برپا مدار تا مبادا وعده‌ای را که به ما داده‌ای اجرا کنی [1733].
و نیز حضرت فرمودند:
[صفحه 747]
جانهای کافران در آتش دوزخ است و بر آن عرضه شوند و می‌گویند: پروردگارا! قیامت را برای ما برپا مدار و وعده‌ای را که به ما داده‌ای اجرا مکن و آخر ما را به اول ما ملحق مکن [1734].

دورترین مردم در روز رستاخیز

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در روز رستاخیز جباران دورترین مردمانند از خدای عزوجل [1735].
[صفحه 749]

مقام و موقعیت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که به اندک گناهی کیفر می‌دهد، نباید چشم طمع به سروری کردن بدوزد و کسی که کم تجربه و خودپسند و خودرأی است نباید به ریاست طمع بندد [1736].

از شبهات دوری کنید تا ندانسته هلاک نشوید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
امور سه گونه‌اند: امری که درستی آن روشن است، پس باید آن را به کار بست امری که گمراهی و نادرستی‌اش آشکار است پس باید از آن دوری کرد و امری مبهم است پس باید علم آن را به خدا و رسولش ارجاع داد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: حلالی روشن وجود دارد و حرامی روشن و در این میان اموری است مشتبه و مبهم؛ پس هر که شبهات را رها کند از حرامها نجات یابد و هر که شبهات را بگیرد مرتکب حرامها شود و ندانسته به هلاکت درافتد [1737].

مردم را در مقام و موقعیت خود یاری رسانید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
زمانی فرا رسد که اگر کسی دست سؤال به سوی مردم دراز کند زنده بماند و اگر خاموش ماند بمیرد. (اسحاق بن عمار می‌گوید:) عرض کردم: اگر چنان روزی را درک کردم چه کنم؟ حضرت فرمودند: مردم را با مال خود یاری رسان و اگر چیزی نداشتی با استفاده از مقام و موقعیت خود کمکشان کن [1738].
[صفحه 750]

اثر جاه‌طلبی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
حمله دو گرگ درنده به یک رمه‌ی بی‌چوپان که یکی از اول رمه و دیگری از آخر رمه حمله کنند زیان‌بارتر از حب جاه و مال برای دین مسلمانان نیست [1739].

شخص کم تجربه‌ی خودرأی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شخص کم تجربه خودرأی، هرگز نباید به هیچ ریاستی طمع بندد [1740].

عامل سلامتی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سلامت چندان کمیاب است که راه جستن آن پوشیده و ناپیدا است و اگر سلامت در چیزی باشد تقریبا در گمنامی است [1741].

عامل بی‌نام و نشان شدن و از بین رفتن برکت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر مؤمنی در برابر صاحب قدرتی یا کسی که مخالف دین او است، به قصد دست یافتن به چیزی از دنیای او فروتنی و خضوع کند، خداوند او را بی‌نام و نشان گرداند، و برای این کار بر او خشم گیرد و او را به خودش واگذارد؛ و اگر هم به چیزی از دنیای او دست یابد و اندکی از آن به دستش افتد، خداوند برکت را از آن ببرد [1742].
[صفحه 752]

علم و دانش

مراد از حکمت چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه‌ی: (و به هر کس حکمت عطا شود...) (و من یؤت الحکمة...) فرمودند:
همانا حکمت عبارت است از شناخت و فهم دین؛ پس هر یک از شما که در دین فقیه و فهیم باشد حکیم است [1743].

عامل حکمت چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که به دنیا پشت کند خداوند حکمت را در دلش استوار گرداند و زبانش را به آن گویا سازد [1744].

اثر اندیشیدن زیاد

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اندیشیدن زیاد در حکمت، خرد را باور می‌سازد [1745].

اثر خردمندی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
آن که خردمند باشد، فرجامش، به خواست خدا، بهشت است [1746].

مراد از بلاغت چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بلاغت به تندی زبان و پرت و پلا گویی بسیار نیست، بلکه بلاغت رساندن معنا و آوردن دلیل و برهان درست است [1747].
و نیز حضرت در پاسخ به این پرسش که بلاغت چیست؟ فرمودند:
[صفحه 753]
کسی که مطلبی را بداند گفتارش درباره‌ی آن کوتاه شود. بلیغ گفته‌اند چون با کمترین زحمت مقصود خود را می‌رساند [1748].
و نیز حضرت فرمودند: بلاغت در سه چیز است: نزدیک شدن به معنای مورد نظر، دوری از گفتار حشو و زاید و رساندن معنای زیاد با عبارت کم و کوتاه [1749].

نیاز مردم به سه چیز ضروری است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
مردم هر شهری به سه چیز نیازمندند که در کار دنیا و آخرت خود به آنها رجوع کنند و چنانچه آن سه را نداشته باشند گرفتار جهل و نابسامانی می‌شوند: فقیه دانا و پارسا، فرمانروای نیکوکار و مطاع و (سوم) پزشک حاذق و مطئمن [1750].

با بی‌خردان دوستی نکنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که از دوستی با بی‌خرد دوری نکند به زودی خلق و خوی او را به خود بگیرد [1751].

انسان احمق قابل درمان نیست

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
عیسی بن مریم علیه‌السلام گفت: بیماران را طبابت کردم و به اذن خدا آنان را درمان کردم کوران مادرزاد و مبتلایان به پیسی را به اذن خدا بهبود بخشیدم، مردگان را به اذن خدا زنده کردم، اما احمق را نتوانستم اصلاح کنم.
[صفحه 754]
احمق کسی است که هر چه فضیلت است از آن خود می‌داند و برای دیگران بر خود هیچ فضیلتی قائل نیست، همه حقوق را برای خود می‌داند و هیچ حقی برای دیگران بر خود قائل نیست. این همان بی‌خردی است که چاره‌ای برای درمان او وجود ندارد [1752].

مراد از دانایی و نادانی چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دانایی را همین بس که از خدا بترسی و نادانی را همین بس که از (عذاب) خدا غافل شوی [1753].

نادانی در سه چیز است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نادانی در سه چیز است:
دوست عوض کردن، مخالفت کردن بدون دلیل و برهان، و پرس و جو از چیزهای بیهوده [1754].

نشانه‌ی دیوانگی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس به هر سؤالی که از او می‌شود پاسخ دهد دیوانه است [1755].

نعمت حافظه و فراموشی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در حدیث مفضل فرمودند:
آیا اندیشیده‌ای که اگر انسان از میان ویژگیها فقط حافظه را کم داشت حال و روزش چگونه بود؟ و اگر موضوعات سودمند و زیانبار و گرفته‌ها و داده‌ها و دیده‌ها و شنیده‌های خود را در حافظه‌اش نگه نمی‌داشت چه اختلالاتی در کارها و زندگی و
[صفحه 755]
تجربیاتش به وجود می آمد. اگر راهی را بارها و بارها می‌پیمود، باز آن را گم می‌کرد؛ اگر همه عمرش را درس می‌خواند، دانشی را به خاطر نمی‌سپرد، به دینی اعتقاد نمی‌یافت و از تجربه‌ای بهره‌مند نمی‌شد و نمی‌توانست از گذشته‌ها کمترین عبرتی بگیرد، به طور کلی سزاوار بود که از انسان یکسره خارج شود.
بالاتر از نعمت حافظه برای انسان نعمت فراموشی است؛ زیرا اگر فراموشی نبود هیچ کس مصیبتی را از یاد نمی‌برد [1756].

کسانی که بیشترین افسوس را می‌خورند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بیشترین افسوس را در روز قیامت کسی می‌خورد که سخن از عدالت بگوید و خود با دیگران به عدالت رفتار نکند [1757].

دریغ و پشیمانی و آه از آن چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
دریغ و پشیمانی و آه همه از آن کسی که از دانش و بینش خود بهره‌ای نگیرد و نداند که آنچه در کار آن است به سود او است یا به زیانش [1758].
[صفحه 757]

گناہ کاری

عامل جلوگیری از رزق و روزی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
(از جمله) گناهانی که جلو روزی را می‌گیرد زنا است [1759].

نحوه‌ی قصاص مرد زناکار

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هرگاه مرد به زور به زن تجاوز کند کیفرش یک ضربت شمشیر است، خواه بر اثر آن بمیرد یا جان به در برد [1760].

شریک شیطان چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که شیفته‌ی حرام و شهوت زنا باشد شریک شیطان است (یا شیطان در نطفه‌ی او شریک شده است) [1761].

نسبت به زنان مردم عفیف باشید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
نسبت به زنان مردم عفیف باشید تا به زنان شما عفت ورزند [1762].

کسانی که خداوند با آنها سخن نمی‌گوید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
سه نفرند که خداوند در روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و نگاهشان نمی‌کند و پاکشان نمی‌کند و آنان را عذابی دردناک است: کسی که موهای سپید خود را بکند، کسی که خودارضایی کند و کسی که لواط دهد [1763].
و نیز حضرت فرمودند:
[صفحه 758]
سه نفرند که خداوند در روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و پاکشان نمی‌سازد و برایشان عذابی دردآور است: پیرمرد زناکار، مرد بی‌غیرت و زنی که به شوهرش خیانت کند [1764].

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که زمان خود را بشناسد، آماج اشتباهات قرار نگیرد [1765].

علت حرمت زنا

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سوال زندیق، چرا زنا حرام شده است؟ فرمودند: چون مایه‌ی فساد و از بین رفتن ارث و میراث و انقطاع نسل است در زنا زن نمی‌داند که از چه کسی حامله شده و فرزند نمی‌داند پدرش کیست؟ نه صله‌ی ارحام به جا آورده می‌شود و نه خویشاوندیها معلوم است [1766].

در دو جا فرشتگان حاضر نمی‌شوند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هیچ کاری نیست که فرشتگان در هنگام انجام آن حاضر می‌شوند. مگر مسابقه اسب دوانی و شوخی کردن مرد با همسرش [1767].

زندانی چه کسی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
زندانی کسی است که دنیایش او را از آخرتش باز داشته باشد [1768].

مراد از مال حرام چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 759]
مال حرام عبارت است از بهای فروش مردار، بهای فروش سگ، بهای فروش شراب، زنا، رشوه گرفتن در قضاوت و مزد پیشگو. و نیز حضرت فرمودند:
مال حرام موارد فراوانی دارد. یکی از آنها درآمدی است که از راه کار کردن برای والیان ستمگر به دست می‌آید [1769].

کسی که مردم را مسخره می‌کند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
کسی که مردم را مسخره می‌کند، نباید به دوستی خالصانه ی او چشم امید بست [1770].

شخص فرومایه کیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال از فرومایه فرمودند:
کسی که شراب می‌خورد و طنبور می‌زند [1771].
و نیز حضرت فرمودند: زنهار از آمیزش با فرومایه؛ زیرا که از فرومایه هیچ خیری بر نمی‌خیزد [1772].
شیخ صدوق (رضوان الله علیه) در (من لا یحضره الفقیه) بعد از نقل این فرمایش امام علی علیه‌السلام که (زنهار از آمیزش با فرومایه؛ زیرا که از فرومایه هیچ خیری بر نمی‌خیزد)، می‌نویسد:
درباره‌ی معنای فرومایه اخبار گوناگونی آمده است: در بعضی روایات فرومایه به کسی اطلاق شده که طنبور بزند؛ در بعضی دیگر به کسی که اگر به او خوبی کنی خوشحال نشود و اگر بدی کنی ناراحت نگردد و نیز به کسی اطلاق شده که به ناحق و بدون شایستگی ادعای امامت و پیشوایی کند. همه اینها اوصاف و ویژگیهای
[صفحه 760]
فرومایه است و هر کس یکی یا همه آنها را داشته باشد باید از آمیزش و همنشینی با او دوری کرد [1773].

سزای بهتان زننده در روز قیامت

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر کس به مرد یا زن مؤمن بهتان زند خداوند در روز رستاخیز او را در طینت خبال نگه دارد تا حرف خود را پس گیرد.
[ابن ابی یعفور می‌گوید:] عرض کردم: طینت خبال چیست؟ حضرت فرمودند: چرک و زردابه‌ای است که از شرمگاه زنان فاحشه بیرون می‌آید [1774].

به برادر دینی خود تهمت نزنید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هرگاه مؤمن به برادر خود تهمت زند ایمان در قلب او آب شود همچنان که نمک در آب حل می‌شود [1775] و نیز حضرت فرمودند:
هر کس به برادر دینی خود تهمت زند حرمتی میان آن دو به جا نمی‌ماند [1776].

مراد از ناکثین چه کسانی هستند؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
گروهی از مردم بصره نزد من آمدند و درباره‌ی طلحه و زبیر نظرم را پرسیدند، گفتم: آنان دو تن از پیشوایان کفر هستند. علی (صلوات الله علیه) در روز بصره (جنگ جمل) وقتی سواران خود را آرایش داد، به یارانش فرمودند: که در جنگ با این قوم شتاب مکنید تا میان خود و خدای تعالی و آنان حجت را تمام کنم. پس نزد آنان رفت و به بصریان فرمودند: آیا فکر می‌کنید که من در حکومت مرتکب ستمی شده‌ام؟ گفتند:... سپس نزد یاران خود برگشتند و فرمودند: خداوند در کتاب
[صفحه 761]
خود می‌فرماید: (اگر کسانی پس از پیمان بستن عهد و سوگندهای خود را شکستند و در دین شما طعن زدند با پیشوایان کفر قتال کنید)، (و ان نکثوا ایمانهم من بعد عهدهم و طعنوا فی دینکم فقاتلوا ائمة الکفر) پس امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: سوگند به آن که دانه را شکافت و مردمان را آفرید و محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به نبوت برگزید این آیه درباره‌ی شما است و از زمانی که نازل شد با چنین گروهی جنگ نشده است [1777].

عامل نفاق دورویی و سنگ‌دلی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از همنشینی با شهریاران و دنیاپرستان بپرهیزید که این کار دین شما را می‌برد و نفاق و دوروئی می‌آورد و این دردی سخت و بی‌درمان است، نیز سنگدلی به بار می‌آورد و فروتنی را می‌زداید، با مردمان همتای خود و افراد متوسط (جامعه) همنشینی کنید که کانونهای جواهر را در میان آنها می‌یابید [1778].

عامل کینه و نفاق

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
از مشاجره بپرهیزید که دل را مشغول می‌کند و موجب نفاق می‌شود و کینه به بار می‌آورد [1779].
[صفحه 764]

آداب اجتماعی

شمار جماعت امت رسول خدا

امام صادق علیه‌السلام فرمودند:
از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌ی جماعت امتش سوال شد، حضرت فرمود: امت من همان اهل حقند هر چند شمارشان اندک باشد [1780].

مراد از گواه و گواهی شده چه روزی است؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه‌ی: (و قسم به گواه و گواهی شده)، (و شاهد و مشهود) (بروج / 3) فرمودند:
شاهد (گواه) روز جمعه است و مشهود (گواهی شده) روز عرفه [1781].

عوامل زیبایی انسان

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خداوند زیبایی و آراستن را دوست دارد و بینوایی و قیافه‌ی فقرآلود را ناخوش می‌دارد. هرگاه خداوند به بنده‌ای نعمتی دهد دوست دارد اثر آن را در او ببیند. عرض شد: چگونه؟ حضرت فرمودند: لباس تمیز بپوشد، خود را خوشبو کند، خانه‌اش را گچکاری کند، جلو در حیاط خود را بروبد حتی روشن کردن چراغ پیش از غروب خورشید فقر را می‌برد و روزی را زیاد می‌کند [1782].

نمایاندن نعمت جزء دین است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مردی را دید که موهای سرش ژولیده، لباسش کثیف و چرکین و سر و وضعش پریشان به هم ریخته است، فرمودند: بهره بردن (از نعمتهای خداوند) و نمایاندن نعمت جزء دین است [1783].
[صفحه 765]

وظایف گوش

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بر گوش فرض شده است که از گوش دادن به آنچه خدا حرام کرده دوری کند، از آنچه خدای عزوجل نهی کرده و شنیدنش بر آن حلال نیست اعراض کند و به آنچه خدای عزوجل را ناخشنود و خشمگین می‌کند گوش ندهد. پس دوباره فرموده: (و در این کتاب بر شما نازل کرد...)، (و قد نزل علیکم فی الکتاب...) (نساء / 140) [1784].

آیا نام‌گذاری فرزندان به نام‌های ائمه سودی دارد؟

از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام سؤال شد:
آیا نامگذاری (فرزندان) به نامهای ائمه علهیم‌السلام سودی دارد؟ حضرت فرمودند: آری به خدا، مگر دین جز محبت است؟ خداوند فرموده است: (اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهانتان را ببخشاید)، (ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله و یغفر لکم ذنوبکم) [1785].

مسئولیت گوش، چشم و دل چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه (همانا گوش و چشم و دل همگی مورد بازخواست قرار می‌گیرند)، (ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک کان عنه مسئولا) (اسراء / 36) فرمودند:
از گوش درباره‌ی آنچه شنیده است بازخواست می‌شود و از چشم درباره‌ی آنچه نگریسته است و از دل درباره‌ی باورها و دلبستگیهایش [1786].

اثر و ثواب گریه کردن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 766]
هر چیزی پیمانه و وزنی دارد مگر اشکها؛ زیرا قطره‌ای از اشک دریاهایی از آتش را فرو می‌نشاند. هرگاه چشم غرق در اشک خود شود گرد هیچ فقر و ذلتی بر چهره‌ی آن ننشیند. و هرگاه اشکها سرازیر شود خداوند آن چهره را بر آتش حرام گرداند. و اگر گریندهای در میان امتی بگرید همه آن امت مشمول رحمت می‌شوند [1787].

بزرگسالان خود را احترام نمایید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بزرگسالان خود را احترام کنید و صله رحم به جای آورید.
و نیز حضرت فرمودند:
از ما نیست کسی که بزرگسالان ما را حرمت ننهد و با خردسالان مهربان نباشد [1788].

تکلیف پسران بالغ

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هرگاه کودک سیزده سالش تمام و وارد چهارده سالگی شود، چه محتلم گردد و چه نگردد، همان تکالیفی که بر افراد محتلم شونده واجب است بر او نیز واجب می‌باشد و بر او گناه و ثواب نوشته می‌شود و می‌تواند هر گونه دخل و تصرفی در اموال خود بکند مگر آنکه ناتوان یا سفیه باشد [1789].

زمان بالغ شدن دختران

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
زمان بالغ شدن زن نه سالگی است [1790].
[صفحه 767]

ثواب خنک کردن جگر تفته

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
بهترین صدقه خنک کردن جگر تفته است. هر که جگر تفته‌ی حیوانی یا جز آن را سیراب کند خدای عزوجل او را، در آن روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه‌ی او نیست، سایه دهد [1791].

ثواب نوشاندن آب

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
هر که در جایی که آب یافت می‌شود آب بنوشاند مانند کسی است که بنده‌ای را آزاد کند و هر که در جایی که آب یافت نمی‌شود آب بنوشاند، مانند کسی است که یک نفر را زنده کند، و هر که یک نفر را زنده کند چنان است که همه مردم را زنده کرده باشد [1792].

مراد از اینکه در حال مستی به نماز نزدیک نشوید چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه: (در حال مستی به نماز نزدیک مشوید)، (لا تقربوا الصلاة و انتم سکاری) فرمودند: منظور مستی خواب است [1793].

با شکم پر به حمام نروید

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
زمانی حمام برو که در معده‌ات اندک چیزی که حرارت آن را فرو بنشاند، باشد. این برای تقویت بدن تو بهتر است. با شکم پر نیز حمام نرو [1794].

مراد از مزه‌ی آب چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
[صفحه 768]
مزه‌ی آب، زندگی است [1795].

زنان لباس مردان را نپوشند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام از پدران بزرگوار خویش فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرد را از مانندسازی خود به زنان بازداشت و زن را نیز از اینکه در پوشش خود از مردان تقلید کند نهی فرمودند [1796].

امید در ناامیدی است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
به آنچه امیدش را نداری امیدوارتر باش از آنچه بدان امیدواری زیرا موسی علیه‌السلام رفت تا برای خانواده‌اش آتش بیاورد اما وقتی برگشت پیامبری مرسل بود [1797].

کسانی که قابل ترحم‌اند

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
من به سه کس ترحم می‌کنم و شایسته مهربانی‌اند: عزیزی که به خواری افتاده و توانگری که نیازمند گشته و دانشمندی که در میان خانواده و مردمان نادان خفیف و بی‌قدر شده است [1798].

مراد از آزردگی چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پنج خصلت است که در هر کس یکی از آنها نباشد خیر و بهره‌ی زیادی در او نیست: اول: وفاداری، دوم: تدبیر، سوم: شرم و حیا، چهارم: خوش‌خویی و پنجم: که چهار خصلت دیگر را نیز در خود دارد: آزادگی است [1799].
[صفحه 769]

آزاده همیشه آزاده است

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
آزاده در همه حال آزاده است: اگر بلا و سختی به او رسد شکیبایی ورزد و اگر مصیبتها بر سرش فرو ریزند او را نشکنند هر چند به اسیری افتند و مقهور شود و آسایش را از دست نهاده به سختی و تنگدستی افتد. چنانکه یوسف صدیق امین علیه‌السلام به بندگی گرفته شد و مقهور و اسیر گشت اما این همه به آزادگی او آسیب نرساند [1800].

هم آواز شدن کوه‌ها، سنگ‌ها و مرغ‌ها با حضرت داود

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
داود علیه‌السلام هرگاه زبور را تلاوت می‌کرد، هیچ کوه و سنگ و مرغی نبود مگر این که با او هم آواز می‌شد [1801].

دستور رسول خدا به کشتی گرفتن

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
شبی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خانه فاطمه سلام الله علیها رفتند حسن و حسین علیهم السلام با او بودند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آن دو بزرگوار فرمودند: برخیزید و کشتی بگیرید. آن دو بزرگوار برخاستند و به کشتی گرفتن پرداختند [1802].

دعای حضرت امام جعفر صادق در روز عرفه

از دعای حضرت در روز عرفه:
خدایا به تو پناه می‌برم از دنیایی که از خیر آخرت جلوگیری کند و از زندگانی که بهترین مردن را باز دارد و از آرزویی که مانع رسیدن به بهترین کار شود [1803].
[صفحه 770]

مراد از سرگرمی و غفلت چیست؟

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
خوشا کسی که آرزوهای پوچ، او را سرگرم و غافل نکرده باشد [1804].

سفارش حضرت امام جعفر صادق هنگام حلول ماه مبارک رمضان

از سفارش‌های حضرت به فرزندانش در هنگام حلول ماه رمضان:
جانهای خود را به تلاش و کوشش وادارید؛ زیرا در این ماه روزیها قسمت و اجل‌ها نوشته می‌شود و در آن نام‌های میهمانان خدا که بر او وارد می‌شوند نوشته می‌گردد. در این ماه شبی هست که عمل (عبادت) در آن از عمل (عبادت) هزار شب بهتر است [1805].

اثر پرهیز غذایی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
پرهیز از غذا به بیمار زیانی نمی‌رساند [1806].

خواص سیب

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
اگر مردم خواص سیب را بدانند؛ بیماران خود را جز با آن درمان نکنند [1807].

ظروف طلا و نقره

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمودند:
در ظرفهای زرین و سیمین غذا نخور [1808].
[صفحه 771]

معنای ولخرجی

حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره‌ی آیه: (و ولخرجی مکن)، (و لا تبذر تبذیرا) (اسراء / 26 و 27) فرمودند:
هر کس چیزی در راهی جز طاعت خدا انفاق کند ولخرج است و هر کس در راه خیر و خوبی خرج کند مقتصد و صرفه‌جوی است [1809].
حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام در پاسخ به پرسش ابوبصیر از آیه: (و ولخرجی مکن) فرمودند:
انسان مال خود را تلف می‌کند و خود تهیدست می‌ماند. ابوبصیر گفت: پس در مال حلال نیز ولخرجی ممکن است؟ حضرت فرمودند: آری [1810].

[1] نحل / 125.
[2] سجده / 33.
[3] آل عمران / 187.
[4] بحارالانوار: 2 / 152 / 150: میزان الحکمه: ج 3، ح 3339.
[5] کنز العمال: 29163، امالی شیخ صدوق: 186 / 13، میزان الحکمه: ج 3، ح 3332.
[6] بحارالانوار: 2 / 144 / 5، میزان الحکمه: ج 3، ح 3333.
[7] کافی: 1 / 41 / 8، میزان الحکمه: ج 3، ح 3335.
[8] المحاسن: 1 / 356 / 755، میزان الحکمه: ج 3، ح 3336.
[9] بحارالانوار: 2 / 152 / 41، میزان الحکمه: ج 3، ح 3338.
[10] بحارالانوار: 2 / 152 / 43، میزان الحکمه، ج 3، ح 3340.
[11] معانی الاخبار: 2 / 3، میزان الحکمه: ج 3، ح 3351.
[12] بحارالانوار: 2 / 145 / 8، میزان الحکمه: ج 3، ح 3344.
[13] کنزالعمال: 2 / 145 / 8، میزان الحکمه: ج 3، ح 3344.
[14] بحارالانوار: 2 / 212 / 114، میزان الحکمه: ج 3، ح 3370.
[15] بحارالانوار: 2 / 212 / 116، میزان الحکمه: ج 3، ح 3371.
[16] بحارالانوار: 2 / 212 / 18، میزان الحکمه: ج 3، ح 3380.
[17] امالی شیخ صدوق: 152 / 4، عیون اخبار الرضا (ع): 2 / 37 / 94، میزان الحکمه: ج 3، ح 3343.
[18] از جمله لقب‌های امام علیه‌السلام صابر، فاضل، طاهر، قائم و منجی است.
[19] تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 298.
[20] همان، ص 329.
[21] بهرامیان، علی و سید صادق سجادی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «ابومسلم» ج 6.
[22] مروج الذهب...، ج 2، ص 216.
[23] معارف، مجید، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ص 87.
[24] الکامل فی التاریخ، ج 5، ص 86.
[25] هشام بن حکم، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، هشام بن سالم، مؤمن طاق، مفضل بن عمر، جابر بن حیان، ابوحنیفه، واصل بن عطا و... هشام بن حکم با 31 جلد کتاب، جابر بن حیان پدر علم شیمی با 200 جلد کتاب، رساله‌ی توحید مفضل و بسیاری دیگر. برای اطلاع بیشتر ر.ک: پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ص 231 - 216، این کتاب در ضمن

جدول‌هایی نام شاگردان امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام را با نوع آثارشان آورده و پیش از آن در ص 117، موقعیت کمی و کیفی شاگردان ایشان را نشان داده است.
[26] برای اطلاع بیشتر، ر.ک: پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، بخش چهارم، بررسی «اصل». «کتاب» و «اصول اربعمأه» ص 169 - 232.
[27] ابراهیم، فؤاد، «گذری تاریخی بر اندیشه‌های سیاسی شیعه»، فقه کاوشی نو در فقه اسلامی، ش 23، بهار 1379، ص 238.
[28] الکافی، ج 1، ص 57.
[29] امالی المفید، ص 51 - 52.
[30] پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ص 135.
[31] دو گروه درباره‌ی من به هلاکت می‌افتند: عاشقان گزافه‌گوی که مرا در غیر جایگاه خود قرار می‌دهند و به چیزی که ندارم می‌ستایند و دشمنان ناروا گو، که مرا به چیزی که از آن بیزارم نسبت می‌دهند، (شرح نهج‌البلاغه، ج 5، ص 5).
[32] الاتحاف بحب الاشراف، ص 147.
[33] ابن عبدالعزیز، عمر، الفکر السیاسی للامام جعفر الصادق علیه‌السلام، ص 12، نقل از: حسن امین در مجموعه مقالات الجانب العلمی و الفکری من شخصیة الامام الصادق علیه‌السلام، مؤتمر الامام الصادق علیه‌السلام الدولی دمشق، هفدهم تا نوزدهم ربیع الاول 1412.
[34] ر.ک: الکافی، الاحتجاج علی اهل اللجاج؛ بحارالانوار؛ قاضی زاهدی، گنجینه‌ی نور پرسش‌های مردم و پاسخ‌های امام صادق علیه‌السلام و دیگر منابع.
[35] اصول اعتقادی آنان بر ظهور، اتحاد، حلول و تناسخ استوار است. فرهنگ فرق اسلامی، ص 345.
[36] بحارالانوار، ج 338، 47.
[37] جوانان خود را از غالیان بر حذر دارید تا ایشان را فاسد نکنند؛ زیرا غالیان بدترین آفریدگان خدایند، بزرگی خدا را کوچک می‌شمارند و برای بندگان خدا، ادعای خدایی می‌کنند. به خدا سوگند که غالیان بدتر از یهود، نصاری و مجوس و مشرکان‌اند. فرهنگ فرق اسلامی، ص 344؛ و نیز از امام رضا علیه‌السلام روایت است: هر که با ایشان بنشیند و بیامیزد و بخورد و بیاشامد و بپیوندد و ازدواج کند و...، از ولایت خداوند و ولایت ما اهل بیت بیرون است. همان.
[38] برای اطلاع بیشتر ر. ک: زین عاملی، محمد حسین، شیعه در تاریخ، ترجمه محمدرضا عطائی.
[39] مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، ص 347.
[40] همان، ص 415 - 418.

[41] شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، ج 1، ص 49 - 78؛ فرهنگ فرق اسلامی، ص 415 - 418.
[42] کتاب فرهنگ فرق اسلامی، ص 416 - 418؛ نام 13 فرقه از فرقه‌های معتزله را آورده است.
[43] برای اطلاع بیشتر از اقدامات امام صادق علیه‌السلام در تقریب بین مذاهب اسلامی، ر. ک: سید علوی، سید ابراهیم، «نقش امام صادق علیه‌السلام در تقریب بین مسلمانان و جلوگیری از تفرقه و انشعاب»، مجله مشکوة، فصلنامه بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ش 49، ص 129.
[44] أتق الله، یا عمرو و انتم ایضا ایها الرمط فاتقوا الله! ان ابی حدثنی و کان خیر اهل الارض و اعلم بکتاب الله و سنة رسوله، ان رسول الله قال من ضرب الناس بسیفه و دعاهم الی انفسهم و فی المسلمین من هو اعلم منه فهو ضال متکلف.
[45] سید علوی، سید ابراهیم، «نقش امام صادق علیه‌السلام در...، مجله مشکوة، ش 49، ص 136.
[46] بحارالانوار، ج 47، ص 167 - 169.
[47] امالی الطوسی، ص 51.
[48] بحارالانوار، ج 47، ص 177 و 181.
[49] اسحاق بن عمار گوید: شخصی از امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی کارمند شدن در حکومت سلطان ستمگر سؤال کرد. حضرت فرمودند: آیا آنها سراغ شما می‌آیند یا شما نزد آنها می‌روید؟ آن مرد گفت: بلکه آنها سراغ ما می‌آیند. حضرت فرمودند: اشکالی ندارد. گویا جمله‌ی سؤال گونه امام، پرسش از حالت اکراه و اجبار است که در این صورت ورود به دستگاه بدون اشکال است. از فضای حاکم بر این پرسش فهمیده می‌شود که پرسشگر به خوبی از نظر امام در ممنوعیت همکاری با سلطان ستمگر آگاه بوده است و این سؤال به منزله اذن و اجازه خواستن است و امام نیز فقط به صورت مجبور بودن تجویز فرموده‌اند. قاضی زاهدی، احمد، گنجینه‌ی نور، ج 1، ص 485، نقل از محمد بن محمد بن نعمان، شیخ مفید، الاختصاص، ص 261.
[50] ولوی: علی محمد، دیانت و سیاست در قرون نخستین اسلامی، ص 223.
[51] عمرجی، احمد شوقی ابراهیم، الحیاة السیاسیة، الفکریة للزیدیه المشرق الاسلامی، ص 39.
[52] حسنی، هاشم معروف، انتفاضات الشیعة، ص 346.
[53] الارشاد...، ج 2، ص 168؛ ابن‌طقطقا، تاریخ فخری، ص 277.
[54] همان، ص 168.

[55] همان.
[56] انتفاضات الشیعة، ص 362.
[57] مروج الذهب...، ج 3، ص 225.
[58] موسوی نژاد، سید علی، «آشنایی با زیدیه»، مجله هفت آسمان: سال 3، شماره 11، ص 82.
[59] فرهنگ فرق اسلامی، ص 214 - 219.
[60] همان، ص 218.
[61] صحیفه کامله سجادیه، ص 16.
[62] همان، ص 17.
[63] عمدة الطالب، ص 259.
[64] فرهنگ فرق اسلامی، ص 134 و 216.
[65] الکامل فی التاریخ، ج 5، ص 513.
[66] اشعری، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، ص 80؛ نوبختی، فرق الشیعه، ص 68.
[67] فرق الشیعه: ص 68.
[68] همان، ص 69 - 67؛ المقالات و الفرق، ص 83 - 81؛ اشعری، علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، ص 27 - 26؛ الملل و النحل، ج 1، ص 149. ایوانف به استناد نظریه‌ی ابویعقوب سجستانی در اثبات النبوات بر این عقیده است که مبارک، نام خود اسماعیل بوده است. این مطلب در نامه‌ی عبیدالله مهدی مؤسس دولت فاطمیان مصر به اسماعیلیان یمن که مندرج در کتاب الفرائض و حدود الدین تألیف جعفر بن منصور، تأکید شده است. دفتری، فرهاد، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص 115 - 114.
[69] الملل و النحل، ج 1، ص 172 - 170.
[70] امام مقیم، امام اساس، امام مستقر و امام مستودع، برای اطلاع بیشتر ر. ک: فرق و مذاهب کلامی، ص 73 به بعد.
[71] الکافی، ج 2، ص 242.
[72] همان، حدیث 4.
[73] تاریخ تشیع، ج 1، ص 255 - 139.
[74] تحف العقول: 269، میزان الحکمه: ج 14، ح 21235.
[75] بحار: 78 / 111 / 207 ح 212422.
[76] بحار: 78 / 281 / 1 میزان الحکمه: ج 14، ح 21245.
[77] کافی: 4 /53 / 7، همان، همان، 21284.
[78] تحف العقول: 318، میزان الحکمه: ج 14، ح 21344.
[79] کافی: 2 / 335 / 1، میزان الحکمه: ج 14، ح 21428.
[80] تحف العقول: 21439370.

[81] بحار: 78 / 243 / 42، میزان الحکمه: ج 14، ح 21517.
[82] امالی طوسی: 281 / 544. 21590.
[83] کافی: 2 / 76 / 2، میزان الحکمه: ج 14، ح 21611.
[84] کافی: 2/ 77 / 8. 21642.
[85] بحار: 70 / 305 / 25، میزان الحکمه: ج 14، ح 21655.
[86] کافی: 2 / 425 / 3، میزان الحکمه: ج 14، ح 21684.
[87] کافی: 1 / 12 / 10. 21688.
[88] کافی: 3 / 358 / 2. 121688.
[89] کافی: 2 / 424 / 2، میزان الحکمه: ج 14، ح 21694.
[90] خصال: 8 / 26، میزان الحکمه: ج 14، ح 21711.
[91] قرب الاسناد: 78 / 253، همان، همان، 21717.
[92] خصال: 47 / 50، میزان الحکمه: ج 14، ح 21718.
[93] کافی: 8 / 150 / 130 میزان الحکمه: ج 14، ح 21753.
[94] امالی شیخ طوسی: 676 / 1429، همان، همان، 21785.
[95] تحف العقول: 21791 367.
[96] تحف العقول: 21791 367.
[97] کافی 8 / 49 / 9 میزان الحکمه: ج 14، ح 21792.
[98] فلاح السائل: 66، وسائل الشیعه: 13 / 313 باب 3.
[99] میزان الحکمه: ج 14، ح 21805
بحار: 78 / 270 / 111 همان، همان، 31815.
[100] بحار: 75 / 123 / 20 و 75 / 118 / 3، میزان الحکمه: ج 14، ح 21838.
[101] بحار: 77 / 43 / 13، همان، ج 14، ح 21850.
[102] کافی: 2 / 122 / 2، همان، ج 14: ح 21884.
[103] بحار: 80 / 122 / 2، میزان الحکمه: ج 14، ح 21884.
[104] علل الشرائع: 283 / 1 همان، همان، 219.4.
[105] وسائل الشیعه: 1 / 264 / 7، میزان الحکمه: ج 14، ح 21923.
[106] وسائل الشیعه: 1 / 263 باب 8، عواملی اللالی: 1 / 23 / 3 همان، همان، 21924.
[107] امالی شیخ صدوق: 394 / 1 میزان الحکمه: ج 14، ح 12022.
[108] بحار: 78 / 190 / 1 همان، همان، 222124.
[109] بحار: 78 / 190 باب 23 و ص 279 باب 24 میزان الحکمه: ج 14، ح 22126 تنبیه الخواطر: 2 / 30.
[110] کافی: 2 / 78 / 14، میزان الحکمه: ج 14، ح 1222.1.
[111] کافی: 8 / 151 / 132 همان، همان، ح 22211.
[112] کافی: 8 / 129 / 98 همان، همان، ح 22216.

[113] معانی الاخبار: 405 / 76، میزان الحکمه: ج 14، ح 224.2.
[114] بحار: 70 / 282 / 1، همان، همان، 22409.
[115] بحار: 70 / 285 / 80، میزان الحکمه: ج 4، ح 22434.
[116] بحار: 70 / 288 / 18، همان، همان 22441.
[117] بحار: 70 / 291 / 31، میزان الحکمه: ج 14، ح 22458.
[118] بحار: 80 / 285 / 7 همان، همان، 22470.
[119] بحار: 71 / 158 / 75، میزان الحکمه: ج 14، ح 22528.
[120] بحار: 71 / 135 / 15 همان، همان، 22543.
[121] کافی: 2 / 65 / 3، میزان الحکمه: ج 14، ح 22550.
[122] امالی شیخ صدوق: 193 / 326 همان، همان، 22579.
[123] بحار: 104 / 105 / 103، میزان الحکمه: ج 14، ح 122621.
[124] کافی: 6 / 50 / 5 همان، همان، 22623.
[125] مکارم الاخلاق: 1 / 471 / 1610 همان، همان، 22639.
[126] کافی: 6 / 6 / 11، میزان الحکمه: ج 14، ح 22649.
[127] کافی: 6 / 6 / 9، میزان الحکمه: ج 14، ح 22650.
[128] بحار: 78 / 206 / 59، همان، همان، 22655.
[129] کنزالعمال: 45391 همان، همان، 22652.
[130] همان، 45399، میزان الحکمه: ج 14، ح 22653.
[131] همان: 45399، همان، همان، 22654.
[132] مکارم الاخلاق: 1613، 1 / 472، میزان الحکمه: ج 14، ح 22657.
[133] کافی: 6 / 6 / 7، میزان الحکمه: ج 14، ح 22658.
[134] کافی: 2 / 157 / 1 همان، 22670.
[135] بحار: 74 / 65 / 31، میزان الحکمه: ج 14، ح 22674.
[136] کافی: 2 / 159 / 7، میزان الحکمه: ج 14، ح 22689.
[137] کافی، 2 / 348 / 1. 22701.
[138] کافی 2 / 349 / 7. 22702.
[139] کافی، 2 / 158 / 1، میزان الحکمه: ج 14، ح 22704.
[140] وسایل الشیعه: 18 / 224 / 2، همان، همان، 22708.
[141] علل الشرایع: 479 / 2، میزان الحکمه: ج 14، ح 22712.
[142] بحار: 74 / 74 / 61، همان، همان، 22713.
[143] بحار: 104 / 99 / 77 / میزان الحکمه: ج 14، ح 22717.
[144] کافی: 2 / 349 / 7، همان، همان، 22720.
[145] بحار: 74 / 61 / 26، میزان الحکمه: ج 14، ح 22721.
[146] تحف العقول: 322، میزان الحکمه: ج 14، ح 22727.
[147] بحار: 78 / 236 / 67، میزان الحکمه: ج 14، ح 22739.
[148] بحار: 78 / 236 / 67، میزان الحکمه: ج 14، ح 22739.

[149] بحار: 104 / 98 / 69، میزان الحکمه: ج 14، ح 22746.
[150] وسایل الشیعه: 12 / 247 / 12، همان، همان، 22750.
[151] کافی: 4 / 124 / 1، میزان الحکمه: ج 14، ح 22759.
[152] کافی: 3 / 409 / 1، همان، همان، 22760.
[153] بحار: 75 / 340 / 18، میزان الحکمه: ج 14، ح 22773.
[154] تحف العقول: 319، میزان الحکمه: ج 14، ح 22794.
[155] تحف العقول: 319، همان، همان، 22795.
[156] نورالثقلین: 2 / 309 / 94، میزان الحکمه: ج 14، ح 22837.
[157] بحار: 68 / 221 / 10، همان، همان، 22849.
[158] تنبیه الخواطر: 1 / 86، میزان الحکمه: ج 14، ح 22850.
[159] وسایل الشیعه: 6 / 314 / 5، میزان الحکمه: ج 14، ح 22862.
[160] بحار: 67 / 271 / 3، میزان الحکمه: ج 14، ح 22923.
[161] کافی، 2 / 51 / 1، همان، همان، 22924.
[162] کافی: 2 / 57 / 3، همان، همان، 22933.
[163] کافی: 2 / 52 / 4. 22935.
[164] بحار: 70 / 182 / 52، میزان الحکمه: ج 14، ح 22961.
[165] بحار: 70 / 172 / 22، همان، همان، 22967.
[166] بحار: 73 / 161 / 6. 22977.
[167] مشکاة الانوار: 20، همان، همان، 22992.
[168] بحار: 70 / 179 / 45، میزان الحکمه: ج 14، ح 23026.
[169] الدر المنثور: 2 / 203، میزان الحکمه: ج 14، ح 23027.
[170] کافی: 6 / 272 / 8، میزان الحکمه: ج 13، ح 19912.
[171] کافی: 8 / 268 / 393، همان، همان، 19933.
[172] کافی: 2 / 129 / 7، میزان الحکمه: ج 13، ح 19986.
[173] کافی: 5 / 93 / 2، همان، همان، 19990.
[174] محاسن برقی: 2 / 141 / 1365، میزان الحکمه: ج 13، ح 20081.
[175] خصال شیخ صدوق: 119 / 107 /، میزان الحکمه: ج 13، ح 20088.
[176] کافی: 8 / 275 / 415، میزان الحکمه: ج 13، ح 20093.
[177] تحف العقول: 304، میزان الحکمه: ج 13، ح 20105.
[178] تحف العقول: 319 میزان الحکمه: ج 13، ح 20107.
[179] تحف العقول: 320، میزان الحکمه: ج 13، ح 20110.
[180] کافی: 8 / 146 / 123. 20130.
[181] کافی: 2 / 208 / 2، میزان الحکمه: ج 13، ح 20136.
[182] کافی: 2 / 208 / 6، میزان الحکمه: ج 13، ح 20138.

[183] مستدرک الوسایل: 9 / 41 / 148. 10 همان، همان، 320147.
[184] بحار: 78 / 194 / 9، میزان الحکمه: ج 13، ح 20175.
[185] خصال: 46 / 74 همان، همان، 20166.
[186] تحف العقول: 305، میزان الحکمه: ج 13، ح 20249.
[187] کافی: 5 / 559 / 12 همان، همان، 20257.
[188] معانی الاخبار: 147، میزان الحکمه: ج 13، ح 20276.
[189] من لا یحضره الفقیه: 4 / 18 / 4969، همان، همان، 20284.
[190] مکارم الاخلاق: 1 / 505 / 1747، میزان الحکمه: ج 13، ح 20287.
[191] من لا یحضره الفقیه، 3 / 474 / 4658 همان، همان، 20292.
[192] همان، 4 / 18 / 4970، میزان الحکمه: ج 13، ح 20295.
[193] بحار: 104 / 41 / 52. 2030.
[194] تنبیه الخواطر: 2 / 108، میزان الحکمه: ج 13، ح 20354.
[195] خصال: 223 / 51، میزان الحکمه: ج 13، ح 20370.
[196] امالی شیخ طوسی: 246 / 431 همان، همان، 20374.
[197] تحف العقول: 318 همان، همان، 2383.
[198] کافی: 4 / 37 / 1 همان، همان، 20391.
[199] عیون الاخبار الرضا علیه‌السلام: 2 / 4 / 8، میزان الحکمه: ج 13، ح 20401.
[200] امالی شیخ مفید: 184 / 8 همان، همان، 20414.
[201] کافی: 2 / 452 / 3 و ح 2، میزان الحکمه: ج 13، ح 20417 و 20418.
[202] کافی: 1 / 638 / 1 همان، همان، 20431.
[203] کافی: 1 / 439 / 9، میزان الحکمه: ج 13، ح 20432.
[204] کافی: 1 / 438 / 2، میزان الحکمه: ج 13، ح 20430.
[205] امالی شیخ طوسی: 275 / 526 همان، همان، 20433.
[206] مجمع البیان: 10 / 768، میزان الحکمه: ج 13، ح 20435.
[207] معانی الاخبار: 408 / 87 همان، همان، 20440.
[208] کافی: 3 / 345 / 26، میزان الحکمه: ج 13، ح 20476
[209] کافی: 2 / 454 / 5، میزان الحکمه: ج 13، ح 20493.
[210] کافی: 2 / 336 / 4، میزان الحکمه: ج 13، ح 20549.
[211] الاختصاص: 228، میزان الحکمه: ج 13، ح 20573.
[212] کنز العمال: 849، میزان الحکمه: ح 20576، 13.
[213] خصال شیخ صدوق: 121 / 113، همان، همان، 20580.
[214] امالی شیخ صدوق: 277 / 19، میزان الحکمه: ج 13، ح 2607.
[215] تحف‌العقول: 367، میزان الحکمه: ج 13، ح 20611.

[216] تحف العقول: 370، میزان الحکمه: ج 13، ح 20612.
[217] تحف العقول: 370، میزان الحکمه: ج 13، ح 20612.
[218] بحار: 96 / 130 / 57، همان، همان، 20635.
[219] بحار: 96 / 117 / 10، میزان الحکمه: ج 13، ح 20693.
[220] کافی: 4 / 9 / 1، همان، همان، 20641.
[221] بحار: 96 / 130 / 57، همان، همان، 20657.
[222] کافی: 3 / 504 / 7، میزان الحکمه: ج 13، ح 20660.
[223] کافی: 2 / 103 / 2، همان، همان، 20662.
[224] من لا یحضره الفقیه: 2 / 57 / 1694، میزان الحکمه: ج 13، ح 20668.
[225] کافی: 4 / 48 / 10، همان، همان، 20669.
[226] خصال شیخ صدوق: 108 / 73، میزان الحکمه: ج 13، ح 20683.
[227] بحار: 78 / 204 / 42 همان همان 20699.
[228] بحار: 77 / 190 / 11، میزان الحکمه: ج 13، ح 20700.
[229] بحار: 63 / 21 / 14، همان، همان، 20704.
[230] تحف العقول: 320، میزان الحکمه: ج 13، ح 20855.
[231] مستدرک الوسایل: 12 / 310 / 14167، همان، همان، 20858.
[232] خصال: 262 / 139، میزان الحکمه: ج 13، ح 20871.
[233] تحف العقول: 323، همان، همان، 20876.
[234] مشکاه الانوار: 63، میزان الحکمه: ج 13، ح 20878.
[235] تحف العقول: 324، میزان الحکمه: ج 13، ح 20880.
[236] خصال: 116، همان، همان، 20881.
[237] خصال: 409 / 9، میزان الحکمه: ج 13، ح 20888.
[238] الفقیه: 4 / 402 / 5865، میزان الحکمه: ج 13، ح 120907.
[239] خصال 296 / 64، میزان الحکمه: ج 13، ح 20912.
[240] تحف العقول: 302، همان، همان، 20916.
[241] کافی: 5 / 84 / 1، میزان الحکمه: ج 13، ح 20921.
[242] کافی: 5 / 3 / 1، همان، همان، 20922.
[243] بحار: 76 / 183 / 7 و ص 182 / 6، میزان الحکمه: ج 13، ح 20933 و 20934.
[244] بحار: 76 / 190 / 21، همان، همان، 20937.
[245] این جمله‌ی حضرت که: نیت همان عمل است، اشاره به اتحاد عنوان و معنوی آن دو دارد، تفسیر المیزان، ج 13، ص 212.
[246] وسایل الشیعه: 1 / 36 / 5، میزان الحکمه: ج 13، ح 20952.
[247] محاسن: 1 / 409 / 929، همان، همان، 20955.
[248] علل الشرائع: 524 / 1، میزان الحکمه: ج 13، ح 20975.

[249] کافی: 2 / 85 / 3، همان، همان، 20978.
[250] بحار: 70 / 211 / 34، میزان الحکمه: ج 13، ح 20985.
[251] علل الشرائع: 524 / 1، میزان الحکمه: ج 13، ح 20994.
[252] بحار: 70 / 210 / 32، همان، همان، 21000.
[253] محاسن: 1 / 406 / 922، میزان الحکمه: ج 13، ح 21011.
[254] همان: 1 / 407 / 925، میزان الحکمه: ج 13، ح 21021.
[255] بحار: 70 / 210 / 32، همان، همان، 21026.
[256] بحار: 71 / 247 / 6، ثواب الأعمال: 288 / 1، میزان الحکمه: ج 13، ح 21038.
[257] عیون الاخبار الرضا: 1 / 274 / 9، میزان الحکمه: ج 12، ح 19109.
[258] محاسن: 1 / 283 / 558، میزان الحکمه: ج 12، ح 19117.
[259] بحار: 6 / 133 / 32، همان، همان، 19148.
[260] بحار: 82 / 168 / 3، میزان الحکمه: ج 12، ح 19160.
[261] بحار: 82 / 171 / 6، میزان الحکمه: ج 12، ح 19167.
[262] عیون اخبار الرضا 2 / 3 / 3، همان، همان، 19224.
[263] امالی طوسی: 132 / 967، بحار: 6 / 145 باب 6 میزان الحکمه: ج 12، ح 9237.
[264] کافی: 2 / 458 / 20، همان، همان، 19241.
[265] کافی: 3 / 135 / 5، میزان الحکمه: ج 12، ح 19243.
[266] تفسیر قمی: 2 / 265، میزان الحکمه: ج 12، ح 19246.
[267] کافی: 3 / 173 / 3، همان، همان، 19272.
[268] علل الشرائع: 301 / 1، میزان الحکمه: ج 12، ح 19274.
[269] الزهد: حسین بن سعید، 77 / 208، میزان الحکمه: ج 12، ح 19284.
[270] من لا یحضره الفقیه: 1 / 185 / 555، همان، همان، 190303.
[271] کافی: 2 / 315 / 4: میزان الحکمه: ج 13، ح 19323.
[272] خصال: 132 / 141، همان، همان، 19324.
[273] ثواب الاعمال: 215 / 1 / کافی 5 / 72 / 5، میزان الحکمه: ج 13، ح 19336 و 19337.
[274] کافی: 5 / 88 / 6، میزان الحکمه: ج 13، ح 19340.
[275] کافی: 5 / 72 / 8، میزان الحکمه: ج 13، ح 19343.
[276] امالی شیخ طوسی: 302 / 600، همان، همان، 19356.
[277] کافی: 2 / 135 / 21، همان، همان، 19357.
[278] مستدرک الوسایل: 12 / 174 / 13810، همان، همان، 19358.
[279] بحار: 69 / 400 / 93، همان، همان، 19405.

[280] بحار: 103 / 16 / 74، میزان الحکمه: ج 13، ح 19409.
[281] کافی: 2 / 545 / 3، همان، همان، 19426.
[282] بحار: 11 / 39 / 37، میزان الحکمه: ج 13، ح 19486.
[283] بحار: 16 / 352 / 35، همان، همان، 19501.
[284] کافی: 1 / 175 / 3، میزان الحکمه: ج 13، ح 19504.
[285] کافی: 8 / 148 / 128، همان، همان، 19515.
[286] امالی شیخ طوسی: 659 / 1363، میزان الحکمه: ج 13، ح 19531.
[287] تحف العقول: 375، همان، همان، 19542.
[288] بحار: 51 / 59 / 56، همان، همان، 19556.
[289] علل الشرایع: 14 / 1: میزان الحکمه: ج 12، ح 19563.
[290] علل الشرایع: 16 / 1، میزان الحکمه: ج 13، ح 19564.
[291] خصال: 243 / 98، همان، همان، 19572.
[292] بحار: 11 / 284 / 12، قصص الانبیاء: 80 / 64، میزان الحکمه: ج 13، ح 19577 و 19578.
[293] تفسیر قمی: 2 / 52، میزان الحکمه: ج 12، ح 19581.
[294] امالی شیخ صدوق: 413 / 7، همان، همان، 19590.
[295] قصص الانبیاء: 139 / 147، دعوات راوندی: 65 / 456 علل الشرایع: 75 / 3، همان، همان، 19624، 19626، 19627.
[296] بحار: 13 / 31 / 3، میزان الحکمه: ج 13، ح 19637.
[297] امالی شیخ طوسی: 165 / 275، همان، همان، 19641.
[298] علل الشرایع: 59 / 1، همان، همان، 19649.
[299] علل الشرایع: 77 / 2 و 78 / 3، علل الشرایع: 59 / 1، همان، همان، 19658، 19649 و 19659.
[300] تفسیر علی بن ابراهیم: 2 / 162، تفسیر الحکمه: ج 12، ح 19667.
[301] من لا یحضره الفقیه: 3 / 162 / 3594، همان، همان، ح 19676.
[302] بحار: 14 / 16 / 28، میزان الحکمه: ج 12، ح 19687.
[303] دعوات راوندی: 142 / 363، همان، همان، 19689.
[304] من لا یحضره الفقیه: 2 / 235 / 2286 همان، همان، 19690.
[305] کافی: 6 / 333 / 7، میزان الحکمه: ج 12، ح 19691.
[306] بحار: 14 / 95 / 3، میزان الحکمه: ج 12، ح 19693.
[307] کافی: 2 / 581 / 15، همان، همان، 19727.
[308] بحار: 73 / 209 / 2، میزان الحکمه: ج 11، ح 17213.
[309] بحار: 78 / 229 / 5، همان، همان، 17218.
[310] معانی الاخبار: 241 / 1، میزان الحکمه: ج 11، ح 17236.

[311] کافی: 2 / 311 / 13، میزان الحکمه: ج 11، ح 17237.
[312] کافی: 2 / 309 / 1، همان، همان، 17240.
[313] کافی: 2 / 310 / 9، همان، همان، 17241.
[314] کافی: 2 / 310 / 8، میزان الحکمه: ج 11، ح 17242.
[315] بحار: 99 / 255 / 25، معانی الاخبار: 242 / 6، میزان الحکمه: ج 11، ح 17243 و 17244.
[316] کافی: 8 / 128 / 98، همان، همان، 17245.
[317] بحار: 79 / 312 / 14، میزان الحکمه: ج 11، ح 17246.
[318] کافی: 2 / 312 / 17، میزان الحکمه: ج 11، ح 17262.
[319] علل الشرایع: 275 / 1، همان، همان، 17259.
[320] ثواب الاعمال: 213 / 1، همان، همان، 17275.
[321] خصال: 434 / 20، میزان الحکمه: ج 11، ح 17291.
[322] کافی: 2 / 312 / 16، میزان الحکمه: ج 11، ح 17297.
[323] کافی: 2 / 311 / 11، همان، همان، 17303.
[324] کافی: 2 / 310 / 10، همان، همان، 17309.
[325] کافی: 1 / 52 / 11، میزان الحکمه: ج 11، ح 17315.
[326] کافی: 5 / 155 / 1، میزان الحکمه: ج 11، ح 17316.
[327] محاسن: 1 / 311 / 618، همان، همان، 17317.
[328] کافی: 1 / 52 / 9 بحار: 2 / 153 / 46 و 47، میزان الحکمه: ج 11، ح 17328 و 17329 و 17331.
[329] کافی: 1 / 52 / 8، میزان الحکمه: ج 11، ح 17331.
[330] کافی: 2 / 672 / 1 و 2، همان، همان، 17337 و 17339.
[331] تحف العقول: 358، میزان الحکمه: ج 11، ح 17340.
[332] کافی: 2 / 670 / 2، همان، همان، 17344.
[333] کافی: 2 / 222 / 2: میزان الحکمه: ج 17346، 11.
[334] خصال: 27 / 98، همان، همان، 17366.
[335] زهد، حسین بن سعید: 4 / 2، میزان الحکمه: ج 11، ح 17368.
[336] کافی: 2 / 340 / 8، میزان الحکمه: ج 11، ح 17436.
[337] کافی: 2 / 339 / 7، همان، همان، 17438.
[338] بحار: 72 / 192 / 8، میزان الحکمه: ج 11، ح 17442.
[339] بحار: 72 / 193 / 13، همان، همان، 17455.
[340] بحار: 78 / 230 / 13، میزان الحکمه: ج 11، ح 17459.
[341] بحار: 72 / 260 / 29، میزان الحکمه: ج 11، ح 17462.
[342] کافی: 2 / 341 / 15، همان، همان، 17466.
[343] کافی: 2 / 340 / 10، همان، همان، 17471.
[344] بحار: 72 / 263 / 48، میزان الحکمه: ج 11، ح 17476.

[345] کافی: 2 / 341 / 16، همان، همان، 17477.
[346] کافی: 2 / 210 / 5، همان، همان، 17478.
[347] کافی: 5 / 85 / 3، میزان الحکمه: ج 11، ح 17653.
[348] بحار: 73 / 159 / 1، همان، همان، 17657.
[349] کافی: 5 / 85 / 1، میزان الحکمه: ج 11، ح 17661.
[350] ثواب الاعمال: 1 / 62 / 1، همان، همان، 17670.
[351] کافی: 2 / 183 / 1 و 2 / 386 / 10، میزان الحکمه: ج 11، ح 17698 و 17699.
[352] بحار: 72 / 97 / 12، همان، همان، 17704.
[353] معانی الاخبار: 394 / 47، همان، همان، 17716.
[354] کافی: 2 / 290 / 5، میزان الحکمه: ج 11، ح 17717.
[355] کافی: 2 / 322 / 2، میزان الحکمه: ج 11، ح 17758.
[356] بحار: 78 / 278 / 13، همان، همان، 17760.
[357] کشف الغمه: 2 / 296، میزان الحکمه: ج 11، ح 17776.
[358] کشف الغمه 3 / 136، همان، همان، 17778.
[359] مستدرک الوسایل: 9 / 33 / 10137، میزان الحکمه: ج 11، ح 17851.
[360] بحار: 71 / 289 / 54، همان، همان، 178973.
[361] بحار: 2 / 130 / 15، همان، همان، 17901.
[362] بحار: 71 / 274 / 1، میزان الحکمه: ج 11، ح 17914.
[363] کافی: 2 / 116 / 21، همان، همان، 17918.
[364] امالی شیخ صدوق: 327 / 17، میزان الحکمه: ج 11، ح 17947.
[365] تحف العقول: 320، همان، همان، 17986.
[366] کافی: 6 / 449 / 1، میزان الحکمه: ج 11، ح 18067.
[367] بحار: 79 / 313 / 14، همان، همان، 18075.
[368] بحار: 79 / 304 / 17، همان، همان، 18079.
[369] غرر الحکم: 2316، میزان الحکمه: ج 11، ح 18080.
[370] کافی: 6 / 440 / 15، همان، همان، 18082.
[371] مکارم الاخلاق: 1 / 248 / 736، میزان الحکمه: ج 11، ح 18083.
[372] بحار: 79 / 215 / 28، همان، همان، 18048.
[373] کنز العمال: 41132، میزان الحکمه: ج 11، ح 18094.
[374] کافی: 6 / 453 / 1، میزان الحکمه: ج 11، ح 18108.
[375] مجمع البیان: 7 / 157، میزان الحکمه: ج 11، ح 18275.
[376] تفسیر قمی: 2 / 418، همان، همان، 18276.
[377] بحار: 78 / 204 / 42، میزان الحکمه: ج 11، ح 18281.
[378] بحار: 71 / 181 / 37، همان، همان، 18298.

[379] خصال: 103 / 62، میزان الحکمه: ج 11، ح 18562.
[380] کافی: 2 / 261 / 6، همان، همان، 18563.
[381] تحف العقول: 304 همان، همان، 18585.
[382] مصباح الشریعه: 264، میزان الحکمه: ج 11، ح 18615.
[383] کافی: 3 / 120 / 2، میزان الحکمه: ج 11، ح 18804.
[384] کافی: 3 / 118 / 2، همان، همان، 18811.
[385] کافی: 3 / 118 / 4: میزان الحکمه: ج 11، ح 18813.
[386] کافی: 3 / 118 / 3، همان، همان، 18814.
[387] وسایل الشیعه: 2 / 660 / 1، همان، همان، 18816.
[388] تحف العقول: 309، میزان الحکمه: ج 11، ح 18825.
[389] معانی الاخبار: 381 / 9، همان، همان، 18841.
[390] بحار: 78 / 265 / 176، همان، همان، 18844.
[391] کافی: 2 / 663 / 2، میزان الحکمه: ج 11، ح 18856.
[392] کافی: 1 / 663 / 3، همان، همان، 18857.
[393] کافی: 2 / 665 / 15، همان، همان، 18871.
[394] امالی شیخ صدوق: 436 / 4، کافی: 2 / 665 / 16، میزان الحکمه: ج 11، ح 18873 و 18875.
[395] الترغیب و الترهیب، 3 / 484 / 5، میزان الحکمه: ج 11، ح 18876.
[396] کافی: 2 / 664 / 9، همان، همان، 18878.
[397] کافی: 2 / 665 / 18، میزان الحکمه: ج 11، ح 18879.
[398] تحف العقول: 371، میزان الحکمه: ج 11، ح 18914.
[399] محاسن: 2 / 470 / 2632، همان، همان، 18915.
[400] امالی شیخ طوسی: 673 / 1419، محاسن: 1 / 215 / 393، همان، همان، 18911 و 18912، کافی: 5 / 8 / 13، میزان الحکمه: ج 11، ح 18922.
[401] تحف العقول: 317، میزان الحکمه: ج 11، ح 18935.
[402] خصال: 450 / 55، همان، همان، 18939.
[403] تحف العقول: 364، میزان الحکمه: ج 11، ح 18952.
[404] کافی: 2 / 260 / 2، میزان الحکمه: ج 10، ح 16004.
[405] کافی: 2 / 263 / 12، همان، همان، 16017.
[406] خصال: 78 / 19، همان، همان، 16032.
[407] من لا یحضره الفقیه: 3 / 166 / 3614، میزان الحکمه: ج 10، ح 16050.
[408] معانی الاخبار: 165 / 1، میزان الحکمه: ج 10، ح 16045.
[409] بحار: 72 / 40 / 37، همان، همان، 16046.

[410] الخرائج الجرائح: 2 / 739 / 54، میزان الحکمه: ج 10، ح 16048.
[411] کافی: 2 / 266 / 2، میزان الحکمه: ج 10، ح 16052.
[412] خصال: 9 / 32، میزان الحکمه: ج 10، ح 16068.
[413] بحار: 72 / 52 / 78، همان، همان، 16061.
[414] بحار: 76 / 316 / 6، میزان الحکمه: ج 10، ح 16077.
[415] بحار: 104 / 99 / 77، همان، همان، 16082.
[416] کافی: 2 / 231 / 4، میزان الحکمه: ج 10، ح 16088.
[417] بحار: 78 / 249 / 89، میزان الحکمه: ج 10، ح 16090.
[418] بحار: 72 / 25 / 19، میزان الحکمه: ج 10، ح 16108.
[419] بحار: 72 / 49 / 60، همان، همان، 16115.
[420] خصال: 40 / 27، بحار: 92 / 107 / 2، میزان الحکمه: ج 10، ح 16142 و 16143.
[421] معانی الاخبار: 1 / 1، همان، همان، 16151.
[422] معانی الاخبار: 2 / 2، میزان الحکمه: ج 10، ح 16152.
[423] بحار: 2 / 208 / 101، همان، همان، 16153.
[424] کافی: 1 / 38 / 2، همان، همان، 16166.
[425] کافی: 1 / 38 / 1، همان، همان، 16168.
[426] بحار: 71 / 326 / 20، میزان الحکمه: ح 10، ح 16210.
[427] بحار: 71 / 323 / 6، تنبیه الخواطر: 1 / 250، همان، همان، 16213 و 16214.
[428] بحارالانوار: 7 / 327 / 22، میزان الحکمه: ج 10، ح 16221.
[429] بحار: 71 / 324 / 16، همان، همان، 16224.
[430] کافی: 3 / 242 / 2، میزان الحکمه: ج 10، ح 16249.
[431] امالی شیخ صدوق: 239 / 12، همان، همان، 16260.
[432] بحار: 6 / 235 / 52، میزان الحکمه: ج 10، ح 16265 و 16267.
[433] کافی: 2 / 90 / 8، میزان الحکمه: ج 10، ح 16268.
[434] دعوات راوندی: 264 / 756، همان، همان، 16273.
[435] ثواب الاعمال: 179 / 1، همان، همان، 16275.
[436] مستدرک الوسایل: 18 / 90 / 22134، میزان الحکمه: ج 10، ح 16397.
[437] وسایل الشیعه: 18 / 433 / 5، کافی: 7 / 209 / 1، همان، همان، 16402 و 16403.
[438] کافی: 7 / 240 / 2 و 241 / 6، میزان الحکمه: ج 10، ح 16404 و 16405.
[439] محاسن: 1 / 341 / 702، میزان الحکمه: ج 10، ح 116419.
[440] بحار: 92 / 15 / 8 و 9، همان، همان، 1435.

[441] معانی الاخبار: 279، همان، همان، 16443.
[442] کافی: 2 / 599 / 3 و 1 / 60 / 6، میزان الحکمه: ج 10، ح 16449 و 16450.
[443] دعوات راوندی: 220 / 600، میزان الحکمه: ج 10، ح 16450.
[444] بحار: 92 / 188 / 10، همان، همان، 16460.
[445] کنز العمال: 2331، همان، همان، 16462.
[446] کافی: 2 / 603 / 2، میزان الحکمه: ج 10، ح 16475.
[447] ثواب الاعمال: 283 / 1، وسایل الشیعه: 4 / 845 باب 12 کنز العمال: 1 / 615، کافی: 2 / 576، همان، همان، 16481.
[448] کافی: 2 / 616 / 1 و ح 10، همان، همان، 16513 و 16514.
[449] تنبیه الخواطر: 2 / 236، میزان الحکمه: ج 10، ح 16517.
[450] تفسیر عیاشی، 2 / 270 / 68، همان، همان، 16529.
[451] کافی: 2 / 617 / 1، همان، همان، 16539.
[452] کنز العمال: 2882، کافی: 2 / 608 / 6، میزان الحکمه: ج 10، ح 16561 16562.
[453] بحار: 92 / 222 / 7، همان، همان، 16568.
[454] معانی الاخبار: 232 / 1، بحار: 92 / 78 باب 8، میزان الحکمه: ج 10، ح 16574.
[455] تفسیر عیاشی: 1 / 5 / 9، همان، همان، 16585.
[456] بحار: 92 / 382 / 15 و ح 21، همان، همان، 16590 و 16591.
[457] بحار: 92 / 381 / 12 تفسیر عیاشی: 1 / 10 / 5، همان، همان، 16594 و 16596.
[458] کافی: 2 / 123 / 11: میزان الحکمه: ج 10، ح 16620.
[459] خصال: 81 / 5، همان، همان، 16625.
[460] کافی: 5 / 261 / 7، میزان الحکمه: ج 10، ح 16626.
[461] نور الثقلین: 1 / 720 / 92، همان، همان، 16638.
[462] مشکاه الانوار: 45، میزان الحکمه: ج 10، ح 16651.
[463] مستدرک الوسایل: 11 / 178 / 12684، همان، همان، 16602.
[464] کافی:2 / 319 / 14، همان، همان، 16656.
[465] کافی:4 / 25 / 1، میزان الحکمه: ج 10، ح 16711.
[466] کافی: 4 / 164 / 6، همان، همان، 16713.
[467] من لا یحضره الفقیه: 3 / 268 / 3968، همان، همان، 16714.
[468] خصال: 10 / 36، میزان الحکمه: ج 10، ح 16732.
[469] کافی: 7 / 406 / 1، میزان الحکمه: ج 10، ح 16799.
[470] کافی: 7 / 412 / 5، همان، همان، 16800.
[471] کافی: 7 / 411 / 1، همان، همان، 16801.

[472] کافی: 7 / 411 / 3، وسایل الشیعه: 18 / 2 باب 1، میزان الحکمه: ج 10، ح 16802.
[473] من لا یحضره الفقیه: 3 / 2 / 3216، همان، همان، 16805.
[474] کافی: 1 / 67 / 10، همان، همان، 16809.
[475] تفسیر عیاشی: 1 / 323 / 120، همان، همان، 16811.
[476] بحار: 104 / 265 / 14، میزان الحکمه: ج 10، ح 16812.
[477] من لا یحضره الفقیه: 3 / 6 / 3226، همان، همان، 16820.
[478] مستدرک الوسایل: 17 / 407 / 1682، میزان الحکمه: ج 10، ح 16848.
[479] کافی: 7 / 413 / 4، همان، همان، 16851.
[480] من لا یحضره الفقیه: 3 / 14 / 3241، میزان الحکمه: ج 10، ح 16854.
[481] 2 / 146 / 12، همان، همان، 16859.
[482] کافی: 7 / 407 / 1، همان، همان، 16869
بحار: 14 / 5 / 13 و 14 / 14 / 23، میزان الحکمه: ج 10، ح 16879. 16878.
[483] امالی شیخ مفید: 286 / 5، همان، همان، 16885.
[484] امالی شیخ مفید: 286 / 5، همان، همان، 16885.
[485] من لا یحضره الفقیه: 3 / 11 / 3235، میزان الحکمه: ج 10، ح 16891.
[486] وسایل الشیعه: 18 / 582 / 2، میزان الحکمه: ج 10، ح 16894.
[487] تحف العقول: 371، تحف الحکمه: ج 10، ح 16906.
[488] علل الشرایع: 109 / 8، همان، همان، 16907.
[489] کافی: 2 / 16 / 5، همان، همان، 16930.
[490] مشکاة الانوار: 255، میزان الحکمه: ج 10، ح 16939.
[491] کافی: 3 / 127 / 2، میزان الحکمه: ج 10، ح 16941.
[492] کافی: 8 / 215 / 260، میزان الحکمه: ج 10، ح 16944.
[493] قرب الاسناد: 33 / 108، همان، همان، 16950.
[494] محاسن: 1 / 318 / 633، همان، همان، 16955.
[495] اعلام الدین: 304، میزان الحکمه: ج 10، ح 16961.
[496] عده الداعی: 249، همان، همان، 17051.
[497] من لا یحضره الفقیه: 3 / 560 / 5924، میزان الحکمه: ج 10، ح 17065.
[498] امالی شیخ طوسی: 301 / 595، همان، همان، 17074.
[499] ثواب الاعمال: 138 / 1، میزان الحکمه: ج 10، ح 17077.
[500] معانی الاخبار: 266 / 1، میزان الحکمه: ج 10، ح 17081.

[501] معانی الاخبار: 169 / 1، همان، همان، 17084.
[502] محاسن: 1 / 383 / 847، همان، همان، 17087.
[503] بحار: 71 / 214 / 10، میزان الحکمه: ج 9، ح 14294.
[504] مستدرک الوسایل: 1 / 130 / 178، همان، همان، 14304.
[505] بحار: 74 / 313 / 69، همان، همان، 14319.
[506] کافی: 2 / 158 / 1، میزان الحکمه: ج 9، ح 14325.
[507] بحار: 70 / 250 / 26، همان، همان، 14327.
[508] کافی: 2 / 361 / 8، میزان الحکمه، ج 9، ح 14347.
[509] وسایل الشیعه: 2 / 883 / 1، همان، همان، 14373.
[510] بحار: 17 / 149 / 44، کافی: 1 / 219 / 1، میزان الحکمه: ج 9، ح 14387و 14388.
[511] کافی: 1 / 190 / 2، بحار: 230 / 348 / 51 و 23 / 337 / 6، همان، همان، 14391 و 14392 و 14394.
[512] کافی: 3 / 240 / 14، میزان الحکمه: ج 9، ح 1403.
[513] کافی: 8 / 143 / 110، میزان الحکمه: ج 9، ح 14500.
[514] بحار: 7 / 218 / 127، همان، همان، 14510.
[515] بحار: 7 / 218 / 127، همان، همان، 14511.
[516] ثواب الاعمال: 319 / 1، میزان الحکمه: ج 9، ح 14512.
[517] ثواب الاعمال: 322 / 8، میزان الحکمه: ج 9، ح 14513.
[518] ثواب الاعمال: 325 / 1، همان، همان، 14514.
[519] ثواب الاعمال: 329 / 1، همان، همان، 14515.
[520] کافی: 2 / 311 / 11، میزان الحکمه: ج 9، ح 14517.
[521] کافی: 2 / 351 / 2، همان، همان، 14518.
[522] تفسیر عیاشی: 2 / 328 / 35، میزان الحکمه: ج 9، ح 14524.
[523] تفسیر المیزان: 17 / 386، همان، همان، 14528.
[524] زهد، حسین بن سعید: 92 / 246، همان، همان، 14535.
[525] زهد، حسین بن سعید: 92 / 246، میزان الحکمه: ج 9، ح 14538.
[526] امالی شیخ طوسی: 36 / 38، همان، همان، 14541.
[527] محجة البیضاء: 8 / 329، همان، همان، 14541.
[528] بحار: 7 / 123، میزان الحکمه: ج 9، ح 14542 و 14543.
[529] تنبیه الخواطر: 2 / 157، میزان الحکمه: ج 9، ح 14608.
[530] بحار: 59 / 92 / 1، میزان الحکمه: ج 9، ح 14609.
[531] وسایل الشیعه: 7 / 346 / 1: همان، همان، 14610.
[532] من لا یحضره الفقیه: 3 / 300 / 4073، میزان الحکمه: ج 9، ح 14611.
[533] کافی: 8 / 243 / 337، میزان الحکمه: ج 9، ح 14634.

[534] مستطرفات السرائر: 48 / 7، همان، همان، 14635.
[535] کشف الغمه: 2 / 370، میزان الحکمه: ج 9، ح 14657.
[536] تحف العقول: 366، میزان الحکمه: ج 9، ح 14684.
[537] کافی: 2 / 355 / 7، همان، همان، 14709.
[538] بحار: 75 / 214 / 8، میزان الحکمه: ج 9، ح 14710.
[539] کافی: 2 / 356 / 3: همان، همان، 14735.
[540] کافی: 2 / 356 / 1، همان، همان، 14738.
[541] الترغیب و الترهیب: 3 / 310 / 19، میزان الحکمه: ج 9، ح 14739.
[542] علل الشرائع: 560 / 1، میزان الحکمه: ج 9، ح 14751.
[543] تحف العقول: 320، همان، همان، 14762.
[544] خصال: 284 / 34، میزان الحکمه: ج 9، ح 14766.
[545] کافی: 2 / 315 / 13، میزان الحکمه: ج 9، ح 14995.
[546] کافی: 2 / 205 / 13، همان، همان، 15012.
[547] بحار: 71 / 411 / 25، همان، همان، 15035.
[548] بحار: 73 / 264 / 11، میزان الحکمه: ج 9، ح 15040.
[549] کافی: 2 / 110 / 9، همان، همان، 15042.
[550] کافی: 2 / 111 / 13، میزان الحکمه: ج 9، ح 15044.
[551] بحار: 78 / 209 / 85، همان، همان، 15080.
[552] دعوات راوندی: 49 / 119، میزان الحکمه: ج 9، ح 15081.
[553] نور الثقلین 1 / 321 / 60، همان، همان، 15106.
[554] مستدرک الوسایل: 5 / 5986، همان، همان، 15128.
[555] بحار: 6 / 36 / 54، میزان الحکمه: ج 9، ح 15131.
[556] تحف العقول: 304، میزان الحکمه: ج 9، ح 15293.
[557] کافی: 2 / 262 / 1، محجة البیضاء: 6 / 91، همان، همان، 15296.
[558] تحف العقول: 318، همان، همان، 332 15.
[559] معانی الاخبار: 177 / 1، میزان الحکمه: ج 9، ح 15345.
[560] تفسیر علی بن ابراهیم: 2 / 203، همان، همان، 15358.
[561] من لا یحضره الفقیه: 4 / 58 / 5092، میزان الحکمه: ج 9، ح 15380.
[562] بحار: 79 / 245 / 20، همان، همان، 15379.
[563] نورالثقلین: 4 / 41 / 129، همان، همان، 15382.
[564] بحار: 79 / 241 / 7، ثواب الاعمال: 291 / 12، میزان الحکمه: ج 9، ح 15386 و 15387.
[565] بحار: 79 / 212 / 7، همان، همان، 15399.
[566] بحارالانوار: 75 / 249 / 16، میزان الحکمه: ج 9، ح 15467.

[567] خصال: 434 / 20، همان، همان، 15475.
[568] بحار: 78 / 262 / 70، همان، همان، 15487.
[569] کافی: 2 / 357 / 2، میزان الحکمه: ج 9، ح 15490.
[570] نورالثقلین: 3 / 582 / 61، همان، همان، 15492.
[571] بحار: 75 / 254 / 36، میزان الحکمه: ج 9، ح 15500.
[572] بحار: 75 / 251 / 25، همان، همان، 15512.
[573] نور الثقلین: 1 / 549 / 556، همان، همان، 15508.
[574] بحار: 75 / 246 / 7، میزان الحکمه: ج 9، ح 15510.
[575] غرر الحکم: 1013، همان، همان، 15516.
[576] بحار: 79 / 113 / 14، میزان الحکمه: ج 9، ح 15688.
[577] کافی: 2 / 325 / 9: همان، همان، 15694.
[578] بحار: 75 / 146 / 16، میزان الحکمه: ج 9، ح 15696.
[579] کافی: 2 / 327 / 3، همان، همان، 156. بحار: 79 / 113 / 14، میزان الحکمه: ج 9، ح 15688.
[580] کافی: 2 / 323 / 1، میزان الحکمه: ج 15698 9.
[581] الدرة الباهره: 31، همان، ج 8، ح 12119.
[582] خصال: 123 / 118، همان، همان، 12126.
[583] بحارالانوار: 78 / 232 / 28، میزان الحکمه: ج 8، ح 12127.
[584] تنبیه الخواطر: 2 / 184، میزان الحکمه: ج 8، ح 12267.
[585] تحف العقول: 376، همان، همان، 13272.
[586] تحف العقول: 370، میزان الحکمه: ج 8، ح 12332.
[587] معانی الاخبار: 11 / 2، همان، همان، 12336.
[588] کافی: 1 / 117 / 8، میزان الحکمه: ج 8، ح 12368.
[589] التوحید: 248 / 1، میزان الحکمه: ج 9، ح 12569.
[590] کافی: 4 / 26 / 3، میزان الحکمه: ج 8، ح 12596.
[591] محاسن: 1 / 294 / 589، همان، همان، 12609.
[592] دعوات راوندی: 108 / 260، میزان الحکمه: ج 8، ح 12611.
[593] امالی شیخ طوسی: 304 / 610، همان، همان، 12615.
[594] کافی: 4 / 28 / 12، میزان الحکمه: ج 8، ح 12616.
[595] مناقب ابن‌شهرآشوب: 4 / 432، همان، همان، 12617.
[596] کافی: 4 / 9 / 3، همان، همان، 12630.
[597] معانی الاخبار: 212 / 1، میزان الحکمه: ج 8، ح 12634.
[598] کافی: 4 / 18 / 2، همان، همان، 12638.
[599] خصال: 134 / 146 و 134 / 147، همان، همان، 12640 و 12641.
[600] بحار: 74 / 412 / 26، میزان الحکمه: ج 8، ح 12644.

[601] خصال: 263 / 142، همان، همان، 12646.
[602] کافی: 4 / 30 / 1، میزان الحکمه: ج 8، ح 12662.
[603] بحار: 74 / 419 / 47، همان، همان، 12667.
[604] امالی شیخ طوسی: 671 / 1419، میزان الحکمه: ج 8، ح 12677.
[605] التهذیب: 6 / 181 / 375، میزان الحکمه: ج 8، ح 12705.
[606] تفسیر علی بن ابراهیم: 2 / 377، مشکاة الانوار: 261، همان، همان، 12710 و 12711.
[607] بحار: 100 / 73 / 10، همان، همان، 12724.
[608] بحار: 100 / 78 / 36، میزان الحکمه: ج 8، ح 12746.
[609] خصال: 109 / 79، میزان الحکمه: ج 8، ح 12757.
[610] بحار: 100 / 93 / 92، همان، همان، 12759.
[611] کافی: 5 / 60 / 1، میزان الحکمه: ج 8، ح 12786.
[612] تفسیر عیاشی: 1 / 335 / 161، همان، همان، ح 12806.
[613] التهذیب: 6 / 176 / 355، همان، همان، 12815.
[614] بحار: 2 / 22 / 63، میزان الحکمه: ج 8، ح 12812.
[615] بحار: 78 / 228 / 105، میزان الحکمه: ج 8، ح 12831.
[616] التهذیب: 6 / 179 / 367، همان، همان، 12823.
[617] تحف العقول: 356، همان، همان، 12833.
[618] تحف العقول: 356، خصال: 169 / 222، همان، همان، 12833 و 12840.
[619] کشف الغمه: 20 / 417، میزان الحکمه: ج 8، ح 12854.
[620] بحار: 78 / 209 / 79، همان، همان، 12865.
[621] کافی: 2 / 110 / 5، میزان الحکمه: ج 8، ح 12866.
[622] تحف العقول: 316، میزان الحکمه: ج 8، ح 12868.
[623] بحار: 78 / 74 / 180، همان، همان، 12883.
[624] بحار: 75 / 44 / 1، میزان الحکمه: ج 14، ح 21173.
[625] بحار: 75 / 45 / 2، همان، همان، ح 21205.
[626] کافی: 1 / 21 / 14، همان، همان، 21672.
[627] بحار: 7 / 249 / 6، المیزان: 8 / 17، میزان الحکمه: ج 14، ح 21674.
[628] مکارم الاخلاق: 1 / 57 / 64 و 63، میزان الحکمه: ج 14، ح 21971.
[629] کافی: 2 / 363 / 1، همان، همان، 21977.
[630] خصال شیخ صدوق: 123 / 118، همان، همان، 22286.
[631] بحار: 78 / 194 / 10، میزان الحکمه: ج 14، ح 22293.

[632] بحار: 71 / 337 / 1، میزان الحکمه: ج 14، ح 22308.
[633] کافی: 2 / 47 / 1، همان، همان، 22312.
[634] کافی: 2 / 218 / 5، همان، همان، 22494.
[635] محاسن: 1 / 400 / 900، میزان الحکمه: ج 14، ح 22497.
[636] تحف العقول: 306، میزان الحکمه: ج 13، ح 20828.
[637] مستدرک الوسایل: 12 / 173 / 13810، همان، همان، 20833.
[638] کافی: 2 / 346 / 7، میزان الحکمه: ج 13، ح 21090.
[639] کافی: 2 / 344 / 1، میزان الحکمه: ج 13، ح 21093.
[640] تحف العقول: 319، میزان الحکمه: ج 12، ح 18983.
[641] تحف العقول: 320، همان، همان، 18997.
[642] تفسیر القمی: 2 / 206، میزان الحکمه: ج 12، ح 19011.
[643] الاحتجاج: 2 / 242، همان، همان، 19019.
[644] تحف العقول: 319، میزان الحکمه: ج 11، ح 17497.
[645] کافی: 2 / 659 / 1، میزان الحکمه: ج 11، ح 17605.
[646] کافی: 7 / 272 / 7، 7 / 276 / 2، وسایل الشیعه: 19 / 19 باب 9.
[647] میزان الحکمه: ج 10، ح 16308 و 16307.
[648] من لا یحضره الفقیه: 4 / 95 / 5163، میزان الحکمه: ج 10، ح 16325.
[649] کافی: 4 / 155 / 3، میزان الحکمه: ج 10، ح 16381.
[650] بحار: 103 / 138 / 2، میزان الحکمه: ج 10، ح 16677.
[651] بحار: 103 / 139 / 9، میزان الحکمه: ج 10، ح 16679.
[652] بحار: 103 / 140 / 11، میزان الحکمه: ج 10، ح 16680.
[653] ثواب الاعمال: 167 / 4، میزان الحکمه: ج 10، ح 16682.
[654] بحار: 78 / 190 / 1، میزان الحکمه: ج 9، ح 115145.
[655] تحف العقول: 359، همان، همان، 1523.
[656] بحار: 78 / 236 / 63، همان، همان، 12956.
[657] تحف العقول: 324، همان، همان، 12994.
[658] تحف العقول: 370، میزان الحکمه: ج 8، ح 12995.
[659] بحار: 72232 / 2، میزان الحکمه: ج 8، ح 13255.
[660] محاسن: 1 / 389 / 867، همان، همان، 13259.
[661] الدروع الواقیه: 90، اقبال الاعمال: 1 / 435، الاصول السته عشر: 9، میزان الحکمه: ج 8، ح 12271 و 12272 و 13273.
[662] امالی شیخ صدوق: 284 / 3، همان، همان، 13276.
[663] کافی: 2 / 107 / 3، میزان الحکمه: ج 8، ح 13172.
[664] تحف العقول: 359، میزان الحکمه: ج 8، ح 12196.
[665] تحف العقول: 305، میزان الحکمه: ج 8، ح 13239.

[666] خصال: 589 / 13، میزان الحکمه: ج 8، ح 13306.
[667] کافی: 1 / 29 / 34، میزان الحکمه: ج 8، ح 13223.
[668] الاختصاص: 246، میزان الحکمه: ج 8، ح 13325.
[669] علل الشرایع: 103 / 2، میزان الحکمه: ج 8، ح 13349.
[670] خصال: 385 / 36، میزان الحکمه: ج 8، ح 13351.
[671] کافی: 1 / 25 / 22، میزان الحکمه: ج 8، ح 13360.
[672] الاختصاص: 245، همان، همان، 13365.
[673] کافی: 1 / 25 / 24، میزان الحکمه: ج 8، ح 13375.
[674] کافی: 1 / 11 / 6، همان، همان، 13383.
[675] تحف العقول: 320، میزان الحکمه: ج 8، ح 13426.
[676] الاختصاص: 245، همان، همان، 13442.
[677] کافی: 2 / 116 / 20، میزان الحکمه: ج 8، ح 13485.
[678] تحف العقول: 324، همان، همان، 13495.
[679] الدرة الباهرة: 31، میزان الحکمه: ج 8، ح 13512.
[680] دعوات راوندی: 221 / 603، همان، همان، 13521.
[681] تحف العقول: 364، میزان الحکمه: ج 8، ح 13522.
[682] تحف العقول: 318، میزان الحکمه: ج 8، ح 13525.
[683] الاختصاص: 244، همان، همان، 13526.
[684] محاسن: 1 / 311 / 618، میزان الحکمه: ج 8، ح 13533.
[685] الاختصاص: 245، همان، همان، 13539.
[686] الدرة الباهره: 31، میزان الحکمه: ج 8، ح 13598.
[687] کافی: 6 / 46 / 1، میزان الحکمه: ج 8، ح 13612.
[688] امالی شیخ صدوق: 358 / 1، میزان الحکمه: ج 8، ح 13618.
[689] نورالثقلین: 77 / 235 / 3، میزان الحکمه: ج 8، ح 13616.
[690] کافی: 8 / 150 / 132، میزان الحکمه: ج 8، ح 13634.
[691] کافی: 8 / 150 / 132، میزان الحکمه: ج 8، ح 13635.
[692] دعوات راوندی: 63 / 157، میزان الحکمه: ج 8، ح 13697.
[693] مستطرفات السرائر: 119 / 2، میزان الحکمه: ج 8، ح 13702.
[694] تحف العقول: 364، میزان الحکمه: ج 8، ح 13723.
[695] بحار: 2 / 18 / 48، میزان الحکمه: ج 8، ح 13724.
[696] علل الشرائع: 394 / 11، میزان الحکمه: ج 8، ح 13729.
[697] من لا یحضره الفقیه: 1 / 186 / 560، میزان الحکمه: ج 8، ح 13735.
[698] تنبیه الخواطر: 1 / 84، میزان الحکمه: ج 8، ح 13738.
[699] اعلام الدین: 303، میزان الحکمه: ج 8، ح 13741.
[700] بحار: 1 / 172 / 27، میزان الحکمه: ج 8، ح 13747 و 13748.

[701] بحار: 1 / 173 / 30، میزان الحکمه: ج 8، ح 13786.
[702] معانی الاخبار: 23 / 2، میزان الحکمه: ج 8، ح 13791.
[703] تحف العقول: 364، میزان الحکمه: ج 8، ح 13795.
[704] کافی: 1 / 41 / 1، میزان الحکمه: ج 8، ح 13808.
[705] عوالی اللالی: 4 / 71 / 42، میزان الحکمه: ج 8، ح 13832.
[706] معانی الاخبار: 181 / 1، میزان الحکمه: ج 8، ح 13836.
[707] کافی: 5 / 121 / 2، میزان الحکمه: ج 8، ح 13837.
[708] امالی شیخ طوسی: 168 / 280، میزان الحکمه: ج 8، ح 13844.
[709] الاحتجاج: 1 / 13 / 7، میزان الحکمه: ج 8، ح 13912.
[710] مصباح الشریعه: 365، میزان الحکمه: ج 8، ح 13957.
[711] کافی: 1 / 36 / 2، میزان الحکمه: ج 8، ح 13958.
[712] تفسیر قمی: 2 / 146 /، میزان الحکمه: ج 8، ح 13959 و 13960.
[713] تنبیه الخواطر: 1 / 85، میزان الحکمه: ج 8، ح 13978.
[714] امالی شیخ صدوق: 343 / 18، مستطرقات السرائر: 165 / 18 امالی شیخ مفید: 42 / 11، میزان الحکمه: ج 8، ح 13981، 13980 و 13982.
[715] مینه المرید: 181، میزان الحکمه: ج 8، ح 13987.
[716] عوالی اللالی: 4 / 77 / 64، میزان الحکمه: ج 8، ح 14027.
[717] بحار: 2 / 37 / 54، میزان الحکمه: ج 8، ح 14033.
[718] قرب الاسناد: 63 / 106، میزان الحکمه: ج 8، ح 14042.
[719] علل الشرایع: 394 / 12، مصباح الشریعه: 345، میزان الحکمه: ج 8، ح 14059 و 14060.
[720] بحار: 2 / 37 / 53، میزان الحکمه: ج 8، ح 14061.
[721] الاختصاص: 243، میزان الحکمه: ج 8، ح 14091.
[722] علل الشرایع: 394 / 12، میزان الحکمه: ج 8، ح 14097.
[723] بحار: 1 / 225 / 17، همان، همان، 14101.
[724] کنز العمال: 44176، همان، همان، 14102.
[725] کافی: 1 / 48 / 4، میزان الحکمه: ج 8، ح 14107.
[726] تنبیه الخواطر: 1 / 303، میزان الحکمه: ج 8، ح 14112.
[727] محاسن: 1 / 358 / 766، میزان الحکمه: ج 8، ح 14148.
[728] امالی شیخ صدوق: 294 / 9، میزان الحکمه: ج 8، ح 14151.
[729] ثواب الاعمال: 161 / 1، میزان الحکمه: ج 8، ح 14159.
[730] امالی شیخ صدوق: 40 / 1، میزان الحکمه: ج 8، ح 14223.
[731] امالی شیخ صدوق: 40 / 1، میزان الحکمه: ج 8، ح 14228.
[732] بحار: 6 / 120 / 7، میزان الحکمه: ج 8، ح 14236.

[733] بحار: 69 / 408 / 117، میزان الحکمه: ج 8، ح 14242.
[734] معانی الاخبار: 188 / 1، همان ج 6، ح 8758.
[735] کافی: 1 / 422 / 53، میزان الحکمه: ج 6، ح 8760.
[736] کافی: 2 / 18 / 4، میزان الحکمه: ج 8، ح 8796.
[737] بحار: 68 / 387 / 37، میزان الحکمه: ج 5، ح 8800.
[738] کنز العمال: 37631، میزان الحکمه: ج 5، ح 8805.
[739] تحف العقول: 329، میزان الحکمه: ج 5، ح 8807.
[740] کافی: 1 / 173 / 4، میزان الحکمه: ج 5، ح 8808.
[741] معانی الاخبار: 185 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 8809.
[742] معانی الاخبار: 246 / 8، میزان الحکمه: ج 6، ح 8838.
[743] جامع الاخبار: 231 / 596، میزان الحکمه: ج 6، ح 8839.
[744] بحار: 76 / 14 / 3، میزان الحکمه: ج 6، ح 8867.
[745] بحار: 82 / 129 / 7، میزان الحکمه: ج 6، ح 8870.
[746] بحار: 102 / 168 / 6، میزان الحکمه: ج 6، ح 8871.
[747] بحار: 2 / 204 / 87، میزان الحکمه: ج 6، ح 8873.
[748] بحار: 2 / 205 / 91، میزان الحکمه: ج 6، ح 8874.
[749] تنبیه الخواطر: 2 / 185، میزان الحکمه: ج 6، ح 8875.
[750] بحار: 93 / 189 / 23 و ص 190 / 25، میزان الحکمه: ج 6، ح 8878 و 8879.
[751] بحار: 76 / 131 / 25، میزان الحکمه: ج 6، ح 9053.
[752] بحار: 76 / 128 / 11، میزان الحکمه: ج 6، ح 9055.
[753] بحار: 62 / 145 / 5، میزان الحکمه: ج 6، ح 9063.
[754] خصال: 481 / 53، میزان الحکمه: ج 6، ح 9065.
[755] بحار: 76 / 139 / 52، میزان الحکمه: ج 6، ح 9068.
[756] کافی: 3 / 23 / 7، میزان الحکمه: ج 6، ح 9072.
[757] کافی: 3 / 445 / 13، میزان الحکمه: ج 6، ح 9074.
[758] امالی شیخ طوسی: 302 / 598، میزان الحکمه: ج 6، ح 9079.
[759] قرب الاسناد: 128 / 450، میزان الحکمه: ج 6، ح 9082.
[760] امالی شیخ طوسی: 303 / 604، میزان الحکمه: ج 6، ح 9089.
[761] تفسیر عیاشی: 2 / 323 / 11، کافی 8 / 395 / 595، میزان الحکمه: ج 6، ح 9100، 9099.
[762] کافی: 5 / 260 / 3، میزان الحکمه: ج 6، ح 9146.
[763] کافی: 5 / 246 / 9، میزان الحکمه: ج 6، ح 9147.
[764] کافی: 5 / 264 / 8، میزان الحکمه: ج 6، ح 9149.
[765] کافی: 2 / 398 / 6، میزان الحکمه: ج 6، ح 9296.
[766] تفسیر عیاشی: 2 / 200 / 96، کافی: 2 / 397 / 3، معانی الاخبار:

379 / 1، میزان الحکمه: ج 6، ح 9309 و 9310 و 9311.
[767] خصال: 136 / 151، میزان الحکمه: ج 6، ح 9315.
[768] بحار: 72 / 93 / 3، میزان الحکمه: ج 6، ح 9316.
[769] بحار: 81 / 211 / 27، میزان الحکمه: ج 6، ح 9373.
[770] تحف العقول: 301، میزان الحکمه: ج 6، ح 9375.
[771] نورالثقلین: 1 / 152 / 493، میزان الحکمه: ج 6، ح 9378.
[772] امالی شیخ صدوق: 376 / 5، میزان الحکمه: ج 6، ح 9391.
[773] کافی: 2 / 315 / 4، میزان الحکمه: ج 6، ح 9392.
[774] کافی: 2 / 327 / 2، میزان الحکمه: ج 6، ح 9393.
[775] قصص الانبیاء راوندی: 269 / 339، میزان الحکمه: ج 6، ح 9400.
[776] خصال: 285 / 37، میزان الحکمه: ج 6، ح 9401.
[777] کافی: 8 / 288 / 433، میزان الحکمه: ج 6، ح 9405.
[778] خصال: 51 / 61، میزان الحکمه: ج 6، ح 9414.
[779] خصال: 216 / 40، میزان الحکمه: ج 6، ح 9417.
[780] محاسن: 1 / 159 / 225، میزان الحکمه: ج 6، ح 9486.
[781] فضائل الشیعه: 77 / 45، میزان الحکمه: ج 6، ح 9496.
[782] کافی: 2 / 248 / 1، میزان الحکمه: ج 6، ح 9497.
[783] محاسن: 1 / 293 / 583، میزان الحکمه: ج 6، ح 9498.
[784] بحار: 8 / 48 / 51، میزان الحکمه: ج 6، ح 9499.
[785] علل الشرائع: 394 / 11، میزان الحکمه: ج 6، ح 9506.
[786] کامل الزیارات: 164، میزان الحکمه: ج 6، ح 9540.
[787] ثواب الاعمال: 155 / 1، میزان الحکمه: ج 6، ح 9541.
[788] التوحید: 356 / 2، میزان الحکمه: ج 6، ح 9544.
[789] بحار: 74 / 414 / 31، میزان الحکمه: ج 6، ح 9567.
[790] بحار: 71 / 52 / 77، میزان الحکمه: ج 6، ح 9581.
[791] امالی شیخ طوسی: 211 / 366، میزان الحکمه: ج 6، ح 9582.
[792] کافی: 2 / 95 / 9، میزان الحکمه: ج 6، ح 9591.
[793] کافی: 2 / 94 / 3، میزان الحکمه: ج 6، ح 9596.
[794] امالی شیخ صدوق: 249 / 4، میزان الحکمه: ج 6، ح 9599.
[795] قصص الانبیاء راوندی: 161 / 178، میزان الحکمه: ج 6، ح 9603.
[796] مصباح الشریعه: 58، میزان الحکمه: ج 6، ح 9604.
[797] کافی: 2 / 95 / 10، میزان الحکمه: ج 6، ح 9607.
[798] کافی: 2 / 427 / 8، میزان الحکمه: ج 6، ح 9414.
[799] کافی: 2 / 96 / 12، میزان الحکمه: ج 6، ح 9615.
[800] کافی: 2 / 96 / 14، میزان الحکمه: ج 6، ح 9616.
[801] کافی: 2 / 97 / 19، میزان الحکمه: ج 6، ح 9617.

[802] مصباح الشریعه: 53، میزان الحکمه: ج 6، ح 9618.
[803] کافی: 2 / 98 / 24، میزان الحکمه: ج 6، ح 9622.
[804] کافی: 2 / 98 / 25، میزان الحکمه: ج 6، ح 9624.
[805] کافی: 2 / 94 / 5، میزان الحکمه: ج 6، ح 9632.
[806] علل الشرایع: 560 / 1، میزان الحکمه: ج 6، ح 9641.
[807] الاختصاص: 241، میزان الحکمه: ج 6، ح 9645.
[808] قرب الاسناد: 160 / 585، میزان الحکمه: ج 6، ح 9646.
[809] خصال: 11 / 37، میزان الحکمه: ج 6، ح 9647.
[810] خصال: 11 / 38، میزان الحکمه: ج 6، ح 9648.
[811] کافی: 2 / 61 / 6، میزان الحکمه: ج 6، ح 9690.
[812] محاسن: 2 / 436 / 2512، میزان الحکمه: ج 6، ح 9845.
[813] الدرة الباهره: 31، میزان الحکمه: ج 6، ح 9868.
[814] تحف العقول: 316، میزان الحکمه: ج 6، ح 9871.
[815] مصباح الشریعه: 315، میزان الحکمه: ج 6، ح 9872.
[816] امالی شیخ صدوق: 250 /، میزان الحکمه: ج 6، ح 9877.
[817] مکارم الاخلاق: 2 / 98 / 2280، میزان الحکمه: ج 6، ح 9888.
[818] محاسن: 2 / 438 / 2521، میزان الحکمه: ج 6، ح 9895.
[819] بحار: 78 / 252 / 105، میزان الحکمه: ج 6، ح 9834.
[820] مشکاة الانوار: 320، میزان الحکمه: ج 6، ح 9835.
[821] بحار: 72 / 297 / 27، میزان الحکمه: ج 6، ح 9837.
[822] بحار: 76 / 20 / 6، میزان الحکمه: ج 6، ح 9843.
[823] تفسیر عیاشی: 1 / 156 / 524، میزان الحکمه: ج 6، ح 9707.
[824] التهذیب: 6 / 275 / 572، میزان الحکمه: ج 6، ح 9710.
[825] وسایل الشیعه: 18 / 225 / 1، میزان الحکمه: ج 6، ح 9714.
[826] بحار: 104 / 310 / 6، میزان الحکمه: ج 6، ح 9719.
[827] امالی شیخ صدوق: 278 / 23، میزان الحکمه: ج 6، ح 9724.
[828] بحار: 68 / 167 / 23 و ص 169 / 29، میزان الحکمه: ج 6، ح 9931 و 9932.
[829] کافی: 2 / 333 / 9، میزان الحکمه: ج 6، ح 9935.
[830] بحار: 83 / 22 / 40، میزان الحکمه: ج 6، ح 9936.
[831] تحف العقول: 303، میزان الحکمه: ج 6، ح 9938.
[832] تحف العقول: 302، میزان الحکمه: ج 6، ح 9952.
[833] بحار: 68 / 164 / 13، میزان الحکمه: ج 6، ح 9953.
[834] تحف العقول: 380، میزان الحکمه: ج 6، ح 9954.
[835] بحار: 68 / 166 / 17، میزان الحکمه: ج 6، ح 9959.
[836] بحار: 69 / 9 / 11، میزان الحکمه: ج 6، ح 9960.

[837] خصال: 131 / 137، میزان الحکمه: ج 6، ح 9961.
[838] کافی: 2 / 173 / 10، میزان الحکمه: ج 6، ح 9962.
[839] خصال: 9965، 103 / 61.
[840] تحف العقول: 514 همان، همان، 9968.
[841] مشکاة الانوار: 6 / 180 و کافی: 8 / 229 / 293، میزان الحکمه: ج 6، ح 9972 و 9973.
[842] امالی شیخ صدوق: 327 / 17، همان، همان، 9975.
[843] بحار: 5 / 146 / 2، همان ج 5، ح 7116.
[844] بحار: 103 / 33 / 63، میزان الحکمه: ج 5، ح 7133.
[845] امالی شیخ صدوق: 16 / 5، میزان الحکمه: ج 5، ح 7139.
[846] بحار: 103 / 34 / 63 و شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید: 3 / 160، میزان الحکمه: ج 5، ح 7142 و 7143.
[847] نورالثقلین: 5 / 355 / 36، میزان الحکمه: ج 5، ح 7160.
[848] نورالثقلین: 5 / 354 / 34، میزان الحکمه: ج 5، ح 7162.
[849] امالی شیخ طوسی: 300 / 593، میزان الحکمه: ج 5، ح 7171.
[850] بحار: 78 / 201 / 29، میزان الحکمه: ج 5، ح 7177.
[851] کافی: 2 / 138 / 3، میزان الحکمه: ج 5، ح 7187.
[852] بحار: 69 / 408 / 117، میزان الحکمه: ج 5، ح 7185.
[853] تحف العقول: 372، میزان الحکمه: ج 5، ح 7201.
[854] ثواب الاعمال: 200 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 7205.
[855] ثواب الاعمال: 215 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 7206.
[856] بحار: 72 / 49 / 60، میزان الحکمه: ج 5، ح 7210.
[857] وسایل الشیعه: 12 / 22 باب 9 من لا یحضره الفقیه: 3 / 163 / 3595 همان همان 7221.
[858] بحار: 103 / 13 / 61، وسایل الشیعه: 12 / 9 باب 4، میزان الحکمه: ج 5، ح 7224.
[859] بحار: 103 / 53 / 20، میزان الحکمه: ج 5، ح 7259.
[860] کافی: 7 / 209 / 2، میزان الحکمه: ج 5، ح 7260.
[861] معانی الاخبار: 211 / 1 و وسایل الشیعه: 18 / 161 باب 8، میزان الحکمه: ج 5، ح 7262.
[862] بحار: 71 / 157 / 75، میزان الحکمه: ج 5، ح 7282.
[863] بحار: 82 / 133 / 6، میزان الحکمه: ج 7289، 5.
[864] بحار: 71 / 158 / 75، میزان الحکمه: ج 5، ح 7291.
[865] بحار: 78 / 217 / 93، میزان الحکمه: ج 5، ح 7296.
[866] بحار: 71 / 185 / 75.
[867] بحار: 78 / 192 / 6، میزان الحکمه: ج 5، ح 7312.

[868] بحار: 71 / 159 / 75، میزان الحکمه: ج 5، ح 7316.
[869] بحار: 78 / 202 / 33 و 71 / 139 / 26، میزان الحکمه: ج 5، ح 7324 و 7325.
[870] کافی: 2 / 454 / 4، میزان الحکمه: ج 5، ح 7417.
[871] بحار: 78 / 277 / 113، میزان الحکمه: ج 5، ح 7418.
[872] محجة البیضاء: 8 / 149 / و ص 170، میزان الحکمه: ج 5، ح 7440.
[873] خصال: 323 / 9، میزان الحکمه: ج 5، ح 7542.
[874] بحار: 103 / 64 / 4، میزان الحکمه: ج 5، ح 7543.
[875] کافی: 5 / 261 / 6، میزان الحکمه: ج 5، ح 7544.
[876] کافی: 5 / 261 / 7، میزان الحکمه: ج 5، ح 7546.
[877] بحار: 103 / 66 / 16، میزان الحکمه: ج 5، ح 7547.
[878] کافی: 5 / 260 / 2، میزان الحکمه: ج 5، ح 7551.
[879] کافی: 5 / 260 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 7552.
[880] مستدرک الوسایل: 13 / 461 / 15898، میزان الحکمه: ج 5، ح 7553.
[881] وسایل الشیعه: 12 / 25 / 3، میزان الحکمه: ج 5، ح 7554.
[882] امالی شیخ طوسی: 693 / 1474، میزان الحکمه: ج 5، ح 7556.
[883] مشکاة الانوار: 46، میزان الحکمه: ج 5، ح 7558.
[884] وسایل الشیعه: 6 / 3 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 7559.
[885] علل الشرایع: 396 / 2، وسایل الشیعه: 6 / 3 / 230، میزان الحکمه: ج 5، ح 7561.
[886] علل الشرایع: 369 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 7562.
[887] الفقیه: 2 / 7 / 1579، میزان الحکمه: ج 5، ح 7565.
[888] بحار: 69 / 393 / 73، میزان الحکمه: ج 5، ح 7573.
[889] بحار: 96 / 21 / 50، میزان الحکمه: ج 5، ح 7578.
[890] وسایل الشیعه: 6 / 10 باب 3، بحار:96 / 12 / 15، میزان الحکمه: ج 5، ح 7579.
[891] وسایل الشیعه: 6 / 17 باب 4، ثواب الاعمال: 281 / 7، میزان الحکمه: ج 5، ح 7584.
[892] کافی: 3 / 498 / 8، میزان الحکمه: ج 5، ح 7589.
[893] وسایل الشیعه: 6 / 27 باب 7، کافی: 3 / 501 / 16، میزان الحکمه: ج 5، ح 7590.
[894] کافی: 3 / 501 / 16، همان، همان، ج 7591، 5.
[895] کافی: 3 / 500 / 13، میزان الحکمه: ج 5، ح 7593.
[896] بحار: 78 / 247 / 77، میزان الحکمه: ج 5، ح 7603.

[897] بحار: 78 / 267 / 182، میزان الحکمه: ج 5، ح 7606.
[898] بحار: 96 / 7 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 7607.
[899] من لا یحضره الفقیه: 2 / 183 / 2085، میزان الحکمه: ج 5، ح 7612.
[900] بحار: 73 / 49 / 20، میزان الحکمه: ج 5، ح 7681.
[901] بحار: 70 / 310 / 4، میزان الحکمه: ج 5، ح 7702.
[902] بحار: 70 / 310 / 2، میزان الحکمه: ج 5، ح 7704.
[903] بحار: 70 / 315 / 20، محجة البیضاء: 7 / 345، میزان الحکمه: ج 5، ح 7710.
[904] عیون الاخبار الرضا علیه‌السلام: 2 / 52 / 199، میزان الحکمه: ج 5، ح 7711.
[905] بحار: 70 / 315 / 20، میزان الحکمه: ج 5، ح 7717.
[906] اعلام الدین: 304، میزان الحکمه: ج 5، ح 7722.
[907] امالی شیخ صدوق: 531 / 2، میزان الحکمه: ج 5، ح 7727.
[908] بحار: 77 / 94 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 7765.
[909] تحف العقول: 358، میزان الحکمه: ج 5، ح 7777.
[910] بحار: 73 / 56 / 28، میزان الحکمه: ج 5، ح 7794.
[911] قرب الاسناد: 20 / 67، بحار: 103 / 219 / 15، میزان الحکمه: ج 5، ح 7810 و 7811.
[912] نور الثقلین: 3 / 597 / 141، همان، همان، 7817.
[913] کافی: 5 / 331 / 2، میزان الحکمه: ج 5، ح 7825.
[914] معانی الاخبار: 152 / 1، همان، همان، 7842.
[915] وسایل الشیعه: 15 / 1 باب مهریه، نورالثقلین: 1 / 43، میزان الحکمه: ج 5، ح 7841.
[916] معانی الاخبار: 144 / 1 همان، همان، 7847.
[917] بحار: 78 / 237 / 70، میزان الحکمه: ج 5، ح 7868.
[918] تحف العقول: 322 همان، همان، 7872.
[919] بحار: 78 / 237 / 70، میزان الحکمه: ج 5، ح 7876.
[920] بحار: 103 / 251 / 49 همان، همان، 7877.
[921] خصال: 88 / 21، میزان الحکمه: ج 5، ح 7883.
[922] بحار: 103 / 253 / 55 همان، همان، 7886.
[923] من لا یحضره الفقیه: 3 / 390 / 4370، میزان الحکمه: ج 5، ح 7904.
[924] کافی: 5 / 326 / 3، میزان الحکمه: ج 5، ح 7905.
[925] بحار: 74 / 345 / 4، میزان الحکمه: ج 5، ح 7927.
[926] کافی: 2 / 175 / 1 همان، همان، 7930.

[927] بحار: 74 / 347 / 8، میزان الحکمه: ج 5، ح 7931.
[928] کافی: 2 / 186 / 2 همان، همان، 7934.
[929] بحار، 78 / 202 / 33، میزان الحکمه: ج 5، ح 7940.
[930] بحار: 100 / 124 / 34، میزان الحکمه: ج 5، ح 7972.
[931] کامل الزیارات: 38 همان، همان، 7953.
[932] بحار: 100 / 258 / 3، میزان الحکمه: ج 5، ح 7954.
[933] بحار: 100 / 259 / 7 همان، همان، 7956.
[934] بحار: 100 / 191 / باب 5 وسایل الشیعه: 10 / 287 باب 18، معانی الاخبار 267 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 7958.
[935] قرب الاسناد: 139 / 492 همان، همان، 7961.
[936] بحار: 101 / 4 / 14، میزان الحکمه: ج 5، ح 7962.
[937] بحار: 101 / 13 / 5 همان، همان، 7963.
[938] بحار: 101 / 37 / 5، میزان الحکمه: ج 5، ح 7964.
[939] امالی شیخ طوسی: 55 / 74 وسایل الشیعه: 10 / 318 / 425، میزان الحکمه: ج 5، ح 7965.
[940] بحار: 101 / 51 / 1، همان، همان، 7966.
[941] ثواب الاعمال: 114 / 21، میزان الحکمه: ج 5، ح 7967.
[942] وسایل الشیعه: 10 / 426 باب 79 بحار: 100 / 145 - 139 / 34، کافی: 4 / 579 / 1 همان، همان، 7970 و 7971.
[943] وسایل الشیعه: 10 / 451 باب 94 بحار: 102 / 267 / 5 همان، همان، 7983.
[944] وسایل الشیعه: 1 / 425 باب 70 خصال: 268 / 3، میزان الحکمه: ج 5، ح 7994.
[945] من لا یحضره الفقیه: 1 / 123 / 283 همان، همان، 7997.
[946] بحار: 71 / 391 / 51، میزان الحکمه: ج 5، ح 8010.
[947] وسایل الشیعه: 6 / 309 / 15، میزان الحکمه: ج 5، ح 8080.
[948] خصال: 135 / 148، همان، همان، 8102.
[949] ثواب الاعمال: 325 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 8108.
[950] بحار: 96 / 155 / 25، همان، همان، 8109.
[951] اعلام الدین: 304، میزان الحکمه: ج 5، ح 8124.
[952] تحف العقول: 321، میزان الحکمه: ج 5، ح 8126.
[953] اعلام الدین: 303. همان، همان، 8128.
[954] عیون الاخبار الرضا علیه‌السلام: 2 / 179 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 8141.
[955] جامع الاخبار: 378 / 1059، همان، همان، 8148.
[956] من لا یحضره الفقیه: 2 / 68 / 1743 همان، همان، 8156.

[957] عدة الداعی: 91، میزان الحکمه: ج 5، ح 8151.
[958] ثواب الاعمال: 56 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 8280.
[959] علل الشرایع: 340 / 1، همان، همان، 8281.
[960] امالی شیخ طوسی: 664 / 1389، میزان الحکمه: ج 5، ح 8282.
[961] علل الشرایع: 341 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 8290.
[962] بحار: 85 / 103 / 11، میزان الحکمه: ج 5، ح 8291.
[963] امالی شیخ صدوق: 293 / 8، میزان الحکمه: ج 5، ح 8293.
[964] کافی: 3 / 368 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 8295.
[965] بحار: 76 / 161 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 8296.
[966] بحار: 83 / 348 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 8306.
[967] خصال: 142 / 163، میزان الحکمه: ج 5، ح 8307.
[968] بحار: 83 / 373 / 40، میزان الحکمه: ج 5، ح 8314.
[969] بحار: 100 / 215 / 6، میزان الحکمه: ج 5، ح 8318.
[970] کافی: 3 / 495 / 3، بحار: 100 / 434 باب 7، میزان الحکمه: ج 5، ح 8321.
[971] بحار: 71 / 355 / 17، میزان الحکمه: ج 5، ح 8351.
[972] امالی شیخ صدوق: 223 / 3، میزان الحکمه: ج 5، ح 8353.
[973] بحار: 71 / 350 / 3، میزان الحکمه: ج 5، ح 8354.
[974] بحار: 71 / 352 / 9، میزان الحکمه: ج 5، ح 8389.
[975] بحار: 71 / 353 / 10، میزان الحکمه: ج 5، ح 8390.
[976] بحار: 71 / 3535 / 11، همان، همان، 8391.
[977] معانی الاخبار: 256 / 3، میزان الحکمه: ج 5، ح 8392.
[978] بحار: 71 / 357 / 21، همان، همان، 8393.
[979] کافی: 2 / 231 / 4، میزان الحکمه: ج 5، ح 8395.
[980] تحف العقول: 315، میزان الحکمه: ج 5، ح 8405.
[981] بحار: 75 / 71 / 17، همان، همان، 8407.
[982] بحار: 75 / 71 / 15، میزان الحکمه: ج 5، ح 8416.
[983] مشکاة الانوار: 323، همان، همان، 8419.
[984] بحار: 75 / 69 / 4، میزان الحکمه: ج 5، ح 8423.
[985] بحار: 72 / 382 / 4، میزان الحکمه: ج 5، ح 8430.
[986] بحار: 72 / 290 / 13، میزان الحکمه: ج 5، ح 8434.
[987] بحار: 73 / 395 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 8444.
[988] کافی: 2 / 295 / 11، میزان الحکمه: ج 5، ح 8445.
[989] بحار: 71 / 366 / 14، میزان الحکمه: ج 5، ح 8446.
[990] تنبیه الخواطر: 1 / 14، میزان الحکمه: ج 5، ح 8447.
[991] تحف العقول: 323، میزان الحکمه: ج 5، ح 8450.

[992] ثواب الاعمال: 179 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 8459.
[993] کافی: 2 / 189 / 6 و ص 195 / 10، میزان الحکمه: ج 5، ح 8463 و 8464.
[994] کافی: 2 / 192 / 15، همان، همان، 8467.
[995] کافی: 2 / 192 / 14، میزان الحکمه: ج 5، ح 8467.
[996] کافی: 2 / 199 / 3، میزان الحکمه: ج 5، ح 8472.
[997] کافی: 2 /190 / 8، میزان الحکمه: ج 5، ح 8473.
[998] کافی: 2 / 200 / 5، میزان الحکمه: ج 5، ح 8474.
[999] در مجمع البحرین ذیل این حدیث می‌گوید: یعنی آنچه را که فراخور حال او نیست می‌خرد و می‌پوشد و می‌خورد.
[1000] بحار: 72 / 206 / 7، میزان الحکمه: ج 5، ح 8488.
[1001] بحار: 71 / 346 / 10، میزان الحکمه: ج 5، ح 8494.
[1002] تفسیر عیاشی: 2 / 288 / 58، میزان الحکمه: ج 5، ح 8495.
[1003] کنز العمال: 26248، میزان الحکمه: ج 5، ح 8496.
[1004] کافی: 4 / 56 / 10، میزان الحکمه: ج 5، ح 8498.
[1005] بحار: 75 / 303 / 6، میزان الحکمه: ج 5، ح 8501.
[1006] بحار: 10 / 184 / 5، میزان الحکمه: ج 5، ح 8526.
[1007] بحار: 78 / 203 / 35، میزان الحکمه: ج 5، ح 8533.
[1008] تحف العقول: 364، میزان الحکمه: ج 5، ح 8538.
[1009] بحار: 103 / 5 / 19، میزان الحکمه: ج 5، ح 8563.
[1010] بحار: 104 / 95 / 37 مکارم الاخلاق: 1 / 477 / 1646، میزان الحکمه: ج 5، ح 8567 و 8568.
[1011] بحار: 78 / 210 / 87، میزان الحکمه: ج 5، ح 8594.
[1012] تحف العقول: 363، میزان الحکمه: ج 5، ح 8595.
[1013] بحار: 100 / 103 / 5 و 76 / 266 و ص 227 و ص 132 و ص 231 و ص 59 / 28، 232، میزان الحکمه: ج 5، ح 8606.
[1014] بحار: 76 / 271 / 28، میزان الحکمه: ج 5، ح 8608.
[1015] بحار: 76 / 268 / 11، میزان الحکمه: ج 5، ح 8613.
[1016] بحار: 76 / 273 / 31، میزان الحکمه: ج 5، ح 8617.
[1017] بحار: 76 / 275 / 30، میزان الحکمه: ج 5، ح 8618.
[1018] مکارم الاخلاق: 1 / 541 / 1876، امالی شیخ مفید: 44 / 3، میزان الحکمه: ج 5، ح 8623 و 8624.
[1019] کافی: 2 / 322 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 8655.
[1020] تهذیب الاحکام: 9 / 182 / 731، میزان الحکمه: ج 5، ح 8656.
[1021] بحار: 71 / 422 / 61، میزان الحکمه: ج 5، ح 8659.
[1022] بحار: 73 / 301 / 5، میزان الحکمه: ج 5، ح 8666.

[1023] علل الشرایع: 560 / 1، همان، ج 4 ح 5003.
[1024] کافی: 2 / 101 / 12، میزان الحکمه: ج 4، ح 5011.
[1025] کافی: 2 / 100 / 4، میزان الحکمه: ج 4، ح 5014.
[1026] نور الثقلین: 5 / 391 / 24، میزان الحکمه: ج 4، ح 5201.
[1027] تنبیه الخواطر (چاپ نجف): 72، میزان الحکمه: ج 4، ح 5022.
[1028] معانی الاخبار: 253 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 5027.
[1029] کافی: 2 / 101 / 11، همان، همان، 5036، میزان الحکمه: ج 4، ح 5036.
[1030] معانی الاخبار: 191 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 5056.
[1031] خصال: 431 / 11، میزان الحکمه: ج 4، ح 5053.
[1032] امالی شیخ صدوق: 184 / 8، همان، همان، 5052.
[1033] معانی الاخبار: 191 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 5055.
[1034] بحار: 71 / 396 / 77، همان، همان، 5075.
[1035] بحار: 71 / 395 / 73، میزان الحکمه: ج 4، ح 5077.
[1036] کافی: 2 / 100 / 907، میزان الحکمه: ج 4، ح 5078.
[1037] قصص الانبیاء: 195 / 244، همان، همان، 5084.
[1038] کافی: 2 / 321 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 5085.
[1039] قصص الانبیاء: 195 / 244، همان، همان، 5093.
[1040] بحار: 78 / 246 / 62، میزان الحکمه: ج 4، ح 5102.
[1041] بحار: 72 / 192 / 8، میزان الحکمه: ج 4، ح 5112.
[1042] کافی: 2 / 240 / 33، میزان الحکمه: ج 4، ح 5120.
[1043] امالی شیخ طوسی: 301 / 597، میزان الحکمه: ج 4، ح 5124.
[1044] وسایل الشیعه: 17 / 237 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 5129.
[1045] بحار: 79 / 140 / 48، میزان الحکمه: ج 4، ح 5134.
[1046] ثواب الاعمال: 921 / 8، میزان الحکمه: ج 4، ح 5136.
[1047] علل الشرایع: 476 / 2، میزان الحکمه: ج 4، ح 5140.
[1048] ثواب الاعمال: 290 / 4، میزان الحکمه: ج 4، ح 5153.
[1049] تفسیر علی بن ابراهیم: 2 / 411، میزان الحکمه: ج 4، ح 5158.
[1050] بحار: 70 / 386 / 48، میزان الحکمه: ج 4، ح 5193.
[1051] کافی: 2 / 71 / 12، میزان الحکمه: ج 4، ح 5201.
[1052] نور الثقلین: 4 / 545 / 30، میزان الحکمه: ج 4، ح 5205.
[1053] بحار: 70 / 384 / 39، میزان الحکمه: ج 4، ح 5207.
[1054] کافی: 2 / 67 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 5208.
[1055] کافی: 2 / 67 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 5209.
[1056] تنبیه الخواطر: 1 / 50، میزان الحکمه: ج 4، ح 5210.
[1057] بحار: 70 / 392 / 61، میزان الحکمه: ج 4، ح 5215.

[1058] بحار: 78 / 244 / 54، میزان الحکمه: ج 4، ح 5217.
[1059] کافی: 2 / 69 / 7، همان، همان، 5222.
[1060] کافی: 2 / 70 / 10، میزان الحکمه: ج 4، ح 5233.
[1061] کافی: 2 / 68 / 3، همان، همان، 5237.
[1062] بحار: 70 / 382 / 36، میزان الحکمه: ج 4، ح 5240.
[1063] تنبیه الخواطر: 2 / 112، میزان الحکمه، ج 4، ح 5245.
[1064] بحار: 44 / 192 / 5، همان، همان، 5246.
[1065] کافی: 2 / 171 / 5، میزان الحکمه: ج 4، ح 5258.
[1066] بحار: 70 / 386 / 49، همان، همان، 5267.
[1067] بحار: 76 / 247 / 37، میزان الحکمه: ج 4، ح 5273.
[1068] الاختصاص: 231، میزان الحکمه: ج 4، ح 5277.
[1069] کافی: 5 / 204 / 2، میزان الحکمه: ج 4، ح 5294.
[1070] نور الثقلین: 2 / 144 / 68 و 69، میزان الحکمه: ج 4، ح 5298.
[1071] خصال: 151 / 185، میزان الحکمه: ج 4، ح 5302.
[1072] بحار: 75 / 175 / 7، میزان الحکمه: ج 4، ح 5303.
[1073] بحار: 103 / 103 / 55، میزان الحکمه: ج 4، ح 5310.
[1074] بحار: 740 / 312 / 79، میزان الحکمه: ج 4، ح 5330.
[1075] مشکاة الانوار: 264، میزان الحکمه: ج 4، ح 5334.
[1076] بحار: 73 / 168 / 3، میزان الحکمه: ج 4، ح 5341.
[1077] بحار: 74 / 382 / 3، میزان الحکمه: ج 4، ح 5351.
[1078] بحار: 73 / 55 / 28، همان، همان، 5358.
[1079] التوحید: 415 / 14 همان، همان، 5375.
[1080] کافی: 1 / 229 / 3، میزان الحکمه: ج 4، ح 5376.
[1081] بحارالانوار: 71 / 217 / 20، کافی: 2 / 142 / 3، میزان الحکمه: ج 4، ح 5382 و 5383.
[1082] کافی: 2 / 143 / 8، میزان الحکمه: ج 4، ح 5385.
[1083] بحار: 73 / 307 / 34، میزان الحکمه: ج 4، ح 5406.
[1084] بحار: 78 / 206 / 63، میزان الحکمه: ج 4، ح 5410.
[1085] بحار: 71 / 182 / 37، میزان الحکمه: ج 4، ح 5436.
[1086] امالی شیخ طوسی: 223 / 358، میزان الحکمه: ج 4، ح 5448.
[1087] نور الثقلین: 4 / 229 / 32، میزان الحکمه: ج 4، ح 5454.
[1088] بحار: 91 / 225 / 84، محاسن: 2 / 432 / 2498 و 91 / 224 / 4، میزان الحکمه: ج 4، ح 5461 و 5462 و 5463.
[1089] بحار: 91 / 256 / 1 و 91 / 257 / 2، فتح الابواب: 257، میزان الحکمه: ج 4، ح 5470 و 5471 و 5472.
[1090] التهذیب: 3 / 310 / 960 همان، همان، 5475.

[1091] کافی: 2 / 629 / 7، وسایل الشیعه: 4 / 875 / 2، میزان الحکمه: ج 4، ح 5476.
[1092] وسایل الشیعه: 5 / 204، باب نماز استخاره، کافی: 3 / 470 / 1، همان، همان، 5477.
[1093] کافی: 2 / 116 / 2، میزان الحکمه: ج 4، ح 5493.
[1094] بحار: 75 / 401 / 42، میزان الحکمه: ج 4، ح 5495.
[1095] تفسیر منسوب به امام حسن عسکری: 354 / 241، میزان الحکمه: ج 4، ح 5496.
[1096] کافی: 2 / 467 / 7، میزان الحکمه: ج 4، ح 5530.
[1097] مکارم الاخلاق: 2 / 12 / 2005، بحار: 93 / 297 / 25، کافی: 2 / 469 / 7، میزان الحکمه: ج 4، ح 5541 و 5542 و 5543.
[1098] مکارم الاخلاق: 2 / 9 / 1989، میزان الحکمه: ج 4، ح 5551.
[1099] مکارم الاخلاق: 2 / 12 / 2008، میزان الحکمه: ج 4، ح 5552.
[1100] مکارم الاخلاق: 2 / 10 / 1992، همان، همان، 5556.
[1101] کافی: 2 / 472 / 1، همان، همان، 5563.
[1102] بحار: 93 / 303 / 39، میزان الحکمه: ج 4، ح 5571.
[1103] بحار: 93 / 199 / 31، همان، همان، 5575.
[1104] بحار: 93 / 295 / 23، همان، همان، 5576.
[1105] بحار: 93 / 295 / 23، همان، همان، 5585.
[1106] بحار: 93 / 322 / 36، میزان الحکمه: ج 4، ح 5587.
[1107] بحار ک: 93 / 368 / 4 و 93 / 323 / 37، همان، همان، 5589 و 5590.
[1108] اعلام الدین: 269، بحار: 93 / 368 / 3، میزان الحکمه: ج 4، ح 5593 و 5594.
[1109] بحار: 93 / 341 / 11، همان، همان، 5595.
[1110] الاختصاص: 242، میزان الحکمه: ج 4، ح 5596.
[1111] بحار: 93 / 373 / 16، همان، همان، 5602.
[1112] بحار: 93 / 321 / 31، میزان الحکمه: ج 4، ح 5603.
[1113] کافی: 2 / 473 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 5609 و 5610.
[1114] بحار: 93 / 344 / 5، کافی: 2 / 477 / 5، میزان الحکمه: ج 4، ح 5612 و 5613.
[1115] بحار: 75 / 312 / 20، میزان الحکمه: ج 4، ح 5616.
[1116] امالی شیخ صدوق: 262 / 3، میزان الحکمه: ج 4، ح 5618.
[1117] بحار: 93 / 315 / 20، همان، همان، 5622.
[1118] کافی: 2 / 491 / 1، مکارم الاخلاق: 2 / 19 / 2040، میزان الحکمه: ج 4، ح 5624 و 5625.

[1119] بحار: 93 / 311 / 13، میزان الحکمه: ج 4، ح 5629.
[1120] بحار: 93 / 318 / 23، میزان الحکمه: ج 4، ح 5630.
[1121] بحار: 93 / 315 / 21 و ص 314 / 20، میزان الحکمه: ج 4، ح 5634 و 5635.
[1122] وقتی موسی علیه‌السلام از آن پیرزن خواست تا قبر یوسف را به او نشان دهد به این شرط نشان داد که ضمانت کند تا وی در بهشت هم‌مرتبه موسی علیه‌السلام باشد.
[1123] نور الثقلین: 2 / 473 / 225، میزان الحکمه: ج 4، ح 5645.
[1124] من لا یحضره الفقیه: 1 / 193 / 594، همان، همان، 5646.
[1125] بحار: 93 / 317 / 21، همان، همان، 5648.
[1126] بحار: 93 / 319 / 25، میزان الحکمه: ج 4، ح 5650.
[1127] کافی: 2 / 487 / 2: همان، همان، 5651.
[1128] بحار: 93 / 341 / 11 همان، همان، 5453.
[1129] میزان الحکمه: ج 4، صص 1670 و 1671.
[1130] کافی: 2 / 473 / 3 و ح 1 همان، همان، 5654 و 5655.
[1131] بحار: 85 / 321 / 8 همان، همان، 5657.
[1132] بحار: 81 / 217 / 10 همان، همان، 5659.
[1133] تفسیر عیاشی: 1 / 239 / 115، همان، همان، 5673.
[1134] کافی: 2 / 474 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 5674.
[1135] بحار: 96 / 374 / 16، میزان الحکمه: ج 4، ح 5675.
[1136] بحار: 93 / 374 / 16، همان، همان، 5476.
[1137] تحف العقول: 363، میزان الحکمه: ج 4، ح 5680.
[1138] بحار: 93 / 342 / 11، همان، همان، 5685.
[1139] بحار: 93 / 323 / 36، میزان الحکمه: ج 4، ح 5686.
[1140] کافی: 2 / 148 / 2، میزان الحکمه: ج 4، ح 5689.
[1141] امالی شیخ مفید: 54 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 5692. بحار: 46 / 51 دعای امام سجاد علیه‌السلام.
[1142] امالی شیخ طوسی: 28 / 541، میزان الحکمه: ج 4، ح 5693.
[1143] کافی: 8 / 8 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 5697.
[1144] دعوات راوندی: 33 / 75، میزان الحکمه: ج 4، ح 5701.
[1145] کافی: 8 / 29 / 98، میزان الحکمه: ج 4، ح 5704.
[1146] کافی: 2 / 334 / 18، میزان الحکمه: ج 4، ح 5706.
[1147] کافی: 3 / 489 / 3، میزان الحکمه: ج 4، ح 5710.
[1148] کافی: 2 / 489 / 5، میزان الحکمه: ج 4، ح 5712.
[1149] بحار: 93 / 375 / 16، میزان الحکمه: ج 4، ح 5713.
[1150] 64 / 114 / 8، میزان الحکمه: ج 4، ح 5715.

[1151] تنبیه الخواطر: 1 / 302، میزان الحکمه: ج 4، ح 5717.
[1152] بحار: 93 / 322 / 36، میزان الحکمه: ج 4، ح 5720.
[1153] بحار: 93 / 371 / 12، میزان الحکمه: ج 4، ح 5726.
[1154] کافی: 12 / 491 / 9، میزان الحکمه: ج 4، ح 5728.
[1155] بحار: 93 / 388 / 20، میزان الحکمه: ج 4، ح 5734.
[1156] بحار: 93 / 385 / 11، میزان الحکمه: ج 4، ح 5735.
[1157] الاختصاص: 28، میزان الحکمه: ج 4، ح 5736.
[1158] بحار: 101 / 281 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 5759.
[1159] مستدرک الوسایل: 13 / 16 / 14604، میزان الحکمه: ج 4، ح 5764.
[1160] بحار: 78 / 277 / 112، میزان الحکمه: ج 4، ح 5766.
[1161] بحار: 78 / 193 / 7، میزان الحکمه: ج 4، ح 5770.
[1162] کافی: 2 /315 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 5815.
[1163] بحار: 73 / 60 / 29، میزان الحکمه: ج 4، ح 5822.
[1164] کافی: 2 / 320 / 17، میزان الحکمه: ج 4، ح 5831.
[1165] کافی: 2 / 320 / 16، میزان الحکمه: ج 4، ح 5836.
[1166] بحار: 73 / 88 / 54، میزان الحکمه: ج 4، ح 5903.
[1167] بحار: 73 / 125 / 118، میزان الحکمه: ج 4، ح 5927.
[1168] خصال: 108 / 74، میزان الحکمه: ج 4، ح 5934.
[1169] اقبال الاعمال: 1 / 134، میزان الحکمه: ج 4، ح 5937.
[1170] بحار: 73 / 81 / 43، میزان الحکمه: ج 4، ح 5939.
[1171] بحار: 73 / 55 / 27، میزان الحکمه: ج 4، ح 5955.
[1172] بحار: 78 / 282 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 5963.
[1173] تحف العقول: 359، میزان الحکمه: ج 4، ح 5975.
[1174] بحار: 73 / 81 / 44، میزان الحکمه: ج 4، ح 5977.
[1175] کافی: 2 / 134 / 18، میزان الحکمه: ج 4، ح 6061.
[1176] بحار: 78 / 205 / 47، میزان الحکمه: ج 4، ح 6083.
[1177] تحف العقول: 321، میزان الحکمه: ج 4، ح 6183.
[1178] بحار: 4 / 264 / 13، میزان الحکمه: ج 4، ح 6230.
[1179] امالی شیخ مفید: 52 / 14، میزان الحکمه: ج 4، ح 2632.
[1180] کافی: 2 / 307 / 5، میزان الحکمه: ج 4، ح 6237.
[1181] بحار: 78 / 368 / 183، میزان الحکمه: ج 4، ح 6249.
[1182] بحار: 72 / 135 / 19، میزان الحکمه: ج 4، ح 6251.
[1183] بحار: 84 / 252 / 47، میزان الحکمه: ج 4، ح 6254.
[1184] کافی: 2 / 127 / 16، میزان الحکمه: ج 4، ح 6259.
[1185] بحار: 72 / 227 / 3، میزان الحکمه: ج 4، ح 6262.

[1186] نور الثقلین: 4 / 467 / 75، میزان الحکمه: ج 4، ح 6264.
[1187] بحار: 78 / 280 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 6267.
[1188] کافی: 2 / 22 / 11، میزان الحکمه: ج 4، ح 6288.
[1189] بحار: 69 / 1 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 6289.
[1190] امالی شیخ طوسی: 222 / 384، میزان الحکمه: ج 4، ح 6290.
[1191] بحار: 69 / 5 / 7، میزان الحکمه: ج 4، ح 6291.
[1192] بحار: 93 / 164 / 43، میزان الحکمه: ج 4، ح 6354.
[1193] کافی: 8 / 7 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 6356.
[1194] بحار: 93 / 160 / 38، میزان الحکمه: ج 4، ح 6357.
[1195] نور الثقلین: 4 / 286 / 153، میزان الحکمه: ج 4، ح 6360.
[1196] بحار: 80 / 176 / 21، میزان الحکمه: ج 4، ح 6368.
[1197] بحار: 78 / 200 / 27، میزان الحکمه: ج 4، ح 6370.
[1198] بحار: 75 / 468 / 20، میزان الحکمه: ج 4، ح 6373.
[1199] بحار: 93 / 157 / 26، میزان الحکمه: ج 4، ح 6379.
[1200] امالی شیخ صدوق: 375 / 3، میزان الحکمه: ج 4، ح 6380.
[1201] بحار: 93 / 162 / 42، میزان الحکمه: ج 4، ح 6381.
[1202] بحار: 93 / 320 / 29، میزان الحکمه: ج 4، ح 6391.
[1203] بحار: 93 / 158 / 31، میزان الحکمه: ج 4، ح 6387.
[1204] کافی: 2 / 499 / 2، میزان الحکمه: ج 4، ح 6449.
[1205] بحار: 93 / 158 / 33، میزان الحکمه: ج 4، ح 6453.
[1206] بحار: 93 / 154 / 17، میزان الحکمه: ج 4، ح 6455.
[1207] نور الثقلین: 4 / 162/ 61، میزان الحکمه: ج 4، ح 6456.
[1208] بحار: 93 / 159 / 33، میزان الحکمه: ج 4، ح 6458.
[1209] بحار: 93 / 158 / 33، میزان الحکمه: ج 4، ح 6461.
[1210] نور الثقلین: 3 / 57 / 97، میزان الحکمه: ج 4، ح 6468، کافی: 1 / 211 / 5 و ح 4.
[1211] مستدرک الوسایل: 5 / 397 / 6177، میزان الحکمه: ج 4، ح 6489.
[1212] کافی: 5 / 63 / 3، میزان الحکمه: ج 4، ح 6512.
[1213] مشکاة الانوار: 50 و 245، میزان الحکمه: ج 4، ح 6513 و 6514.
[1214] تحف العقول: 366، میزان الحکمه: ج 4، ح 6524.
[1215] تحف العقول: 360، میزان الحکمه: ج 4، ح 6525.
[1216] تنبیه الخواطر: 1 / 125، میزان الحکمه: ج 4، ح 6530.
[1217] بحار: 78 / 25 / 46، همان، همان، 6531.
[1218] بحار: 73 / 392 / 3، میزان الحکمه: ج 4، ح 6554.

[1219] خصال: 119 / 107، میزان الحکمه: ج 4، ح 6560.
[1220] مکارم الاخلاق: 1 / 506 / 1752، میزان الحکمه: ج 4، ح 6571.
[1221] کافی: 2 / 143 / 7، میزان الحکمه: ج 4، ح 6581.
[1222] کافی: 2 / 288 / 3، میزان الحکمه: ج 4، ح 6593.
[1223] بحار: 2 / 117 / 17، میزان الحکمه: ج 4، ح 6605.
[1224] بحار: 79 / 9 / 9، میزان الحکمه: ج 4، ح 6606.
[1225] بحار: 79 / 8 / 8، میزان الحکمه: ج 4، ح 6611.
[1226] بحار: 78 / 209 / 86، میزان الحکمه: ج 4، ح 6614.
[1227] کافی: 2 / 268 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 6626.
[1228] بحار: 73 / 339 / 21، میزان الحکمه: ج 4، ح 6630.
[1229] کافی: 2 / 272 / 16، میزان الحکمه: ج 4، ح 6632.
[1230] کافی: 2 / 269 / 3، میزان الحکمه: ج 4، ح 6634.
[1231] بحار: 73 / 349 / 41، میزان الحکمه: ج 4، ح 6639.
[1232] امالی شیخ صدوق: 701 / 1498، میزان الحکمه: ج 4، ح 6642.
[1233] بحار: 73 / 374 / 11، میزان الحکمه: ج 4، ح 6646.
[1234] بحار: 73 / 361 / 87، میزان الحکمه: ج 4، ح 6658.
[1235] بحار: 81 / 177 / 18، میزان الحکمه: ج 4، ح 6661.
[1236] دعوات راوندی: 120 / 285، میزان الحکمه: ج 4، ح 6678.
[1237] امالی شیخ صدوق: 404 / 12، میزان الحکمه: ج 4، ح 6683.
[1238] بحار: 81 / 192 / 49، میزان الحکمه: ج 4، ح 6684.
[1239] بحار: 82 / 220 / 41، میزان الحکمه: ج 4، ح 6685.
[1240] بحار: 59 / 196 / 61، میزان الحکمه: ج 4، ح 6693.
[1241] امالی شیخ صدوق: 404 / 11، میزان الحکمه: ج 4، ح 6694.
[1242] کافی: 2 / 157 / 31، میزان الحکمه: ج 4، ح 6701.
[1243] بحار: 73 / 317 / 4، میزان الحکمه: ج 4، ح 6708.
[1244] کافی: 2 / 135 / 21، میزان الحکمه: ج 4، ح 6712.
[1245] کافی: 2 / 69 / 7، میزان الحکمه: ج 4، ح 6720.
[1246] کافی: 2 / 297 / 3، میزان الحکمه: ج 4، ح 6721.
[1247] کافی: 2 / 297 / 2 و ص 299 / 7، میزان الحکمه: ج 4، ح 6722 و 6723.
[1248] معانی الاخبار: 180 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 6724.
[1249] کافی: 2 / 298 / 5، میزان الحکمه: ج 4، ح 6725.
[1250] تحف العقول: 321، میزان الحکمه: ج 4، ح 6726.
[1251] بحار: 75 / 272 / 2، میزان الحکمه: ج 4، ح 6728.
[1252] خصال: 271 / 10، میزان الحکمه: ج 4، ح 6729.
[1253] مستدرک الوسایل: 12 / 173 / 13810، میزان الحکمه: ج 4، ح

6733.
[1254] المؤمن: 35 / 71، میزان الحکمه: ج 4، ح 6745.
[1255] کافی: 8 / 90 / 61، میزان الحکمه: ج 4، ح 6749.
[1256] کافی: 8 / 91 / 62، میزان الحکمه: ج 4، ح 6753.
[1257] کافی: 8 / 142 / 106، میزان الحکمه: ج 4، ح 6761.
[1258] الاختصاص: 241، میزان الحکمه: ج 4، ح 6763.
[1259] بحار: 82 / 283 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 6767.
[1260] کافی: 2 / 293 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 6782.
[1261] مستدرک الوسایل: 1 / 106 / 106، میزان الحکمه: ج 4، ح 6784.
[1262] کافی: 2 / 294 / 4، میزان الحکمه: ج 4، ح 6792.
[1263] تفسیر قمی: 2 / 47، میزان الحکمه: ج 4، ح 6795.
[1264] زهد، حسین بن سعید: 63 / 166، میزان الحکمه: ج 4، ح 6804.
[1265] خصال: 121 / 113، میزان الحکمه: ج 4، ح 6810.
[1266] بحار: 72 / 301 / 39 وسایل الشیعه: 1 / 55 / باب 15 و ص 56 باب 16، میزان الحکمه: ج 4، ح 6814.
[1267] عدة الداعی: 221، میزان الحکمه: ج 4، ح 6818.
[1268] فلاح السائل: 36، میزان الحکمه: ج 4، ح 6822.
[1269] دعائم الاسلام: 1 / 241، میزان الحکمه: ج 4، ح 6825.
[1270] بحار: 78 / 237 / 73، میزان الحکمه: ج 4، ح 6836.
[1271] بحار: 75 / 105 / 41، میزان الحکمه: ج 4، ح 6853.
[1272] بحار: 75 / 105 / 41، میزان الحکمه: ج 4، ح 6861.
[1273] امالی شیخ طوسی: 301 / 595، میزان الحکمه: ج 4، ح 6864.
[1274] خصال: 101 / 55، میزان الحکمه: ج 4، ح 6892.
[1275] تفسیر قمی: 1 / 93، میزان الحکمه: ج 4، ح 6894.
[1276] تفسیر عیاشی: 1 / 152 / 503، میزان الحکمه: ج 4، ح 6897.
[1277] امالی شیخ صدوق: 153 / 7، میزان الحکمه: ج 4، ح 6901.
[1278] نور الثقلین: 1 / 295 / 1177، میزان الحکمه: ج 4، ح 6903.
[1279] بحار: 103 / 117 / 13، میزان الحکمه: ج 4، ح 6904.
[1280] بحار: 78 / 201 / 32، میزان الحکمه: ج 4، ح 6909.
[1281] بحار: 103 / 119 / 24، میزان الحکمه: ج 4، ح 6911.
[1282] من لا یحضره الفقیه: 3 / 279 / 4005، میزان الحکمه: ج 4، ح 6918.
[1283] بحار: 53 / 102 / 125، میزان الحکمه: ج 4، ح 6924.
[1284] بحار: 53 / 113 / 17، میزان الحکمه: ج 4، ح 6925.
[1285] الغیبه شیخ طوسی: 459 / 470، میزان الحکمه: ج 4، ح 6927.

[1286] بحار: 53 / 90 / 94، میزان الحکمه: ج 4، ح 6928.
[1287] بحار: 53 / 77 / 85، میزان الحکمه: ج 4، ح 6931.
[1288] بحار: 53 / 39 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 6932.
[1289] بحار: 53 / 46 / 19، میزان الحکمه: ج 4، ح 6935.
[1290] بحار: 53 / 77 / 82، میزان الحکمه: ج 4، ح 6939.
[1291] بحار: 53 / 90 / 95، میزان الحکمه: ج 4، ح 6940.
[1292] تفسیر قمی: 2 / 76، میزان الحکمه: ج 4، ح 6942.
[1293] بحار: 53 / 40 / 5، میزان الحکمه: ج 4، ح 6933.
[1294] بحار: 74 / 98 / 40، میزان الحکمه: ج 4، ح 7036.
[1295] کافی: 2 / 150 / 1، میزان الحکمه: ج 4، ح 7037.
[1296] کافی: 2 / 344 / 3، میزان الحکمه: ج 4، ح 7041.
[1297] بحار: 74 / 96 / 28 و ص 99 / 45، میزان الحکمه: ج 4، ح 7057 و 7058.
[1298] بحار: 74 / 100 / 50، میزان الحکمه: ج 4، ح 7067.
[1299] بحار: 74 / 94 / 23، میزان الحکمه: ج 4، ح 7071.
[1300] کافی: 2 / 346 / 2، میزان الحکمه: ج 4، ح 7073.
[1301] کافی: 2 / 151 / 9، میزان الحکمه: ج 4، ح 7082.
[1302] میزان الحکمه: ج 3، ح 3269.
[1303] امالی شیخ طوسی: 694 / 1478، میزان الحکمه: ج 3، ح 3276.
[1304] ثواب الاعمال: 70 / 4، میزان الحکمه: ج 3، ح 3278.
[1305] ثواب الاعمال: 282 / 2، میزان الحکمه: ج 3، ح 3289.
[1306] تفسیر عیاشی: 2 / 305 / 127، وسایل الشیعه: 8 / 19 باب 7، میزان الحکمه: ج 3، ح 3290.
[1307] کافی: 4 / 338 / 3، میزان الحکمه: ج 3، ح 3297.
[1308] مصباح الشریعه: 142، میزان الحکمه: ج 3، ح 3298.
[1309] ثواب الاعمال: 74 / 16، میزان الحکمه: ج 3، ح 3303.
[1310] ثواب الاعمال: 74 / 17، میزان الحکمه: ج 3، ح 3305.
[1311] کافی: 4 / 263 / 45، همان، همان، 3306.
[1312] بحار: 7 / 302 / 56، میزان الحکمه: ج 3، ح 3307.
[1313] بحار: 7 / 302 / 57، همان، همان، ج 4، ح 3308.
[1314] کافی: 4 / 226 / 1، میزان الحکمه: ج 3، ح 3309.
[1315] کافی: 4 / 227 / 3، وسایل الشیعه: 9 / 336 / باب 14، میزان الحکمه: ج 3، ح 3310.
[1316] کمال الدین: 346 / 33، همان، همان، 3314.
[1317] بحار: 2 / 29 / 10، میزان الحکمه: ج 3، ح 3320.

[1318] کافی: 2 / 400 / 8، میزان الحکمه: ج 3، ح 3326.
[1319] کافی: 1 / 162 / 1، همان، همان، 3328.
[1320] تنبیه الخواطر: 2 / 170، همان، همان، 3331.
[1321] بحار: 2 / 150 / 24، میزان الحکمه: ج 3، ح 3339.
[1322] بحار: 2 / 145 / 8، میزان الحکمه: ج 3، ح 3344.
[1323] بحار: 2 / 145 / 9، همان، همان، 3345.
[1324] خصال: 542 / 18، میزان الحکمه: ج 3، ح 3349.
[1325] بحار: 2 / 161 / 14، همان، همان، 3357.
[1326] بحار: 2 / 161 / 18، میزان الحکمه: ج 3، ح 3380.
[1327] بحار: 2 / 164 / 24، میزان الحکمه: ج 3، ح 3382.
[1328] وسایل الشیعه: 1 / 60 / 4، میزان الحکمه: ج 2، ح 2210.
[1329] دعوات راوندی: 118 / 276، میزان الحکمه: ج 3، ح 3762.
[1330] تحف العقول: 358، همان، همان، 3767.
[1331] بحار: 77 / 116 / 11، میزان الحکمه: ج 3، ح 3775.
[1332] الاختصاص: 226، التمحیص: 59 / 124، میزان الحکمه: ج 3، ح 3782 و 3783.
[1333] بحار: 78 / 201 / 29، میزان الحکمه: ج 3، ح 3796.
[1334] دعوات راوندی: 120 / 284، همان، همان، 3798.
[1335] محاسن: 2 / 363 / 2264، میزان الحکمه: ج 3، ح 2 / 38.
[1336] دعوات راوندی: 120 / 284، میزان الحکمه: ج 3، ح 3804.
[1337] علل الشرایع: 93 / 2، میزان الحکمه، ج 3، ح 3809.
[1338] دعوات راوندی: 287 / 18، میزان الحکمه: ج 3، ح 3816.
[1339] بحار: 72 / 71 / 2، همان، همان، 3818.
[1340] بحار: 73 / 157 / 3، میزان الحکمه: ج 3، ح 3821.
[1341] امالی شیخ صدوق: 16 / 5، میزان الحکمه: ج 3، ح 3826.
[1342] کافی: 2 / 226 / 16 میزان الحکمه: ج 3، ح 3826.
[1343] امالی شیخ مفید: 329 / 1، میزان الحکمه: ج 3، ح 3839.
[1344] تحف العقول: 301، میزان الحکمه: ج 3، ح 3843.
[1345] بحار: 17 / 267 / 71، میزان الحکمه: ج 3، ح 3844.
[1346] امالی شیخ صدوق: 212 / 10، همان، همان 3856.
[1347] بحار: 7 / 265 / 23 میزان الحکمه: ج 3، ح 3860.
[1348] بحار: 7 / 272 / 39، همان، همان، 3862.
[1349] محاسن: 2 / 163 / 1446، میزان الحکمه: ج 3، ح 3864.
[1350] کافی: 2 / 134 / 20 میزان الحکمه: ج 3، ح 3867.
[1351] بحار: 7 / 267 / 30، همان، همان، 3868.
[1352] بحار: 74 / 102 / 54، میزان الحکمه: ج 3، ح 3869.

[1353] کافی: 2 / 190 / 8، همان، همان، 3881.
[1354] بحار: 7 / 266 / 26، میزان الحکمه: ج 3، ح 3877.
[1355] کافی: 2 / 264 / 19، میزان الحکمه: ج 3، ح 3886.
[1356] نور الثقلین: 4 / 481 / 28، همان، همان، 3890.
[1357] خصال: 80 / 1، میزان الحکمه: ج 3، ح 3894.
[1358] بحار: 73 / 255 / 23، میزان الحکمه، ج 3، ح 3918.
[1359] خصال: 269 / 5، همان، همان، 3922.
[1360] بحار: 73 / 255 / 25، میزان الحکمه: ج 3، ح 3925.
[1361] خصال: 271 / 10، میزان الحکمه: ج 3، ح 2931.
[1362] بحار: 73 / 252 / 12، همان، همان، 3932.
[1363] خصال: 434 / 20 همان همان 3933.
[1364] کافی: 2 / 307 / 5، میزان الحکمه: ج 3، ح 3939.
[1365] کافی: 2 / 327 / 2، میزان الحکمه: ج 3، ح 3942.
[1366] کافی: 8 / 8 / 1، همان، همان، 3943.
[1367] خصال: 121 / 113، میزان الحکمه: ج 3، ح 3954.
[1368] کافی: 2 / 307 / 7، همان، همان، 3958.
[1369] بحار: 72 / 232 / 2، میزان الحکمه: ج 3، ح 4086.
[1370] بحار: 5 / 305 / 24، میزان الحکمه: ج 3، ح 4093.
[1371] خصال: 53 / 70، میزان الحکمه: ج 3، ح 4112.
[1372] بحار: 74 / 223 / 8 میزان الحکمه: ج 3، ح 4113.
[1373] کافی: 8 / 13 / 1، میزان الحکمه: ج 3، ح 4123.
[1374] امالی شیخ مفید: 137 / 6، میزان الحکمه: ج 3، ح 4132.
[1375] بحار: 74 / 287 / 13، میزان الحکمه: ج 3، ح 4153.
[1376] المحاسن: 1 / 238 / 436 میزان الحکمه: ج 3، ح 4156.
[1377] کافی: 2 / 170 / 4، همان، همان، 4157.
[1378] خصال شیخ صدوق: 351 / 27، میزان الحکمه: ج 3، ح 4158.
[1379] کافی: 2 / 70 / 5، میزان الحکمه: ج 3، ح 4164.
[1380] کافی: 7 / 434 / 1، وسایل الشیعه: 16 / 115 باب 1، میزان الحکمه: ج 3، ح 4270.
[1381] ثواب الاعمال: 269 / 1، همان، همان، 4271.
[1382] ثواب الاعمال: 261 / 2، میزان الحکمه: ج 3، ح 4272.
[1383] بحار: 104 / 211 / 27، همان، همان، 4273.
[1384] خصال: 607 / 9، میزان الحکمه: ج 3، ح 4279.
[1385] کافی: 7 / 439 / 2، میزان الحکمه: ج 3، ح 4282.
[1386] کافی: 7 / 443 / 1، همان، همان، 4287.
[1387] کافی: 7 / 437 / 2 امالی شیخ صدوق: 342 / 12، میزان

الحکمه: ج 3، ح 4289.
[1388] خصال: 571 / 2، میزان الحکمه: ج 3، ح 4311.
[1389] غررالحکم: 7655، همان، همان، 4322.
[1390] غررالحکم: 6654، همان، همان، 4323.
[1391] غررالحکم: 9322، همان، همان، 4324.
[1392] بحار: 78 / 269 / 109، میزان الحکمه: ج 3، ح 4336.
[1393] امالی شیخ صدوق: 491 / 9، میزان الحکمه: ج 3، ح 4355.
[1394] کافی: 2 / 231 / 4، همان، همان، 4361.
[1395] بحار: 78 / 211 / 93، میزان الحکمه: ج 3، ح 4550.
[1396] امالی شیخ طوسی: 301 / 597، همان، همان، 4555.
[1397] بحار: 79 / 113 / 14، میزان الحکمه: ج 3، ح 4564.
[1398] کافی: 2 / 106 / 5 همان، همان، 4570.
[1399] کافی: 2 / 106 / 3، میزان الحکمه: ج 3، ح 4572.
[1400] بحار: 78 / 242 / 34، همان، همان، 4578.
[1401] بحار: 78 / 206 / 62، میزان الحکمه: ج 3، ح 4587.
[1402] مشکاة الانوار: 184، همان، همان، 4604.
[1403] تحف العقول: 100، میزان الحکمه: ج 3، ح 4749.
[1404] کافی: 2 / 16 / 4، میزان الحکمه: ج 3، ح 7457.
[1405] بحار: 8 / 359 / 24، میزان الحکمه: ج 3، ح 4778.
[1406] کافی: 2 / 16 / 4، میزان الحکمه: ج 3، ح 4785.
[1407] بحار: 70 / 248 / 21، میزان الحکمه: ج 3، ح 4807.
[1408] بحار: 101 / 123 / 18، همان، ج 6169، 4.
[1409] وسایل الشیعه: 10 / 464 / 1، ثواب الاعمال: 110 / 3، همان ج 7، ح 13019 و 13020.
[1410] کافی: 2 / 194 / 9، میزان الحکمه: ج 3، ح 4456.
[1411] کافی: 2 / 195 / 10، میزان الحکمه: ج 3، ح 4457.
[1412] تحف العقول: 303، میزان الحکمه: ج 3، ح 4459.
[1413] کافی: 2 / 199 / 11، همان، همان، 4460.
[1414] کافی: 2 / 193 / 1، همان، همان 4462.
[1415] کافی: 2 / 194 / 7، میزان الحکمه: ج 3، ح 4465.
[1416] امالی شیخ صدوق: 399 / 11، میزان الحکمه: ج 3، ح 4466.
[1417] کافی: 2 / 193 / 4، میزان الحکمه: ج 3، ح 4467.
[1418] امالی شیخ صدوق: 99 / 152، میزان الحکمه: ج 3، ح 2370.
[1419] بحار: 74 / 287 / 13، همان، همان، 4472.
[1420] بحار: 74 / 311 / 67، میزان الحکمه: ج 3، ح 4474.
[1421] تنبیه الخواطر: 2 / 80 همان، همان، 4475.

[1422] ثواب الاعمال: 341 / 1، میزان الحکمه: ج 3، ح 4478.
[1423] الاختصاص: 31، همان، همان، 4480.
[1424] کافی: 2 / 364 / 1، میزان الحکمه: ج 3، ح 4481.
[1425] کافی: 2 / 205 / 5، همان، همان، 4483.
[1426] کافی: 2 / 204 / 1 میزان الحکمه: ج 3، ح 4485.
[1427] کافی: 2 / 197 / 6، میزان الحکمه: ج 3، ح 4450.
[1428] بحار: 74 / 316 / 72، همان، همان، 4451.
[1429] امالی شیخ طوسی: 97 / 147، میزان الحکمه: ج 3، ح 4453.
[1430] کافی: 2 / 199 / 10، همان، همان، 4454.
[1431] کافی: 2 / 165 / 11، همان همان، 4455.
[1432] عیون الاخبار الرضا علیه‌السلام: 2 / 179 / 1، میزان الحکمه: ج 3، ح 4486.
[1433] تحف العقول: 365، میزان الحکمه: ج 3، ح 4489.
[1434] کافی: 2 / 323 / 4، میزان الحکمه: ج 2، ح 1786.
[1435] بحار: 76 / 180 / 10، میزان الحکمه ج 2، ح 1791.
[1436] خصال: 89 / 25، میزان الحکمه: ج 2، ح 1792.
[1437] کافی: 2 / 290 / 4، میزان الحکمه: ج 2، ح 1795.
[1438] تحف العقول: 316، میزان الحکمه: ج 2، ح 1797.
[1439] التوحید: 354 / 3، میزان الحکمه: ج 2، ح 1887.
[1440] بحار: 81 / 209 / 25، همان، همان، 1888.
[1441] کافی: 2 / 252 / 1، همان، همان، 1889.
[1442] بحار: 68 / 221 / 11، میزان الحکمه: ج 2، ح 1900.
[1443] بحار: 67 / 312 / 18، میزان الحکمه: ج 2، ح 1901.
[1444] امالی شیخ مفید: 40 / 7، میزان الحکمه: ج 2، ح 1906.
[1445] نورالثقلین: 5 / 547 / 30، همان، همان، 1907.
[1446] بحار: 97 / 221 / 27، میزان الحکمه: ج 2، ح 1909.
[1447] کافی: 2 / 257 / 24، میزان الحکمه: ج 2، ح 1918.
[1448] نورالثقلین: 4 / 599 / 31، میزان الحکمه: ج 2، ح 1920.
[1449] کافی: 2 / 260 / 2، میزان الحکمه: ج 2، ح 1925.
[1450] مسکن الفؤاد: 58، میزان الحکمه: ج 2، ح 1928.
[1451] بحار: 67 / 231 / 47، میزان الحکمه: ج 2، ح 1929.
[1452] بحار: 78 / 200 / 27، میزان الحکمه: ج 2، ح 1930.
[1453] بحار: 67 / 207 / 8، میزان الحکمه: ج 2، ح 1934.
[1454] بحار: 67 / 211 / 14، میزان الحکمه: ج 2، ح 1936.
[1455] بحار: 67 / 229 / 41، میزان الحکمه: ج 2، ح 1937.
[1456] بحار: 67 / 237 / 54، همان، همان، 1938.

[1457] بحار: 82 / 148 / 32، میزان الحکمه: ج 2، ح 1948.
[1458] بحار: 67 / 210 / 13، میزان الحکمه: ج 2، ح 1950.
[1459] امالی شیخ مفید: 39 / 6، همان، همان، 1957.
[1460] بحار: 81 / 180 / 26، میزان الحکمه: ج 2، ح 1962.
[1461] بحار: 67 / 212 / 16، میزان الحکمه: ج 2، ح 1965.
[1462] کافی: 2 / 257 / 23، همان، همان، 1966.
[1463] بحار: 81 / 173 / 9، میزان الحکمه: ج 2، ح 1369.
[1464] بحار: 72 / 331 / 14، میزان الحکمه: ج 2، ح 1917.
[1465] خصال: 8 / 27، میزان الحکمه: ج 2، ح 1973.
[1466] تحف العقول: 318، میزان الحکمه: ج 2، ح 1978.
[1467] تحفل العقول: 322، میزان الحکمه: ج 2، ح 1979.
[1468] تحف العقول: 357، میزان الحکمه: ج 2، ح 1983.
[1469] بحار: 71 / 34 / 17، همان، همان، 1989.
[1470] کافی: 5 / 148 / 2، میزان الحکمه: ج 2، ح 1022.
[1471] کافی: 5 / 148 / 1، همان، همان، 2026.
[1472] کافی: 5 / 148 / 6، میزان الحکمه: ج 2، ح 2028.
[1473] وسایل الشیعه: 12 / 8 / 10، همان، همان، 2030.
[1474] کافی: 5 / 305 / 5، میزان الحکمه: ج 2، ح 2033.
[1475] وسایل الشعیه: 12 / 283 / 4، میزان الحکمه: ج 2، ح 2035.
[1476] کنز العمال: 9657، میزان الحکمه: ج 2، ح 2042.
[1477] وسایل الشیعه: 12 / 286 باب 3، کنز العمال: 4 / 90، خصال: 224 / 55 میزان الحکمه: ج 2، ح 2044.
[1478] کافی: 5 / 152 / 8، میزان الحکمه: ج 2، ح 2047.
[1479] کافی: 5 / 159 / 1، سنن ابی‌داود: 3336، همان، همان، 2084 و 2085.
[1480] وسایل الشیعه: 12 / 323 باب 34، کافی: 5 / 167 / 3، همان، همان، 2052.
[1481] کافی: 7 / 154 / 22، میزان الحکمه: ج 2، ح 2066.
[1482] وسایل الشیعه: 12 / 293 باب 10 و 12 / 294 / 5، بحار: 103 / 100 باب 937، همان، همان، 2067.
[1483] بحار: 103 / 98 / 32، میزان الحکمه: ج 2، ح 2075.
[1484] مستدرک الوسایل: 13 / 10 / 1478، میزان الحکمه: ج 3، ح 3652.
[1485] بحار 103 / 140 / 21، وسایل الشیعه: 13 / 76 باب 1، میزان الحکمه: ج 4.
[1486] کافی: 5 / 93 / 2 وسایل الشیعه: 13 / 79 باب 2، همان، ج

6328، 4.
[1487] بحار: 103 / 87 / 3، میزان الحکمه: ج 3، ح 4179.
[1488] بحار: 103 / 103 / 55، همان، همان، ج 6، ح 9216.
[1489] بحار: 60 / 213 / 22، میزان الحکمه: ج 2، ح 2229.
[1490] بحار: 6 / 213 / 23، میزان الحکمه: ج 2، ح 2230.
[1491] بحار: 60 / 216 / 38، همان، همان، 2232.
[1492] نورالثقلین: 3 / 138 / 77، میزان الحکمه: ج 2، ح 2234.
[1493] الغیبه شیخ طوسی: 471 / 489، میزان الحکمه: ج 1، ح 1159.
[1494] بحار: 52 / 29 / 24، میزان الحکمه: ج 1، ح 1204.
[1495] مکارم الاخلاق: 1 / 66 / 71، میزان الحکمه: ج 2، ح 2364.
[1496] کافی: 2 / 377 / 8، همان، همان، 2373.
[1497] کافی: 2 / 374 / 1، میزان الحکمه: ج 2، ح 2379.
[1498] کافی: 2 / 378 / 10، همان، همان، 2380.
[1499] بحار: 75 / 468 / 20، میزان الحکمه: ج 2، ح 2392.
[1500] قرب الاسناد: 36 / 117، همان، همان، 2395.
[1501] کافی: 2 / 504 / 4، میزان الحکمه: ج 2، ح 2400.
[1502] التوحید: 12 / 13، میزان الحکمه: ج 2، ح 2533.
[1503] کافی: 2 / 103 / 2، میزان الحکمه: ج 2، ح 2554.
[1504] کافی: 2 / 144 / 2، همان، همان، 2576.
[1505] التوحید: 19 / 4، میزان الحکمه: ج 2، ح 2581.
[1506] خصال: 151 / 185، میزان الحکمه: ج 2، ح 2592.
[1507] بحار: 69 / 251 / 30 و 8 / 140 / 57 و ص 126 / 27، همان، همان، 2615.
[1508] کافی: 2 / 83 / 2، میزان الحکمه: ج 2، ح 2617.
[1509] بحار: 71 / 383 / 18، همان، همان، 2618.
[1510] بحار: 8 / 120 / 11، میزان الحکمه: ج 2، ح 2620.
[1511] نورالثقلین: 5 / 484 / 57، میزان الحکمه: ج 2، ح 2629.
[1512] بحار: 8 / 127 / 27 و 8 / 181 / 195 / 184، میزان الحکمه: ج 2، ح 2631.
[1513] وسایل الشیعه: 11 / 197 / 22 بحار: 71 / 270 / 9، همان، همان، 2649.
[1514] بحار: 8 / 335 / 2، میزان الحکمه: ج 2، ح 2653.
[1515] وسایل الشیعه: 11 / 35 / 9، میزان الحکمه: ج 2، ح 2678.
[1516] تحف العقول: 304، همان، همان، 2752.
[1517] کافی: 8 / 7 / 1 میزان الحکمه: ج 2، ح 2771.
[1518] کافی: 8 / 7 / 11، همان، همان، 2772.

[1519] بحار: 2878 / 1، میزان الحکمه: ج 2، ح 2895.
[1520] بحار: 8 / 280 / 1، همان، همان، 2896.
[1521] بحار: 8 / 280 / 1، میزان الحکمه: ج 2، ح 2900.
[1522] خصال: 159 / 204، همان، همان، 2908.
[1523] بحار: 8 / 295 / 44، میزان الحکمه: ج 2، ح 2913.
[1524] کافی: 2 / 310 / 10، ثواب الاعمال: 265 / 7، میزان الحکمه: ج 2، ح 2920.
[1525] التوحید: 20 / 6، همان، همان، 2927.
[1526] التوحید: 20 / 7، همان، همان، 2928.
[1527] کافی: 2 / 85 / 5، همان، همان، 2943.
[1528] بحار: 8 / 287 / 19، میزان الحکمه: ج 2، ح 2948.
[1529] الزهد حسین بن سعید: 43 / 115، میزان الحکمه: ج 2، ح 2999.
[1530] کافی: 2 / 667 / 8، میزان الحکمه: ج 2، ح 3000.
[1531] امالی شیخ صدوق: 294 / 10، میزان الحکمه: ج 2، ح 2998.
[1532] وسایل الشیعه: 8 / 487 / 1 و 86، بحار: 74 / 152، همان، همان، 3018.
[1533] تحف العقول: 316، میزان الحکمه: ج 2، ح 3045.
[1534] وسایل الشیعه: 11 / 471 / 4، میزان الحکمه: ج 2، ح 30535.
[1535] بحار: 70 / 22 / 22، میزان الحکمه: ج 2، ح 3075.
[1536] بحار: 70 / 25 / 25، میزان الحکمه: ج 2، ح 3081.
[1537] اقبال لاهوری: 1 / 135، میزان الحکمه: ج 2، ح 3082.
[1538] جامع الاخبار: 518 / 1468، همان، همان، 3089.
[1539] اقبال الاعمال: 1 / 129، میزان الحکمه: ج 2، ح 3090.
[1540] کافی: 2 / 125 / 5، همان، همان، 3096.
[1541] خصال: 21 / 74، همان، همان، 3097.
[1542] کنز العمال: 5826، مشکاة الانوار: 309، میزان الحکمه: ج 2، ح 3101.
[1543] مستدرک الوسایل: 12 / 173 / 13810، همان، همان 3106.
[1544] کافی: 2 / 130 / 10، همان، همان، 3107.
[1545] تحف العقول: 376، میزان الحکمه: ج 2، ح 3113.
[1546] امالی شیخ صدوق: 243 / 8، همان، همان، 3116.
[1547] کافی: 2 / 299 / 10، میزان الحکمه: ج 2، ح 3122.
[1548] کافی: 2 / 192 / 16، همان، همان، 3127.
[1549] کافی: 2 / 192 / 16، همان، همان، 3127.
[1550] کامل الزیارات: 146، میزان الحکمه: ج 2، ح 3130.
[1551] کافی: 8 / 14 / 1، همان، همان، 3135.

[1552] اعلام الدین: 378، میزان الحکمه: ج 2، ح 3136.
[1553] بحار: 71 / 156 / 74، کنزالعمال: 1882، همان، همان، ج 2، ح 3148.
[1554] امالی شیخ صدوق: 292 / 1، میزان الحکمه: ج 2، ح 3152.
[1555] مصابح الشریعه: 521، میزان الحکمه: ج 2، ح 3154.
[1556] بحار: 70 / 25 / 26، همان، همان، 3159.
[1557] کافی: 8 / 129 / 98، میزان الحکمه: ج 2، ح 3165.
[1558] المحاسن: 1 / 413 / 943، میزان الحکمه: ج 2، ح 3178.
[1559] کافی: 2 / 127 / 16، همان، همان، 3191.
[1560] خصال: 3 / 4، همان، همان، 3192.
[1561] بحار: 61 / 132 / 3، میزان الحکمه: ج 2، ح 3214.
[1562] تحف العقول: 325، میزان الحکمه: ج 2، ح 3219.
[1563] بحار: 4 / 54 / 43، میزان الحکمه: ج 3، ح 4954.
[1564] التوحید: 289 / 8، میزان الحکمه: ج 3، ح 4977.
[1565] کافی:6 / 539 / 11، میزان الحکمه: ج 3، ح 4982.
[1566] بحار: 3 / 152، میزان الحکمه: ج 3، ح 4984.
[1567] معانی الاخبار: 29 / 1، میزان الحکمه: ج 3، ح 4886.
[1568] بحار: 58 / 28 / 46، میزان الحکمه: ج 3، ح 4887.
[1569] تحف العقول: 377، میزان الحکمه: ج 3، ح 4923.
[1570] کافی: 2 / 284 / 18، میزان الحکمه: ج 2، ح 2134.
[1571] کافی: 1 / 47 / 3، میزان الحکمه: ج 2، ح 2139.
[1572] نورالثقلین: 1 / 457 / 128، همان، همان، 2140.
[1573] بحار: 5 / 59 / 109، میزان الحکمه: ج 2، ح 2241.
[1574] بحار: 5 / 60 / 112، میزان الحکمه: ج 2، ح 2251.
[1575] بحار: 67 / 351 / 54، میزان الحکمه: ج 1، ح 26.
[1576] خصال: 97 / 42، همان، همان، 27.
[1577] خصال: 97 / 42، همان، همان، 327.
[1578] نورالثقلین: 5 / 470 / 20 و 19، 469 / 18 و ص 471 / 21، میزان الحکمه: ج 1، ح 33.
[1579] کافی: 2 / 166 / 3، میزان الحکمه: ج 1، ح 148.
[1580] کافی: 2 / 166 / 4، همان، همان، 149.
[1581] بحار: 74 / 234 / 30، همان، همان، 150.
[1582] تحف العقول: 319، میزان الحکمه: ج 1، ح 156.
[1583] تحف العقول: 368، همان، همان، 157.
[1584] الاختصاص: 239، میزان الحکمه: ج 1، ح 167.
[1585] تحف العقول: 370، همان، همان، 169.

[1586] تحف العقول: 322، میزان الحکمه: ج 1، ح 172.
[1587] خصال: 334 / 35، همان، همان، 175.
[1588] بحار: 74 / 181 / 2، میزان الحکمه: ج 1، ح 202.
[1589] بحار: 74 / 182 / 6، همان، همان، 207.
[1590] بحار: 74 / 236 / 35، میزان الحکمه: ج 1، ح 213.
[1591] بحار: 74 / 164 / 31، همان، همان، 214.
[1592] المحاسن: 1 / 415 / 950، همان، همان، 215.
[1593] تحف العقول: 323، میزان الحکمه: ج 1، ح 220.
[1594] تحف العقول: 324، همان، همان، 221.
[1595] تحف العقول: 368، میزان الحکمه: ج 1، ح 228.
[1596] بحار: 74 / 282 / 3، همان، همان، 230.
[1597] اعلام الدین: 304، میزان الحکمه: ج 1، ح 245.
[1598] تحف العقول: 369، همان، همان، 246.
[1599] کافی: 2 / 672 / 7، میزان الحکمه: ج 1، ح 286.
[1600] بحار: 75 / 65 / 2، همان، همان، 291.
[1601] بحار: 74 / 298 / 32، همان، همان، 294.
[1602] کافی: 2 / 206 / 2، میزان الحکمه: ج 1، ح 295.
[1603] بحار: 74 / 302 / 41، همان، همان، 296.
[1604] بحار: 74 / 227 / 21، میزان الحکمه: ج 1، ح 298.
[1605] بحار: 74 / 287 / 13، همان، همان، 399.
[1606] بحار: 74 / 322 / 89، میزان الحکمه: ج 1، ح 303.
[1607] بحار: 74 / 399 / 38، همان، همان، 307.
[1608] بحار: 72 / 198 / 25، میزان الحکمه: ج 1، ح 312.
[1609] تحف العقول: 376 میزان الحکمه: ج 1، ح 387.
[1610] کافی: 8 / 150 / 132 همان، همان، 389.
[1611] مستدرک الوسایل: 12 / 201 / 1388 همان، همان، 398.
[1612] بحار: 103 / 162 / 6 میزان الحکمه: ج 1، ح 404.
[1613] مستدرک الوسایل: 12 / 201 / 13882، همان، همان، 399.
[1614] مکارم الاخلاق: 1 / 478 / 1648 بحار: 104 / 95 / 40، میزان الحکمه: ج 1، ح 406 و 407.
[1615] بحار: 17 / 8 / 11، همان، همان، 224.
[1616] ثواب الاعمال: 266 / 1، میزان الحکمه: ج 1، ح 438.
[1617] کافی: 5 / 313 / 40، میزان الحکمه: ج 1، ح 493.
[1618] بحار: 2 / 274 / 19، همان، همان، 494.
[1619] کافی: 3 / 413 / 7، همان، همان، 500.
[1620] میزان الحکمه: ج 1، ح 500.

[1621] کافی: 1 / 164 / 3، همان، همان، 501.
[1622] کافی: 1 / 164 / 4، همان، همان، 502.
[1623] وسایل الشیعه: 18 / 213 / 1، کافی: 7 / 431 / 15، میزان الحکمه: ج 2، ح 2360.
[1624] مستدرک الوسایل: 12 / 94 / 13615، میزان الحکمه: ج 1، ح 588.
[1625] وسایل الشیعه: 16 / 405 / باب 1، و16 / 407 / 8، همان، همان، 601.
[1626] المحجة البیضاء: 3 / 6 وسایل الشیعه: 16 / 470 / باب 49، همان، همان، 638.
[1627] وسایل الشیعه: 16 / 518 / 1، میزان الحکمه: ج 1، ح 645.
[1628] وسایل الشیعه: 16 / 510 / 1، همان، همان، 648.
[1629] تحف العقول: 375، میزان الحکمه: ج 1، ح 1256.
[1630] کافی: 2 / 26 / 3، همان، همان، 1257.
[1631] بحار: 68 / 225 باب 24، کنز العمال: 1 / 23، همان، همان، 1258.
[1632] بحار: 70 / 106 / 2، میزان الحکمه: ج 1، ح 1273.
[1633] معانی الاخبار: 187 / 5، میزان الحکمه: ج 1، ح 1276.
[1634] بحار: 78 / 217 / 93، همان، همان، 1284.
[1635] بحار: 78 / 253 / 112، میزان الحکمه: ج 1، ح 1285.
[1636] المؤمن: 39 / 90، همان، همان، 1287.
[1637] معانی الاخبار: 187 / 5، میزان الحکمه: ج 1، ح 1276.
[1638] بحار: 69 / 19 / 2، همان، همان، 1292.
[1639] امالی شیخ مفید: 22 / 3، میزان الحکمه: ج 1، ح 1301.
[1640] بحار: 78 / 239 / 78، همان، همان، 1324.
[1641] بحار: 69 / 19 / 2، همان، همان، 1292.
[1642] کافی: 2 / 45 / 2، همان، همان، 1339.
[1643] کافی: 2 / 42 / 1 بحار: 69 / 154، باب 32 همان، همان، 1341.
[1644] امالی شیخ مفید: 151 / 1، میزان الحکمه: ج 1، ح 1354.
[1645] قرب الاسناد: 382 / 1345، همان، همان، 1357.
[1646] خصال: 9 / 29، همان، همان، 1359.
[1647] کافی: 2 / 420 / 1، میزان الحکمه: ج 1، ح 1360.
[1648] کافی: 2 / 38 / 6، همان، همان، 1363.
[1649] کافی: 2 / 419 / 5 بحار: 69 / 212 / باب 34، میزان الحکمه: ج 1، ح 1364.
[1650] کافی: 2 / 128 / 2، میزان الحکمه: ج 1، ح 1375.

[1651] تحف العقول: 330، همان، همان، 1379.
[1652] معانی الاخبار: 394 / 48، میزان الحکمه: ج 1، ح 1380.
[1653] معانی الاخبار: 393 / 43، همان، همان، 1382.
[1654] بحار: 72 / 220 / 6، میزان الحکمه: ج 1، ح 1383.
[1655] بحار: 103 / 86 / 16، میزان الحکمه: ج 1، ح 1390.
[1656] تحف العقول: 377، همان، همان، 1391.
[1657] بحار: 78 / 196 / 16، همان، همان، 1393.
[1658] بحار: 78 / 196 / 16، میزان الحکمه: ج 1، ح 1394.
[1659] خصال: 72 / 109 بحار: 2 / 301 / 302، میزان الحکمه: ج 1، ح 1384.
[1660] خصال: 27 / 95، میزان الحکمه: ج 1، ح 1395.
[1661] بحار:67 / 65 / 13، همان، همان، 1400.
[1662] کافی: 2 / 241 / 38، میزان الحکمه: ج 1، ح 1410.
[1663] بحار: 75 / 152 / 22، میزان الحکمه: ج 1، ح 1401.
[1664] بحار: 74 / 247 / 17، همان، همان، 1404.
[1665] کافی: 2 / 231 / 4، میزان الحکمه: ج 1، ح 1421.
[1666] کافی: 2 / 235 / 17، همان، همان، 1422.
[1667] کافی: 2 / 235 / 18، همان، همان، 1423.
[1668] بحار: 67 / 310 / 44، میزان الحکمه: ج 1، ح 1447.
[1669] بحار: 67 / 303 / 34، میزان الحکمه: ج 1، ح 1463.
[1670] بحار: 69 / 285 / 20، میزان الحکمه: ج 1، ح 1465.
[1671] بحار: 67 / 305 / 36، میزان الحکمه: ج 1، ح 1466.
[1672] بحار: 67 / 71 / 33، میزان الحکمه: ج 1، ح 1467.
[1673] کافی: 2 / 242 / 1، همان، همان، 1468.
[1674] کافی: 2 / 126 / 9، میزان الحکمه: ج 1، ح 1474.
[1675] بحار: 72 / 336 / 24، همان، همان، 1475.
[1676] بحار: 70 / 111 / 14، میزان الحکمه: ج 1، ح 1445.
[1677] غررالحکم: 9945، میزان الحکمه: ج 3، ح 4695.
[1678] کافی: 2 / 399 / 4، همان ج 9657، 6.
[1679] بحار: 72 / 128 / 14، همان ج 9652، 6.
[1680] کافی: 2 / 167 / 9، میزان الحکمه: ج 3، ح 4632.
[1681] امالی شیخ طوسی: 699 / 492، میزان الحکمه: ج 6، ح 9923.
[1682] کافی: 2 / 148 / 1، خصال: 6 / 18، همان ج 6، ح 9287 و 9288.
[1683] کافی: 2 / 351 / 5، میزان الحکمه: ج 3، ح 4077.
[1684] التمحیص: 50 / 89، میزان الحکمه: ج 3، ح 4079.

[1685] بحار: 75 / 211 / 7، میزان الحکمه: ج 3، ح 4066.
[1686] تحف العقول: 45، همان، همان، 4067.
[1687] تنبیه الخواطر: 1 / 12، میزان الحکمه: ج 1، ح 1491.
[1688] کافی: 2 / 104 / 5، همان، همان، 1492.
[1689] امالی شیخ صدوق: 204 / 5، همان، همان، 1494.
[1690] امالی شیخ صدوق: همان، همان، 1496.
[1691] کافی ک 2 / 104 / 1، میزان الحکمه: ج 1، ح 1499.
[1692] تنبیه الخواطر: 1 / 12، وسایل الشیعه: 13 / 221 / باب 2، همان، همان، 1501.
[1693] کافی: 5 / 298 / 1، میزان الحکمه: ج 1، ح 1514.
[1694] بحار: 18 / 404 / 108، میزان الحکمه: ج 1، ح 1549.
[1695] بحار: 60 / 299 / 5، همان، همان، 1553.
[1696] علل الشرایع: 14 / 11، میزان الحکمه: ج 1، ح 1560.
[1697] تفسیر قمی: 2 / 331، همان، همان، 1561.
[1698] نورالثقلین: 2 / 404 / 250، میزان الحکمه: ج 1، ح 1562.
[1699] بحار: 5 / 313 / 2، میزان الحکمه: ج 1، ح 1564.
[1700] علل الشرایع: 11 / 5، میزان الحکمه: ج 1، ح 1566.
[1701] بحار: 78 / 190 / 1، میزان الحکمه: ج 1، ح 1589.
[1702] بحار: 78 / 229 / 5، همان، همان، 1590.
[1703] بحار: 73 / 300 / 3، همان، همان، 1599.
[1704] امالی شیخ صدوق: 316 / 8، میزان الحکمه: ج 1، ح 1600.
[1705] بحار: 73 / 307 / 35، همان، همان، 1601.
[1706] بحار: 73 / 304 / 18، همان، همان، 1602.
[1707] بحار: 73 / 305 / 22، میزان الحکمه: ج 1، ح 1606.
[1708] در متن حدیث اوساق آمده است که جمع وسق و هر وسق شصت صالح یا یک بار شتر است.
[1709] وسایل الشیعه: 6 / 318 / 1، همان، همان، 1618.
[1710] بحار: 73 / 305 / 25 همان ج 6، ح 9183.
[1711] تحف العقول: 372، 371، همان ج 6، ح 9185.
[1712] کافی: 2 / 158 / 3، میزان الحکمه: ج 1، ح 1670.
[1713] مستدرک الوسایل: 12 / 421 / باب 32، تحف العقول: 359، همان، همان، 1672.
[1714] کافی: 2 / 175 / 2، میزان الحکمه: ج 1، ح 1679.
[1715] کافی: 2 / 175 / 3، همان، همان، 1678.
[1716] کافی: 2 / 175 / 1، میزان الحکمه: ج 1، ح 1679.
[1717] عیون الاخبار الرضا علیه‌السلام: 2 / 4 / 8، میزان الحکمه: ج 3، ح

4221.
[1718] کافی: 2 / 97 / 19، میزان الحکمه: ج 3، ح 4381.
[1719] تفسیر قمی: 2 / 146، میزان الحکمه: ج 1، ح 452.
[1720] کافی: 2 / 350 / 1، همان، همان، 456.
[1721] خصال: 17 / 60، میزان الحکمه: ج 1، ح 462.
[1722] تحف العقول: 373، میزان الحکمه: ج 1، ح 653.
[1723] امالی شیخ صدوق: 411 / 924 میزان الحکمه: ج 1، ح 7499.
[1724] تحف العقول: 370 میزان الحکمه: ج 1، ح 7524.
[1725] بحار: 1 / 226 / 17، میزان الحکمه: ج 1، ح 7537.
[1726] نورالثقلین: 3 / 553 / 122، میزان الحکمه: ج 1، ح 1683.
[1727] نورالثقلین: 3 / 554 / 124، همان، همان، 1684.
[1728] بحار: 6 / 268 / 119، همان، همان، 1686.
[1729] بحار: 6 / 269 / 124، میزان الحکمه: ج 1، ح 1687.
[1730] المحاسن: 1 / 285 / 561، میزان الحکمه: ج 1، ح 1688.
[1731] المحاسن: 1 / 285 / 562، همان، همان، 1689.
[1732] مؤمن: 46، 45، میزان الحکمه: ج 1، ح 1692.
[1733] المحاسن: 1 / 285 / 562، همان، همان، 1693.
[1734] بحار: 6 / 270 / 127، همان، همان، 1694.
[1735] وسایل الشیعه: 11 / 304 / 7، میزان الحکمه: ج 2، ح 2264.
[1736] خصال: 434 / 20، همان، ج 6، ح 1990.
[1737] کافی: 1 / 68 / 10، همان، همان، ج 6، ح 9126.
[1738] وسایل الشیعه: 6 / 325 / 2، میزان الحکمه: ج 2، ح 3033.
[1739] کافی: 2 / 315 / 2، همان، همان، 3035.
[1740] خصال: 434 / 20، میزان الحکمه: ج 2، ح 2303.
[1741] بحار: 78 / 202 / 35 همان ج 4، ح 5177.
[1742] بحار: 175 / 371 / 15 همان ج 6، ح 8736.
[1743] بحار: 1 / 215 / 25، میزان الحکمه: ج 3، ح 4225.
[1744] کافی: 2 / 125 / 1، میزان الحکمه: ج 3، ح 4243.
[1745] غررالحکم: 6991، همان، همان، 4262.
[1746] ثواب الاعمال: 1 / 29 / 1، میزان الحکمه: ج 3، ح 4624.
[1747] تحف العقول: 312، میزان الحکمه: ج 2، ح 1853.
[1748] تحف العقول: 359، میزان الحکمه: ج 1، ح 1854.
[1749] تحف العقول: 317، همان، همان، 1856.
[1750] تحف العقول: 321، میزان الحکمه: ج 2، ح 1849.
[1751] امالی شیخ صدوق: 222 / 1، میزان الحکمه: ج 3، ح 4411.
[1752] الاختصاص: 221، میزان الحکمه: ج 3، ح 4393 و 4418.

[1753] بحار: 70 / 379 / 26، میزان الحکمه: ج 2، ح 2865.
[1754] تحف العقول: 317، میزان الحکمه: ج 2، ح 2868.
[1755] معانی الاخبار: 238 / 2، میزان الحکمه: ج 2، ح 2952.
[1756] بحار: 3 / 80، میزان الحکمه: ج 3، ح 4033.
[1757] امالی شیخ طوسی: 663 / 1386، میزان الحکمه: ج 3، ح 3962.
[1758] کافی: 2 / 419 / 1، بحار: 73 / 142 و 143 و 92 / 251، میزان الحکمه: ج 3، ح 3964.
[1759] بحار: 79 / 23 / 18، میزان الحکمه: ج 5، ح 7649.
[1760] وسایل الشیعه: 18 / 381 باب 17، کافی 7 / 189 / 4، میزان الحکمه: ج 5، ح 7662.
[1761] خصال: 27 / 40، میزان الحکمه: ج 5، ح 7667.
[1762] امالی شیخ صدوق: 238 / 6، میزان الحکمه: ج 5، ح 7674.
[1763] نورالثقلین: 1 / 357 / 205، میزان الحکمه: ج 5، ح 7619.
[1764] نورالثقلین: 1 / 356 / 201، میزان الحکمه: ج 5، ح 7621.
[1765] تحف العقول: 356، میزان الحکمه: ج 5، ح 7624.
[1766] بحار: 103 / 368 / 2، میزان الحکمه: ج 5، ح 7646.
[1767] کافی: 5 / 49 / 10، میزان الحکمه: ج 5، ح 8253.
[1768] کافی: 2 / 455 / 9، میزان الحکمه: ج 5، ح 8328.
[1769] کافی: 5 / 127 / 2، نور الثقلین: 1 / 634 / 207، میزان الحکمه: ج 5، ح 8331 و 8332.
[1770] بحار: 75 / 144 / 9، میزان الحکمه: ج 5، ح 8348.
[1771] بحار: 79 / 251 / 5، میزان الحکمه: ج 5، ح 8635.
[1772] علل الشرایع: 527 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 8639.
[1773] من لا یحضره الفقیه: 3 / 135 / 36، میزان الحکمه: ج 5، ح 8641.
[1774] معانی الاخبار: 164 / 1 میزان الحکمه: ج 2، ح 1992.
[1775] کافی: 2 / 361 / 1 میزان الحکمه: ج 2، ح 2105.
[1776] کافی: 2 / 361 / 2، همان، همان، 2106.
[1777] مستدرک الوسایل: 11 / 63 / 12430، میزان الحکمه: ج 3، ح 4638.
[1778] مستدرک الوسایل: 8 / 337 / 9595، میزان الحکمه: ج 2، ح 2430.
[1779] کافی: 2 / 301 / 8، میزان الحکمه: ج 3، ح 4716.
[1780] معانی الاخبار: 154 / 1، میزان الحکمه: ج 2، ح 2440.
[1781] معانی الاخبار: 299 / 2، میزان الحکمه: ج 2، ح 2449.

[1782] امالی شیخ طوسی: 275 / 526، میزان الحکمه: ج 2، ح 2465.
[1783] کافی: 6 / 439 / 5، میزان الحکمه: ج 2، ح 2467.
[1784] کافی: 2 / 35 / 1، همان ج 6، ح 8906.
[1785] وسایل الشیعه: 5 / 124، باب 23، تفسیر عیاشی: 1 / 168 / 28، همان، ج 6، ح 8913.
[1786] مشکاة الانوار: 225، میزان الحکمه: ج 5، ح 8037.
[1787] بحار: 93 / 331 / 14، میزان الحکمه: ج 2، ح 1841.
[1788] کافی: 2 / 165 / 3 و ح 2، همان ج 6، ح 9925 و 9926.
[1789] بحار: 103 / 162 / 7، میزان الحکمه: ج 2، ح 1879.
[1790] خصال: 421 / 17، میزان الحکمه: ج 2، ح 1880.
[1791] بحار: 96 / 172 / 8، میزان الحکمه: ج 5، ح 8669.
[1792] بحار: 96 / 170 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 7673.
[1793] کافی: 3 / 371 / 15، میزان الحکمه: ج 5، ح 8688.
[1794] مکارم الاخلاق: 1 / 125 / 298، میزان الحکمه: ج 3، ح 4444.
[1795] تحف العقول: 370، میزان الحکمه: ج 3، ح 4507.
[1796] مکارم الاخلاق: 1 / 256 / 768، همان ج 6، ح 9131.
[1797] کافی: 2 / 83 / 302، میزان الحکمه: ج 4، ح 6956.
[1798] امالی شیخ صدوق: 20 / 8، میزان الحکمه: ج 4، ح 6974.
[1799] خصال: 284 / 33، میزان الحکمه: ج 3، ح 3554.
[1800] کافی: 2 / 89 / 6، میزان الحکمه: ج 3، ح 3560.
[1801] نور الثقلین: 3 / 444 / 119، میزان الحکمه: ج 5، ح 8247.
[1802] بحار: 103 / 189 / 1، میزان الحکمه: ج 5، ح 8252.
[1803] بحار: 78 / 98 / 260، میزان الحکمه: ج 1، ح 690.
[1804] تحف العقول: 301، همان، همان، 693.
[1805] بحار: 96 / 375 / 63، میزان الحکمه: ج 5، ح 7446.
[1806] بحار: 62 / 140 / 2 همان، ج 4، ح 6162.
[1807] بحار: 62 / 93 / 4 همان ج 6179، 4.
[1808] کافی: 6 / 267 / 1، میزان الحکمه: ج 1، ح 1577.
[1809] تفسیر عیاشی: 2 / 288 / 53، میزان الحکمه: ج 1، ح 1662.
[1810] تفسیر عیاشی: 2 / 288 / 54، میزان الحکمه: ج 10، ح 1663.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است
اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹